

A red five-pointed star is positioned at the top left. To its right, a stylized graphic of a rifle barrel is formed by a series of vertical lines of varying heights, creating a perspective effect. This graphic extends horizontally across the top of the page and then turns vertically downwards on the right side, forming a large 'L' shape.

مسلح کردن توده‌ها

و

تشکیل ارتش خلق

جی‌اچ‌اچ

توضیح

این اثر از جمله آثاری است که توسط
هواداران سازمان مترجمه و تنظیم گردیده و در اختیار
ما قرار گرفته است .

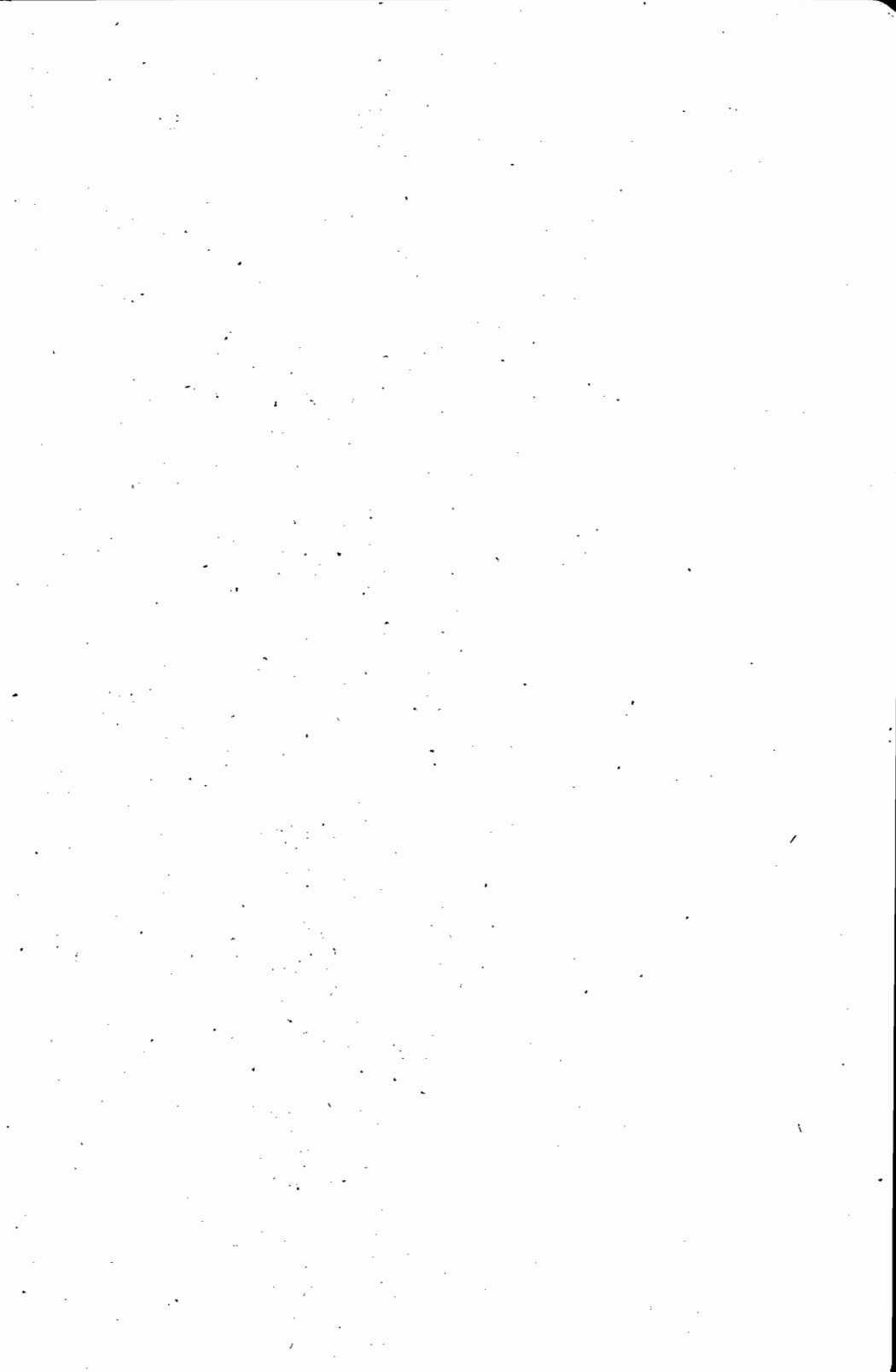
از آنجا که انتشار آثار جنبش کارگری و آزادی
بخش جهان می تواند در ارتقاء دانش سیاسی و پیشبرد
مبارزهٔ ایدئولوژیک در سطح جنبش موثر واقع شود ،
ما با تأیید کوششهایی که در جهت ترجمهٔ اینگونه
آثار انجام میشود ، اقدام به انتشار آنها و از جمله این
اثر می کنیم .

(لازم به تذکر است که چاپ این آثار الزاما
به معنی تأیید تمام مواضع مطرح شده در آنها از طرف
سازمان نمی باشد)

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ، ضمن
ارج نهادن بر کار هواداران ، در حد امکانات خود در
بهبود کیفی ترجمهٔ این آثار می کوشد و از کلیهٔ خوانندگان
مبارز این کتاب تقاضا دارد که انتقادات و پیشنهادات
خود را در مورد این اثر و بطور کلی کلیهٔ انتشارات سازمان
برای ما ارسال دارند .

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۵۸/۶/۱



مسلح کردن توده‌های انقلابی

و

تشکیل ارتش خلق

با خاطره پرشکوه شهدای بخون خفته‌ی خلق و با ایمان
به راه مقدس پیکار خلق علیه امپریالیسم و ارتجاع، ترجمه‌ی
این اثر به سازمان رزمنده و پیشتاز طبقه‌ی کارگر ایران:
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تقدیم می‌شود:

مقدمه

تشکیل ارتش خلق به مثابه بازوی نیرومند قدرت خلق جهت حفظ دستاوردهای انقلاب در سینه دم پیروزی ملت ایران بردیگتاتوری شاه ضرورت یافت و شعار روز گردید. ما هم به نوبه خود بعنوان ذره‌ای ناچیز از دریای عظیم خلق دست به ترجمه‌ی این اثر ارزنده زدیم تا تجربه‌های ارزشمند خلق ویتنام، رابا سابقه‌ی درخشان مبارزاتی‌شان علیه آمریکا و تجاوزکار در اختیار خلق‌های قهرمان ایران قرار دهیم.

چند ماهی است که از پیروزی عظیم انقلاب ایران میگذرد ولی تشکیل ارتش خلق نه تنها ضرورت خود را از دست نداده بلکه هنوز میبایست در دستور کار کلیه نیروهای رزمنده‌ی خلقی و مترقی قرار گیرد. رژیم سرسپرده‌ی شاه به همت فداکاری ها و از خودگذشتگی‌های خلقی و زحمتکش و استمدیده‌ی ماسرنگون گردید و به گورستان تاریخ سپرده شد اما کلیه سازمان‌های رژیم دست نشانده‌ی پیشین دست نخورده سرجای خود باقی مانده است. سازمانهایی که فقط میتوانند در خدمت ارتجاع، ستم‌گران داخلی و حامیان خارجی خود باشند. در رأس این سازمانها ارتش، پلیس و ژاندارمری ضد خلقی شاه قرار دارند. بیش از ۶۰۰۰۰ نفر از هموطنان مادر طی مبارزات یکسال گذشته بوسیله همین سازمانهای جنایت‌گاران خود را از دست دادند. این سازمانها در طی سی سال حیات خود کاری جز حفظ دیگتاتوری و اجرای دستورات ضد خلقی شاه خائن انجام ندادند. ارتش، شهربانی و سایر سازمانهای ضد خلقی تا آخرین لحظه‌ی قیام در برابر خلق ایستادگی کردند و فقط به دستور اربابان خود حاضر به عقب‌نشینی شدند. به این امید که در آینده وظایف نامقدس و شوم خود را در لباسی دیگر انجام دهند.

متأسفانه ارتش و پلیس ضد خلقی و یگشبه مسلمان شده در نتیجه‌ی خوش باری ویا ... علی‌رغم همه‌ی هشدارها، دوباره سازمان می‌یابند، جاسوسان و خائنین مسلمان شده بر مصدرهای مهم قرار میگیرند، عناصر مشکوک و مزدور بر سرانه‌های گروهی ... پنجه می‌افکنند و تخم نفاق می‌پاشند و ... تا در لحظه‌ی مناسب ضربه‌ی کاری را وارد آورند و دوباره سلطه‌ی بلا منازع خود را بر مردم سرزمین ما بگسترانند و تجربه‌ی شیلی و اندونزی را این بار در قالبی نوو به شکلی دیگر با اجرا در آورند.

تجزیه نشان داده که حفظ دستاوردهای انقلاب فقط میتواند با نگاه به ارتش خلق صورت پذیرد. خلقی که بانیروی پرتوان خود توانسته بردیگتاتوری شاه غلبه کند. خنده‌آور آنست که ارتشی را سازمان میدهند و ما مور حفظ دستاوردهای انقلاب می‌سازند که خود از خلق شکست خورده و نسبت به خلق‌گینهای عمیق دارد.

ما تجدید سازمان ارتش، شهربانی، ژاندارمری و ساواک را به برنامه‌ی که باشد محکوم میکنیم و این عمل را خیانتی بزرگ و جنایتی عظیم نسبت به خلق ستم‌دیده‌ی ایران میدانیم.

خوانندگان این کتاب درخواهند یافت که در عصر کنونی جهان ، علیرغم پیشرفت‌های عظیم تکنولوژی امپریالیسم ، ملتی کوچک ، فقیر و با اقتصادی توسعه نیافته قادر است با بسیج کامل نیروی توده ها و با تکیه بر آرمانی انقلابی ، پیشروانسانی قاطعانه پیروزی امپریالیسم جهانی و در رأس آن غول نظامی آمریکا را بخاک مالیده و حماسه‌ای بیافریند که نمونه‌ای است از رنج ها ، مقاومت ها ، مبارزات و پیروزی های عظیم خلق‌های ستمکش این دوره از تاریخ بشریت .

* * * *

ویتنامی ها بعنوان مردمی قهرمان - دارای سنتی بس درخشان در مبارزه علیه مهاجمان خارجی میباشند . از قرنهای پیش ، آنان دارای تجربه غنی در قیامهای ملی و جنگهای خلقی علیه ارتش های خلی قویتر و بزرگتر تجاوزکار بوده اند .

از زمان پیدایش طبقه کارگر ویتنام و تلاش برای هدفهای انقلابی استقلال ملی ، دموکراسی و سوسیالیسم ، خلق ما با رهبری حزب خودسنت مبارزه علیه تجاوز خارجی را توسعه بیشتری داده و قیام همه گیر و جنگ خلقی را به سطح خیلی عالی ارتقاء داده است . خلق ما بر فاشیست های ژاپنی و استعمارگران فرانسوی غلبه کرده است ، امپریالیستهای آمریکائی را شکست داده و در حال غلبه بر آنها میباشد ، و بدین وسیله تاریخ خود را با صفحات زرین بیشتری غنی کرده و کمکهای ارزشمندی به مساله انقلاب خلقهای هندوچین ، جنوب شرقی آسیا و جهان میکند .

در جنگ پیروزمندان علیه امپریالیسم و استعمار - نیروهای تجاوزگر حیوان صفت قرن بیستم - ویتنام مظهر روحیه جنگی تسلیم ناپذیر ، اندیشه خلاق ، مهارت نظامی در مبارزه برای نجات ملی و قدرت شکست ناپذیر جنگ خلق بوده است . جنگ خلق ویتنام ، رویداد بزرگ و افسانه های قرن بیستم شده است .

خلق ویتنام به روشنی این حقیقت درخشان را نشان داده است که در عصر ما ، یک خلق ولو کوچک و فاقد سرزمینی بزرگ و بدون جمعیتی زیاد و اقتصادی رشد یافته ، منتها متحد و مصمم با برخورداری از یک خط مشی انقلابی صحیح و با کار بست خلاق اصول مارکسیست - لنینیستی در قیام همه گیر و جنگ خلقی - با توجه به شرایط ویژه خود و با همکاری اردوگاه سوسیالیستی و انسانهای پیشرو قادر خواهد بود بر تجاوزکارانی بزرگتر و قویتر از خود ، حتی بر امپریالیسم آمریکا ، غلبه کند .

حزب ما همینکه به تدوین مشی صحیح و خلاق برای انقلاب و جنگ انقلابی در ویتنام پرداخت ، خیلی زود قوانین حاکم بر توسعه اجتماع و جنگ و قهر انقلابی را کشف کرد و آنها را بخوبی آموخت .

مفهوم قانون قهر انقلابی در ترکیبی از نیروهای سیاسی و نظامی ، مبارزه سیاسی ، قیام مسلحانه و جنگ انقلابی تجلی مینماید . در روند رهبری قیام همه گیر و جنگ خلق ، حزب ما توانست وحدتی ملی بر اساس اتحاد کارگر - دهقان با رهبری طبقه کارگر ایجاد نماید ، نیروهای سیاسی توده های وسیع را سازمان دهد و نیروهای مسلح قدرتمند خلق را که شامل نیروهای مسلح توده ها و ارتش انقلابی میشود ؛ بوجود آورد . خلق ما خلاقانه از کلیه اشکال مبارزات ترکیب حملات و قیامها ، کار بست استراتژی تهاجمی در هر سه ناحیه استراتژیک* برای نابودی دشمن ، بودن و حفظ قدرت ، براندازی سلطه استعمار و نوکرانش و شکست جنگ تجاوزکارانه امپریالیسم استفاده کرده است .

این مقاله به بررسی ساختمان نیروهای مسلح خلق مرتبط با قیام و جنگ انقلابی در کشورمان که یکی از نکات اصلی مشی حزب ماست ، میپردازد .

در روند قیام همهگیر، جنگ خلق و ساختمان دفاع ملی توسط تمامی خلق بارهبری حزب، نیروهای مسلح خلق ماسکل گرفت، بسرعت رشد کرد و به پیروزیهای افتخارآمیزی نایل آمد. هر مین پیرست ویتنامی از تجارب مردم جهان استفاده کرده است. حزب ما باید برای نجات کشور با دشمن بجنگد. خلق ماسنت ملی کهن " همه سر بزنند " راه مرتبه نوینی ارتقاء داده و در حال سازماندهی ارتش خلق و نیروهای مسلح توده های وسیع که در سراسر کشور می جنگند، میباشد.

امروزه میلیونها مبارز در سازمانهای مسلح توده ای و صدها هزار مبارز در ارتش خلق عضویت دارند و مجهز به انواع سلاح های ابتدائی، نیمه مدرن و مدرن میشوند. آنها جنگجویانی ماهر، شجاع و تیزهوش اند که با از خود گذشتگی شب و روز برای استقلال، آزادی، اتحاد مجدد سرزمین پدری و سوسیالیسم علیه امپریالیسم عمده عصر ما یعنی امپریالیسم متجاوز آمریکا می جنگند.

بانگاهی به گذشته در مورد رشد سریع و راه توأم با پیروزی های افتخارآمیز خلق ما عموماً " و نیروهای مسلح خلق خصوصاً " در نبرد علیه فاشیست های ژاپنی، استعمارگران فرانسوی و امپریالیست های آمریکائی، میتوانیم ادعا کنیم که نیروهای قیام همه گیر و جنگ خلق، متشکل از نیروهای سیاسی و نظامی خود نمونه بارزی از پیروزی حزب ما در سازماندهی و ترکیب همه نیروهای توده انقلابی و قهر انقلابی است. همچنین میتوانیم بگوئیم که نیروهای خلق متشکل از نیروهای مسلح توده ها و ارتش انقلابی که بوسیله حزب ما سازماندهی و رهبری شدند نمونه مشخص پیروزی در سازماندهی نیروهای نظامی بوسیله خلق ماست، خلقی کوچک که در عصر ماسه نیروی امپریالیستی بزرگ را بی دربی شکست داده است.

این پیروزی بدان جهت ممکن شد که حزب ما تئوری کامل مارکسیسم - لنینیسم را در مورد سازمان نظامی در قیام مسلحانه و جنگ انقلابی به خوبی آموخته و سنت مقاومت همه گیر و تجربهی خلق ما در سازماندهی نیروهای مسلح طی قیام ها و جنگ های ملی گذشته به ارث برده و به سطح جدیدی ارتقاء داده و همچنین از تجربیات خلقهای جهان - بطور منتخب - آموخته است.

حزب ما اخلاقانه چنین تئوری و تجربه ای را در رابطه با پراتیک قیام و جنگ در کشورمان یعنی مرتبط با شرایط کشوری کوچک و در مواجبه با نیروهای نیرومند و تجاوزکار امپریالیستی و استعماری و با توجه به دستیابی به اهداف انقلابی حزب بکار بسته است.

حزب ما، به پیروی از نظریه قهر انقلابی و جنگ خلق، طرفدار مسلح کردن توده های وسیع و بنای ارتش نیرومند خلق میباشد، و نیروهای مسلح توده ها را بعنوان زیربنای ارتش خلق و ارتش خلق را بعنوان هسته نیروهای مسلح توده ای و مرتبط با قیام مسلحانه و جنگ انقلابی و همچنین دفاع ملی بوسیله تمامی خلق را در پیوند با جنگ آزادیبخش و نیز جنگ را برای دفاع از مین می پذیرد.

حزب ما، بانگاه تاریخی به مثابه رویدادهای واقعی، در طی دوره های مختلف مبارزه انقلابی، مساله مسلح کردن توده ها و ساختمان ارتش خلق را بر طبق ضروریات و وظایف انقلابی

نوع دشمنی که میباید با آن بجنگد و اشکال مبارزه، انقلابی در هر دوره را بر اساس ویژگیهای شرایط تاریخی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیروزمندانه حل کرد.

هم‌اکنون حکومت نیکسون، هر چند با مشکلات بزرگی برخورد کرده، ولی هنوز سرسختانه به استراتژی "ویتنامی کردن جنگ ویتنام" ادامه میدهد و باعث تشدید و گسترش جنگ در سرتاسر هندوچین میگردد. خلق مادر جنوب با فراگیری قانون نبرد انقلابی در دروه جدید، مبارزه مسلحانه و سیاسی خود را تشدید کرده و با ترکیب حملات و قیام‌ها در هر سه ناحیه استراتژیک و همراه با خلق‌های برادر کامبوج و لائوس مصمم به از هم پاشاندن و خنثی کردن استراتژی "ویتنامی کردن جنگ" و دکترین نیکسون در تمام حوزه‌های جنگی هندوچین میباشد.

خلق‌ها، بیش از هر زمان دیگر در حالی که نیروهای سیاسی را توسعه داده و به مبارزه سیاسی ادامه میدهد، بایستی ساختمان نیروهای مسلح و مبارزه مسلحانه را در پیوند نزدیک با دیگر اشکال مبارزه تسریع کرده و بپیش روی برای شکست کامل تجاوزکاران آمریکائی و دست‌نشانندگان آنها با آزادی جنوب و دفاع از شمال جهت اتحاد مجدد و انجام وظایف انترناسیونالیستی اقدام کند.

مایستی در طی مبارزه برای انجام وظیفه نخستین انقلاب، ساختمان دراز مدت نیروهای مسلح خلق و دفاع ملی توسط خلق را بی ریزی کرده و جهات آن را مشخص کنیم تا اینکه از سرزمین پدری خود دفاع نمائیم و هرگونه جنگ تجاوزکارانه را که ممکن است بوسیله هر دشمنی - هر اندازه قوی و مجهز که جرات کند به سرزمین زیبای ما و یا استقلال و آزادی ما تجاوز کند - صورت گیرد، شکست دهیم.

مایباید بهترین راه راجعت مسلح کردن توده‌های انقلابی پیدا کنیم و ارتش خلق را به منظور انجام وظایف فوری و دراز مدت - یاد شده - خلقمان بنانیم.

برای انجام این کار، باید به مطالعه بیشتر اصول مارکسیست لنینیستی در مورد سازماندهی نظامی پرولتاریا بپردازیم. باید تجربه و سنت خلقمان را در سازماندهی نیروهای مسلح در گذشته تحلیل کرده و بخصوص تجربه حزبمان را در ساختمان ارتش و مسلح کردن توده‌ها در چهل سال (یا بیشتر) گذشته بتدریج جمع بندی کنیم.

تئوری ویراتیک مسلح کردن توده‌ها و بنانیدن ارتش یک مسئله بسیار مورد علاقه برای خلق‌های ملل مختلف است که امروزه در حال مبارزه برای استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم - در مواجهه با سیاست‌های خنثیت آمیز و جنگ حیوانی توسط امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و همچنین در برابر توسعه سریع سلاح‌های مدرن تر و وسایل جنگی در جهان میباشد.

فصل اول

تزهای مارکسیسم - لنینسیم در مورد سازمان نظامی پرولتاریا

مارکسیسم - لنینسیم مسأله‌ی سازمان نظامی پرولتاریا را در پیوند ارگانیک آن با تئوری مبارزه‌ی طبقاتی و دولت، مورد بررسی قرار میدهد.

باز هم بایدین جامعه‌ی اشتراکی اولیه، جامعه‌ی طبقات تقسیم شدو تاریخ آن همانا تاریخ مبارزه‌ی طبقاتی است. از آغاز پیدایش ملتها، مسأله‌ی ستم ملی و برده سازی ملی مطرح بوده و تاریخ مبارزه‌ی طبقاتی نیز شکل مبارزه‌ی ملی بخود گرفته است. بره‌داری و بردگان، زمین داران و دهقانان، بورژوازی و پرولتاریا، ملل ستم گرو ستم بر، کشورهای تجاوزکارو قربانیان تجاوز آنها، گروههای اجتماعی متعارض (آنتاگونیست) و غیره مبارزات پایان-ناپذیری را در شکلهای مختلف با انجام رسانده اند که حادثترین شکل آنها برخورد مسلحانه یا جنگ میباشد. از زمانهای بسیار دور، جنگهای بیشماري در جوامع طبقاتی صورت گرفته است و تخمین زده شده که تنها در پنج هزار سال گذشته متجاوزان ده هزار جنگ، البته در مقیاس نسبتاً بزرگ، روی داده است.

ارتش وسیله‌ی اصلی جنگ است. تولد ارتش با ظهور دولت - زمانیکه جامعه به طبقات آشتی ناپذیر (آنتاگونیست) تقسیم شد - پیوند نزدیک دارد. ارتش یک سازمان مخصوص دولت است، وسیله‌ای است برای یک طبقه که جهت اجرای مشی سیاسی اش بصورت قهر مسلحانه از آن استفاده میکند.

ماهیت طبقاتی دولت تعیین کننده‌ی ماهیت اجتماعی ارتش و وظیفه‌ی آنست. ارتش همه‌ی دولت‌های استثمارگر و ظایف اساسی زیر را بعهده دارند، از نظر داخلی تحمیل فشار بر توده های استثمار شده و مجبور کردن آنها به تسلیم در برابر طبقات حاکم، و از نظر خارجی فتح و تصرف دیگر کشورها و دفاع از سرزمین خودی علیه تجاوز خارجی.

سه‌نوع دولت استثمارگر در طی تاریخ ظاهر شده است. بنابراین در رابطه با این سه‌نوع دولت سه‌نوع ارتش نیز وجود داشته است: ارتش دولت برده‌داری، ارتش دولت فئودالی و ارتش دولت سرمایه‌داری.

در طی تاریخ، انواع ارتشهای مذکور دارای نامهای مختلفی بوده و اشکال مختلفی از نظر سازمانی و سربازگیری در رابطه با شرایط خاص داشته‌اند. اما ماهیت آنها یکی بوده است. ارتش یک دولت استثمارگر همیشه وسیله‌ای در دست طبقه‌ی حاکم برای سرکوبی توده‌های استثمار شده در کشور و غارت و در بند کردن دیگر کشورها و خلقها بوده است.

بهرحال ، ارتشهای طبقات حاکم تنها ارتشهای موجود تحت رژیمهای استثمارگر نبوده‌اند. دربرابرخشونت نظامی ، توده های استثمارشده نیز سازمانهای مسلح انقلابی خود را طی مبارزات انقلابی شان بوجود آورده‌اند . حتی دررم. باستان ، بردگان شورشی با رهبری اسپارتاکوس " که مارکس او را برترین فرد در تمام تاریخ قدیم نامیده است ، سرداری بزرگ ، شخصیتی شریف ، و نماینده ی پرولتاریای عهد باستان (۱) " سازمان یافتند . آنان ارتش بزرگی را که مرکب از صدها هزار نفر شورشی بود تشکیل دادند و مجدانه به جنگ با ارتش دولت برده دار پرداختند .

دردوره های فئودالی ، دراروپا ، آسیا ، افریقا و غیره سازمانهای مسلح دهقانان اغلب بر اترقیامها ، جنگهای دهقانی و آزادیبخش درکشورهای مختلفی که از نظروسعت بزرگ بودند و قدرت جنگی زیادی داشتند ، بظهور رسیدند . در طی انقلاب های سرمایه داری علیه فئودالیسم ، هنگام ظهور سرمایه داری ، دسته های مسلح دهقانان وحتی کارگران که در مرحله ی مبارزه ی خود بخودی تحت لوای بورژوازی میجنگیدند نیز وجود داشت . اما آن دسته های مسلح انقلابی طبقات استثمارشده بعلت محدودیت های تاریخی شان و فقدان خط مشی سیاسی - نظامی و سازمانی وعلیرغم جنگ شجاعانه و پیروزهای بزرگی که گاهگاهی بدست می آوردند ، سرانجام توسط دشمن سرکوب شدند و یا بوسیله ی متحذدان خودشان منکوب گشتند .

این خیانت بوضوح درانقلاب سرمایه داری آشکار شد . همانطوریکه انگلس اشاره کرده کارگران در فرانسه بعد از هراقلابی مسلح بودند . " بنابراین اولین اقدام سرمایه داری بعد از رسیدن به قدرت خلع سلاح کارگران بود . بدین سان بعد از هراقلابی که با خون کارگران به ثمر رسیده بود ، سرانجام مبارزه ی آغاز میگردید که به شکست کارگران می انجامید (۲) "

تنها با تولد مارکسیسم و ظهور احزاب سیاسی، پرولتاریا که به نیروی مستقل سیاسی ای در گذار از مرحله خود بخودی به مرحله آگاهی - تبدیل شدند ، تمامی مبارزه ی انقلابی پرولتاریا در یک جهش کیفی پیشرفت کرد . تنها برای این اساس مساله ی سازمان نظامی توده های استثمارشده میتوانست با دانش نظامی پرولتاریا کاملاً حل شود . ظهور احزاب سیاسی طبقه ی کارگر (احزاب کمونیست) در صحنه ی سیاسی و نقش عمده ی آنها در انقلاب کشورهای گوناگون منجر به پیدایش دسته های نظامی با ماهیت مشخص انقلابی و مردمی گردید . این دسته های نظامی در خلال انقلاب های کارگری یا بورژوا - دموکراتیک و دموکراتیک خلقی یارهای بخش ملی به رهبری طبقه ی کارگر تولید یافتند . بویژه از زمان پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه و انقلاب هائی در یک رشته از کشورهای سوسیالیست دیگر در اروپا آسیا و آمریکای لاتین برای اولین بار در دنیا نوع کاملاً تازه ای از نیروهای مسلح ظهور یافتند . اینها نیروهای مسلح حقیقی خلق و دولت دیکتاتوری پرولتاریا یعنی مترقی ترین دولت در تاریخ بشریت میباشد .

۱- ترهائی ازمارکس وانگلس

مارکس وانگلس زمانی که رسالت تاریخی طبقه کارگر بین المللی را به مثابه ی گورکن سرمایه داری و سازنده جامعه کمونیستی (جامعه ای بدون طبقات و استثمارانسان از انسان) بیان میداشتند، بهترین راه رهائی را نیز به پیروان خود پیشنهاد دادند. طبقه کارگر را به بری حزب کمونیست و در اتحاد نزدیک با دهقانان بایستی از قهر انقلابی جهت نابودی ماشین دولت بورژوازی و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا (بعنوان وسیله ای جهت حراست حاکمیت پرولتاریا و تحول جامعه بر اساس اصول کمونیستی) استفاده کند.

سازمان نظامی پرولتاریا نخست در پیوند با مساله مهم مبارزه انقلابی پرولتاریا بنا نهاده میشود. پرولتاریا و توده های انقلابی در قیام جهت پاره کردن زنجیرهایشان و بر انداختن تمامی نظام کهنه باید برای ساختمان سازمان نظامی خود در روند انقلابی اقدام کنند. این بدان جهت ضرورت دارد که تنها یک نیروی مادی میتواند نیروی مادی دیگری را مغلوب کند و تنها خشونت قادر به انجام رسالت تاریخی، براندازی حکومت سرمایه داری و برقراری دیکتاتوری پرولتاریاست. طبقه حاکم هرگز به خودی خود حاضر به ترک صحنه تاریخ نیست. دولت های سلطنتی و سرمایه داری همیشه نیروهای مسلح بزرگی در اختیار دارند. آنها بدون هیچ وقفه ای به تکامل این نیروها بعنوان وسیله ای موثر جهت اعمال فشار بر زحمت کشان در داخل کشور و انجام سیاست های غارتگرانه در جهان (خارج از مرزهای کشور) می پردازد. آنها همیشه برای خفه کردن آرزوهای پرولتاریا و توده های زحمت کش برای آزادی و غرق کردن مبارزات انقلابی آنها در خون (بخون کشاندن مبارزات) برای ماشین نظامی ضد انقلابی تکیه میکنند. انگلس قبلا "ویژگی اساسی" بورژوازی را در زمان اعتدالی نظام سرمایه داری بدین شرح خاطر نشان ساخت: "بورژوازی به مانعان داده است که چقدر ظالمانه میتواند از پرولتاریا انتقام بگیرد، آنگاه که پرولتاریا بعنوان یک طبقه مستقل با منافع و خواسته های خاص خویش جرات رویارویی با آن را بیابد (۳). تحولات نظام سرمایه داری و عمیق شدن تضادهای درونی آن منجر به تمایلات نظامی گری رسیدن به توسعه در جهت توسعه نیروهای مسلح ضد انقلابی در ماشین دولت بورژوازی میشود. انگلس مینویسد: "ارتش هدف اصلی دولت شده است. ارتش خود به یک هدف تبدیل گردیده و مردم فقط در خدمت تامین نیروی انسانی و تهیه غذا برای آن - ارتش میباشند نظامیگری بر او یحاکومت میکند و آن را می بلعد (۴)."

چنین شرایطی، پرولتاریا و توده های تحت ستم را وادار به داشتن سازمانهای نظامی خویش جهت مقابله با سرکوب نظامی بوسیله دولت سرمایه داری، نابود کردن ماشین نظامی و غلبه بر مقاومت آنها برای پیروزی و حفظ قدرت انقلابی مینماید.

بنابراین، اگر سازمان نظامی در مبارزه پرولتاریا جهت برانداختن سرمایه داری یک ضرورت است، چگونه و به چه شکلی باید بنا شود؟

این مساله ای است که توسط دانشمندان مارکسیست - لنینیست کاملا حل شده است. "مارکس" و "انگلس" بعنوان پایه گذاران دانش نظامی پرولتاریا نخستین کسانی

بودند که اساس تئوریک مساله سازمان نظامی پرولتاریا را با ترمعروف خود بنا نهادند برای مسلح کردن طبقه کارگر و جانشین کردن خلق مسلح بجای ارتش ثابت " ... کارگران بایستی مسلح گردیده سازمان داده شوند . مسلح کردن تمامی پرولتاریا با تفنگ ، تفنگهای قدیمی ، انواع توپ و مهمات باید فوراً عملی شود . هر کوششی به منظور خلع سلاح کارگران - حتی اگر متضمن استفاده از زور باشد - بایستی خنثی گردد (۵) " این خواست فوری جهت مسلح کردن کارگران بعد از تجربه خونین ۱۸۴۸ که نخستین جنگ پرولتاریا بود - بشار میرفت .

تاریخ کشورهای اروپائی از اواخر قرن هجده تا اواسط قرن نوزده همچنان تاریخ انقلابات بورژوا - دموکراتیک محسوب میشود . با شرایط حاکم ، پرولتاریا میبایست با احزاب بورژوا - دموکراتیک علیه حکام فئودال و بورژواهای مرتجع متحد شود و معولاً پس از پیروزی انقلاب میبایست این احزاب را موقتاً بقدرت برساند .

در چنین شرایطی ، مارکس و انگلس مساله مسلح کردن پرولتاریا را نه تنها بمنظور نابود کردن ماشین دولت طبقه فئودال و بورژوازی مرتجع ، و در نتیجه ، تضمین پیروزی قیام بلکه همچنین برای شکست نقشه های اجتناب ناپذیر خیانت احزاب بورژوا - دموکراتیک بعد از رسیدن به قدرت ، شرطی لازم الاجرا میدانستند . مسلح کردن پرولتاریا نیز شرطی ضروری برای حفظ و تقویت استقلال سیاسی طبقه کارگر ، پاسداری دستاوردهای مبارزاتی آنها و ایجاد شرایطی برای پیشرفت به سوی انقلاب کارگری با استفاده از قدرت خود جهت براندازی حاکمیت بورژوازی میباشد .

مارکس و انگلس معتقد بودند که هرگاه پرولتاریا مسلح شود نیروی بزرگی بوجود خواهد آورد . آنان چنین نیروئی را شخصاً " در انقلاب ۱۸۴۸ پاریس مشاهده کردند . مارکس مینویسد : " مشهور است که کارگران با شجاعت و ابتکاری نظیری ، بدون رهبر ، بدون نقشه های مشترک ، بی وسیله و تاحدودی بدون اسلحه توانستند پنج روز در برابر ارتش ، گارد متحرک ، گارد ملی پاریس و گارد ملی ای که از استانها سرازیر شده بود ایستادگی نمایند (۶) " انگلس با ستایش از این ایستادگی چنین مینویسد : " اگر چه هزار کارگر پاریسی توانستند با چنین نیروئی در برابر نیروئی چهار برابر خودشان مقاومت کنند ، چه نتایج شگرفی میتوانست بدست آید اگر همه کارگران پاریس بانظم و چون تنی واحد مقاومت مینمودند (۷) ؟ "

بعد از تجزیه و تحلیل عمیقی از تجربه کمون پاریس ، مارکس و انگلس با توسعه نظریات فوق به سال ۱۸۷۱ این اصل را مطرح کردند که هدف هر انقلاب پیروزمند عبارت است از : نابود کردن ارتش قدیمی ، انحلال آن و جانشین کردن آن با ارتشی جدید و جایگزینی خلق مسلح به جای ارتش منظم . مارکس مینویسد : " پاریس بعنوان مقر مرکزی قدرت دولتی سابق و در همان حال سنگر اجتماعی طبقه کارگر فرانسه ، تنها به این دلیل توانست

مقاومت‌کننده در نتیجه، محاصره ارتش (بوسیله نیروهای انقلابی)، از شر آن خلاص شده و توانسته بود جای آن را با گارد ملی که قسمت اعظم آن از طبقه کارگر تشکیل شده بود عوض کند. این واقیعت (نابودی ارتش حاکم و جایگزین کردن آن با ارتش طبقه کارگر م.ا.ک.س) مبنایست صورت یک نهاد به خود بگیرد (۸).

مارکس وانگلس خاطر نشان ساختند که در نظام سرمایه داری، ارتش ثابت وسیله عمده‌ای است که توسط آن بورژوازی تفوق خود را بر حمتکشان حفظ میکند. نبودی این ارتش ثابت به معنای نبودی وسیله مادی قدرت بورژوازی و بر طرف ساختن خطر مقاومت و ضد تهاجمی این ارتش است. در خلال این مدت پرولتاریا با تکیه استوار بر نیروی توده‌های انقلابی، بایستی سرعت دست بکار ساختمان و توسعه سازمان نظامی خود از طریق مسلح کردن پرولتاریا و توده‌های انقلابی بشود و آنها را به منزله، تنهائی‌های مسلحی که می‌توانند از موفقیت قیام و گسترش انقلاب پاسداری کند به شمار آرد. کمون پاریس این درس حیاتی را به پرولتاریای جهانی آموخته است. "بنابراین اولین فرمان کمون سرکوبی ارتش ثابت و جای‌گزینی آن با خلق مسلح بود." (۹) مارکس وانگلس به این تجربه اهمیت زیادی دادند. وظیفه طبقه کارگر است که ماشین دیوان سالاری (بوروکراتیک) و نظامی دولت قبلی را خورد کرده و شکل نوینی از سازمان دولتی پرولتاریا را جانشین آن سازد. آنان بدان به مثابه تجربه تاریخی بزرگی مینگریستند، چنانکه بعداً "مارکس وانگلس در مقدمه مانیفست حزب کمونیست به سال ۱۸۷۲ آن را به منزله متممی بر برنامه پیشنهادی مانیفست و دارای اهمیت فوق‌العاده، مورد توجه قرار دادند.

انگلس همچنین پیش بینی کرد که مسلح کردن خلق شکل سازمان دولت سوسیالیستی

است.

این پیش بینی بدو "از اصلی که توسط مارکس وانگلس یاد شده مبنی بر اینکه پیروزی سوسیالیسم تنها بطور همزمان در کلیه یا اکثر کشورهای توسعه یافته سرمایه داری میسر است، منتج شد. بعلاوه بعلت ماهیت نظام سوسیالیستی، این نظام به هیچ کشوری تجاوز نمی‌کند و بنابراین داشتن یک ارتش ثابت غیر ضروری است. تا آنجاکه به نظم داخلی (امنیت داخلی) مربوط میشود، خلق مسلح میتواند آن را تضمین کند. انگلس نیز تحلیلش را بر پایه وضعیت ارتشهای موجود و هنرفنون نظامی در نیمه دوم قرن نوزدهم قرار داد. در آن زمان کشورهای فرانسه، آلمان، و روسیه تنها کشورهای توسعه یافته سرمایه داری با تشکیلات نظامی بودند، در حالیکه دیگر کشورهای سرمایه داری از جمله انگلستان و ایالات متحده هنوز دارای نیروهای مسلح مهمی نبودند. بنابراین بعضی اینکه انقلاب کارگری در همه یا اکثر کشورهای توسعه یافته سرمایه داری پیروز شود نیروهای مسلح دیگر دولت‌های سرمایه داری خیلی نیرومند نخواهند بود.

در چنین شرایطی و بر پایه تجربه کمون پاریس انگلس معتقد بود که با سوسیالیسم و به سبب برتری آن، مردمی که مسلح، سازمان داده شده و از نظر نظامی تربیت یافته‌اند قادر به شکست ارتشهای تجاوزگر در جنگهای دفاعی جهت پاسداری دولت سوسیالیستی

خواهند بود.

با چنین تحلیلی مارکس و انگلس معتقد بودند که در روند انقلاب سوسیالیستی، خلسق مسلح بایستی جایگزین ارتش ثابت بورژوازی گردد.

مارکس و انگلس مسأله مسلح کردن توده ها را نه تنها در قیام های مسلحانه کارگری و در سازمان نظامی دولت سوسیالیستی بلکه در جنگهای ملی نیز مورد بررسی قرار دادند. مارکس و انگلس بین جنگهای عادلانه و جنگهای تجاوزگرانه فرق قائل شدند و همیشه از جنگهای عادلانه، جنگهای آزادیبخش و دفاعی توسط خلقهای تحت ستم و قربانیان تجاوز پشیمانی میگردند. انگلس مطالعه دقیقی از وقایع عصر بعمرل آورد و تجربیات حاصله را جمع بندی نمود تا راهی را که بدان وسیله خلق ستم دیده بایستی یک جنگ خلقی برپا کند و ارتش های حرفه ای تجاوزکاران را مغلوب کند، نشان دهد. انگلس در بسیاری از آثارش درباره تاریخ جنگ نقش عظیم و موثر توده های مسلح را در جنگهای عادلانه و دفاعی مفصلاً مورد بررسی قرار داده است. این نظریه انگلس باروش جدید برپا کردن جنگ خلقی (که اواز آن حمایت میکرد) پیوند نزدیک دارد. انگلس مینویسد: " مردمی که میخواهند استقلال خود را بازیابند باید به روشهای رایج جنگی قناعت نکنند. قیام های همگانی، جنگهای انقلابی و حضور چریک در همه جا - یعنی تنهاری که بوسیله آن خلقی کوچک میتوانند قدرتی بزرگ را شکست بدهند، تنهاری که ارتش کم قدرت تر میتواند با ارتشی قوی تر و سازمان یافته تر مبارزه کند " (۱۰) این توده های وسیع خلق هستند که عناصر اصلی در چنین جنگی بشمار میروند.

انگلس از جنگهای مقاومت کشورهای فرانسه (۱۷۹۳)، اسپانیا (۱۲-۱۸۰۷) و روسیه علیه ناپلئون (۱۸۱۲) و مجارستان علیه اتریش (۱۸۴۹) و غیره بعنوان جنگهای "مقاومتی" ستایش میکند که در آنها، روشهای جنگ خلقی اعمال شده است. در آنها عملیات ارتش ثابت با عملیات جنگی توده های مسلح ترکیب شده بود. بدین وسیله از نیروهای عظیم ملت و کشور جهت شکست ارتشهای خیلی قویتر تجاوزکار کاملاً استفاده شد.

انگلس در تجزیه و تحلیل شکست کوهپایه نشینان در شمال ایتالیا (در جنگهای دفاعی در برابر اتریشی ها) خاطر نشان میسازد که: " اشتباه بزرگ کوهپایه نشینان در آغاز کار در این حقیقت نهفته است که آنان جهت مبارزه علیه اتریشی ها تنها از ارتش ثابت استفاده کردند. بعبارت دیگر آنان میخواستند تنها از روشهای جنگی خیلی معمولی، خیلی بورژوازی و خیلی منظم استفاده کنند " (۱۱) وی نشان داد که شکست کوهپایه نشینان در "نوارا" از هیچ اهمیتی برخوردار نمیبود اگر پس از این شکست، یک جنگ واقعی انقلابی آغاز میشد و بقیه ارتش ایتالیا فوراً خود را بصورت هشته های یک قیام عمومی و همه گیر در میآوردند، و اگر جنگ استراتژیکی ارتش ها به جنگ خلق (چیزی شبیه جنگی کوه فرانسویان در سال ۱۸۹۳ نمودند) تبدیل میشد. " (۱۲) و بعلاوه اگر دولت توریسم جرات میکرد به یک جنگ انقلابی دست بیازد. انگلس به این نتیجه رسید که استقلال ایتالیا به سبب بزدلی سازمان اداری پادشاه از دست رفت نه به خاطر شکست ناپذیری

سلاح های اتریشی .

انگلس به نتایج مشابهی در مورد جنگ بین فرانسه و پروس در ۱۸۷۱ رسید . انگلس معتقد بود که فرانسه کاملاً " میتوانست اوضاع را به نفع خود تغییر دهد حتی بعد از آنکه آلمانها یک ششم خاک فرانسه را اشغال و دو قلعه " متز " و " پاریس " را در محاصره داشتند . او اشاره میکند حتی زمانی که فرانسه در اشغال نیروهای آلمانی بود ، این کشور میتوانست در پنج ششم بقیه ی خاک فرانسه تعدادی دسته ی مسلح تشکیل دهد و بی دربی برای قطع ارتباطات و نابودی پایگاه های تدارکاتی و نابودی گروههای پراکنده به آنها حمله کند و آنها را اداره عقب نشینی از دو قلعه و پخش نیروهایشان سازد . این امر به " بادن " این امکان را - میداد که از قلعه ی " متز " خارج شود در حالی که ادامه ی محاصره ی قلعه ی پاریس خود شبخ هولناکی میشد . انگلس میبرد " که سرنوشت آلمانها چه میشد اگر خلق فرانسه هم - مین پرستی دو آتشه ی اسپانیایی ها را در سال ۱۸۰۸ میداشت ، و اگر هر شهروند هکده ای هم چون قلعه های میشد و هر دهقان و شهروندی رزمنده ای میگشت . " (۱۳)

همچنین انگلس از قیام خلق و واحدهای غیر منظم دسته های مسلح آسیائی با روش های گوناگون برپا کردن جنگ خلق به عنوان مخالفان قوی و هولناک ارتش های تجاوز کار اروپائی سخن میگفت . او مینویسد : " آنها (چینی ها) به آنها سم میزنند ... یکجا و بانقشه ی قبلی خون سردانه ... با بازوهای پنهان برکشتی های تجاری سوار میشوند و در طول سفر خدمه را میکشند و قایق را می ربایند . حتی بارها که به کشورهای خارجی مهاجرت میکنند در عرصه ی کشتی سرکشی کرده و برای تصاحب آن می جنگند و ترجیح میدهند بجای تسلیم شدن ، با کشتی به قعر دریا بروند و پادرشله هایش بسوزند . حتی در خارج از مرزهای چین ، مستعمره نشین های چینی ... توطئه میکنند و ناگهان قیام های بزرگی برپا میسازند . یک ارتش علیه اینچنین مردمی که با این روشهای جنگند چه میتواند بکند ؟ " (۱۴)

مشاهده میشود که نظر بنیاد گذاران کمونیسم علمی در مورد سازمان نظامی پرولتاریا و توده های ستم دیده عبارت بود از : مسلح کردن طبقه ی کارگر ، خلق و توده های انقلابی . مارکس و انگلس پایه های تئوریک این مساله را در قیام جهت برقراری دیکتاتوری پرولتاریا ، جنگ برای دفاع از دولت سوسیالیستی و حتی در جنگهای آزادی بخش و دفاعی که بوسیله ی خلقهای ستم دیده و کشورهای تحت حاکمیت بورژوازی (که قربانیان تجاوز بوده اند) برپا میگردد ، گذاشتند .

آشکار است که این یک نظریه ی خیلی اصولی است . این یک پیروزی عالی برای مارکس و انگلس در کاربرد نظریات ماتریالیسم تاریخی درباره ی طبقات ، توده ها و قهرانقلابی جهت ساختن سازمان نظامی پرولتاریا و توده های تحت ستم بشمار میرود . این الگویی برای ارزیابی صحیح نقش تعیین کننده ی توده ها در قیام مسلحانه و جنگ انقلابی محسوب میشود . ارزش بزرگ این تز در این حقیقت نهفته است که برای اولین بار در دنیا به پرولتاریا و خلقهای ستم - دیده درست ترین راه جهت ایجاد سازمانهای خودی و از نوعی کاملاً " جدید (برخاسته از

میان پرولتاریا و مردم زحمتکش که برای خلق و طبقه‌ی خود می‌جنگند (رانسان می‌دهد ..
حزب انقلابی بایک خط مشی انقلابی صحیح و هنگامی که کاملاً " برتوده‌های انقلابی، کارگران
ودهقانان جهت ساختمان و توسعه‌ی سازمان مسلح خود متکی است میتواند نیروی مسلح انقلابی
شکست ناپذیری را بوجود آورد ..

این نظریه پایه‌ی تئوریک ساختمان نیروهای مسلح در تئوری نظامی مارکسیسم -
لنینیسم میباشد و سلاح بسیار نیرومندی است در دست پرولتاریا و خلقهای ستم دیده‌ی
جهان . این نظریه به آنان در مبارزه‌ی انقلابی جهت براندازی نظام کهنه و ایجاد نظام
جدید ، بالهائی برای پرواز عرضه میدارد .

۲- تزلزلین

مارکسیست های روسی به رهبری لنین کبیر ، تزه های مارکس وانگلس رادر شرایط تاریخی جدید هنگامی که انقلاب های سوسیالیستی و بورژوا - دموکراتیک در دوران امپریالیسم انجام میشوند ، بکار بستند .

لنین زمانی ترمشهورونوین خود را " سوسیالیسم نمیتواند همزمان در کلیه کشورهای پیروز گردید بلکه ابتدا بایستی در یک یا تعداد معدومینی از کشورهای پیروز شود " ارائه داد که سرمایه داری در مرحله ی گذار به امپریالیسم بود . همزمان با این ، لنین و حزب بلشویک روسیه با تئوری جدید درباره ی رهبری پرولتاریا در انقلاب بورژوا دموکراتیک و گذار از این انقلاب به انقلاب کارگری ، برنامه ی نظامی بورژوا دموکراتیک و انقلاب سوسیالیستی رادر روسیه طرح ریزی کردند . لنینس ضرورت ساختمان سازمان نظامی پرولتاریا رادر شرایط تاریخی جدید بشرح زیر تاکید کرد :

" بورژوازی مسلح علیه پرولتاریایی از بزرگترین ، اصولی ترین و اصلی ترین حقایقست جامعه ی نوین سرمایه داری است ... شعار ما باید چنین باشد : مسلح کردن پرولتاریا برای شکست ، سلب مالکیت و خلع سلاح بورژوازی اینها تنها تاکتیک های ممکن برای یک طبقه ی انقلابی است . تاکتیک هایی که نتیجه ی منطقی و ضروری توسعه ی عینی نظامی سرمایه - داری است . (۱۵) "

از اولین سالهای قرن بیستم لنین و حزب کمونیست روسیه در حالیکه رهبری انقصب ۱۹۰۵ و انقلاب کبیر اکتبر رادر کاربرد اصول مارکس وانگلس از آن خود می دانستند . از جایگزین کردن ارتش ثابت (منظم) با ارتش خلق و نیروهای نظامی بومی حمایت میکردند . این یکی از وظایف اصلی برنامه ی انقلاب بورژوا - دموکراتیک و همچنین انقلاب سوسیالیستی بشمار میرفت .

لنین اشاره میکند که در روسیه و همچنین در بسیاری از کشورهای جهان ارتش ثابت (منظم) بورژوا عمدتاً " نه برای جنگ با تجاوزکاران خارجی بلکه برای اعمال فشار بر زحمت کشان و بسیر پایه ی جنگ های تجاوزکارانه برای در بند کشیدن دیگر خلقها بکار میرود . لنین مینویسد :

" همه جا ارتش منظم بصورت اسلحه ی ارتجاع ، نوکر سرمایه در مبارزه اش علیه کار و قائل آزادی خلقها در آمده بود . (۱۶) . این ارتش بعلت ماهیتش نمیتواند پشتیبان عمده ی مردم باشد . نابودی آن شرطی برای پیروزی انقلاب و نجات انقلاب از کلیه ی نقشه های بازگشت توسط نیروی مرتجع و حذف هزینه های سرسام آور ارتش میباشد . در عوض بایستی خلق را و بدوا " کارگران و دهقانان فقیر را مسلح کرد . لنین تحت شرایط تاریخی حاضر تصدیق میکند که " هیچ قدرتی در روی زمین جرات دست اندازی به روسیه ی آزاد را نخواهد داشت ، اگر کسی پاسداران آزادی اش مردم مسلحی باشند که قشر نظامی را نابود کرده و همسایه ی سرسازان را -

راشهروندو شهروندان رامجهز به سلاح کنند . . . دانش نظامی ثابت کرده است که تشکیک نیروی نظامی بومی خلق کاملاً عملی است . به عبارت دیگر چنین نیروی می‌تواند از عهده وظایفی که در دوران یک جنگ چه دفاعی و چه تهاجمی به آن محول می‌شود ، برآید . " (۱۷)

حزب کمونیست روسیه و طبقه کارگران تحت رهبری لنین در طی دوران قبل از انقلاب اکتبر و همراه با ساختمان ارتش سیاسی انقلاب ، آخرین سعی خود را برای عملی ساختن این شعار بکار بردند . آنان کار تبلیغی خود را در میان سربازان تشدید کرده و سازمان های حزب را در درون ارتش تزاری به منظور تخریب واحدها و جلب آنها به اردوی انقلاب برپا ساختند . آنان دانش نظامی را در حزب ارتقاء داده و اطلاعات و تربیت نظامی را در بین توده ها ترویج کردند . آنان به کارگران و توده های انقلابی اسلحه دادند و رهبری حزب کمونیست را در کلیه دسته های نظامی برقرار و تقویت نمودند . آنان نیروهای نظامی محلی ، کارگران واحدهای نظامی بومی را به مثابه هسته های یک نیروی مسلح سازمان دادند . آنان نیروی مسلح انقلابی را که در آن کارگران و دهقانان با سربازان انقلابی متحد بودند ، بنیاد نهادند . نیروی مسلح انقلابی متشکل از سه جزء زیر بود :

الف - پرولتاریا و دهقانان مسلح .

ب - واحدهای پیش آهنگ سازمان یافته متشکل از نمایندگان این طبقات .

ج - واحدهای ارتشی که به مردم پیوستند . بدین سان ، انقلاب قادر شد که نیروی مسلحی عمدتاً متشکل از توده های کارگران و دهقانان مسلح با رهبری حزب کمونیست و به عنوان یک نیروی ضربتی جهت یورش انقلابی توده ها برپا کند . این نیرو بود که نقش تعیین کننده ای در پیروزی انقلاب فوریه و بعداً " انقلاب اکتبر بازی کرد .

پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه منجر به تولد اولین دولت سوسیالیستی در جهان شد . دولتی که توسط امپریالیسم مورد محاصره ی خصمانه قرار گرفت . این پیروزی طلا به دار دوران جدیدی در تاریخ بشریت بود و تمامی دنیای سرمایه داری را لرزاند . بنابراین ، همانطور که لنین پیش بینی کرده بود امپریالیسم عهد کرده بود که دولت پرولتاریا را در بدو تولد خفه کند . این خطر تجاوز فوراً " دولت شوراهای را وادار کرد مسلح شود تا از میهن سوسیالیستی علیه تجاوز امپریالیستی دفاع کند و شکل سازمان نظامی کشور را مورد تجدید نظر قرار دهد .

کمک بزرگ لنین در این حقیقت نهفته است که او نه تنها اصل بیان شده ی مارکس و انگلس را مبنی بر مسلح کردن مردم مورد تاکید قرار داد ، بلکه همچنین نظریات آنان را با پیشنهاد اصل لزوم تشکیل ارتش ثابت دولت شوراهای بر اساس مسلح کردن خلق (ارتش طراز نوین متشکل از طبقه کارگران و حمتکشان) توسعه داد .

لنین نشان داد که در برابر خطر بسیار بزرگ تجاوز ، چنانچه جمهوری شوراهان خواهد به آسانی طعمه ای برای امپریالیسم شود ، محتاج یک ارتش منظم قدرتمند ، کاملاً مجهز ، تعلیم دیده ، با انضباط شدید و فرماندهی واحد و متمرکز می باشد . وی اشاره می کند : در شرایطی که کشورهای سرمایه داری ارتشهای بزرگی با تربیت صحیح و لوازم ————— دارند ،

هنگامی که نیروهای مسلح دولت شوراهای بورژوازی با وسایل نوجمجه میشوند و سربازان محتاج وقت بیشتری برای فراگیری کامل و استفاده از وسایل نظامی بر طبق قوانین و فنون نظامی جدید هستند ، در حالیکه امپریالیستها همیشه در موقعیتی هستند که میتوانند حمله‌های غافلگیرانه بکنند ، دولت شوراهای فادربه نگهداری نیروهای توده‌ای مسلح خود به شکل واحدهای نظامی بومی نبوده بلکه میباید ارتش منظم ثابتی داشته باشد . لنین میگوید : " امروزه بایستی به تشکیل ارتشی منظم اولویت داد . . . " (۱۸) البته این ارتشی است منظم ، که از نظر کیفیت با ارتش بورژوازی فرق دارد . این یک ارتش طرازنوین ، ارتشی خلقی ، انقلابی و سوسیالیستی است .

باتوجه به احتیاجات یک جنگ نوین ، ارتش منظم بطور آشکار در مقایسه با سیستم نیروهای نظامی بومی دارای امتیازاتی بشرح زیر میباید : چنین ارتشی دارای تحرک بیشتر است زیرا که مجبور نیست در یک ناحیه بماند . این ارتش با سلاح های نو و لوازم فنی مجهز میباید . چنین ارتشی رامیتوان برای مدتی دراز بطور منظم (سیستماتیک) و در رابطه با نیازهای فنی روبه پیشرفت نظامی آموزش فشرده داد . چنین ارتشی دارای افسران حرفه‌ای با تجربه و آموزش دیده است . بدین دلایل است که این ارتش دارای قدرت جنگی زیاد ، آمادگی فراوان و غیره میباید .

لنین و حزب کمونیست روسیه در مواجهه با مساله‌ای کاملا " جدید و شرایط سخت ، باتکیه بر پیشتیبانی و ابتکار مردم همزمان با انحلال ارتش سابق ، تدریجا " و پیروزمندانه یک سلسله مسائل را در مورد اصول ساختمان یک ارتش منظم طراز نوین دولت کارگری (ارتش سرخ کارگری - دهقانی) حل نمودند . لنین کارکرد و وظایف ارتش سرخ ، ماهیت انقلابی و مردمی ارتش دولت کارگری ، نظام سازماندهی حزب و کار سیاسی و رهبری نزدیک حزب کمونیست را بر ارتش ، خط مشی‌ها و سیاست هادرمورد تربیت و تشکیل کادرها ، اصول سازمان دهی ، تجهیزات ، آموزش و تربیت ارتش شوراهای ، فن نظامی شوراهای همچنین جنبه‌های بیشتر دیگری از زندگی ارتش سرخ را مشخص کرد .

در طی ساختمان ارتش سرخ ، لنین میباید به مبارزه‌ای مصمم و پی‌گیر علیه تمایلات نادرست ادامه دهد . لنین نقشه‌های منشویک‌ها ، عناصر سوسیال رولوسیونیتر (سوسیال - انقلابی) و آنارشیست راکه از شعار " مسلح کردن خلق " جهت مخالفت عصیانگرانه علیه سیاست و خط مشی حزب در مورد ساختمان ارتش سرخ سوء استفاده میکردند نقش بر آب کرد . لنین و رفقای نزدیکش در کنگره‌ی هشتم حزب " گروه مخالف نظامی " راکه در داخل حزب بابرقراری انضباط و فرماندهی متمرکز واحد (یعنی همان اصول ساختمان ارتش منظم سرخ) مخالفت میکردند ، شکست داد .

بعد از پایان جنگ داخلی یکبار دیگر مساله‌ی شکل سازمان نظامی دولت شوراهای بحث گذارده شد . حزب کمونیست به رهبری لنین بطور قاطع تمایل تروتسکیستی‌ای راکه خواهان انحلال ارتش سرخ و جذب آن در سیستم نیروی نظامی بومی خلق بود رد کرد . پراتیک انقلابی تا حدود زیادی درستی و روشن بینی تر لنین را نشان داده است .

پیروزی دولت شوروی در شکست مداخله‌ی نظامی بلوک امپریالیستی و متحدان آن‌ها یعنی ضدانقلابیون داخلی بمنظور خفه کردن دولت شوراهادریدوتولد ، پیروزی بزرگ‌اتحاد شوروی در جنگ میهنی سالهای ۵- ۱۹۴۱ که منجر به شکست فاشیسم آلمان و نظامیگری ژاپن شد ، بطور جدائی ناپذیری با ترصیح لنین مرتبط بودند . در سرتاسر جهان همه میدانند که در جنگ دوم جهانی ، ارتش سرخ شوروی ، این ارتش منظم نیرومند نخستین دولت‌شورها در جهان نقش تعیین کننده و مستقیم در شکست ارتش تجاوزکار (بیش از ده میلیون سرباز مجهز به سلاح های مافوق مدرن آلمان فاشیست و میلیتاریسم ژاپن) ایفا نمود . ارتش سرخ بایرون راندن تجاوزکاران از سرزمین پدری شوراهاو کمک مستقیم به رهایی بسیاری از کشورهای اروپا و آسیا ، " نازی " های آلمانی را تعقیب کرد و آنها را در پناهگاه‌هایشان نابود ساخت و بدین طریق بشریت را از خطر فاشیسم نجات داد .

ارتش سرخ نه تنها برتری خود را بر دشمن در زمینه‌ی دانش سیاسی و برخورداری از یک روحیه‌ی عالی نشان داد بلکه همچنین برتری خود را در طی جنگ از جهت کمیت و کیفیت - نظرات نظامی و وسائل و سلاح های مدرن جنگی و نیز در فنون نبرد و هنر فرماندهی ثابت کرد . این نیروی قدرتمند بوده که ارتش سرخ را به انجام عملیات ضدتهاجمی در مقیاسی وسیع برای نابودی ده ها لشکر در یک رشته عملیات جنگی ، عبور از خطوط دفاعی دشمن ، آزادی - قلمرو وسیع و ایجاد نقطه‌ی عطفی در جنگ و سرانجام رهبری آن بسوی پیروزی ، قادر نمود .

تزلزلین راجع به ساختمان ارتش سرخ منظم شوروی دنباله‌ی (یعنی توسعه‌ی بیشتر) تئوری مارکس وانگلس در مورد سازمان نظامی دولت سوسیالیستی ولی تحت شرایط تاریخی جدید بود .

یعنی زمانیکه دولت سوسیالیستی با محاصره‌ی خصمانه توسط جهان سرمایه داری روبرو بود . ارزش زیاد این تر در این حقیقت نهفته است که به پرولتاریان‌شان میدهد که در دوران امپریالیستی ، زمانیکه امپریالیسم با ماهیت کاملاً " ستیزه جویانه‌اش ارتشهای عظیم تجاوز - کاری را تحت فرماندهی دارد و مجهز به سلاح های مافوق مدرن میباشد ، لازم است که دولت سوسیالیستی برای پاسداری از امنیت خویش ، دارای ارتش ثابت و منظم قدرتمندی باشد و تنها به مردم مسلح قناعت نکند .

تکیه بر برتری نظام جدید اجتماعی و برپایه‌ی امکانات مادی و فنی بالنده‌ی سوسیالیسم و استفاده از ماشین دولت ، پرولتاریای در رأس قدرت کاملاً " و سریعاً " قادر به ساختمان چنین ارتشی میباشد . ارتشی طراز نوین ، مدرن و منظم که بعنوان حامی اصلی دفاع ملی از دولت سوسیالیستی بشمار می‌آید .

• سوال این است : هرگاه دولت سوسیالیستی چنین ارتش منظم قدرتمندی را بنا نهد ، ساله‌ی مسلح کردن خلق چه میشود ؟

لنن معتقد بود که ساختمان ارتش سرخ سوسیالیستی ضرورتاً " بایستی بر مبنای مسلح کردن خلق بنا شود . وی درسومین کنگره‌ی شوراهای کارگران ، دهقانان و سربازان روسیه داستان ملاقات پیرزنی فنلاندی را که مشغول جمع آوری هیزم بود بایک سرباز ارتش سرخ

بیان کرد. این سرباز به‌خلاف سربازان تزاری (یعنی بجای مصادره هیزم) در جمع‌آوری - هیزم به پیرزن کمک کرد لنین از این داستان نتیجه گرفت که خلق اینک تصور دیگری از سرباز دارد. " ... مردم میگویند که دیگر نباید از شخصی که دارای تفنگ است ترسید زیرا که چنین شخصی مدافع زحمت‌کشان است بی‌وقفه یوغ استثمارگران را درهم‌می‌شکند ... " (۱۹) این یک‌ارتش واقعی انقلابی ، یعنی یک‌ارتش خلق است . لنین برای بررسی روابط بین ارتش سرخ و خلق مسلح چنین ادامه می‌دهد : " این را مردم احساس کرده‌اند همین دلیل است که وقتی مردم معمولی و بی‌سواد می‌گویند گارد های سرخ آخرین تلاش خود را در جنگ علیه استثمارکنندگان بکار می‌برند ، این تبلیغ ، نیروی شکست‌ناپذیری است . این به ذهن میلیون‌ها مردم رسوخ میکند و پایه محکمی برای کاری که کمون فرانسه در قرن نوزدهم شروع و بنیاد نهاد محسوب میشود . اما کاری که کمون فرانسه شروع کرده بود تنها برای مدت کوتاهی دوام آورد زیرا به وسیله بورژوازی شکست خورد . این تبلیغات ، ارتش سرخ سوسیالیستی را بر مبنای مسلح کردن خلق (چیزی که سوسیالیست ها آرزویش را دارند) بنا می‌نهد . " (۲۰)

لنین در هشتمین گنگره‌ی حزب بلشویک زمانیکه بر روی ضرورت تمرکز قوا در راه ساختمان ارتش سرخ پافشاری میکرد همچنین خاطر نشان ساخت که حزب به حفظ سیستم نیروهای نظامی بومی خلق ادامه خواهد داد . برنامه‌ای که در این گنگره پذیرفته شده همچنین وظیفه‌ی تعلیم نظامی زحمت‌کشان و بنای روابط نزدیک بین نظامیان دوباره سازمان یافته ، موسسات تجاری و صنعتی و دولتی ، اتحادیه‌های کارگری ، سازمانهای دهقانان فقیر و غیره را پیش نهاد کرد . در اتحاد شوروی درست بعد از پیروزی انقلاب اکتبر ، نیروهای مسلح توده‌های انقلابی ، گاردها و دسته‌های چریکی کارگران و دهقانان فقیر نقش بسیار مهمی علیه شورش - های ضد انقلابی ایفاء کردند . زمانیکه ارتش سرخ کارگری - دهقانی سازمان یافت گاردهای سرخ هسته‌ی آن را تشکیل دادند .

قبل از آنکه ارتش سرخ میدل به نیروی یک میلیونی شود ، دسته‌های چریکی در نواحی مختلف کشور به یکی از نیروهای عمده‌ی خلق در جنگ علیه مداخله‌گران خارجی و گاردهای سفید محسوب میشدند . در طی جنگ داخلی صدها هزار چریک در پشت جبهه‌ی دشمن و در پیوند نزدیک با ارتش سرخ جنگیدند . بسیاری از واحدها و ستون‌های ارتش منظم از دسته‌های چریکی که در جنگ داخلی مشارکت کرده بودند تشکیل میشدند .

بعد از پیروزی جنگ داخلی ، همراه با تقلیل کمی و ارتقاء کیفی ارتش سرخ ، سیستم نیروهای نظامی بومی خلق سالها به اشکال مختلف و مناسب با شرایط مخصوص هر دوره حفظ گردید و به حیات خود ادامه داد .

در جنگ میهنی بزرگ سالهای ۵ - ۱۹۴۱ تحت رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی به ریاست لنین دسته‌های چریکی ، نیروهای نظامی بومی و کارگران جنگاور و غیره نیز هماهنگ با ارتش سرخ سهم بزرگی در شکست فاشیسم آلمان و راندن آن از میهن - شان داشتند . در سرزمین‌هایی که بطور موقت در دست آلمانها قرار داشت ، یک میلیون چریک مبارزه

طی جنگ توسط حزب کمونیست سازمان یافته بودند ، جنگ بسیار قهرمانانه‌ای برپا داشتند. آنان میلیون‌ها سرباز دشمن را نابود کرده ، یک دهم کل قدرت نیروهای زمینی آلمان را بی اثر و از حرکت بازداشتند . حتی درجه‌های اصلی ، مردم مسلح در کنار ارتش سرخ و در دفاع از هروجیب سرزمین مادری کشورشوراها جنگیدند . در جنگ های بزرگ ، ده‌ها لشکر نظامی بومی همراه با مردم و در پیوند نزدیک با ارتش سرخ جنگیدند و خاطرات جاویدان و فراموش نشدنی در انجام وظایف فرعی از خود بر جای گذاشتند .

هماهنگی نزدیک جنگی ارتش منظم دولت شوراهای مردم مسلح در جنگ میهنی کبیر با ایفای نقش اساسی ارتش سرخ شوروی تصویر روشنی از جنگ خلق در شرایط جدید نشان میدهد .

خلق شوروی و جنگاوران ارتش سرخ از قدرت زیاد جنگ مقدس خلق علیه فاشیسم آلمان در سال ۵ - ۱۹۴۱ بخود می‌بالند . این غرور در سطوری از یک آهنگ روسی که در میان مردم بسیار محبوب است دیده میشود .

" جنگ خلق "

" جنگ مقدس "

این پیروزی دانش نظامی شوروی و مشی مارکسیستی - لنینیستی جنگ خلق بود. این همچنین پیروزی اصل ساختمان تشکیلات نظامی پیشنهادی مارکس ، انگلس و لنین بود که حزب کمونیست اتحاد شوروی در شرایط جدید آن را بکار بست .

در طی جنگ جهانی دوم و نیز بعد از آن جنبش های انقلابی خلق کشورهای مختلف همچون طوفان گسترش می‌یافتند . بسیاری از قیام ها و جنگ های انقلابی در همه جا از اروپا تا آسیای منصفه ظهور رسیدند . پیروزی بزرگ ارتش سرخ برفاشیسم و پیروزی بزرگ مبارزات انقلابی مردم جهان منجر به تولد و پیدایش یک سلسله از کشورهای سوسیالیستی شده که سیستم جهانی سوسیالیستی را تشکیل میدهند .

مبارزات مردم جهان برای سوسیالیسم ، استقلال ملی ، دموکراسی و صلح منجر به پیدایش طوفان انقلابی ای شده که بطور پیوسته بر امریالیسم حمله میبرد .

نیروهای مسلح انقلابی خلق های کشورهای سوسیالیستی در اروپا ، آسیا و آمریکای لاتین در درون شعله های قیام های مسلحانه و جنگ های انقلابی (از انقلاب اکبر ، جنگ جهانی دوم و بعد از آن) تولد و توسعه یافتند . به سبب شرایط مختلف و ویژه و زمینه های تاریخی ، نیروهای مسلح انقلابی کشورهای سوسیالیستی ، تاریخچه ، سطح توسعه و ساخت سازمانی مختلفی دارند . اما اکثر آنها از درون جنبش های چریکی که علیه مرتجعان داخلی و تجاوزکاران فاشیست برپا شده بودند سر بر آوردند . این ارتشها مشتمل بر دسته های مسلح توده ای بوده که با اشکال مختلف وجود داشتند .

در آسیا ، در روند مبارزات مسلح انقلابی سخت و طولانی علیه امریالیسم ، فتوئالیسم و سرمایه داری دیوان سالار ، خلق چین ارتش سرخ کارگری - دهقانی را سازمان داد .

بسپح و مسلح کردن همه‌ی خلق را عملی ساخت و پیروزی بزرگی بدست آورد . خلق ویتنام پیروزمندانه قیامهای مسلحانه و جنگهای انقلابی را برپا ساخته است . نیروهای مسلح خلق ما نمونه‌ی مشخص موفقیت در کاربرد خلاق تزه‌ای مارکسیست - لنینیستی جهت مسلح کردن توده‌ها و ساختمان ارتش میباشد که در بخش‌های بعدی به بررسی آن خواهیم پرداخت .

باشیوه‌های گوناگون مبارزه ، بسیاری از مستعمره‌ها و کشورهای وابسته نیز استقلال خود را به درجات مختلفی بدست آورده‌اند .

بسیاری از کشورهای استقلال خود را از طریق مبارزه‌ی مسلحانه بدست آوردند و به کشورهای ناسیونالیست تبدیل شدند . در طی مبارزه‌ی مسلحانه و همچنین بعد از پیروزی بسیاری از آنها که فعالانه علیه امپریالیسم و استعمار مبارزه کرده بودند برای ساختمان نیروهای مسلح خود با سازمان دادن ارتشهای دولت ملی و اتحادودی مسلح کردن مردم کوشش کردند . هم اکنون مردم بسیاری از کشورهای آسیا ، افریقا و آمریکای لاتین که مشغول مبارزه‌ی مسلحانه برای بدست گرفتن قدرت و کسب استقلال ملی میباشند از این تجربیات برای سازمان دادن نیروهای مسلح انقلابی خود تحت شرایط ویژه‌ای که دارند استفاده مینمایند .

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا که از چند جهت مورد حمله قرار گرفته و متحمل شکست‌های بی درپی گردیده ، به سیاست‌های جنایت‌کارانه و ستمگرانه برای سرکوبی و مخالفت با جنبش‌های انقلابی مردم جهان توسل می‌جوید تا برتری و منافع خود را حفظ کند . امپریالیست‌ها با افزایش بودجه‌های نظامی خود ، تشدید مسابقه‌ی تسلیحاتی ، توسعه‌ی سلاح‌های تخریبی نیرومند ، برپا داشتن پایگاه‌های نظامی در اینجا و آنجا و تأسیس اتحادیه‌های نظامی پیوسته به مداخلات نظامی دست میزنند و جنگهای "مخصوص" و "محدود" تجاوزکارانه برپا میکنند و خود را برای جنگ جهانی جدیدی آماده میسازند .

کشورهای سوسیالیستی به منظور دفاع از میهن خود ، دفاع از صلح جهانی و شکست نقشه‌ها و مانورهای جنگی امپریالیسم به تقویت ظرفیت دفاعی خود و هم‌زمان با آن به ادامه‌ی کار ساختمان اقتصادی و توسعه‌ی عملی و فنی میپردازند . کشورهای سوسیالیستی با تکیه به برتری نظام سوسیالیستی و نتایج بدست آمده در ساختمان بنای مادی و فنی سوسیالیسم و کمونیسم ، به درجات مختلف ، به ایجاد ارتش‌های انقلابی بر طبق اصول نوین و با توجه به شرایط ویژه‌ی خود اقدام مینمایند . اینان بدون وقفه ماهیت انقلابی ارتشهای سوسیالیستی را ارتقاء داده و آنها را با سلاح‌های هر چه مدرن تراتی ، موشک و سلاح‌های معمولی مجهز میسازند .

بسیاری از کشورهای سوسیالیستی در حالیکه ارتش مدرنی میسازند ، به مسلح کردن توده‌های خلق (کارگران و دهقانان مزارع اشتراکی) در مقیاس وسیع و با اشکال سازمانی و وسایلی که منطبق بر نیازهای آنهاست توجه زیادی مینمایند تا نیروی توده و نظام سوسیالیستی را در تقویت دفاع ملی و دفاع از کشور به حداکثر ممکن افزایش دهند .

از مبنای نظری و عملی بالامیتوان چنین نتیجه گرفت :

مسلح کردن توده‌های انقلابی همراه با ساختمان ارتش انقلابی ، اصلی است جامع مبتنی بر مارکسیسم - لنینیسم . این اصل بیانگر شکل سازمان نظامی سیستم دفاعی کشور

های سوسیالیستی، جنگهای آزادی بخش، جنگهای دفاع ملی و جنگهای انقلابی خلقها در عصر ما است. این اصل از تزارکس و انگلس (راجع به مسلح کردن خلق) به تر لنین (راجع به ساختمان ارتش انقلابی بر مبنای مسلح کردن خلق) بسط و توسعه یافته است. بدین طریق مارکس، انگلس و لنین با فراست، تجربیات حاصل را در ساختمان سازمانهای نظامی پرولتاریا و خلقهای ستم دیده در طی مبارزه انقلابی طولانی خود برای به دست آوردن قدرت و دفاع از آن جمع بندی نمودند. تا حدودی این نیز ادامه و توسعه‌ی خلاق تجربه‌ی سازماندهی نیروهای مسلح طبقات انقلابی و قربانیان ستم و تجاوز در دوره‌های تاریخی قبل از ظهور مارکسیسم میباشد.

پرولتاریا، مردم زحمت کش و خلقهای ستم دیده در انقلابات خود برای براندازی حاکمیت بورژوازی امپریالیست ها و فئودالها طبیعتاً نمیتوانستند در آغاز انقلاب خود ارتشی داشته باشند زیرا که آنها از هیچ شروع کردند. در طی انقلاب هنگامیکه مسأله‌ی مبارزه‌ی مسلحانه و قیام مسلحانه پیش آمد، پرولتاریا، زحمت کشان و ستم دیدگان لزوماً بایست سازمان نظامی خود را بنهند.

شکل نخستین سازمان نظامی، طبق معمول، توده‌های مسلح بودند و ارتش انقلابی تدریجاً بر مبنای مسلح کردن خلق بنا میشود. در قیام ها، توده‌های مسلح معمولاً نقش عمده را بازی میکردند و بعضی اوقات نقش نیروی ضربتی توسط ارتش انقلابی ایفاء میشود. در چنین گسترش قیام ها به جنگهای انقلابی، نیروهای مسلح انقلابی شامل ارتش و توده‌ی مسلح میشود.

مسأله‌ی ساختمان یک ارتش انقلابی منظم و ثابت به مفهوم دقیق خود تنها وقتی میتواند مورد بررسی قرار گیرد که پرولتاریا و مردم زحمت کش قدرت را برده و از خود دولتی داشته باشند. شکل سازمان نظامی دولت سوسیالیستی و دولت دموکراتیک خلق که قادر به حداکثر گسترش توان جنگی خلق و رژیم جدید باشد عبارت است از ترکیب ساختمان یک ارتش نوین (مدرن) انقلابی منظم همراه با مسلح کردن کامل توده‌های انقلابی در مقیاس وسیع توده‌های مسلح و ارتش انقلابی دو قسمت تشکیل دهنده‌ی نیروهای مسلح دولت هستند که در آن ارتش منظم، هسته‌ی اصلی و توده‌های مسلح، نیروی عمده‌ی آن را میسازند. بهمین دلیل همزمان با توسعه‌ی نیروی توده‌های مسلح باید به ساختمان ارتش توجه کنیم. ترکیب نزدیک عناصر بالا در نیروهای مسلح دولت سوسیالیستی دلیل برتری مطلق - نظام سوسیالیستی بر رژیم های استثمارگر میباشد.

در نظام دولت‌های طبقاتی استثمارگر بعلمت آنکه منافع طبقات حاکم و منافع مردم زحمتکش کاملاً در جهت مخالف یکدیگر است، بین توده‌های خلقی از یکطرف و دولت و ارتش ثابت از طرف دیگر تضادی اساسی وجود دارد. دولت حاکم، خلق مسلح انقلابی را خطری برای موجودیت خویش می شمارد. فرمانروایان ارتجاعی اغلب ترجیح میدهند که کشور را به دشمن تسلیم کنند تا اینکه مردم را مسلح سازند. همانطور که انگلس خاطر نشان ساخت آنها با ظالم ترین دشمنان خود که ماهیتی همانند خود دارند صلح میکنند مبادا که در -

کنار مردم باشند . نمونه هایی وجود دارد که طبقات بورژوا و فئودال (زمانیکه هنوز نقش متری در تاریخ داشتند و دارای روح ناسیونالیستی بودند) به مسلح کردن مردم دست زدند تا آنها بتوانند در کنار ارتش منظم علیه تجاوزکاران بجنگند ، اما حتی در این حالات نیز مسلح کردن مردم در مقیاس محدودی صورت میگرفت .

در نظام سوسیالیستی وضع کاملا " فرق میکند . طبقات استثمارگر برانداخته شده اند . دستگاه استثمار فردا فردا زمین رفته است . نظام مالکیت ملی (جمعی) و اشتراکی نباشد . است . زحمت کشان آقای خود هستند . وظیفه ی نیروهای مسلح سوسیالیستی (وسیله ی عمده ی قهر دولت دیکتاتوری پرولتاریا) عبارت از سرکوب دشمنان داخلی و خارجی ، دفاع از رژیم جدید و دفاع از منافع خلق زحمتکش میباشد . این هویت والای سیاسی و اخلاقی در جامعه ی جدید است که همراه با نیروهای همواره بالنده ی مادی و فنی سوسیالیسم ، محکی برای ساختمان نیروهای مسلح انقلابی مدرن و طراز نوین و برای ارتقاء قدرت مرکب جنگی ارتش انقلابی و توده های مسلح (در سطح نووی) بشمار میرود .

نیروهای مسلح دولت سوسیالیستی نخستین نیروهای مسلحی در تاریخ هستند که در آن کارگران و دهقانان واقعا " حاکم بر سرنوشت خود هستند و دارای آگاهی سیاسی زیاد و آمادگی برای فدا کردن همه چیز به خاطر آرمان های سوسیالیستی و کمونیستی میباشد . آنان نیروهای مسلح شکست ناپذیری را تشکیل میدهند .

فصل دوم

سنت و تجربه‌ی خلق مادر ساختمان نیروهای مسلح

تزارکسیستی - لنینیستی درباره‌ی سازمان نظامی پرولتاریا بیاورد "برپایه‌ی پراتیک و تجربه‌ی انقلاب‌های کارگری و جنگ‌های ملی در اروپا در دوران سرمایه‌داری و امپریالیسم و همچنین برپراتیک و تجربه‌ی مبارزه‌ی نظامی و سازمان نظامی طبقات و خلق‌های گوناگون در دوران‌های مختلف قرار دارد .

و قتیکه تاریخ مبارزه علیه تجاوز خارجی و تاریخ سازمان نظامی خلق‌مان را مطالعه کنیم به نمودهای برجسته‌ای برخوردیم که با مبارزات نظامی و سازمان نظامی بسیاری از کشورهای اروپائی تفاوت دارد . آنچه را که انگلس درباره‌ی قیام‌های همه‌گیر ، جنگ خلق و مسلح کردن توده‌ها در اروپای قرن نوزدهم آرزو میکرد به کرات در کشورما ، در قرن هفتم ، حتی در زمان حاکمیت فئودالیسم اتفاق افتاده است . پراتیک و تجربه‌ی بی‌نظیر ، روشن و غنی خلق‌ما با دیگر نبوغ مارکس ، انگلس و لنین را در بیان اصول قیام همه‌گیر و جنگ خلق و همچنین اصول سازمان نظامی پرولتاریا و ملل مبارز در راه آزادی نشان میدهد .

برخلاف بسیاری از کشورهای غربی که در آن‌ها شکل‌گیری ملت ها عموماً "بمازمه‌باشیدگی فئودالیسم و ظهور کاپیتالیسم مربوط میشود ، ملت ما مبارزات زمان‌های گذشته علیه تجاوز و حاکمیت فئودالیسم خارجی شکل گرفته و تکامل یافته است . بسیاری از قیام‌ها و جنگ‌های ملی بطور متوالی در طی قرن‌ها از تاریخ ما به وقوع پیوسته است .

و بیتام یکی از مدهای تمدن بشریت بوده است . از زمانیکه پادشاهان "هونگ" دولت "وان لانگ" را بنیاد نهادند و در طول حدود دوهزار سال پیش از عصر ما ، قبایل "ویت" در مبارزه علیه طبیعت و دیگر قبایل برای بقا و رشد خود تدریجاً پایه‌های نسبتاً محکمی را که از آن‌ها می‌بایست ملت شکل بگیرد ، بنانهادند . آن‌ها برای مدت زیادی در سرزمین محدودی زیستند ، زبان خاص خود را داشتند ، اقتصاد و یک نظام اجتماعی سیاسی با سطح معینی از توسعه را برپا کردند و سنت‌های فرهنگی و اخلاقی خاص خود را بوجود آوردند . به این طریق خلق ما بزودی احساس و آگاهی ملی خود را توسعه داد . احساس اینکه در سرزمین خود آقای خود باشند ، از همان آغاز در آن‌ها بسیار قوی بود . در طی مبارزه علیه تجاوز کاران نیرومند ، خلق و بیتام در نگهبانی از سرزمین بومی خود توفیق یافت . آن‌ها قهرمانانه و آگاهانه جنگیدند و با پشتکار و دلگرمی برای بقا و تکامل خود کوشیدند .

سرزمین ما سرزمینی غنی ، زیبا و دارای منابع طبیعی زیادی است که در نقاط استراتژیک در جنوب شرقی آسیا (در تقاطع راه‌های زمینی و دریایی مهمی از شمال به جنوب و از شرق به غرب و همچون پایگاه آغازینی از سرزمین اصلی به اقیانوس و پلی از اقیانوس به سرزمین اصلی) قرار دارد . بهمین خاطر است که نیروهای تجاوزکار قدرتمند همیشه با چشم طمع به کشور ما نگریسته و سعی داشته‌اند به آن حمله کنند تا خلق ما را استثمار و رو بربند کرده ،

از سرزمین مابعدنوا سکوی پرشی برای توسعه نفوذ خود در جهات دیگر استفاده نمایند. بنا بر این خلق مادر تمام تاریخ طولانی خود بطور مداوم با جنگهای تجاوزکارانه روبرو بوده و میبایستی برای دفاع از سرزمین پدری و حفظ استقلال ملی جنگ کند. آنان بطور مداوم قیام میکردند و برای پس گرفتن استقلال ملی به برپا داشتن جنگ های آزادی بخش دست میزدند. احساس و آگاهی ملی یعنی احساس آقای خود در سرزمین خود بودن و عزم راسخ آنان در مبارزه برای حفظ و بازگرفتن استقلال ملی در طی این قیام ها و جنگها توسعه و تکامل یافته است. خلق ما تدریجا " سنت گرانها یعنی " سنت مبارزه قهرمانانه علیه تجاوز خارجی برای استقلال و آزادی را بنیان نهادند و بر غنای آن افزودند.

کشور ماکشوری است کوچک با جمعیتی کم و مساحتی محدود. در آغاز عصر مسیحیت، خلق ماعدنا در نواحی فعلی " باک بو " و " ترانگ بوی شمالی " می زیستند. در زمان خواران " ترانگ " جمعیت آن حدود یک میلیون نفر بود. بعداً سرزمین ما وسعت یافت و بر جمعیت آن افزوده شد. اما تجاوزکاران معمولاً نیروهای بزرگتری را تحت فرمان خود داشتند. مردم ما میبایست برای مقابله با دشمنان کوچک و بزرگ و حفظ سرزمین بومی تنهابه نیروی ارتش اکتفا نکنند بلکه از قدرت تمامی خلق برای حفظ سرزمین بومی و شکست دشمنان ستمگر استفاده نمایند.

همه مبارزات خلق ما علیه تجاوزات خارجی، مبارزاتی عادلانه بوده است. خلق ما همیشه دارای احساسات میهن پرستانه ی قوی، احساس والای همبستگی و حاکمیت ملی، عزم راسخ و بی باکی در جنگ علیه نیروی بی شمار دشمن بوده است. به همین دلیل است که در قیام ها و جنگهای ملی تاریخ ما تا آنجائیکه به سازمان نظامی مربوط میشود، نیروی نظامی معمولاً از مردم مسلح (که در واحدهای شورشی سازمان مییافتند) و یارانش ملی و عموماً ترکیبی از مردم مسلح و ارتش ملی تشکیل میشود. خلق ما بزودی سنت " همه دست به دست هم دهیم (۲۱) " (اتحاد همه نیروهای ملت) را علیه تجاوز خارجی بنهاد و آنرا توسعه داد. این کلید پیروزی ای بود که قهرمان ملی " تران کوک توان " * آنرا هم چون اصلی در قرن سیزدهم، که مبتنی بر تجربه هزاران سال پیش از آن بود، بیان کرد. این اصل به عبارت " اتحاد همه خلق " در زمان ما تکامل یافت. در زمان سلطنت " تران " بود که ضرب المثل " همه سر بزند " معروف شد (۲۲). از زمانهای خیلی دور این ضرب المثل معروف وجود داشته است که " موقعی که دشمن به خانه شامی آید حتی زن هم باید بجنگد ". این عمل جالبی است و با زندگی و مبارزات ملت ما بیگانه نیست. شرکت توده ها در قیام ها و جنگهای ملی کشور ما، سنت های " همه دست به دست هم دهیم و همه با هم علیه دشمن بجنگیم "، مؤید این نکته است که قیام ها و جنگهای ملی در تاریخ ما برای مدت زیادی قیام ها و جنگهای خلقی بوده اند. این قیام ها و جنگهای خلقی که عمدتاً " بوسیله طبقه ی فئودال رهبری میشد تا حدودی به کرات اتفاق می افتادند و به سطح نسبتاً عالی توسعه ی خود میرسیدند، هر چند از نقطه نظر طبقه ی رهبری کننده و دیگر شرایط

تاریخی محدودیت هائی وجود داشت . اما مسئله ی دیگر ، مبارزه ی طبقاتی در درون ملت- شکل سازمان نظامی مربوط به آن است .

جامعه ی ماویتنامی هانیزمانند همهء جوامع طبقاتی وجوامعی که دارای تضادهای طبقاتی (آشتی ناپذیر) میباشد ، در طی مبارزات شدید طبقاتی در داخل ملت و عمدتاً " میان طبقه ی فئودال و دهقانان تکامل و توسعه یافته است : ارتش دولت فئودالی در کشورمان نیز همچنین وسیله ای برای طبقه ی فئودال جهت حفظ حاکمیت خود محسوب میشود . این ارتش دارای دو وظیفه یکی داخلی ، سرکوبی خلق و عمدتاً " دهقانان و دیگری خارجی ، جنگ علیه تجاوزگران و برافروختن جنگهای تجاوزکارانه علیه دیگر کشورها بود . موقعی که تضادهای طبقاتی به مرحلهء حادی رسید و معمولاً " زمانیکه هیچ تجاوز خارجی اتفاق نمی افتاد ، دهقانان ویتنامی که نسبتاً " انقلاب و دموکراسی را بخوبی درک میکردند در طی مبارزات سهمگینی بها خاستند و نیروهای مسلح خود را سازمان داده و جنگها و قیامهای دهقانی را علیه فئودالیسم ، در کشورشان برپا کردند . این مسأله ی مهمی است ولی بحث آن از حوصله ی این مقاله خارج است .

اما در رویارویی با خطر جدی تجاوز خارجی یاد برابر تهدید مداوم نیروهای تجاوز کار در زمان صلح و پاهنگامیکه تضاد میان ملت ما و تجاوزکاران فئودالیست خارجی ظاهر شد ، طبقات مختلف ملت ما دست به دست هم دادند و موقتاً " تضادهای خود را کنار گذاشتند نیروی همه ی ملت را علیه تجاوز خارجی بسیج کنند . البته در چند مورد خاص فئودال ها به ملت خیانت کردند و تسلیم تجاوزکاران شدند . مبارزه ی ملی از نقطه نظر مارکسیسم همچنین نوعی مبارزه ی طبقاتی است .

در آن روزها این مبارزه بین جنبه ی متحد فئودال ها و دهقانان جهت دفاع از کشور از یک طرف و طبقه ی فئودال خارجی تجاوزکار از طرف دیگر وجود داشت . طبقه ی فئودال در کشور ما در مراحل اولیه ی رشد شان دارای یک روحیه ی ملی نیز بودند . آنان اقدامات دموکراتیک مشخصی جهت تشویق مردم به جنگ علیه تجاوز خارجی بعمل آوردند . " تران کوک توان " معتقد بود که میبایست نیروهای خلق را نگهداری کرد تا ریشه های عمیق و پایه های محکمی برای رژیم ایجاد شود . وی آنرا بهترین سیاست برای دفاع از کشور میدانست . به همین دلیل است که جنبش ملی در کشور ما جدا از فعالیت های سازمانی و رهبری طبقه ی فئودال (زمانیکه این طبقه هنوز نقش مثبتی در تاریخ ما بازی میکرد) نبود . از همه مهم تر جنبش نمیتوانست از قدرت نیرومند دهقانان که میهن پرستان دواآتشهای بودند در آن زمان اکثریت خلق را شامل میشدند ، جدا باشد . بنابراین هنگامیکه طبقه ی فئودال فاسد شد و به ملت خیانت کرد ، دهقانان ما علیه فئودالیسم بپا خاستند . آنان همچنانکه در زمان جنبش " تی سون " به رهبری " نگوین هو " اتفاق افتاد ، پرچم استقلال ملی را تصاحب کردند . جنبش دهقانی " تی سون " تبدیل به یک جنبش ملی شد و قیام و جنگ ملی ما را به سطح بسیار بالایی ارتقاء داد . بدین وسیله فئودالهای کشور را برکنار کرد ، تجاوز خارجی را شکست داد و پیروزی های بزرگی بدست آورد .

پیدایش و توسعه‌ی ملت ما و سنت " همکاری همه مردم در جنگ علیه دشمن و اینکه " همه خلق سربازند " ، همچنانکه در قیام هاو جنگهای ملی نشان داده شد ، بوضوح نموده‌ای بی نظیر و واقعیات تاریخ ما را منعکس میسازند . اینها بر بسیاری از فعالیت های اجتماعی ملت ما سایه افکنده اند و اثری عمیق بر قیام ها ، جنگها و سازمان نظامی ملت ما در طی شورش ها و جنگهای ملی گذشته داشته‌اند .

* * * *

مبارزه علیه تجاوز خارجی و سازمان نظامی خلق ما ، در طی قرون پیش تا حدودی در افسانه‌ها ، اساطیر و مدارک تاریخی منعکس شده‌است .
بی جهت نبود که در دوران پادشاهان " هونگ " و " دولت " وانگ لانگ " علاوه بر اسطوره‌ی " سون تین - توی تین " (کوه زنی و رودخانه زنی) که مبارزه‌ی سخت خلق ما علیه نیروهای طبیعت اشاره میکند ، همچنین در افسانه‌ی " تان کیونگ " جنگ قهرمانانه‌ی اجداد ما علیه مهاجمین خارجی ستایش میشود . روحیه‌ی سرکش جنگی ملت ما و نیروی شکست ناپذیر و متحد خلق ما جنگ علیه تجاوز خارجی در افسانه‌ی " تانگ یونگ " تبلور مییابد . " تانگ یونگ " هنگامیکه ندای نجات ملی را میشنود بطور سحرآمیزی رشد کرده و بزرگ میشود . او از چوب دستی فلزی و شاخه‌های نی در جنگ علیه دشمن استفاده میکرد و دهقانان با کج بیل های خود ، ماهیگیران با قلاب های خود ، و گاوداران با چوب دست‌های خود دنبال او راه می افتادند . این افسانه‌ی سمبلیک و ناب تصویر ملت در جنگ علیه دشمن و همکاری همه آنها در گذشته‌های خیلی دور است .

در زمان های بسیار قدیم همچنین مردم مسلحی وجود داشتند که خود بخود علیه تجاوز خارجی پیامیخواستند . در قرن سوم قبل از میلاد مردم " اولاک " و دیگر قبایل " ویست " برای دهه‌سال علیه تجاوزکاران چین جنگیدند . آنها با هوش‌ترین افراد را بعنوان فرمانده ی سپاه انتخاب میکردند ، شبانه دشمن شبیخون میزدند ، صدها هزار لشکر یان دشمن را می کشتند و سرانجام پیروز میشدند . این نوع جنگ سازماندهی نیروها و ویژگی وسیع توده‌های خلق بود که به خاطر نفرت از دشمن و برای نابودی آن پیامیخواستند . این مارا به یادروش " حمله و گریز گروههای پراکنده‌ی انقلابیون امریکائی در جنگ استقلال علیه حاکمیت استعمارگران انگلیسی در قرن هیجدهم می‌اندازد که انگلس از آنها ستایش میکند . مردم ما در عهد باستان که شانه به شانه ، دست در دست و همزمان می‌جنگیدند در واقع " مبارزان چریک " بودند .

در تاریخ ما ، سازمان یک ارتش ملی جهت جنگ علیه مهاجمین خارجی خیلی زود شکل گرفت . ارتش " ان دونگ وونگ شاه " شامل نیروهای زمینی و دریایی میشد . دژ - " کولوا " نیز پایگاهی زمینی و دریایی بود . ارتش سلاح موثری در دست داشت . از جمله " تیر و کمان پولادی " که چندین تیر در هر لحظه میتواندست رها کند و دارای پیکانهای برتری بود که بمقدار زیاد ساخته میشد . هزاران پیکان از این نوع اخیرا " در ناحیه‌ی " کولوا " کشف شده است . همه این هانشانه‌ی توسعه‌ی سازمان نظامی در گذشته‌ی کشور ما است . ظهور تیر و کمانهای

چندتیری و پیکانهای برنزی قدیمی به جلودرفنون نظامی آن زمان بود. آیا این میتوانست مبداء
افسانه‌ی "کمان سحرآمیز" باشد؟ اما حتی با وجود چنین نیروکمانهای سحرآمیزی "دونگ
وونگ شاه" به مصیبت دچار شد زیرا که او به مردم تکیه ننمود و به اندازه کافی هوشیاری و مراقبت
به خرج نداد. در نتیجه او از "نژودا" شکست خورد. از این دوره تسلط فتودالهای خارجی
شروع شد. خلق مابعد مدت ده قرن بطور مداوم جهت مبارزه برای آزادی کشور قیام کرد
و استقلال ملی خود را بدست آورد. این همان دوره‌ای بود که در هر قرن آن قیام‌های ملی
یکی پس از دیگری بوقوع می‌پیوست و تعدادی از این قیام‌ها به جنگ‌های آزادی بخش
مبدل میشد. این قیام‌ها از شورش "خواهران ترانگ" شروع شد که دشمن رادرسنا سرکشور
شکست داد. بعدها، شورش‌هایی به ترتیب به رهبری "چودات"، "لونگ لانگ"،
"لیدی تریو"، "لای بی"، "لی تیوتین"، "دین کین"، "میتوک لوان"، "فونگ
هونگ" و "دونگ تان" بوقوع پیوست که در رأس آنها قیام "کوک توادو" و پیروزی
"نگوکوین" در کنار رودخانه‌ی "باچ دانگ" قرار دارد که منجر به پایان تسلط خارجی و باز
پس‌گیری استقلال ملی گردید.

بطور کلی در دوران حاکمیت خارجی، ملت ما طبیعتاً نمیتوانست ارتش خود را داشته
باشد. نیروهای مسلح خلق که عمدتاً از سپاهیان شورشی تشکیل میشد، در طی قیام‌هایی
به رهبری رؤسای نظامی و غیرنظامی (لاک هواولاک تونگ)، رجال میهن پرست و نمایندگان
طبقه‌ی فتودال آن دوره شکل گرفت. آن سپاهیان و ویژگی نیروهای مسلح مردم شورشی را
داشتند و اتحاددوی به یک ارتش شبیه بودند. نیروهای شورشی گاهی کم و گاهی زیاد بودند،
اما عناصری از طبقات اجتماعی مختلف (مردم میهن پرست، دست نشینان و کوهپایه‌نشینان
رجال وطن پرست، رؤسای قبایل و مندرین‌ها) * در آن شرکت داشتند.
بعد از پیروزی قیام‌ها و یا هنگامیکه این قیام‌ها به جنگ‌های آزادی بخش مبدل میشد،
رهبران سعی میکردند که ارتشی ملی را سازمان دهند تا دست به جنگ بزنند.

جنبش‌های خلقی و قیام‌ها بر روی سربازان ویتنامی که از حکومت‌های خارجی مزد می‌گرفتند
(مزدورها) اثر گذاشت و منشاء بسیاری از نا فرمانی‌ها بود. در نا فرمانی سال ۸۰۳ یک فرمانده
ویتنامی بنام "وونگ کوی کوی" با سپاهیان خود قیام کرد و به تعقیب "مندریه" هنامی
خارجی پرداخت.

آگاهی ملی و میهن پرستی خلق ما در این دوره در بسیاری از قیام‌ها به خوبی تجلی یافت
که نمونه‌ی مشخص آن قیام "خواهران ترانگ" در آغاز عصر ما بود. بی‌نظیر بودن آن در این
واقعیت نهفته است که قیام "مه لین" به رهبری دو خواهر با واکنش مساعد همگانی (۲۲)
(از طرف مردم و رؤسای نظامی و غیرنظامی در تمام ۶۵ شهرستان یعنی همه کشور) روبرو شد.
واکنش مساعد همگانی تمام کشور به نفع "خواهران ترانگ" برای نجات ملی واقعاً
حادثه‌ی نادری در تاریخ محسوب میشود. میتوان گفت این یک قیام هماهنگ و یک قیام خلقی بود

* در چین نام یکی از ما موران رتبه‌های نه‌گانه که حق دارند کلاه دکمه‌دار بر سر بگذارند.

که رشد آگاهی رؤء ساو افراد قبایل مختلفی را منعکس میکرد که پادشاهان قدیم اولاک را تشکیل میدادند.

قیام به رهبری " خواهران ترانگ " پیروز شد. استقلال ملی دوباره بدست آمد. این خواهران دولت وارثی را تشکیل دادند. سه سال بعد تجاوز کاران دوباره به کشور حمله کردند و ارتش جوان این خواهران از آنها شکست خورد.

قیام " لای بی " در اواسط قرن ششم در مقیاسی بزرگ صورت گرفت و پیروز شد زیرا در این قیام، همزمان تمام جنگ جوانان دلیرانواحی مختلف علیه حاکمیت خارجی بسیج شدند و توانستند در طی سه ماه در یک قیام آن را براندازند. سپاهیان شورشی " لای بی " فوراً " شهر " لانگ بین " را تصرف کردند و دو حمله ای متقابل ارتش تجاوزکار " لونگ " را خنثی کرده و آنها را شکست دادند.

بعد از پیروزی، دولت " وان خوان " و ارتش دولت مستقل تشکیل شد. در جنگ مقاومت ملی بعدی سپاهیان " لای بی " شکست خوردند. اما " تریوکوانگ فوک " نیروها را دوباره سازمان داد و به پایگاه " دات راج " عقب نشینی کرد و استراتژی جنگ طولانی (۲۴) را برگزید. بدین طریق به حملات کوچک و درگیری های پراکنده دست زد و از یورش ناگهانی و شیخون جهت تحلیل قوای دشمن استفاده کرد. آنگاه با استفاده از سی نظمی های حاکم بر دودمان " لونگ "، حمله کرد و تجاوزکاران را شکست داد و استقلال را به کشور برگرداند. دولت مستقل " وان خوان " بیش از نیم قرن دوام یافت. این پیروزی بزرگی برای مردم مادران زمان محسوب میشود. بدین سان نظریه ای جنگ طولانی و خسته کننده پدید آمد. تاکتیک های حملات کوچک، درگیری های پراکنده، یورش های ناگهانی و شیخون ها به سطح جدیدی توسعه یافت.

در طی سه قرن بعد از شکست دولت " وان خوان " خلق ماهر گزار قیام متحدانه دست بردار داشت و شورش های زیادی را سازمان داد. سپس در قرن دهم این مبارزات قوام یافت و تا تکیه بر این جنبش و در حالیکه سلسله ای " تانگ " توسط شورش های مداوم دهقانی ضعیف شده بود، حاکم " تانگ " اخراج و کشته شد و " کوک توادو " با پشتیبانی مردم قیام کرد و خود را حاکم خواند. بدین وسیله حاکمیت ملی دوباره بدست آمد. در طی بیست سال بعد، این حاکمیت به آزمایشات سختی گذاشته شد و پی در پی از دست رفت ولی دوباره بدست آمد. فقط در سال ۹۳۸ بود که ارتش " نگوکوین " با پیروزی رودخانه ای " باچ دانگ " تجاوزکاران " نامهان " را شکست دادند و ملت ما واقعاً استقلال خود را بازیافت. این جنگ دلیرانه ای دریایی که در آن کشتی های جنگی و ... مورد استفاده قرار گرفت نشانه ای پیشرفت و توسعه ای ارتش ملی در آن زمان است. " لوان هو " ی مورخ در ستایش پیروزی درخشان " نگوکوین " مینویسد: او ارتش تازه تا سیس یافته ای ملت " ویت " را برای شکست صد ها هزار سپاه " لوهوانگ تائو " بکار برد. او از تاکتیک های زیرکانه استفاده کرد و دولتی بنانهاد و خود را پادشاه خواند. بدین طریق یکبار دیگر جلوتجاوز مهاجمین را به کشور گرفت.

پیروزی " باج دانگ " نقطه‌ی عطف مهمی در تاریخ مامحسوب میشود . آن آغاز دوره‌ای بود که طی آن ملت ما استقلال کامل خود را به دست آورد ، دولت فئودالی آبادتری را برپا کرد ، آتراتوسعه دادو بالاخره استقلالش را برای قرن هاتضمین و نگهداری نمود . در طی سلسله های مختلف دولت مرکزی فئودالی ، روش های کامل تری را برای ایجاد واستحکام ماشین دولتی در مرکز و سطوح گوناگون محلی ، تسریع ساختمان اقتصادی و توسعه‌ی فرهنگی و استحکام و تقویت دفاع ملی پیدا کرده بود . خلق ماتحت رهبری طبقه‌ی فئودال (که نقش مثبتی در توسعه‌ی ملی داشت) به جنگ های مختلفی جهت دفاع از سرزمین پدری و حفظ استقلال ملی دست زد . هرگاه سرزمین ماموقتا " بدست دشمن می افتاد ، خلق مابا قیام های مسلحانه و جنگ های آزادی بخش استقلال کشور را پس می گرفت .

توسعه‌ی نیروهای مسلح ملت در این دوره با این جنگ ها و قیام ها رابطه‌ی نزدیک داشت و توسعه‌ی همه جانبه‌ی دولتی مستقل را که برپایه‌ی یک رژیم فئودالی (که تدریجا " در همه " زمینه ها ریشه می گرفت) بنا شده بود ، منعکس میکرد .

تفاوت برجسته " میان نیروهای مسلح دولت فئودالی در کشور ما و دولت های فئودالی اروپا عبارت است از تفاوت بین سیستمی که در آن " همه " مردم سربازند " و سیستمی که برپایه‌ی " مزدور " بنا شده است . سیستم " مسلح کردن خلق " در اروپا که انگلس بدان اشاره کرده تنها در اوایلین سال های انقلاب بورژوازی فرانسه به ظهور رسید .

سیستم " همه‌ی مردم سربازند " تدریجا " و در طی سلسله های مختلف تکامل یافته است .

دردوری " دین له " بعد از سرکوبی شورش " دوازده سکوان " (فرماندهان ترسش فئودالی) دولت مرکزی فئودالی جدید به سرشماری جمعیت جهت سربازگیری پرداخت . نیروهای مسلح چنان سازماندهی شده بودند که " افراد در صورت لزوم احضار میشدند (. . .) و بعد از انجام خدمت به مزارع خود برمی گشتند " (۲۵) بهمین دلیل است که دولت فئودالی در آن زمان بدون آنکه نیروی خیلی بزرگی در خدمت دائم داشته باشد ، میتواند ده لشکر که در حدود یک میلیون نفر میشدند تحت رهبری ژنرال " لهون " تشکیل دهد . این رقم مبیاید تمام افرادی را که از نظر جسمی توانایی داشتند در برگیرد . این در واقع نوعی مسلح کردن همه مردم به حساب می آید . واقعیتی نادر در دوران فئودالی که برای چنین ملت کوچکی چون ملت ما جهت جنگ علیه تجاوز خارجی کاملاً لازم بود .

توسعه‌ی همه جانبه‌ی دولت مستقل فئودالی تحت حکومت " لای " را میتوان در سیستم و سیاست های مربوط به سازمان نیروهای مسلح مشاهده نمود . سیاست های " نگوبین اونونگ " مبتنی بود بر گاردن افراد نظامی در مزارع و بردن خدمات نظامی به روستا (یعنی کشاورزان سرباز بودند و سربازان هم کار نظامی میکردند و هم کار کشاورزی) . حکومت " لای " جمعیت مرد را به دو گروه سنی یکی " هونگ نام " ۱۸ تا ۲۰ ساله و دیگری " دای هونگ نام " ۲۰ تا ۶۰ ساله (که همه آنها میبایستی اسم نویسی کنند و به نوبت خدمت ارتشی انجام دهند) تقسیم کرده بود همه این افراد در زمان جنگ احضار میشدند .

در زمان حکومت "تران" سازمان نیروهای مسلح بر اساس سیستم بسیج نیروهای همه خلق قرارداد داشت. بسیج نیروهای خلق بر طبق نظریه "تران کوک توان" یعنی "همه دست به دست هم دهیم" (که در مفهوم "همه سربازند" مستتر می‌باشد) صورت می‌گرفت. "فان هوی جوی" مورخ اظهار داشت "در آن دوره ارتش خیلی قوی بود. طبق معمول لشکریان رادرمکان های راحتی در زمان صلح جای میدادند و آنها نیز در موقع بروز جنگ با رغبت می‌جنگیدند. بدین طریق در زمان حکومت "تران" همه سرباز بودند. بنابراین آنها دشمنان ظالم را شکست میدادند و موقعیت ملت را مستحکم میکردند. سیستم کاملاً مشخص سازماندهی ارتش، در زمان حکومت "تران" منعکس کننده رشد آشکار و استحکام سیستم فئودالی در طی سه قرن فعالیت در زمان صلح می‌باشد.

بر اساس نظریه "همه سربازند" و در رابطه با اشکال منسجم سازمانی، دولت فئودالی انواع گوناگون سپاه را شرح زیر ایجاد کرد: سپاهیان ملی تحت فرمان دربار، سپاهیان ایالتی تحت فرمان رجال و رؤسای قبایل، نظامیان روستا، نظامیان بومی و محلی در هر دهکده یا محل. سپاهیان ملی در زمان سلسله‌های "دین" و "له" سپاهیان شاه در زمان "لای" و "تران" گاردهای پیاده و یاکاردهای سلطنتی نامیده میشدند. آنها مانند نیروهای منظم امروزی در خدمت دائم بودند. تا آنجائیکه به سپاهیان روستا مربوط میشود، آنها در زمان صلح برای کار به مزرعه فرستاده میشدند و در زمان جنگ بر طبق فهرستی فراخوانده میشدند. آنها را سربازان "بیرونی" مینامیدند که شبیه نیروهای ذخیره‌ی امروزی است. "هونگ بین" (سپاهیان روستا) و "توبین" (سپاهیان محلی) توسط قدرت های فئودالی سازمان داده میشدند تا در زمان صلح نظم فئودالی را در دهکده برقرار کنند و در زمان جنگ همراه با مردم (به عنوان نیروهای مسلح توده‌ای) علیه تجاوزکاران بجنگند. در طی ده قرن مبارزه برای استقلال، نیروهای مسلح خلق ماعدتاً از سپاهیان شورشی همراه با شرکت توده‌ها در زمان قیام تشکیل میشد. در حالیکه هنگام ساختمان و تقویت استقلال ملی نقش ارتش برای دفاع ملی در جنگ‌های میهنی برجسته میشد. این ارتش، ارتش منظم دولت مستقل فئودالی در کشور ما بود. سازمانی که تدریجاً تکامل یافت. ارتش "لای" شامل سربازان پیاده، سواره نظام، فیل سواران و نیروهای دریایی میشد. آنها نه تنها بانیزه، تیروکمان و غیره بلکه با منجنیق برای پرتاب سنگ مجهز بودند. سپاهیان "تران" مجهز به نوعی توپ ابتدائی بودند. مردم با توجه زیادی به مسلح کردن ارتش کردند. آنها میدانستند که چگونه سلاح‌های موثر و مواد جنگی را برپایه سطح توسعه‌ی نیروهای تولیدی بسازند. آنها همچنین توجه زیادی به تغذیه‌ی کافی سربازان نمودند و از این مسأله که زندگی سربازان به غذای خوب بستگی دارد، آگاهی داشتند. تعداد افراد در "خدمت دائم نظامی" زیاد نبود، اما آنها تعلیم دیده بودند و در صورت بروز جنگ چنین نیروئی با سرعت میتوانست توسعه و گسترش یابد. به تعلیم سپاهیان نیز توجه زیادی میشد. "تران کوک توان" کتاب‌های "بین تویولوک" (کتاب‌های درباره‌ی فن نظامی) و "وان کیپ تونگ بین تروین توی" (بررسی استراتژی و تاکتیک های نظامی) را برای کمک به تعلیم افسران و افراد نظامی

قوانین سازمان نظامی دولت فتودالی توسط " فان هوی چو " ی مورخ درکنایش بنام " بین چمچی " (رساله‌ای درباب سازمان ارتش) که جزئی از اثر بزرگ " لیج تریوهین - چونگ لوچی " و یاعناوین ۱ - رتبه‌های نظامی ۲ - روشهای سربازگیری ۳ - مقررات تدارکات و جیره‌ی سربازان ۴ - روش‌های تعلیم نظامی ۵ - امور ممنوعه ۶ - روشهای آزمایش ۷ - مقررات تشریفات شرح داده شده است . این امر مؤید درجه‌ی نسبتاً کامل سازمان نظامی در زمان های گذشته و هوشیاری اجداد ما است که پس از سالیان دراز صلح توجه زیادی به ایجاد نیروهای نظامی ، تشویق مردم به شرکت در تعلیم نظامی و استحکام دفاع ملی برای دفاع از استقلال ملی مینمودند . طبیعتاً ارتش دولت فتودالی نه تنها وظیفه‌ی " دفاع از کشور " را به عهده داشت بلکه وظیفه‌ی " سرکوب شورش ها " یعنی سرکوب مبارزات مردم رادار کشور عهده داز بود .

بمحض اینکه خلق ما استقلالش را به دست آورد دولت ی بازیربنای محکم برپا کرد ، میهن پرستی و روحیه‌ی جنگی شکست ناپذیر آنها به اوج تازه‌ای رسید . در حالیکه در دوران حاکمیت بیگانه چنین روحیه‌ای در عزم راسخ آنها در جنگ برای کسب استقلال مستتر بود ، در زمان استقلال این روحیه‌ی میهن پرستی بشکل اتکاء به نفس جهت ساختمان کشور ، پافشاری در جنگ برای حفظ تمامیت ارضی ، نگهبانی از سرزمین زیبائی که اجدادشان با دادن قربانی‌های فراوان به ارث گذاشته و با مهارت و عرق جبین آنرا آباد کرده بودند ، تجلی یافت . خلق ما با این میهن پرستی و روحیه‌ی عالی و همراه با نیروهای مسلخی که بر مبنای سیستم آبادترینا نهاده شده بود به علت نبوغ نظامی قهرمانان ملی ما ، توانست به پیروزی های بسیار درخشانی در دفاع از کشور در این دوره دست یابد . کشور ما هر چند در کلیه‌ی زمینها آباد و پیشرفته بود اما همچنان کشوری کوچک باقی ماند . خلق ما با تکیه بر سیستم " همه سربازند " و بوسیله‌ی ارتش های کوچک اما تعلیم دیده توانست باشکوه تمام بسیاری از بزرگترین ، قویترین و وحشی‌ترین ارتش های تجاوزکار رادار آن دوره شکست دهد و استقلال و آزادی سرزمین پدیری را پاسداری کند .

ژنرال " له هون " ارتش تجاوزکار " سونگ " رادرنبرهای " چی لانگ " و " باج دانگ " شکست داد .

" لای تونگ کی یت " در حمله به سرزمین دشمن ابتکار عمل را به دست گرفت و بدین وسیله پایگاه های مهم تجاوزکاران را که میخواستند با آنها جنگ را آغاز کنند ، نابود کرد . در طی جنگ مقاومت که بعداً " اتفاق افتاد ، صفوف لشکر دشمن بوسیله‌ی ارتش بزرگ دربار (آنها در چندین نبرد در کنار خطوط دفاعی رودخانه‌ی " نونگویت " شرکت کردند و بیش از نیمی از نفرات دشمن را نابود ساختند) مورد حمله قرار گرفت . همچنین دهها هزار نفر سپاهی به اضافه‌ی گاردهای محلی روستائی (" توبین " و " هونگ بین ") در عقب جبهه ، به دسته‌های کوچک جنگی و ترابری دشمن در رابطه با ارتش اصلی حمله میکردند . در ناحیه‌ی " لانگ سونگ " مردم " تی " به فرماندهی " تان کان فوک " به جنگل غلب نشینی کرده

وازتاکتیک های غافل گیری وشیخون وغیره بهبترین وجهاستفادهکردند . بدینطریق هماهنگی جنگی بینارتش اصلیونیروهای ایالتی کهمنجربه عملیات استراتژیکی حمله بهدشمن (ازجلوبه عقب) گردید ، به منصهی ظهور رسید . این نوع ترکیب جنگی درواقع نمودی بی نظیر و خلاق درفن نظامی ملتی کوچک درجنگ علیه تجاوزکاری نیرومند تربود . جنگ تجاوزکارانهی " سونگ " شکست خورد . " سونگ " به ناچارکشور مارابه عنوان پادشاهی مستقل به رسمیت شناخت .

درطی سه جنگ مقاومت علیه مهاجمین " یوان مفلو " ، درقرن سیزدهم بخاطر وجود ارتش وگارد های محلی که براساس سیستم " همه سربازند " سازماندهی شده بود ، " ترانکوک توان " هوشیارانه توانست تاکتیک های نبردهای متمرکز و بزرگ بوسیلهی ارتش منظم راباحملات کوچک گاردهای محلی وروستایی و مردم مسلح (ازابتدانا پایان جنگ) ترکیب کند . واضح بودکه ارتشنقش مهم ، مستقیم و تعیین کننده داشت . بسیاری از نبردهای مهم نابودکننده در " دنگ بودا " ، " هم تو " ، " چونگ دونگ " ، " وان کی پ " ، " باج دانگ " و غیره پیروزمندانه بهمر رسید .

امالخطی مسلح تعدادشان زیادبودونقش بسیارمهمی رانیزبازی کردند . مردمی که درنواحی کوهستانی بودند ، ازنقل وانتقال نیروهای دشمن مانع بعمل آورده وآنها را دریک جامیکسوب می نمودند . بدین وسیله نیروهای دشمن به تحلیل میرفت وبسیاری از آنها نابود میشدند . نیروهای نظامی بومی درنواحی " دلنا " بادشمن می جنگیدند و درواقع از دهکده های خودبه عنوان پایگاه های اصلی استفاده میکردند . از زمان های قدیم مردم ماتجربه ی جنگ دردهات را داشته که میتوان آنها را " دهات مبارز " (مانند دهکده های کنونی) نامید . مردم همچنین سعی میکردند که انبارهای غذایی خود را مخفی کنند و " خانه باغهای خود را خالی و غریبان " برای دشمن بجای گذارند ا دشمن را دچار مشکل تهیهی غذا سازند . عبارت " ناتارها رابکشید " که بریازوان افسران و سربازان خال کوبی شده بود ، بیان گر عزم راسخ مردم برای مقاومت ، آمادگی جنگی وقربانی دادن درآن زمان میباشد . این جنگ درواقع جنگی توسط تمامی خلق بودویک جنگ واقعی در دوران فئودالی به شمار میرود . سپاهیان تجاوزکار " یوان مفلو " که آسیا و اروپا را به ویرانی کشاندند و دولت های بسیاری را فتح و از نقشه ی دنیا محو ساختند ، به ویتنام نیز سه بار حمله کردند و در هر سه بار از خلق ویتنام مفتضاحانه شکست خوردند . پیروزی بزرگ جنگ مقاومت در عصر " تران " بهرهبری قهرمان ملی " تران کوک توان " اصولاً مرهون اتحاد نیروهای ملت بود . " تران کوک توان " در جمع بندی این تجربه از سطح نسبتاً بالای رشد و توسعه ی سازمان نظامی در آن زمان ، کار آیی زیاد ارتش و مردم مسلح در جنگ برای دفاع از میهن یاد میکند . این پیروزی بسیار درخشان در جنگ میهنی ای بدست آمد که برپایه ی سیستم فئودالی برپا شده بود ، آنها در شرایط کشوری که در کلیه ی زمینه ها یادونیرومند بود و فعالانه خود را برای دفاع ملی در طول صدها سال صلح آماده کرده بود .

گروه فئودال " تران " در حدود اواسط قرن چهارده روه اضمحلال گذاشت و برستم و

استثمار خلق افزود. شورشهای پی در پی دهقانان و رعایای داخلی در طول تقریباً نیم قرن به ظهور رسید. " هوکی لای " از این فرصت استفاده نمود و تاج و تخت را تصاحب کرد و سلسله ی " هو " را بنیان نهاد. مردم اتفاق نظر نداشتند. مقاومت علیه تجاوز کاران " مینگ " که توسط " هوکی لای " سازمان یافت، تنها بر ارتش، سلاح های مدرن و قلعه های نظامی و نه مردم - نکیه نمود. بدین جهت جنبش مقاومت به شکست گرایید.

اما تجاوز کاران نتوانستند حاکمیت خود را بر خلق تحمیل کنند. لذا شورش های زیادی بوقوع پیوست. " لهلوا " قیام خود را در " لام سون " با کمک دوهزار شورشی شروع کرد. این قیام به جنگی آزادی بخش مبدل شد. نیروی او از سپاهیان شورشی مردم مسلحی که با ندای اوقیام کرده بودند، تشکیل میشد. در هنگام گسترش و تبدیل قیام به یک جنگ آزادی بخش، شورشیان در یک ارتش سازمان یافتند و در لحظه ی پیروزی تعدادشان از دویست هزار تجاوز میکرد. آنان به عنوان وارث و تکمیل کننده ی تجربه ی سلسله های سابق " لای " و " تران " از سازماندهی کاملی برخوردار بودند.

جمله ی مشهور " نگوین ترای " مبنی بر " چو بدست های خود را هم چون پرچم — افزایش دهد تپی دستان را از اقصای نقاط در زیر آن گرد آورید (۲۶) " منعکس کننده ی ویژگی نوده ای نیروهای شورشی است. پرچم شورشیان ساقه ی نی بود و نیروهای شورشی از تپی دستان و روستائیان بی زمین تشکیل میشد. میتوان گفت که اینان همان نیروهای عظیم دهقانان زحمتکش کشور ما بودند که زیر پرچم ملی " لهلوا " و " نگوین ترای " گرد آمدند و برای تقریباً پنجاه سال در قرن گذشته علیه فئودال های " تران " بدون هیچگونه موفقیتی جنگیدند. بعلاوه قیام " لام سون " در شرایطی بروز کرد که با شرایط ده قرن حاکمیت خارجی پیش از آن تفاوت داشت. کشور ما برای بیست سال تحت سلطه ی " مینگ " به حیات خود ادامه داد، اما پیش از آن مردم ما دولت فئودالی مستقلی را بنیان نهاده بودند و برای تقریباً پنج قرن استقلال خود را با شکست های پی در پی متجاوزین و دشمنان نیرومند حفظ نمودند و استحکام بخشیدند. بنابراین با وجود اینکه آنها در سالهای نخستین با مشکلاتی روبرو شدند و میبایست پیش از یک بار به جنگ عقب نشینی کنند و به زد خورد های کوچک و بزرگ علیه تهاجم دشمن بپردازند، نیروهای شورشی سریعاً رشد کردند. به ویژه بعد از آنکه آنها در یک حمله ی دقیق، " نگه آن " را اشغال کردند و از آن بعنوان سکوی پرشی برای رهایی " تان هوا " " تان بین " و " توان هوا " به ترتیب استفاده کردند. نیروهای شورشی همه جا توسط مردمی که به پشتیبانی از آنها برخاسته بودند، همراهی میشدند و این مردم به آنها غذا و تدارکات میدادند، به آنها می پیوستند، خود را مسلح میکردند، و همراه آنان می جنگیدند تا دشمن را محاصره و نابود سازند. حکومت خارجی را در نواحی مختلف براندازند و مناطق بزرگی را آزاد کنند.

" مینگ " ارتشی متشکل از صدهزار نفر که همصدا و همفکر بودند به کمک فرستاد. این ارتش با ارتش یک میلیونی " هو " که وحدت کلمه نداشتند فرق میکرد. " لهلوا " و " نگوین ترای " و سرداران برجسته ی آنها نبردهای بزرگی را برپا کردند و پیروزی های درخشانی —

رادر " تات دونگ " (چودانگ و چی لانگ) و " چونگ کبانگ " به دست آوردند و صدها هزار نفر از سپاهیان دشمن رانابود کردند . مردم در نواحی گوناگون در پاسخ به ندای آنها قیام کردند . " شورشیان در هر جا بوسیله ی گروه های بزرگی از مردم همراهی میشدند و در طول راه با شراب از آنها پذیرایی میشد . آنها پیروزی های بیشتری در جنگ به دست آوردند و دشمن را هم چون اشیاء و چوب پوسیده نابود میکردند (۲۷) " مردم همچنین با حیل های گوناگون در جنگ مستقیم با دشمن شرکت میکردند . یک مسافر خانه دار زن از خانوادگی " لونگ " در قلعه ی " کولونگ " برای نابودی دشمن و تصرف قلعه حیل های اندیشید . بعدها وی از " له لوا " لقب " سازنده ی کشور " را دریافت کرد .

" نگوین ترای " همچنین به اعتقادات عناصر دشمن حمله میکرد و برای بی اعتقاد ساختن آنها با کارت تبلیغاتی دست میزد و دشمن رادر بسیاری از شهرها از جمله در " تگهان " ، " دی - یین چو " ، " تی چو " و " دونگ کوان " مجبور به تسلیم کرد . بدین ترتیب صدهزار سپاهی دشمن تسلیم شدند و دهها هزار از مزدوران محلی به جبهه ی خلق پیوستند . پیروزی جنبش مقاومت علیه " مینگ " ، پیروزی جنگ خلق تحت رهبری " له لوا " و " نگوین ترای " بود . اما برخلاف جنگ میهنی به رهبری " تران " ، این جنگ قیامی ملی بود که به جنگی آزادی بخش مبدل شد . جنگی که در طی آن شورشیان ، ارتشی را تشکیل دادند و در رابطه با قیام های مردم جنگیدند . به محض اینکه پرچم شورشیان بالا میرفت مردم همچون لانه ی زنبور شورش میکردند و به طرق گوناگون می جنگیدند . زمانی همچون رعده برق بر سر دشمن فرود می آمدند و زمانی دیگر هم چون مورچگان که در زیر سنبق میزنند و موجب ویرانی آن میشوند ، عمل مینمودند . بدین وسیله نیروهای دشمن رانابود میساختند و حاکمیت دست نشاندهگان محلی بیگانه را بر می انداختند . تمامی کشور را آزاد میکردند و استقلال ملی را باز میگرداندند . بدون قیام خلق ، بر انداختن حاکمیت دست نشاندهگان محلی وابسته به قدرت های خارجی ممکن نمی بود و شورشیان نمی توانستند نفوذ و اعتبار بیشتر و محیطه ی عمل وسیع تری داشته باشند . اما بدون سپاهیان شورشی که بعداً " به ارتشی تبدیل شدند و توانستند در جنگ های بزرگ نابودکننده ای شرکت جویند ، شکست تجاوزکاران در جنگ و پاشیدن دستگاه حکومت خارجی غیر ممکن بود . ترکیب ارتش ملی و خلق مسلح در مقایسه با جنگ دفاع ملی با رهبری " تران " پدیده ی جدیدی بشمار میرفت و مشخصه ی آن - قیام های گسترده ی خلقی بود .

" له لوا " و " نگوین ترای " پس از پیروزی به سرعت به نوسازی کشور پرداختند تا کشور رژیم فئودال مرکزی را آبادتر سازند . تکامل و توسعه ی سازمان نظامی با فرمان " له لوا " از این شکوفائی حکایت میکند ، با مهارت گرفتن و توسعه ی سنت " همه ی مردم سربازند " و تجارب " لای " ، " تران " و " له " ، همچنین سپاهیان سلطنتی رادر سطح مرکز سازمان داد و سپاهیان ایالتی رادر نواحی مختلف نظامی ، گاردهای دهکده و نیروهای نظامی بومی را همه جا ایجاد کرد . رجال از خود سپاهی نداشتند و ارتش به حدود یکصد هزار سرباز دائمی کاهش یافت و بقیه از خدمت مرخص شدند . یک سیستم ثبت نام برای سرباز -

گیری واحضار نفرات در زمان جنگ دایر گردید . " اسامی و مشخصات افراد در دفاتری ثبت میگردد و هر سه سال یکبار برای رفع اشتباهات در آن تجدید نظر میشود . در زمان احتیاج ، احضار سربازان و همچنین غیرنظامیان بر طبق این آمار صورت میگرفت و در واقع همه مردم سرباز میشدند . " این تجربه در زمان صلح برای سازماندهی نیروهای مسلح به منظور تقویت دفاع ملی و در رابطه با بازسازی اقتصادی تکرار میشد تا بدینوسیله مردم را برای دفاع از میهن در زمان تجاوز بیگانه آماده کند .

طبیعتاً این کار هدف دیگری نیز در برداشت و آن استحکام بخشیدن به حاکمیت دولت فئودالی بود .

حکومت فئودالی در کشور ما در قرن شانزدهم از قدرت به زوال گرائید . برای چند قرن سپاهیان فئودالی در نابودی حکومت یکدیگر شرکت داشتند . جنگ داخلی میان " ترین " و " مک " بیش از نیم قرن ادامه یافت و بعد از آن نیز جنگ داخلی خونین دیگری به مدت پانزده سال میان " ترین " و " نگوین " جریان داشت که منجر به تقسیم کشور برای مدت بیش از یک قرن گردید .

فئودال هاروبه زوال برفشار و استثمار دهقانان افزودند و از ترس شورش مردم ، دستور جمع آوری اسلحه گرم را صادر کرده و تولید آنهارا محدود نمودند . آنها از ارتش خود برای سرکوب بی رحمانه ی مزارات دهقانان استفاده کردند . قیام های گسترده و جنگهای دهقانی یکی پس از دیگری (بخصوص در قرن هیجدهم) به وقوع پیوستند که در اوج خود به قیام " نای سون " به رهبری " نگوین هو " منجر گردید .

قیام " نای سون " بیانگر مرحله ی جدیدی از قیام و جنگ بود و هماهنگی خلق مسلح و ارتش را در کشور نشان میداد . این قیام از جنبش دهقانی آغاز گردید و رفته رفته به یک جنبش ملی تبدیل شد (و با اینکه از ترکیبی از هر دو آغاز گردید) . در حالیکه طبقه ی روبه زوال فئودال تسلیم تجاوز کاران میشد ، " نگوین هو " ، قهرمان ملی و رهبر برجسته ی جنبش دهقانی ، پرچم نجات ملی را برافراشت . بنابراین قیام دهقانی و جنگ ملی در آن زمان از نیروی فراوان تهاجمی برخوردار بودند .

در آغاز شعار شورشیان یعنی " از ثروتمندان بگیرد و به مستمندان بدهید " ، دهقانان و مردم فقیر را تشویق به قیام نمود . این شورش گسترش فراوان یافت و به جنگ دهقانی برای برانداختن رژیم فئودالی در کشور و سپس به جنگ ملی برای شکست تجاوز فئودال های بیگانه مبدل گشت .

نیروهای مسلح قیام دهقانی (که به جنگ ملی تبدیل شد) از نیروهای شورشی تشکیل میشود و به تدریج بصورت ارتشی سازمان یافت که در آن دهقانان و دیگر طبقات خلق بطور وسیع شرکت داشتند . این بمنزله ی توسعه ی بیشتر سازمان نظامی خلق مآاز نقطه نظر اهداف سیاسی و همچنین اندازه و وسعت نیروها ، درجه ی سازماندهی و فن نظامی آن بشمار میرود . اولین نیروهای شورشی در " نای سون " بطور آشکار از یک دسته ی مسلح از مردم فقیر (دهقانان ، صنعتگران و غیره) تشکیل میشد که خود را با سلاح های گوناگون

(ساقه‌های نی ، نیزه ، شمشیر ، اسلحه های گرم) مجهز کرده بودند . در طی قیام ، سپاهیان " نگوین‌هو " راهمه جا مان و دیگر مردم ستم‌دیده که دست به دست هم داده بودند ، همراهی کردند ، به شورشیان پیوستند و قدرت طبقه ی فئودال روبه زوال رادرهم شکستند . شهرت و اعتبار " نگوین‌هو " خیلی زیاد بود . سپاهیان او از نظر نفرت سریعاً رشد کردند و به تدریج در ارتش " نای سون " تشکیل یافتند . این ارتشی دهقان‌سی بود که بعداً " تبدیل به یک ارتش ملی شد . این ارتش از سطح سازماندهی و تجهیزات بالایی برخوردار بود که شامل پیاده نظام ، سواره نظام ، فیل سواران و نیروی دریایی میشد و با سلاحهای گرم و توپهایی با قدرت های گوناگون مجهز بودند . بعلاوه آنها انواع گوناگون کشتی‌های جنگی (که بزرگترین آنها قادر بود فیل‌های جنگی و صدها سپاهی و تنگ‌های بزرگ را حمل کند) . در اختیار داشتند . " نگوین‌هو " همچنین از توپهایی که روی قایق های فیل‌ها سوار شده بودند بعنوان نوعی آتشبار متحرک استفاده مینمود .

ارتش قدرتمند " نای سون " که بوسیله " نگوین‌هو " رهبری میشد ، باتکيه بر شورش مردم و عمدتاً دهقانان و دیگر طبقات فقیر و با استفاده از تاکتیک های زیرکانه و متحرک بسیار به پیروزی های جدیدی در تاریخ مادت یافت .

پس از نبردهای مشهور بسیاری از جمله ، حمله به قلعه ی " کی‌نون " ، " تصرف کوانگ نگای " ، آزاد ساختن " فوین " و پنج حمله ی موفقیت آمیز به قلعه ی " گی یادین " ، " نای سون " حاکمیت فئودال های " نگوین " را که بیش از دو بیست سال فرمانروایی کرده بودند ، برانداخت . آنگاه با پیروزی درخشان " راج گام - خوی موت " که در آن دهها هزار از سپاهیان سیامی نابود شدند ، " نگوین‌هو " این حمله ی تجاوزکارانه رادرهم شکست .

این ، نقل و انتقال سریع سپاهیان را به دنبال داشت . در طی آن " نای سون " قلعه ی " فوخوان " را تصرف کرد و به طرف رودخانه ی " گیان " حرکت نمود و با پشتیبانی قیام خود به خودی مردم ، سپاهیان " ترین " را شکست داد و طی ده روز آنها را ریشه کن کرد . " ارتش یک مرتبه بطرف دریای شمالی حرکت کرد (۲۸) ، " نگوین‌هو " ناگهان به " وی هونگ " حمله برد و " تانگ لونگ " * را آزاد کرد و در کمتر از یک ماه حاکمیت فئودالهای " ترین را که تقریباً سیصدسال دوام آورده بودند ، برانداخت . بدین ترتیب اوشالوده‌ی - اتحاد ملی را از " یک‌ها " تا " گیادین " ریخت .

دسته ی فئودال های " له " که سعی داشتند تاج و تخت را از دست ندهند از تجاوز - کاران " چینگ " کمک گرفتند . " نگوین‌هو " در رویارویی با خطر اشغال بیگانه ، ارتش خود را به سوی شمال حرکت داد . " نگوین‌هو " این قهرمان ملی که لباسی ژنده میپوشد و تا آن موقع امپراطور شده بود ، با حرکت برق آسای سپاهیان خود و با اراده ی خلل ناپذیر برای احراز پیروزی در جنگی واحد ، تصمیم گرفت به تجاوزکاران بفهماند که " کشور قهرمان و بیتنام سرور و آقایی خواهد (۲۹) " ، او توانست ارتش دو بیست هزار نفری " چینگ " را طی پنج روز در

* نام سابق هانوی

نبرد افتخارآفرین " نگوک هوی - دانگ دا " شکست دهدونقشه‌های تجاوزکارانه‌ی آنها را خنثی کند .

قیام " نای سون " (که ازگسترش یک‌جنبش دهقانی به جنبشی ملی بوجود آمده بود) باتکیه برشورش وسیع مسلحانه‌ی خلق وارتششی بسیار نیرومند ، سه دسته‌ی فئودال مرتجع رادزکشور برانداخت ، ارتش‌های تجاوزکار بیگانه را نابود کرد ، وحدت و یک پارچگی کشور را جامه‌ی عمل پوشاند و از استقلال ملی حراست نمود . این قیام ، یک فتح نظامی غرورآفرین و پیروزی بزرگی برای دهقانان انقلابی و ملت ما به‌شمار می‌رود که در تاریخ ملت مانظیر ندارد و در تاریخ جنبش‌های دهقانی دیگر کشورها نیز ندارد و کم نظیر است .

ملت مادر قرن نوزدهم با آزمایشی بسیار خطرناک روبرو شد . امپریالیست‌های فرانسوی تجاوز خود را علیه کشور ما آغاز کردند . این دیگر یک دشمن جدید و یک قدرت سرمایه‌دار غرب باتوان اقتصادی و نظامی فراوان بود که با تجاوزکاران فئودال سابق بسیار فرق میکرد .

رژیم فئودالی در کشور مادت هاقبل از آنکه طبقه‌ی فئودال از ایفای نقش یک نیروی مترقی در تاریخ ملی بازماند ، راه زوال را در پیش گرفته بود و سیاست‌های کاملاً " ارتجاعی این رژیم ، جامعه‌ی ویتنام را به بی نظمی و ویرانی کامل کشانده بود . حکومت فئودالی مرتبا " از ارتش خود جهت سرکوب شورهای دهقانی استفاده مینمود و این ارتش کاملاً " در - جبهه‌ی مخالف خلق قرار داشت و مردم اصلاً " از آن پشتیبانی نمی‌کردند . در همین حال دهقانان دست به دست هم دادند و صدها شورش کوچک و بزرگ را برای مخالف با حاکمیت جانفروسا و اعمال فشارهای وحشیانه‌ی طبقه‌ی فئودال برپا نمودند .

در مواجبه با تجاوز امپریالیست‌های فرانسوی و خطر قریب الوقوع اشغال بیگانه توده‌های دهقانی در سراسر کشور با خواستندولی دسته‌ی فئودال " نگوین " باهمی اصلاحات درخواستی موافقت نمودند و به اعمال فشار به خلق ادامه دادند . این فئودال‌ها به خاطر حفظ منافع تنگ‌نظرانه‌ی خود ، بجای آنکه با مردم متحد شوند ترجیح دادند در برابر تجاوزکاران سرفروا و اوردو بدین ترتیب کشور به دست امپریالیست‌های فرانسوی افتاد ولی مردم ما با وجود عهدنامه‌های ننگین حکام " نگوین " ، به جنگ و مبارزه‌ی خود ادامه دادند طی قریب به یک قرن حاکمیت فرانسویان ، مردم مارو حبه‌ی قوی و مبارز خود را پیوسته نشان دادند و بطور مداوم شورش نمودند و سپاهیان شورشی را جهت ایجاد جنبش‌های مقاومت سازمان دادند که از آن جمله میتوان از جنبش‌های " ترونک گونگ دین " ، " نگوین ترونک تروک " در جنوب و از " فان دین فونگ " ، " نگوین تین توات " ، " هونگ هواتام " و غیره در شمال نام برد . خلق ما با شجاعت بسیار در کنار شورشیان می‌جنگیدند و چون کسی از پای در می‌آمد ، فردی جای او را میگرفت . اما خلق ما نتوانستند به پیروزی برسند ، زیرا آن‌ها از یک خط مشی صحیح و رهبری درست منطبق با شرایط تاریخی یک دوره‌ی جدید برخوردار نبودند . تنها با پیدایش طبقه‌ی کارگرویتنام و حزب ما بود که تاریخ ملی ما به نقطه‌ی عطف مهمی رسید .

* * * * *

تاریخچه‌ی قیام ها و جنگ‌ها در کشور ما و همچنین تاریخچه‌ی سازمان نظامی ملت ما ثابت

کرده است که آنهاست درخشان جنگ علیه تجاوز بیگانه رادار بودند، سنتی که بر مبنای آن کشوری کوچک با اتحاد و اتفاق نیروهایش، تجاوزکاران بسیار نیرومندی را شکست داده است. قیام ها و جنگهای ملی در کشور ما در واقع قیام ها و جنگهای خلقی بشمار میرفتند و از سطح نسبتاً عالی توسعه و تکامل برخوردار بودند.

خلق ما برای اینکه این قیام ها و "جنگهای ملی" را به پیروزی رهنمون شود و در رابطه با سازمان نظامی، شعار "همه سربازند" را خیلی زود به مرحله اجرا گذاشت تا توده های وسیع خلق را در اشکال مختلف (که عالی ترین شکل آن جنگ دوش به دوش مردم مسلح و ارتش است) بسیج نماید. بدین جهت در قیام ها و جنگهای ملی، سازمان نظامی ملت ما معمولاً ترکیبی از ارتش ملی و نیروهای مسلح توده ها بود که در اشکال مختلف سازمانی و در سطوح گوناگون پیشرفت و تکامل گردآمده بودند و موقعیت و نقش های گوناگونی بر اساس شرایط و زمینه های خاص تاریخی دارا بودند (البته در مواردی خاص سازمان نظامی ترکیبی از دو عامل ارتش و مردم مسلح نبود و تنها یکی از آنها شرکت داشتند). به همین جهت قیام ها و "جنگ های ملی" در کشور ما می توانستند از مملکتی قدرت خلق بهره گیرند و فن نظامی سنتی مبنی بر قراردادن نیرویی کوچک در برابر نیرویی بزرگ و مقتدرتر "و" استفاده از کوچک برای جنگ علیه بزرگ "و" استفاده از ضعیف برای شکست قوی "را اخلاقانه بکار برند.

واضح است که ترکیب مردم مسلح و "ارتش ملی" و به عکس، به صورت یک اصل و قاعده کلی سازمان نظامی و حتی فن نظامی درآمده بود و بدین وسیله خلق و پیمانام در اعصار گذشته در قیام ها و جنگهای ملی برای دفاع از میهن و همچنین جنگهای آزادی بخش به پیروزی دست می یافتند.

سازمان نظامی اصولاً به سیستم سیاسی و ماهیت طبقاتی حکومت وابسته است. سازمان نظامی پیوسته با خصوصیات و اهداف قیام ها و جنگها رابطه نزدیکی دارد. بنا بر این اگر سازمان نظامی ملت ما توانست توده های وسیع خلق و تمامی مردم را در جنگ علیه دشمن بسیج کند عمدتاً به دلیل خصوصیت و سیرت عادلانه ای این قیام ها و جنگهای ملی است. در واقع اهداف سیاسی این قیام ها و جنگهای ملی باز پس گرفتن استقلال ملی و دفاع از آن بوده است.

در این قیام ها و "جنگهای ملی" بین سپاهیان شورشی (که توسط نمایندگان و ایادی طبقه فئودال و یا ارتش حکومت فئودالی سازمان می یافتند) و توده های وسیع خلق، از نقطه نظر مصالح ملی و اهداف جنگی اتفاق نظر وجود داشت، هر چند چنین اتفاق نظری بعلت ماهیت طبقه فئودال و شرایط تاریخی، از محدودیت هایی برخوردار بود. به همین دلیل نیروها و ارتش های شورشی بر میهن پرستی دوآتشه، همبستگی ملی و روحیه سرکش جنگی مردم تکیه میکردند. به همین جهت مردم نیز فعلاً به ارتش می پیوستند، از آن پشتیبانی به عمل می آوردند و در مبارزه مستقیماً شرکت می جستند و بدین طریق هماهنگی و اتحاد ارتش و مردم مسلح را بوجود می آوردند. نیروهای "هونگ بین" و "توبین" نیز

قادر بود قدرت رزمی خود را به معرض نمایش بگذارند. بعضی اوقات نیروهای مسلح خلق میتوانستند گسترش یابند و در اتحاد جنگی با ارتش ملی، قدرت کشور را افزایش دهند. سیستم " همه سربازند " به شهروندان میهن پرست این امکان را میداد که در مبارزات برای نجات ملی شرکت جویند. برای دفاع از کشور کمک کنند.

همانطور که دیدیم طبقه فئودال نیز با تبلیغ اشکال معینی از دموکراسی به جمیع مردم برای پیکار و مبارزه دست زد. قهرمانان ملی دارای نظریات مترقی در ایجاد ارتش بودند. این خود منعکس کننده ی سیرت عادلانه ی قیام ها و جنگهای ملی بود. این قهرمانان، سربازان و افسران خود را تعلیم میدادند تا " خود را وقف ملت کنند "، " مرگ افتخار آفرین را بر زندگی ننگین ترجیح دهند "، " هم چون پدر و فرزند متحد باشند " و " به همبستگی افراد بیش از کمیت آنها توجه کنند ".

در حالتی که حکومت فئودالی از ارتش نه برای " دفاع از کشور " بلکه برای " سرکوب قیام کنندگان " یعنی سرکوب خلق استفاده می‌جست و یا اینکه در مواجهه با تجاوز بیگانه، منافع تنگ نظرانه ی خود را بر منافع ملی مقدم میداشت و ارتش به جای جنگ علیه تجاوز کاران، برای سرکوب جنبش دهقانی بهره می‌گرفت، اوضاع کاملا متفاوت بود. این حالات معمولا در دوران زوال طبقه ی فئودال پیش می‌آمد. سیستم " همه سربازند " بعدا لغو شد و ثبت نام در ارتش فئودالی برای مردم همچون عذاب شده بود. تضادهای آشتی ناپذیر میان طبقه ی فئودال و خلق حدت بیشتری یافت. مردم علیه حکومت فئودالی و ارتش مرتجع آن به اشکال گوناگون از جمله مبارزه ی مسلحانه قیام نمودند و با تشکیل سازمان های مسلح برای برانداختن حکومت فئودالی و نابودی ارتش آن بیاخواستند.

یک سازمان نظامی که بزمبنا ی سیستم فئودالی ساخته شده است، همچنین تابع شرایط مادی و فنی و سطح نیروهای مولد این سیستم میباشد. پیشرفت وسائل فنی از کمانهای ابتدائی تا " کمانهای باتیرهای متعدد " و تیرهایی پایگان های برنزی و دیگر سلاحها و منجنیق و توپ و بعد کشتی های جنگی بزرگ، توپ های سوار شده برفیل ها و غیره، یکی از عوامل تعیین کننده ی اشکال مشخص سازمانی، روشهای جنگی و قدرت رزمی نبردهای مسلحانه ی ملت مادر اعصار گذشته بوده است.

اینجا بایستی تاکید کرد که در طی تمامی این دوره، تجاوز کاران هر چند که نیرومند تر بودند مانند کشور مادر مرحله ی فئودالی میزیستند. بنابراین هر چند که آنها ارتش های بزرگتری برخوردار بودند ولی وسائل و تجهیزات آنها لزوما از ما پیشرفته تر نبود و چه بسا بعضی اوقات دارای سلاح های کهنه تری بودند. مساله ای که در برابر ملت ما سازمان نظامی ما در آن اعصار وجود داشت این بود که چگونه با نیروئی کوچکتر میتوان علیه نیروئی بزرگتر مبارزه کرد، در حالیکه شرایط و وضعیت وسایل و تجهیزات دو طرف یکی بود. تنها در عصر حاضر، که با ارتش های تجاوز کارا امپریالیستی درگیر هستیم این مساله را بایستی حل کنیم که چگونه با ارتشی با تجهیزات کم که در مقایسه با اقتصاد دشمن، برپایه ی اقتصادی کم توسعه بنا شده است، در برابر ارتش های تجاوز کاری که نه تنها از لحاظ نفقات از ما بیشترند بلکه دارای

تجهیزات و سلاحهای بهتر و مدرن تر میباشند ، ایستادگی کنیم .

واقعیات قیام ها و جنگهای ملی در کشور ما با توجه به شرکت عظیم خلق در آنها ، صحت نظریات " ماتریالیسم تاریخی " و " دانش نظامی پرولتاریا " را در مورد نقش توده های خلق در تاریخ عموماً و در قیام ها و جنگها خصوصاً ، اثبات میکند . آنها همچنین ، نزد رخشان مارکسیستی - لنینیستی را در مورد مسلح کردن توده ها و جنگ هائی که توسط طبقات انقلابی و خلق ستمدیده علیه طبقات استثمارگر و تجاوز قدرت های بیگانه برپا شده اند ، تصدیق میکنند .

اگر ما این را با اوضاع کشورهای اروپائی در دوره های تاریخی یکسان مقایسه نمائیم ، میتوانیم چنین نتیجه گیری کنیم : در حالیکه تاریخ اکثر جنگها در اروپای قرون وسطی ، تاریخ قتل عام ها و کشتارهای متقابل گروه های مختلف فئودال و سبایان مزدورشان بود ، تاریخ جنگ ها در کشور ما در آن اعصار اصولاً " تاریخ قیام ها و جنگ های ملی ، قیام ها و جنگ های خلق به شمار میرود .

سنت " اتحاد همه ی نیروهای ملت " در جنگ علیه تجاوز کاران بیگانه ، تجربه ی قیام و جنگ خلق ، تجربه ی سازمان نظامی مرکب از ارتش ملی و نیروهای مسلح خلق ، سنت و تجربه ی بسیار غنی و ارزشمند خلق ما است . این ها نمودها و ویژگی های کاملاً " بی نظیری هستند که به قدرت در تاریخ نظامی دیگر ملل یافت میشوند .

با ظهور طبقه ی کارگری ویتنام و تولد حزب ما ، در سایه ی اشعه ی تابناک مارکسیسم - لنینیسم و پیروی از مشی سیاسی و نظامی حزب ، این سنت و تجربه ی با ارزش ، به ارث گرفته شد و توسط حزب و خلق ما در شرایط تاریخی جدیدی برای شکست وحشی ترین تجاوز کاران عصر حاضر ، به سطوح و مراحل جدیدی توسعه و ارتقاء یافت .

فصل سوم

کارخلاق حزب و خلق مادر مسلح کردن توده های انقلابی

و ایجاد ارتش خلق

حزب ما از بدو پیدایش خود ، ماموریت بزرگ تاریخی رهبری جنبش آزادی بخش ملی رادعصر جدید بعهدہ گرفته و درخشان ترین دوره در تاریخ ملت مایعنی دوره ی استقلال ، آزادی و سوسیالیسم را آغاز کرده است .

خلق مادر طی چند هزار سال گذشته به قیام ها و جنگ های ملی متعددی برای کسب و حفظ استقلال کشور دست زده است . برای دیگر بار در چهل سال گذشته ، خلق مادر یک مبارزه ی طولانی بر اساس رهنمود های صحیح ، مستقل و خلاق حزب و بطور پیوسته قیام های همه گیر و جنگ های خلقی قهرمانانه ای را برای بازپس گیری و حفظ استقلال ملی و برقراری سیستم دموکراتیک خلق و سوسیالیسم در کشورمان و دفاع از آن برپا ساخته است .

خلق ما پیروزمندانه ، قیام همگانی " انقلاب ماه اوت " را به انجام رسانید و حاکمیت فاشیستی فرانسه و ژاپن را بر انداخت و جمهوری دموکراتیک ویتنام - اولین حکومت دموکراتیک خلق در جنوب شرقی آسیا - را بنیان نهاد . خلق ما پیروزمندانه اولین جنگ مقدس مقاومت را برپا نمود ، استعمارگران فرانسوی را در جنگ تجاوز کارانه شان شکست داد ، نیمی از خاک کشور را آزاد ساخت و سوسیالیسم را در شمال برقرار نمود . خلق ما با موفقیت ، دومین جنگ مقدس مقاومت را علیه امپریالیسم آمریکا - درخشان ترین و بزرگترین جنگ علیه تجاوز خارجی در تاریخ ملی ما جهت آزادی جنوب ، دفاع از شمال ، پیشروی بسوی اتحاد دوباره ملی بطریق مسالمت آمیز و کمک به مساله ی انقلاب خلق های سراسر جهان برپا کرده است . از چند دهه ی پیش تا به امروز ملت ما به قیام های مسلحانه و جنگ های انقلابی دست زده است و در واقع در طول تاریخ ، هرگز برای مدتی چنین طولانی نچنگیده است . بعلاوه پیش از این ، ملت ما هرگز چنین بی دربی و پیروزمندانه با تجاوز کارانی حیوان صفت - چون فاشیسم ژاپن که نیروئی بزرگ در آسیاست ، استعمار فرانسه که یک نیروی استعماری سابق اروپاست و امپریالیسم آمریکا سرکرده ی قدرت های امپریالیستی و دشمن شماره یک بشریت - روبرو نبوده است .

خلق ما جرات و شهامت قهرمانانه و عزم آهنین خود را نشان داده و پیروزی های بزرگی بدست آورده است . این پیروزی های درخشان از پیدایش طبقه ی کارگر ویتنام ، از رهبری حزب ما ، از رهبری رئیس هوشی مین عزیز و شرایط و زمینه های تاریخی عصر جدید - که توسط انقلاب اکتبر روسیه آغاز گشت ، جدا نشدنی است .

ملت ما برای اینکه ماموریت تاریخی خود را بمنظور شکست این تجاوز کاران حیوان صفت و برای کسب استقلال ، آزادی و سوسیالیسم انجام دهد ، همه ی نیروهای خود را بسیج کرده و با قهرمانی های فراوان ، جنگی عادلانه را با رهبری حزب ما برپا ساخته است . حزب ما

در رابطه با سازماندهی نیروهای سیاسی توده ها و برپایی این ارتش سیاسی بزرگ ، پیروزمندانه مساله‌ی سازمان نظامی خلق راحل نموده و نیروهای مسلح خلق را ایجاد کرده است .

نیروهای مسلح خلق مایکی از عوامل بسیار مهمی هستند که پیروزی مبارزه‌ی انقلابی در کشور ما را تعیین میکند . توسعه و تکامل آنها خارج از گسترش یک قیام مسلحانه و جنگ انقلابی بر اساس رهنمودهای حزب صورت نمی‌پذیرد . بنابراین ، تجزیه و تحلیل رویدادهای تازه در قیام های مسلحانه و جنگ انقلابی در کشور ما تنها پایه‌ی برای فهم روشن خلاقیت حزب و خلق ما را ایجاد نیروهای مسلح انقلابی بحساب می‌آید .

خلق ویتنام قبلاً " در قیام ها و جنگهای مردمی گذشته بارهبری طبقه‌ی فئودال تجاری بدست آورده‌اند . آنها همچنین قیام ها و جنگهای خلقی ناشی از جنبش های دهقانی (حاصل ترکیب جنبش دهقانی و جنبش ملی) را تجربه کرده‌اند .

امروزه ملت ما درگیر یک قیام همه گیر و جنگ خلقی بارهبری طبقه‌ی کارگر (حاصل ترکیبی از دو " روند " بزرگ انقلابی یعنی انقلاب آزادی بخش ملی و انقلاب سوسیالیستی) میباشد .

حزب ما و خلق ما ، با کاربست خلاق مارکسیسم - لنینیسم در شرایط خاص مبارزه‌ی - انقلابی در کشور ما ، و با توسعه و تکامل سنت مبارزه‌ی شکوهمند علیه تجاوز خارجی ، قیام مسلحانه و جنگ انقلابی را به سطح جدیدی از تکامل ارتقاء داده و از نقطه نظر اهداف سیاسی نیروهای حاضر در میدان نبرد و روشهای مبارزه و قدرت خیلی زیاده تهاجمی محتوی و کیفیتی نو بدان بخشیده است .

از نقطه نظر اهداف سیاسی قیام و جنگ ، قیام ها و جنگهای ملی در تاریخ ما برای پس گرفتن و حفظ استقلال ملی و مبارزه با حاکمیت و تجاوز فئودالیسم خارجی ، و همزمان با آن ایجاد و توسعه‌ی یک سیستم فئودالی در کشور و دفاع از آن صورت گرفته است . در طی این قیام ها و جنگهای ملی ، دهقانان حقوق معین اقتصادی و سیاسی را در چهارچوب نظام فئودالی و سیاست مردم دارانه‌ی طبقه‌ی فئودال که در آن زمان نقش مثبتی بازی میکرد ، بدست آوردند .

قیام های مسلحانه و جنگهای انقلابی در کشور ما ، امروزه اهداف سیاسی دیگری دارند . این هدفها عبارتند از : برانداختن حاکمیت امپریالیسم و عوامل آن ، شکست امپریالیسم در جنگ تجاوز کارانه اش ، بدست آوردن استقلال ملی ، دموکراسی خلق و سوسیالیسم و بالاخره برقراری و توسعه‌ی سیستم دموکراتیک و سوسیالیستی خلق در کشور و دفاع از آن . دست یابی به این هدف های سیاسی همچنین از وظایف اولیه و فوری انقلاب ویتنام بشمار میرود و حزب ما آنرا پیشنهاد کرده است . بر طبق مشی انقلابی حزب ، مساله‌ی رهائی ملی یا مساله‌ی کسب حقوق دموکراتیک راه رهائی ملی باره انقلاب سوسیالیستی و بالاخره فعالیت انقلابی در کشور ما با فعالیت انقلابی در دیگر کشورهای جهان ارتباط نزدیک دارد . قیام مسلحانه و جنگ انقلابی بارهبری حزب علاوه بر هدف های رهائی ملت و کسب استقلال کامل برای

سرزمین پدری ، هدف های دیگری را نیز دنبال میکند که عبارتند از : رهایی طبقاتی ، کسب حقوق و منافع برای زحمتکش و عمدتا " کارگران و دهقانان و سرانجام کمک به اهداف انقلابی خلق های جهان . این هدف های سیاسی قیام ها و جنگها ، مقصود اصلی مبارزه ، منبع نیروی سازمان مسلح انقلابی و نیروهای مسلح خلق بشمار می آیند .

در رابطه با نیروهای درگیر ، قیام ها و جنگ های ملی پیشین در تاریخ ما ، از نیروی عظیم " اتحاد همه افراد ملت " - که از میهن پرستی و دواشتهی خلق ما و همبستگی ملی ناشی میشد برخوردار بودند . همچنین این قیام ها و جنگ ها توسط دسته های فتو دالی پیشرو و مترقی که برای بسیج مردم علیه تجاوزکاران ، اشکال معینی از دموکراسی را تبلیغ مینمودند رهبری میشد . بدین طریق ملت ما میتوانست تجاوزکاران زیادی را که از لحاظ قدرت چند برابر خود بودند ، شکست دهد . اما این نیروی عظیم ناشی از " اتحاد همه افراد ملت " بخاطر شرایط تاریخی و انتاگونسم (آشتی ناپذیری) منافع طبقاتی (میان طبقه ی فتو دال و دهقانان) ، به محدودیت هائی دچار میگشت .

قیام های مسلحانه و جنگ های انقلابی در کشور ما در عصر حاضر ، از قدرت جدیدی که همانا اتحاد تمامی خلق برپایه اتحاد کارگران و دهقانان به رهبری طبقه ی کارگر - میباشد ، برخوردار است . این اتحاد از اشتراک منافع عمیق طبقه ی کارگر و کلیه ی زحمتکش و دیگر قشر های خلقی میهن پرست - هم از نقطه نظر وظیفه کسب استقلال و آزادی برای ملت و هم از جهت ساختمان نظام اجتماعی جدید - ناشی میشود . این قدرت همانا ناشی از ترکیب میهن پرستی و دواشته با آگاهی طبقاتی زیاد و ترکیب روحیه ی تسلیم ناپذیر جنگی با هوش خلاق توده های خلق (عمدتا " کارگران و دهقانان) ، میباشد که برای هدف های رهایی فردی ، رهایی ملی ، رهایی طبقاتی ، برای کسب و حفظ حاکمیت ملی و دستیابی به حق تعیین سرنوشت ، مبارزه میکنند . این قدرت نظام جدید اجتماعی ، یعنی نظام دموکراتیک و سوسیالیستی خلق میباشد که در همه ی زمینه ها بر رژیم های استثمار برتری آشکار دارد . قدرت نیروهای مسلح خلق برپایه ی نیروی شکست ناپذیر اتحاد تمامی خلق همراه با اتحاد کارگران و دهقانان به رهبری طبقه ی کارگر و برپایه ی برتری نظام اجتماعی جدید ، پی ریزی شده است .

خلق ما در مبارزه ی کنونی از کمک و پشتیبانی انقلاب جهانی و اول از همه از مساعدت و همراهی کشورهای برادر در اردوی سوسیالیستی برخوردار است . در حالی که پدران ما در دوران فتو دالی فقط میتوانستند بر نیروهای خود تکیه کنند . این پشتیبانی بین المللی بصورت عامل مهمی در پیروزی قیام های مسلحانه و جنگ انقلابی و ایجاد ملتی نیرومند در کشور ما در آمده است .

در رابطه با روش های مبارزه ، خلق ما نظریه ی مارکسیستی لنینیستی را در مورد قهر انقلابی بخوبی آموخت و تجربه ی ملت ما را در قیام ها و جنگ های خلقی زمانهای پیشین به ارث گرفت و گسترش و تعمیم داد و روشهای جدیدی از مبارزه را برای کسب پیروزی ابداع کرد . این روش های گوناگون مبارزه ، منعکس کننده ی قانون قهر انقلابی در کشور ما است و حال است

تهاجم و نیروی تهاجمی جریان های متلاطم انقلابی در کشور ما در چهارچوب موضع تهاجمی مشترک انقلاب جهانی نشان میدهد. این هاروشهای مبارزه در قیام و جنگ میباشند که در آن نیروهای تمامی خلق، همه ملت و همه کشور هم نیروهای سیاسی وهم مسلح هم در نواحی روستایی و هم شهری وهمچنین ارتش نیرومند خلق و نیروهای مسلح پرقدرت توده ها - اشکال گوناگون مبارزه رادرجبه های متعدد بکار گرفته و با ترکیب مبارزه مسلحانه و مبارزه سیاسی در مجموع بزرگترین نیروی ممکن را برای کسب پیروزی بوجود میآورند. این روشهای مبارزه، طریقهی خلاق و بی نظیر قیام و جنگ و همچنین فن نظامی خلاق و بی نظیر قیام همه گرو جنگ خلق در ویتهام راد رخصر جدید تشکیل میدهند.

قیام مسلحانه و جنگ انقلابی کنونی در کشور ما - با محتوی و کیفیت جدیدش در رابطه با اهداف سیاسی وهمچنین نیروهای درگیر و روشهای مبارزه و با استفادهی کامل از تجربهی چهار هزار ساله ی تاریخی ما در مورد ساختمان کشور و دفاع از آن - از قدرت و توان کاملاً جدیدی برخوردار است. این قدرت، حزب ما و خلق ما را قادر ساخته است تا پیرومندان و بافرست، یک مساله ی جدید و خیلی مهم را - که در مبارزات پدران ما پیش نیامده است حل کند و این مساله عبارتست از: چگونه ملتی با اقتصادی عقب افتاده میتواند قدرتهای امپریالیستی رادرجبه های تجاوزکارانه شان به شکست بکشاند، قدرتهائی که نه تنها جمعیت بیشتری داشتند، بلکه از اقتصادی توسعه یافته، از توان اقتصادی و نظامی زیاد برخوردار بودند و ارتش هایی از نظرتعداد نفرت نیرومند تر و مجهز به سلاح ها و وسائل فنی مدرن تر، در اختیار داشتند.

در گذشته وهمچنین در عصر حاضر، ملت ما میبایست با نیروهای کوچک و بزرگی مبارزه کند، اما شرایط دوزمان یکسان نیست. در زمان های قدیم، تجاوزکاران معمولاً از ما قویتر بودند و تحت سیستم فئودالی واحد، آنها ارتش های بزرگتری داشتند ولی سلاح ها و تکنولوژی شان مثل ما شاید هم کهنه تر بود. در حالی که حکام و تجاوزکاران امروزی، دشمنان قوی تری بحساب میآیند، چرا که آنها قدرت های بزرگ امپریالیستی هستند که از جمله سرکرده ی آنها امپریالیسم آمریکا میباشد. آنها به جنگهای غیر عادلانه ای دست میزنند و از سیستم های اجتماعی " مرتجعی " برخوردارند، دارای اقتصادی توسعه یافته، صنایعی مدرن و توان اقتصادی و نظامی زیاد بوده و ارتش هایی چند برابر ارتش ما دارند که با وسایل فنی بسیار جدیدی مجهز میباشند. کشور ما بعکس، کشوری کوچک است با جمعیتی نه چندان زیاد قیام ها و جنگهای ماعادلانه هستند. مردم ما بعد از دست گرفتن قدرت، رژیم سیاسی خود را بنانهاده و آنرا توسعه و تکامل بخشیده اند. اما اقتصاد ما هنوز توسعه نیافته و بر مبنای کشاورزی است و محدودیت های فراوانی در زمینه های مادی و فنی موجود است. این محدودیت ها و ناشکوفایی اقتصادی، ناشی از هزار سال رکود فئودالی و صدسال حاکمیت و استثمار استعمار گران فرانسوی میباشد و تازه بعد از رسیدن بقدرت، خلق ما برای چندین دهه مشغول جنگ و مبارزه علیه تجاوزکاران بوده و فرصتی برای بازسازی و توسعه ی اقتصادی تمامی کشور نداشته است.

بهمین دلیل وعلیرغم کمکهای قابل ملاحظه‌ی کشورهای برادرارودی سوسیالیستی شرایط وضعیت خلق ماطوری است که برای شکست تجاوزکاران - که از لحاظ اقتصادی و- نظامی خیلی نیرومند ترند - باید عمدتا " براقطاد خودتکیه کند .

* * * * *

حزب ما ورئیس هوشی مین ، در پروسه‌ی رهبری مبارزه انقلابی خلقمان وبمنظورانجام پیروزمندانه قیام های مسلحانه وجنگهای انقلابی ، نیروهای شجاع وشکستناپذیرمسلح خلق ویتنام راسازماندهی نمودندوتعلیم دادند . دررابطه‌ی نزدیک باگسترش قیام همه گیرو جنگ خلق ، نیروهای مسلح ویتنام ، بعنوان سازمان نظامی کنونی خلق - ازنقطه نظر ماهیت طبقاتی ، اشکال سازمانی ، سلاح هاو مهمات وهمچنین فنون نظامی وقدرت جنگی توسعه‌ی بیشتری یافته‌است .

ازنقطه نظر ماهیت طبقاتی ، نیروهای مسلح سابق کشورکه درشورش هاوجنگهای ملی شرکت داشتند ، اصولا " توسط طبقه‌ی فئودال سازماندهی ورهبری میشدند ، وبدین سبب ازماهیتی فئودالی برخورداربودند . درواقع نیروهای شورشی‌ای که توسط نمایندگان و ایادی طبقه‌ی فئودال سازماندهی میشدندوهمچنین ارتش دولت فئودالی وبالاخره توده‌های وسیع خلق ازنقطه نظرمنافع ومصالح ملی وهدفهای جنگی ، بایکدیگر همکاری میکردندودارای منافع مشترکی بودند . این ، خود منبع قدرت زیادنیروهای مسلح ملی درنبردهای پیروزمندانه علیه حاکمیت وتجاوزدسته‌های فئودال خارجی بشمارمیرفت . اما بین ارتش دولت فئودالی وتوده های وسیع خلق ، ازنقطه نظر منافع طبقاتی ، اختلاف وجودداشت چراکه ارتش آلت دست اقلیت فئودال بودتا آنها بتوانند اکثریت ملت راکه دهقانان بودند به زنجیریکشندو بر آنها حکومت کنند . بنابراین همسانی منافع وهدف های جنگی درشورش هاو جنگهای ملی از محدودیت هایی برخورداربودکه نمی توانست بر قدرت رزمی ارتش های ملی آن زمان اثرنگذارند .

نیروهای مسلح کنونی خلق ما ، نیروهای مسلح وسازمان های نظامی طراز نوینسی هستندکه توسط حزب طبقه‌ی کارگر سازماندهی ورهبری میشوندواز ماهیت کارگری برخوردارند . این نیروهای مسلح ، سازمان نظامی خلق وعمدتا " زحمتکشان وبالاتراز همه کارگران ودهقانان میباشندو ازملیت های مختلفی که درسرزمین ویتنام زندگی میکنند ، تشکیل شده‌اند . هدف های رزمی آنان همان اهداف انقلابی پیشنهادهی حزب هستندو از کادرهاو مبارزینی تشکیل شده‌اندکه درطبقات انقلابی ریشه دارند و اینان عمدتاً " از توده های کارگری ودهقانی منشاء میگیرند . این نیروها بعنوان بازوی حزب و حکومت - حکومت دموکراتیک وسوسیالیست خلق - با رهبری حزب علیه تجاوزکاران وعمال آنان به قیام مسلحانه وجنگ انقلابی دست میزنند . اکنون دیگر میان نیروهای مسلح خلق ، ارتش حکومت وتمام مردم نه تنها ازنقطه نظرمنافع ومصالح ملی واهداف قیام هاوجنگهای ضد - تجاوز خارجی هیچ اختلافی نیست ، بلکه ازنقطه نظر منافع طبقاتی واهداف رزمی دررابطه با ساختمان کشور وایجادنظام اجتماعی جدید - نظام دموکراتیک وسوسیالیستی خلق انطباق

عقیده‌ی کامل وجود دارد .

این یکسانی هدف میان نیروهای مسلح و خلق در امور خارجی و داخلی ، آگاه‌سی از منافع ملی و طبقاتی ، میهن پرستی ، علاقه و وابستگی به نظام اجتماعی جدید و انترناسیونالیسم پرولتری ، در واقع منشاء و اساس روحیه‌ی خیلی عالی جنگی و شهامت انقلابی نیروهای مسلح خلق را تشکیل می‌دهند . به همین دلیل و همان‌طور که رئیس هوشی مین می‌گوید : نیروهای مسلح خلق ویتنام واقعا " به حزب و خلق خود وفادارند و برای رسیدن به استقلال و آزادی میهن و سوسیالیسم ، از جان خود نیز دریغ ندارند . هر وظیفه‌ای که بعهدہ آنها گذاشته شود ، بخوبی انجام می‌دهند ، بر هر مشکلی فائق می‌آیند و هر دشمنی را شکست می‌دهند * قدرت شکست ناپذیر نیروهای مسلح خلق ما را باید در رهبری حزب ، در ماهیت انقلابی نیروهای مسلح و در روابط نزدیک میان مردم و ارتش جستجو کرد . بنابراین اساسی ترین ضمانت برای قدرت بخشیدن به توان جنگی ارتش ما این است که رهبری حزب را مستحکم کنیم ، سازمان های حزب را بنانیم ، در درون ارتش شیدا " به کار سیاسی بپردازیم و با کار سیاسی و ایدئولوژیکی ارتش را از هر نظرتقویت نمائیم .

از نقطه نظر اشکال سازمانی نیروهای مسلح ، حزب ما اخلاقانه ، نرم‌ارکسیستی-لنینیستی سازمان نظامی پرولتاریا را بنا کرده و با بهارث گرفتن و تکمیل تجربه‌ی گذشته ملی ، در سازماندهی نیروهای مسلح کوشیده است . حزب ما بر اساس شرایط سیاسی و اجتماعی و بر پایه های مادی و فنی ، پیروزمندان و بطور گسترده ، کار مسلح کردن تمامی خلق و پخش اسلحه در میان توده های انقلابی را برای ایجاد ارتش خلق به انجام رسانیده است و بدین وسیله سه نوع سپاه را سازمان داده است که عبارتند از : " سپاهیان منظم " ، " سپاهیان محلی " ، و " واحدهای نظامی بومی و خود دفاعی " ، ... حزب ما همچنین نیروهای امنیتی مسلح خلق را سازمان داده است . نیروهای مسلح خلق از نیروهای سیاسی توده هاریشه میگیرند که بتدریج به نیروهای مسلح توده هاتبدیل شده و بالاخره بصورت ارتش خلق سازمان می‌یابند . نیروهای مسلح توده‌های از دستة های نظامی بومی و گروههای دفاعی کوچک آغاز و به نیروئی بزرگ که از تشکیلات و تجهیزات بهتری برخوردار میباشند ، تبدیل میشوند . ارتش خلق از گروهان ها و دسته‌های اصلی آغاز گردید و بتدریج به ارتشی نیرومند تبدیل شده از سازمان دهی وسیع تر و وسایل فنی مدرن تر برخوردار می‌باشد . این ارتش ابتدا از زیاده نظام تشکیل میشود ولی بزودی بصورت ارتشی منظم و مدرن با بخش های مختلف درآمد . " نیروهای مسلح توده‌ای " و " ارتش خلق " دائما " در موارد گوناگون در قیام های همه گیر ، در جنگ آزادی بخش و جنگ دفاع از میهن با هم ارتباط نزدیک دارند .

برجسته ترین ویژگی نیروهای مسلح خلق " خصوصیت کاملا " توده‌ای " آن میباشد . خلق ما با پیروی از رهنمودهای حزب - مینی بر " اتحاد همه ی مردم " و تکیه بر نیروی تمامی خلق در مبارزه برای اهداف انقلابی نقش بیشتری را در مقایسه با هر یک از دوره‌های گذشته‌ی تاریخ ملی ما بازی کرده است . این بمنزله ی " جهشی " در گسترش " ویژگی توده‌ای " سازمان نظامی انقلابی که در دوران مبارزات انقلابی تولید یافته و انگلس از آن یاد کرده است -

میشود . بعد از آنکه خلق ماقدرت را بدست گرفت و حکومتی طراز نوین - حکومت دموکراتیک و سوسیالیستی خلق به رهبری حزب رابنیان نهاد ، نیروی های مسلح خلق بصورت عامل قهر حکومت در جنگ علیه دشمنان داخلی و خارجی ، دفاع از نظام حکومتی ، حفظ قدرت انقلابی و منافع خلق درآمدند . بهمین دلیل مردم داوطلبانه در جنگ برای دفاع از حکومت شرکت میجویند و رژیم و حکومت نیز مردم را در مقیاس وسیعی مسلح میکنند و بدین طریق ارتش قدرتمند خلق را بنامی نهند . درست همانطور که بنیان گذاران دانش نظامی پرولتاریا پیش بینی کردند ، راهی پرولتاریا در زمینه نظامی نیز اثر میگذارد و نیروهای مسلح طراز نوینی را بوجود میآورد که بیشتر از ارتش حاصله از انقلاب بورژوازی ، مردم در آن شرکت میکنند .

حزب ما همیشه به مسأله‌ی شالوده‌ی مادی و فنی ، وسایل و تجهیزات نیروهای مسلح توجه دارد . این بدان جهت است که نفرت و سلاح ها عوامل ضروری قدرت جنگی نیروهای مسلح بحساب میآیند و در این میان نفرت (انسانها - ۲) عامل تعیین کننده و اصلنی بشمار میروند . بگفته انگلس ، تاثیر و تحول انقلابی در سازمان نظامی تنها از طریق اختراع سلاح های بهتر و تحولاتی که در سرباز (یعنی در نیروی افراد و انسانهای وارد در میدان نبرد) صورت میگیرد ، امکان پذیر است . نیروی های مسلح خلق عبارت از جامعه‌ی انسانهایی است که با برخورداری از آگاهی انقلابی ، روحیه‌ی عالی و انضباط آگاهانه و شدید در اشکال مناسب سازمانی گرد آمده اند و با استفاده از سلاح ها و دیگر وسایل و همراه با اتخاذ روشهای جنگی مناسب برای شکست دشمن می‌کوشند .

واضح است که در طول قیام های مسلحانه و جنگهای انقلابی در کشور ما یک تحول کیفی در آگاهی انقلابی خلق ما وجود آمده است که به پیدایش انسانهایی نو در ملت ویتنام یعنی رزمندگان ویتنامی در عصر حاضر کمک کرده است . اما از طرف دیگر محدودیت های فراوانی از نقطه نظر وسایل مادی و فنی باقی میماند . موفقیت درخشان حزب ما در این حقیقت نهفته است که این حزب همواره رابطه‌ی دیالکتیکی میان نفرت ، وسایل و مهمات و روشهای جنگ را در مد نظر داشته و بروشنی اثرات متقابل این عناصر را درک و تجزیه و تحلیل میکند و بر مبنای آن مناسبترین سازمان نظامی را بنامی نهد . در شرایط یک اقتصاد توسعه نیافته ، حزب ما بخوبی میدانده که چگونه بر آگاهی انقلابی خلق ، بر روحیه‌ی انقلابی رزمندگان ، بر روحیه‌ی بسیار عالی سپاهیان ، بر خصوصیت توده‌ای نیروهای مسلح و بر روشهای گوناگون نبرد تکیه کند . حزب ما بخوبی میدانده که چگونه از کلیه‌ی وسایل و تجهیزاتی که در اختیار دارد (در آغاز از سلاح های ابتدائی یا نسبتاً مدرن و بعد بتدریج از سلاح های مدرن تر) در مقابل بادشمنی که به تفنگ های اتوماتیک ، تانک ، توپخانه ، نیروی هوایی و دریایی مجهز است ، استفاده کند . نیروهای مسلح خلق ما با شهامت ، هوش و روش خلاق مبارزه‌شان از سلاح ها و تجهیزات گوناگون استفاده کرده و قدرت و کارآیی آنها را افزایش داده اند . آنها از ساقه‌های نسی ، تله‌های سنگی ، چوب های حامل سنگ و غیره گرفته تا سلاح های کم و بیش مدرن تر و بالاخره از دستاوردهای فنی قرن بیستم از قبیل توپخانه ، تانک ، هواپیما ، موشک و غیره در جنگ علیه دشمن استفاده کرده اند .

خلق مابارتشی که از لحاظ نفرت ، از ارتش دشمن ضعیف تراست ولی بخاطر بر—
خورداری از پشتیبانی نیروهای مسلح توده‌ای و نیروهای سیاسی وسیع توده هادرمیبارزی
هماهنگ ، توانسته است ارتش ای تجاوزکاری را که چندین برابر ارتش خلق بوده است ، شکست
دهد . خلق ماباستفاده از سلاح هاوموادی که از لحاظ کیفیت وکمیت ازسلاح های دشمن
پست ترمیباشند ، توانسته است ارتش های تجاوزکاری را که به سلاح هاووسایل مدرن تری
مجهز بودند ، شکست دهد . این ، یک دستاورد برجسته‌ی نیروهای مسلح و " خلق قهرمان
ویتنام " محسوب میشود . این همچنین دستاورد برجسته‌ای برای دانش نظامی ویتنام بشمار
می‌آید .

اما همیشه از این مساله آگاه بودیم که یک شالوده‌ی مادی وقتی پست تر ، نقص بسیار
بزرگی است و باید آن را برطرف کرد . هرگاه سلاح هاو وسایل جدیدتری در اختیار نیروهای
مسلح انقلابی ، کادرهاوزمندگان ارتش خلق باشد ، قدرت رزمی نیروهای مسلح خلق بیشتر
میشود . بهمین دلیل حزب مادروند رهبری جنگ طولانی وقهرمانانه‌ی خلقمان همیشه به
بهبود و ارتقاء کیفیت وسایل وتجهیزات نیروهای مسلح وبه مدرنیزه کردن ارتشش
توجه مینماید . برای حل مساله‌ی تجهیزات نیروهای مسلح باید به توده هاتکیه کرد . باید
باهرسلاحی که در اختیار داریم بجنگیم ، باید ازدشمن اسلحه صادرکنیم ، تاحدممکن باید
خودمان سلاح تولیدنماییم وازکمک کشورهای برادر اردوی سوسیالیستی به نواحس استفاده
کنیم وبدین وسیله بتدریج وضع تجهیزات ووسایل نیروهای مسلح را بهبود بخشیم . از زمانیکه
خلق ما به قدرت رسید ، حزب ماباتکیه برنظام اجتماعی جدید در حال رشد وتوسعه‌ی اقتصاد
کشور وبا استفاده از کمکهای فراوان بین المللی برای نوسازی تجهیزات نیروهای مسلح (درمبنای
وسیع ترو باوسایلی مدرن تر) کوشیده است . بدین جهت میتوان گفت که وسایل فنی نیروهای
مسلح مانه تنها منعکس کننده‌ی وضعیت اقتصادی ماوسطح رشد نیروهای مولد در کشور ما است
بلکه تاحدودی نیانگراقتصادورشد نیروهای مولد در کشورهای برادر اردوی سوسیالیستی
میباشد . بنابراین وسایل فنی نیروهای مسلح خلق ما بتدریج مدرنیزه شده واین نوسازی
منحصر به مجرد کردن ارتش خلق (باوسایل وسلاح های مدرن تر) نیست ، بلکه نیروهای
مسلح توده‌ای نیز با تعدادی سلاح های نسبتا " مدرن که مناسب بانیاز آنهاست ، مجهز
شده اند تا بدین طریق قدرت رزمی آنها بالا رود .

نیروهای مسلح خلق مادریک روند توسعه ورشد ، از نیرویی ضعیف وکوچک به نیرویی قوی
وبزرگ تبدیل شده اند . این رشد وتوسعه در طی دهه‌ها سال جنگ بادادن قربانی‌های فراوان و
تحمل سختی هاودر عین حال انجام کارهای برجسته وافتخار آمیز فراوان از شوراها " نگه تین "
گرفته تاقیام همگانی انقلاب ماه اوت ، از جنگ مقاومت علیه فرانسه گرفته تا سالهای نوسازی
صلح آمیز در شمال کشور ، ودنباله‌ی آن " مبارزه باجنگ مخرب هوایی " و بالاخره جنگ
میهنی کنونی علیه تجاوز امپریالیزم در هر دو قسمت کشور حاصل شده است . در مبارزه‌ی سخت و
طولانی خلق ما علیه ستمکارترین وقوی ترین تجاوزکاران عصر حاضر ، حزب ما بر اساس وظایف
انقلابی هر دوره وبرمبنای اشکال مشخص مبارزه واهداف جنگی در این دوره ها ، عمل نموده

است. حزب ماساله‌ی مسلح کردن خلق، ایجاد ارتش خلق و مسلح کردن توده‌های انقلابی را در رابطه با شرایط و زمینه‌های مشخص تاریخی، خلافاً حل کرده است. نیروهای مسلح خلق مدارس هاو تجارب گرانهای بسیاری را موخته و در هر مرحله از رشد و تکامل، مسایل کلیدی ناشی از مبارزه را - بمنظور ساختمان نیروها و ازدیاد آنها، برای گسترش مداوم، برای شکست دشمن، برای انجام عملیات درخشان و همه‌ی وظایف محوله به آنها از جانب حزب و خلق ما حل کرده است.

حزب مادر آغاز پیدایش در برنامه‌ی انقلابی خود، قهر انقلابی را تأیید نمود و تشخیص داد که بدست گرفتن قدرت تنها از طریق مبارزه‌ی مسلحانه میسر است و برای این منظور راه و روش - سازماندهی نیروهای انقلابی را نشان داد. رئیس هوشی مین در خلاصه‌ی برنامه‌ی سیاسی حزب " در ماه فوریه سال ۱۹۳۰، " ایجاد سازماندهی یک ارتش کارگری - دهقانی را پیشنهاد کرد. بعد از آن، تزی سیاسی حزب در اکتبر ۱۹۳۰ بروشنی مساله‌ی مسلح کردن کارگران و دهقانان، " سازماندهی یک ارتش کارگری - دهقانی " و " ایجاد سپاهیان دفاعی کارگری دهقانی " را تذکر داد. بدین ترتیب، حزب ما از همان روز اول از " مسلح کردن توده ها و ایجاد یک ارتش " حمایت نموده و در عین حال به ویژگی طبقاتی سازمان نیروهای مسلح انقلابی اشاره کرده است.

از بی ریزی حزب مادیری نگذشته بود که طوفان انقلابی سراسر کشور را فرا گرفت و در او ج خود به و شوراهای " نکه تین " (۳۱ - ۱۹۳۰) منجر گردید. برای اولین بار در تاریخ کشور ما توده‌های کارگران و دهقانان تحت رهبری حزب بیاخاستند و با استفاده از قهر انقلابی، حاکمیت ظالمانه‌ی استعمارگران، ماندیرین ها (مقامات دولتی م.) و ستمگران محلی را برانداختند و قدرت شوراهاراجایگزین آنها ساختند. بدین طریق فرمانروایان استعمارگرو فتودال را غرق در وحشت و خفت نمودند.

شوراهای " نکه تین " تنها برای مدت کوتاهی برجای ماندند ولی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بودند. در واقع میتوان گفت که ایجاد این شوراهای بعنوان اولین قدم، تأسیسی شگرف و تعیین کننده بر تمامی روند توسعه و تکامل انقلاب ما داشته است. ایجاد این شوراهای رهبری طبقه‌ی کارگرو حزب ما بعنوان پیشتاز طبقه‌ی کارگرتاغید نمود و ظرفیت و امکانات این طبقه را در رهبری نشان داد. این شوراهای قدرت لایزال توده‌های کارگری و دهقانی و قدرت - ناشی از اتحاد کارگران و دهقانان به رهبری طبقه کارگرا آشکار ساخت. این تجربه راه انقلاب قهرآمیز و استفاده از قهر انقلابی توده ها را برای بدست گرفتن قدرت مشخص کرد. از این تجربه میتوان بعنوان یک تمرین کلی خلق تحت رهبری حزب و بمنزله‌ی سرآغاز و پلاهی قیام همگانی پیروزمند پانزده سال بعد، یاد کرد.

نیروهای مسلح خلق ما در دوره‌ی انقلابی دهه‌ی ۱۹۳۰، بصورت " سازمانهای خوددفاعی " عمل میکردند. این سازمان ها هسته‌های نیروهای مسلح وسیع توده ها و همچنین ارتش انقلابی بعدی را تشکیل میدادند. در عین حال این سازمانهای دفاعی، در شهرها و دهات (بمنزله سازمانهای کارگری و دهقانی) همانطور که از ما نشان برمیآید،

بمناهی نیروهای دفاعی توده‌ای، وظیفه‌ی مراقبت و دفاع از توده‌ها را در طی اشکال گوناگون مبارزه‌شان علیه دشمن برعهده داشتند.

واحدهای خوددفاعی نقش ارزنده‌ای را بازی نمودند. طی تظاهرات و اعتصابات کارگران کشتزارهای کائوچوی "فورینگ" در فوریه ۱۹۳۰، واحدهای دفاعی کارگران علیه سپاهیان دشمن به جنگ پرداختند و آنها را بعد از شکستن دست یک‌گروهیان فرانسوی مجبور به فرار کردند و پس از آن تظاهرات طبق نقشی قبلی پیش رفت. بعدها میتینگ در "نابه" به سال ۱۹۳۰ برگزار شد و اعتصاب ۸۰۰ - ۷۰۰ کارگر را دنبال داشت. موفقیت این میتینگ مدیون مداخله‌ی "واحدهای دفاعی کارگران" نابه بود. این کارگران سربک پلیس را شکستند - سلاح‌ها را گرفتند و بدور انداختند و بدین ترتیب این پلیس را مجبور کردند تا سخنان جلسه را که دستگیر کرده بود، آزاد کند. این سخنان آنگاه توانست گفتارش را تمام کند و میتینگ را تا آخر برگزار نماید (۳۰).

در جنبش شورای "نگه تین"، کارگران و دهقانان در حالی که خود را با چوبدستی، داس و کلنگ مسلح کرده بودند، برای مجازات حکام ستمگر محلی قیام کردند. آنها محل کارروای محلی و نیز زندان‌ها را تخریب نموده، پادگان‌ها را محاصره و حکومت جدیدی بنا نهادند. در اکثر کارخانه‌ها و دهات، بهترین عناصر از میان اعضای سازمان‌های کارگری و دهقانی و همچنین انجمن جوانان کمونیست برای تشکیل واحدهای دفاعی کارگری - دهقانی انتخاب میشدند. اجتماع بیش از بیست هزار نفر در "تانگ چونگ" (نگه آن) در هیچ‌دهم سپتامبر ۱۹۳۰، جهت برگزاری جشن پیروزی، توسط بیش از هزار عضو واحدهای دفاعی محافظت میشد.

حزب ما علیه مفاهیم غلط و کارهای اشتباه در رابطه با سازماندهی واحدهای دفاعی مبارزه کرد. عده‌ای سازماندهی واحدهای دفاعی را به بهانه‌ی اینکه عملی نسنجیده و افراطی است محکوم میکردند و در بعضی نقاط واحدهای دفاعی موقتی را جایگزین واحدهای دائمی مینمودند و یا اگر این واحدهای دفاعی جنبه‌ی دائمی داشت، هیچ کار سیاسی در میان توده‌ها و یا تعلیم نظامی به آنها وغیره صورت نمی‌گرفت.

حزب ما در مورد مسلح کردن توده‌ها میگوید: "هرگاه شرایط مناسب باشد، توده‌های کارگری و دهقانی برای احراز قدرت (بازبری حزب) لزوماً به قهر مسلحانه روی می‌آوردند" و "اگر برای مسلح کردن توده‌ها اقدام فوری نشود انقلاب نمیتواند پیروز گردد". همزمان با تعلیم نظامی توده‌ها و آماده شدن برای مسلح کردن آنها، باید از شتاب زدگی در کارها پرهیز کرد. در این حال باید قوای خود را برای ساختن تفنگ و نارنجک‌های دستی تمرکز داد و از کارهای روزمره‌ی سیاسی در میان توده‌های زحمتکش دست کشید.

حزب ما در مورد اشکال سازمانی نیروهای مسلح چنین میگوید: "سپاهیان کارگری - دهقانی بمنزله‌ی یک نیروی چریکی و یا ارتش سرخ بحساب نمی‌آیند". در حالیکه یک ارتش سرخ و یایک نیروی چریکی رایک شبه و دلخواه نمیتوان ایجاد کرد ولی با اوج گیری هیجان انقلابی توده‌ها میتوان و باید بدون هیچ تاخیری (هرچند ضعیف باشیم) سپاهیان دفاعی

سازمان داد. هیچ مؤسسه و یارنده‌ای را که در آن سازمان‌های پایه‌ای حزب، انجمن جوانان و مجامع توده‌های انقلابی وجود دارند نباید بدون یک نیروی دفاعی گذاشت". لازم است که واحدهای دفاعی دائم و نیروهای دفاعی متعدد توده‌ها را همزمان سازمان دهی کرد.

در مورد رهبری حزب و خصوصیت طبقاتی سپاهیان دفاعی، حزب ما چنین میگوید: "نیروی دفاعی کارگری - دهقانی بایستی تحت فرماندهی واحد کمیسیون نظامی کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست قرار گیرد، ویژگی انقلابی سپاهیان دفاعی بایستی بدقت محافظت گردد. برای این منظور رهبری حزب بر نیروهای دائم دفاعی بایستی حفظ شود. اعضای مومن حزب و انجمن جوانان را بایستی در نیروهای دفاعی وارد کرد و در فرماندهی این نیرو قرارداد. رؤسای واحدها و نمایندگان حزب بایستی باید دیگر در این فرماندهی همکاری کنند. امروزه باید توسط کادرهای مربوطه‌ی حزب کنترل شود. امور کلی نظامی را باید کادرهای بالاتر فرماندهی نیروی دفاعی و کمیته‌ی نظامی مربوطه‌ی حزب مورد کنترل قرار دهند (۳۱)". میتوان گفت که نظریات فوق، اندیشه‌های نخستین اما اصولی حزب درباره‌ی ایجاد نیروهای مسلح انقلابی خلق مابود. این اندیشه‌ها و واقعیات جنبش شورای "نگه تین" ثابت میکند که حزب و خلق ما از همان مراحل نخستین، تفکر خلاق مارکسیستی لنینیستی را در مورد قهر، انقلابی، مسلح کردن توده‌های انقلابی و ایجاد ارتش سرخ کارگری - دهقانی مرتبط با شرایط عینی کشور بکار می‌بستند.

حزب ما در طول سالهای ۳۹ - ۱۹۳۶ در مواجهه با خطر فاشیست‌های آلمانی، ایتالیایی و ژاپنی - که سخت خود را برای جنگی جهانی مهیامی ساختند - جهت مبارزه را تغییر داد و تصمیم گرفت که موقتا "شعارهای" سرنگون باد امپریالیسم فرانسه" و "زمین را از مالکان بگیرد و بین دهقانان تقسیم کنید" را رها کند. جبهه "دموکراتیک هندوچین" تشکیل شد. مخالفت خود را متوجه استعمارگران و دارودسته "مفتودال پادشاه و مقامات عالی‌رتبه‌ی دولتی (ماندرین‌ها) نمود. آزادی‌های دموکراتیک و بهبود وضع زندگی را خواستار شد و علیه تجاوزکاران فاشیست و برای حفظ صلح جهانی مبارزه نمود. حزب همچنین اشکال مبارزه را تغییر داد و از مبارزه‌ی مخفی به مبارزه علنی (در هماهنگی با مبارزه‌ی مخفی) روی آورد و با مهارت، فعالیت‌های قانونی و نیمه قانونی را با مبارزه‌ی غیرقانونی تلفیق داد. بدین طریق حزب موفق شد تاجنش پویا و گسترده را در شهرها و دهات برپا سازد. میلیون‌ها نفر آگاهی سیاسی بدهد، آگاهی طبقاتی را در میان توده‌های کارگری دهقانی بپراند و احساسات میهن پرستانه‌ی خلق را بیدار کند. این حالتی است که در شرایط یک کشور استعمارزده نظیر آن کمتریافت میشود. پس از جنبش شورای "نگه تین" (۳۱ - ۱۹۳۵)، نیروهای سیاسی و مسلح در طی جبهه‌ی دموکراتیک (۳۹ - ۱۹۳۶) و از طریق مبارزه‌ی سیاسی و مسلحانه، قدم اساسی دیگری در راه تدارک مبارزه‌ی تعیین کننده‌ی خلق ما در دوره‌ی انقلابی بعدی یعنی دوره‌ی تدارک برای قیام مسلحانه و آغاز یک جنگ همگانی جهت کسب قدرت برداشتند.

جنگ جهانی دوم شروع شد . درحالیکه دراروپا امپریالیست های فرانسوی باخت و خواری تسلیم فاشیست های آلمانی شدند. درآسیا استعمارگران فرانسوی هندوچین را تحویل نظامی گران ژاپنی دادند ، خلق ویتنام قهرمانانانه قیام کرد و علیه فاشیست های ژاپنی و فرانسوی جنگید .

این قیام هادر " یکسون " ، " نام کی " و " دولونگ " اتفاق افتادند و مرحله جدیدی از مبارزه رادیکال را گشودند .

کنگره‌ی ششم حزب (۱۹۳۹) و نشست هفتم کمیته‌ی مرکزی حزب (۱۹۴۰) با فراست تصمیم به تغییر جهت استراتژیکی گرفت . رهایی ملی وظیفه‌ی مرم شناخته شد و جهت تمرکز مبارزه علیه امپریالیست ها و نوکرانشان ، شعار انقلاب ارضی موقتا " کنار گذاشته شد . در بهار ۱۹۴۱ در نشست هشتم کمیته‌ی مرکزی حزب به ریاست رئیس هوشی مین ساله‌ی تغییر جهت استراتژیکی در شرایط جدید قطعی و تکمیل گردید . کنگره تأیید کرد که انقلاب در آینده‌ی نزدیک یک انقلاب آزادی بخش ملی میباشد و برای ایجاد جبهه‌ی " ویت مین " تصمیم گرفته شد . این جبهه شامل مجامع میهن پرست از بخشهای مختلف جمعیت میگردد . از تصمیمات دیگر این کنگره ، ایجاد و توسعه‌ی نیروهای مسلح انقلابی ، سازماندهی واحدهای خوددفاعی و گروههای کوچک چریکی برای نجات ملی و همچنین سازماندهی دسته‌های چریکی دائم برای ایجاد پایگاههای انقلابی ، تشدید فعالیت در همه‌ی زمینه ها ، حرکت تدریجی از مبارزه‌ی سیاسی به مسلحانه ، با هماهنگی نزدیک این دوشکل مبارزه و آمادگی کامل برای قیام مسلحانه و تصاحب قدرت را میتوان نام برد .

جنبش انقلابی همه گیر در حال اوج گیری بود . جبهه‌ی " ویت مین " یا ارتش سیاسی انقلاب بسرعت - نخست در دهات و بعد با وجود اختناق شدید فاشیست های فرانسوی و ژاپنی ، در شهرها گسترش یافت . نیروهای مسلح توده ها با پشتیبانی نیروهای سیاسی توده های نریسرعت توسعه یافت ، بویژه بعد از آنکه کمیته‌ی مرکزی حزب درخواست کرد تا " مردم اسلحه برگیرند و دشمن مشترک را بیرون رانند " .

دسته های متعدد دائمی چریکی سازماندهی شد . دسته‌ی چریکی " یک سون " که طی قیام " یک سون " ایجاد شده بود ، توسعه یافت و در اواخر سال ۱۹۴۰ بصورت ارتش نجات ملی درآمد . با ایجاد بریگاد تبلیغ مسلحانه جهت آزادی ویتنام در دسامبر ۱۹۴۴ ، مشی حزب ما در مورد جنگ همه گیر و مسلح کردن تمامی خلق ، ایجاد ارتش و نیروهای مسلح محلی بروشنی در آموزش های رئیس هوشی مین چنین بیان شد . " بعلت اینکه جنگ مقاومت ما ، کار همه‌ی مردم است ، تمامی خلق باید بسیج و مسلح شوند . بنابراین زمانیکه مانیروهایمان را برای تشکیل اولین سپاهیان جمع آوری مینمائیم بایستی نیروهای مسلح ایالتی را حفظ و نگهداری کنیم تا عملیات خود را با آنها هماهنگ نموده و در هر زمینه به آنها کمک نمائیم " .

همانطور که حزب ما پیش بینی میکرد در نهم مارس ۱۹۴۵ ژاپنی ها ، فرانسوی ها را بر انداختند . یک جنبش میهنی پویا و نیرومند علیه فاشیست های ژاپنی در سرتاسر کشور

بعنوان سرآغاز قیام همگانی - درحال گسترش بود . طوفان انقلابی ویتنام شدت می‌یافت و قیام های کوچک و جنگهای چریکی در نقاط بسیاری اتفاق می‌افتاد . نیروهای مسلح گوناگون در ارتش آزادی بخش ویتنام متحد شدند . سازمانهای نیروهای معمولی خوددفاعی و نیروهای رزمی دفاعی رشد و توسعه یافتند . آنگاه منطقه‌ی آزاد شده - مرکب از استانهای ویت‌باک - پدیدارگشت و بصورت پایگاه اصلی انقلاب برای تمام کشور و نطفه‌ی جمهوری دموکراتیک ویتنام آینده درآمد .

بدین طریق ، ارتش انقلابی از ترکیب چریکهای " نام کی " * ، ارتش نجات بخش ملی ، بریگاد تبلیغ مسلحانه برای رهائی ، چریکهای " باتو " و غیره پایه‌عرضی وجود گذاشت . در همان حال تشکیل نیروهای مسلح توده‌ای توسط مجامع میهن پرست ادامه یافت . برای نخستین بار در کشور مایک نیروی مسلح انقلابی ، یک ارتش طراز نویسن که واقعا " از آن خلق بود ، بوجود آمد و آنرا حزب ماسازماندهی و رهبری نمود .

جنگ جهانی دوم به پایان خود نزدیک میشد . فاشیست های آلمانی و ایتالیایی تسلیم شده بودند و فاشیست های ژاپنی نیز به پایان راه میرسیدند . در سیزدهم اوت ۱۹۴۵ ، کنگره‌ی ملی دوم حزب در " نان تراو " برگزار شد و تصمیم به یک قیام همگانی گرفت . پیروزی قیام در نوزدهم اوت ۱۹۴۵ در پایتخت (هانوی) بحال انقلابی تمام مملکت اثر قطعی گذاشت . قیام سرعت برهمه‌ی شهرها و دهات تمامی استانها - از " بک یو " و " ترونگ بو " گرفته تا " نام بود " سرایت کرد . قیام همگانی اوت ۱۹۴۵ یک پیروزی درخشان بود . حاکمیت استعماری که تقریبا برای صدسال دوام یافته بود و همچنین حاکمیت فئودالی چند هزارساله‌ی گذشته در ظرف مدت ده روز برانداخته شد . در دوم سپتامبر ۱۹۴۵ ، رئیس هوشی مین در هانوی ، قطعنامه‌ی استقلال را قرائت کرد و بدین طریق جمهوری دموکراتیک ویتنام پایه‌عرضی وجود گذاشت و فصل جدیدی در تاریخ خلق ویتنام گشوده شد .

قیام همگانی ماه اوت ۱۹۴۵ قیامی بود که توسط همه‌ی خلق ، تحت رهبری حزب طبقه‌ی کارگر صورت گرفت . خلق مادرپاسخ به ندای حزب در سرتاسر کشور ، در شهر و روستا بپاخواستند و با هماهنگ کردن نیروهای سیاسی و مسلح خود ، قدرت را با قیام مسلحانه تصاحب کردند . " پیروزی انقلاب ماه اوت ، عمدتا " به دلیل اینکه نیروهای سیاسی خلق از مساعدترین لحظه برای قیام و تصاحب قدرت استفاده جستند ، میسر شد . اما اگر قبل از آن حزب مانیروهای مسلح خود را تشکیل نداده بود ، مناطق پایگاهی وسیعی را برای پشتیبانی نیروهای سیاسی و جنبش سیاسی بوجود نیاورده بود و در برپاداشتن یک قیام مسلحانه‌ی فوری در زمانیکه شرایط آماده بود تعلل میکرد ، انقلاب بدان سرعت قادر به پیروزی نبود (۲۲) " ارتش سیاسی نیرومند انقلاب شامل میلیون هانفرد در سرتاسر کشور میشد . بانیهوهای مسلح جامع و گسترده‌ی خود عمده ترین نیروئی بود که قیام را به پیروزی رساند . در حرکت توده ها که سلاح برگرفته اند تا با حمله‌ی مستقیم خود قدرت دشمن را درهم شکنند ، به سختی

* - این چریکها در زمان قیام " نام کی " در نوامبر ۱۹۴۵ بوجود آمدند .

میتوان تفاوتی بین نیروهای سیاسی و نیروهای نظامی قائل شد . شاید بتوان گفت که نیروهای مسلح خلق مادریام همگانی ماه اوت از قسمت های زیرتشکیل میشد :

۱ - واحدهائی از ارتش آزادی بخش .

۲ - نیروهای دفاعی ودسته های کوچک چریکی متعدد که صدها هزار نفر از مجامع میهن پرست در سرتاسر کشور را دربرمی گرفتند علاوه بر آن نیروهای توده های وسیع خلق بودند که در لحظه مناسب با سلاحهای گوناگونی (چوبدستی ، تبر ، چکش ، داسو غیره) که در اختیار داشتند ، بپا خاستند و قدرت را بدست گرفتند .

در این تهاجم خلق - که همچون زلزله دنیا را تکان داد - نیروهای مسلح توده ها ، جهشی بزرگ به جلو نمودند ، نظرات آنها رشد یافته بود ، روحیه عالی داشتند و از قدرت تهاجمی زیادی برخوردار بودند . در چنین شرایطی ارتش آزادی بخش ما - هر چند یک نیروی چند هزار نفری بود - از حیثیت و اعتبار فوق العاده ای برخوردار گردید . افراد این ارتش دارای استعداد و قابلیت رزمی فراوانی بودند ، به آسانی میتوانستند روحیه دشمن را خراب کنند و محرک نیرومندی برای حرکت شورشی توده های انقلابی بشمار میآمدند .

تجربیات انقلاب ماه اوت نشان میدهد که در شرایط یک کشور مستعمره ، جایی که همه گونه آزادی های دموکراتیک سلب شده و داشتن کوچکترین سلاحی ممنوع گشته است ، در روزهای نخست ، ایجاد یک ارتش بزرگ انقلابی جهت شکست ارتش سازمان یافته و کاملاً مجهز حکام استعماری ، بسیار دشوار می باشد . بنابراین زمانی که هدف سیاسی قیام بدرستی مشخص گردیده است ، بمنظور هدایت قیام تمامی خلق به سوی پیروزی ، لازم است که از یک نیروی سیاسی مقتدر و یک ارتش سیاسی نیرومند برخوردار باشیم تا برپایه های آن نیروهای مسلح گسترده ای توده ها و یک ارتش انقلابی را - با درجه ای معینی از سازماندهی - بنانهیم .

ارتش سیاسی عظیم توده ها و نیروهای مسلح گسترده ای آنها ، نیروهای عمده ای بشمار می آیند که پیروزی قیام را ممکن میسازد . این بدان خاطر است که حزب ما این نیروها را طی رهبری انقلاب ، ایجاد نموده و پیوسته تعلیم داده است . حزب ما با دوربینی عمل کرده و میدانسته که در چه زمانی فرصت را برای قیام برپاید . " لحظه و فرصت زدن ضربه ای کاری تعیین کننده برای شروع یک قیام ... آن موقعی است که بحران به اوج خود رسیده و نیروهای پیشتاز تپای جان آماده ای نبرد باشند ، و نیروهای ذخیره برای پشتیبانی پیشتاز آمادگی داشته و صفوف دشمن کاملاً بهم خورده و متلاشی شده باشد (۳۳) " در چنین شرایطی و در مواجهه با قدرت تهاجمی خلق ، فرمانروایان نه اراده و نه قابلیت استفاده از ارتش را علیه قیام کنندگان دارند . ربودن فرصت ، یکی از نکات مهم در فن برپا داشتن قیام است . در قیام همگانی ماه اوت ، حزب ما قادر بود که لحظه ای قیام را پیش بینی کند و زمانی که این لحظه فرارسید ، فوری آنرا غنیمت شمرد . حزب ما کاملاً مهیا بود و قیام را در مناسبترین لحظه آغاز کرد . آن زمانی بود که زاین فاشیست تسلیم شده بود و سبایه ایان ژاپنی در هندوچین بکلی روحیه ای جنگی خود را باخته بودند . آن هنگامی بود که نظامی گران

ژاپنی از قدرت اراده برای استفاده از ارتش جهت سرکوبی قیام برخوردار نبودند و ارتش سیاسی توده ها و نیروهای مسلح گسترده‌ی آنها با خاستند و با بهره‌گیری از قدرت خود به طریقی قطعی و تعیین کننده ، رژیم دشمن را برانداختند و قدرت را برای خلق تصاحب کردند .

اما بدون داشتن یک ارتش انقلابی - برخوردار از درجه‌ی معینی از سازماندهی - که بمنزله‌ی یک نیروی ضربتی برای حمله به بخشی از ارتش و تشکیلات اداری دشمن و نابودی آنها انجام وظیفه نماید و بدین گونه آنها را - در صورت مقابله با قیام - فلج نموده و از هم بپاشاند ، بسیج توده ها برای قیام و ایجاد شرایط مناسب برای به پیروزی رساندن قیام خلق امکان پذیر نبود . در طی انقلاب ماه اوت و همزمان با قیام های کوچک و جنگ های چریکی محلی جهت آمادگی برای یک قیام همگانی ، زدوخوردهای مسلحانه‌ی بسیاری بین ارتش انقلابی و ارتش ارتجاع بوقوع پیوست . حتی در زمانی که قیام همگانی آغاز میشد در اوج جنبش شورشی توده ها ، چنین زدوخوردهایی در بعضی نواحی اتفاق افتاد ، بنابراین نیروی عمده‌ی یک قیام متشکل از نیروی سیاسی توده های مسلح است ولی با پشتیبانی یک ارتش انقلابی ، جنبش شورشی توده ها از کمک و تشویق موثری برخوردار میشد و امکان پیروزی قیام بیشتر میگردد . استفاده از ارتش آزادی بخش بمنزله‌ی حامی و پشتیبان جنبش - هر چند از نظر تعداد نفرات بزرگ نبود - یک تجربه‌ی خوب و یک پیروزی مثبت انقلاب ماه اوت بشمار میرفت .

برای تضمین پیروزی قیام همچنین لازم است که به کار تبلیغی در میان سپاهیان دشمن دست زده و حمایت آنها را جلب نمائیم . در صفوفشان شکاف انداخته و آنها را فلج کنیم . روحیه‌شان را خراب کرده و آنها را مردود و منفعل سازیم تا بدین وسیله از مداخله‌شان علیه قیام توده ها جلوگیری بعمل آورده و آنها را به جبهه خود بکشانیم . لنین میگوید : " تنها زمانی که توده‌های کارگری - دهقانی و بهترین عناصر ارتش (ارتش دشمن) * ، حملات خود را هماهنگ کنند ، شرایط مناسب برای برپایی یک قیام موفق یعنی برای شروع یک قیام در لحظه‌ی مناسب آماده شده است (۳۴) " . کار تبلیغی در میان سپاهیان دشمن با شعار " اتحاد کارگران ، دهقانان و سربازان " توافق دارد و در یک قیام از اهمیت استراتژیکی برخوردار است .

در یک نبرد ، زمانیکه دوازش علیه یکدیگر می‌جنگند ، اوضاع فرق میکند . گرچه هنوز لازم است که در میان سپاهیان دشمن ایجاد ترس و اضطراب نمائیم ولی وظیفه‌ی اصلی نابودی و شکست دشمن است . " پیروزی واقعی قیام کنندگان بر ارتش (یعنی ارتش دشمن) ... در جنگ خیابانی - از نوع پیروزی حاصله در جنگ بین دوازش - یکی از حالات بسیار استثنائی است اما در همه‌ی حالات پیروزی در جنگ بدلیل عدم واکنش سپاهیان و بدین جهت که افسران فرمانده از گرفتن تصمیم عاجز بودند و یا اینکه دست آنها بسته بود و کاری نمی‌توانستند بکنند ، میسر میشد (۳۵) " .

* توضیح داخل پرانتز از مؤلف است .

ایجاد اضطراب و نگرانی در ارتش دشمن عمدتاً " کارنیروهای سیاسی توده ها و نیروهای - مسلح آنها میباشد و در این میان از ارتش انقلابی میتوان اندکی کمک گرفت . واقعیت این است که در انقلاب ماهوت ، توده های شورشی بر قدرت فوق العاده و کار تبلیغی و اقناعی خود در میان سپاهیان دشمن - که تقریباً " سپاهیان ژاپنی و مزدوران ویتنامی شان رافلج کرده بود و آنهارا به حالتی منفعل در برابر توده ها تقلیل داده و از مقابله با قیام باز داشته بود - تکیه نمودند . در بعضی نواحی ، سربازان ویتنامی که در خدمت دشمن بودند به جبهه ی انقلاب پیوستند . همیشه باید در سپاهیان دشمن ایجاد نگرانی و اضطراب نمود . ولی اگر آنهایی که برمسند قدرت نشسته اند هنوز از راه و توان آنرا داشته باشند تا از سپاهیان خود برای مقابله با قیام بهره گیرند ، باید با عزمی راسخ تهاجم انقلابی خود را علیه آنها افزایش دهیم . باید مبارزه ی مسلحانه را تشدید کنیم و ارتش انقلابی را جهت شکست سپاهیان مرتجع و وسعت نیرو و بخشیم . باید قیام مسلحانه را به جنگ انقلابی بکشانیم و پیروزی را از آن خلق سازیم .

بطور خلاصه حزب مادر انقلاب ماه اوت از آنجهت توانست خلق ما را در مبارزه - برای تصاحب قدرت در کشور به پیروزی رهنمون شود که آزمشی سیاسی صحیح و مشی درستیی در سازماندهی نیروها بر خوردار بود . لحظه ی مناسب را برای شروع قیام در زیور ، تمام خلق را بسیج کرد و از قدرت عظیم ارتش سیاسی وسیع توده ها و نیروهای گسترده آنها استفاده نمود .

انقلاب ماه اوت ، اولین پیروزی مارکسیسم لنینیسم در یک کشور مستعمره نیمه فئودال بشمار میرفت . این انقلاب ثابت کرد که در شرایط بین المللی مناسب در عصر ما ، خلقی کوچک ، ستم دیده و تحت سلطه کاملاً " قادر به قیام و استفاده از قیام مسلحانه میباشد تا بدینوسیله قدرت را بر بیاورد و حکومت ظلم و استثمار امپریالیست های استعمارگرا - همراه با ماشین اداری تحمیلی و ارتش حرفه ای مجهز به سلاح های مدرنشان - براندازد .

مدتی کوتاه بعد از آنکه خلق ما کنترل کشور را بدست گرفت و در حالیکه حکومت جدید هنوز کاملاً " بر اوضاع مسلط نبود ، استعمارگران فرانسوی جهت آغاز یک جنگ تجاوز کارانه علیه کشور ما ، مراجعت کردند .

تمامی خلق ما در پاسخ به خواست رئیس هوشی مین مبنی بر اینکه " بهتر آن است همه چیز را قربانی کنیم تا آنکه استقلال ملی را از دست بدهیم و به بردگی بقیتم " ، همچون تنی واحد به پا خاست و دلاورانه جنگ مقاومت را برای نابودی دشمن ، نجات کشور ، حفظ استقلال ملی و پاسداری از قدرت حکومت تازه تاسیس یافته ی خلق آغاز کرد . قیام تمامی خلق در انقلاب ماه اوت به یک جنگ خلق ، به یک جنگ آزادی بخش و در همان حال به جنگی برای دفاع از زمین تبدیل شد .

جنگ مقاومت علیه استعمارگران فرانسوی " یک جنگ طولانی بود که توسط تمامی خلق و باتکیه بر قدرت خود در کلیه ی جبهه ها ، آغاز گردید " (۳۶)

جنگ ابتدادر " نام بو " شروع شد . نیروهای مسلح و خلق " نام بو " با شهامتی بی نظیر با بهره گیری از سلاح های ابتدائی همچون چوب های نوک تیز به جنگ علیه سربازان استعمارگر فرانسوی - که با سلاح های سنگین ، تانک ، هواپیما مجهز بودند و توسط سپاهیان

انگلیسی و ژاپنی پشتیبانی می‌شدند - پرداختند .

در نوزدهم دسامبر ۱۹۴۶ جنگ مقاومت همه گیر آغاز گردید . نیروهای مسلح خلق ما همراه با مردم شهرهای کوچک و بزرگ - با تجهیزات کم و بدون تجربه ولی سرشار از روحیه ای و ایالتی جانبازی و فداکاری - به جنگی نابرابر ولی پیروزی آفرین دست زدند تا تخریب را از دشمن سلب نموده و آنرا نابود کنند .

جنگ مقاومت تدریجا " از شهرها به دهات کشیده شد . سعی بر این بود که حملات نیرومندی به دشمن کرده و در ضمن نیروی عمده ای خود را برای مبارزه ای طولانی حفظ نماییم . دشمن هر جا می‌رفت با مقاومت شدید نظامیان بومی و چریکها روبرو میشد . آنها با کمک مردم بیل ها و جاده ها را خراب می‌کردند . مکررا " بردشمن حمله می‌بردند و هربارتنی چند از آنها را می‌کشتند و با نزدیک شدن دشمن خانه ها را از سکنه تخلیه می‌نمودند .

در اواخر سال ۱۹۴۷ ، استعمارگران فرانسوی بمنظور انهدام نیروی عمده ای جنبش مقاومت و ارگانهای رهبری کننده ای آن ، جهت نابودی پایگاه مقاومت تمام کشور و تخم سریع جنگ به حمله ای بزرگی به منطقه ای " ویت بک " دست زدند . با حملات بزرگی که بوسیله نیروهای عمده (جنبش مقاومت) صورت می‌گرفت و همچنین تهاجمات متعدد و کوچک سپاهیان ایالتی ، نظامیان بومی و چریکها در طول خطوط دشمن ، نیروهای مسلح و خلق " ویت بک " در زمستان سال ۱۹۴۷ - در حالیکه درهماً هنگی نزدیک با جبهه های جنگ در - سر تا سر کشور عمل می‌نمودند - توانستند تهاجم استعمارگران فرانسوی را به شکست بکشانند .

اوضاع جنگ بنفع ما در گون شد . دشمن که با حملات برق آسای خود آرزوی یک پیروزی سریع را در سر می‌پروراند ، اکنون خود را مجبور به برپایی جنگی طولانی میدید تا بدینوسیله موقعیت خود را در عقب هر سه جبهه ای جنگ در شمال ، مرکز و جنوب ویتنام ، مستحکم کند . برای این منظور دشمن نقشه هائی مبنی بر ادامه ای جنگ و استفاده از ویتنامی برای جنگ علیه ویتنامی ، بمورد اجرا گذاشت . از طرفی ما عمیقا " به پشت جبهه ای دشمن رخنه کردیم و جنگ های چریکی وسیع و موثری را برپا داشتیم . با پیش قسمتی از نیروی عمده ای خود بصورت گروهان های مستقل و دسته های در اندازه ای یک گردان ، ما توانستیم به نیروهای نظامی بومی و چریکی و همچنین نیروهای ایالتی در عقب جبهه ای دشمن تحرک فراوان بدهیم و بر توان آن بیفزاییم . در همان حال سعی کردیم تا واحدهای متحرک ایجاد کنیم و با جنگ متحرک به جلو برویم . نیروهای مسلح خلق مرکب از سه نوع نیروی مسلح ، قطعا " شکل گرفته بود .

پیروزی که در نبرد پائیز و زمستان ۱۹۵۰ بر سر ناحیه ای مرزی نصیب ما شد ، بیانگر پیشرفت عظیم سه دسته ای نیروهای مسلح و بخصوص ارتش منظم میباشد . ارتش ما که در سطحی وسیع سازماندهی شده بود با برخورداری از وسایل و تجهیزات پیشرفته ؛ برای اولین دفعه به حمله ای عظیم دست زده بود و بخش مهمی از نیروهای متحرک زنده ای دشمن را نابود نموده ، خط دفاعی مرزی آنها را شکسته و سرزمین وسیعی را آزاد کرده بود . جنگ خلق از جنگ چریکی آغاز و به جنگ عادی تکامل یافته بود . با ایجاد جمهوری خلق چین و پیروزی مادر نبرد بر سر ناحیه ای

مرزی ، به محاصره ای امپریالیستی انقلاب ویتنام پایان داده شده بود و خطوط ارتباطی ما با کشورهای سوسیالیستی از آن ببعد باز بود .

در سال ۱۹۵۱ ، کنگره دوم حزب تصمیمات زیادی را در مورد مسائل اساسی انقلاب ویتنام و مقاومت بسیار طولانی ما ، اتخاذ کرد . سیاست های درست حزب که بعد از کنگره به مورد اجرا گذاشته شد - و خصوصا " سیاست حزب درباره اصلاحات ارضی - توده های زحمتکش دهقانی را ترغیب نمود تا با روحیه ای انقلابی تریاخیزند و دارودسته ای امپریالیست ها و فئودال ها را شکست دهند . بسیج نیروی انسانی و منابع برای مقاومت و ایجاد نیروهای مسلح ، از یوپیایی و تحرک بیشتری برخوردار گشت . جنگ خلق نیرویی تازه را جلب کرده بود و به آن این توان را میداد تا بر تجاوزکاران فرانسوی - با وجود کم کم های مهمی که از امپریالیست های امریکایی از سال ۱۹۵۰ ببعد دریافت کرده بودند . غلبه نماید .

تهاجمات و حملات متقابل وسیعی که توسط ارتش منظم بخصوص در " بک بو " که جبهه ای اصلی جنگ بود ، صورت گرفت ، بر شدت جنگ چریکی نیز در همه جبهه های جنگ افزوده گشت . مردم در بسیاری نقاط در عقب جبهه ای دشمن - در حالیکه نظامیان بومی ، چریک ها و نیروهای ایالتی هسته ای آنها را تشکیل میدادند - مبارزه ای سیاسی را با مبارزه ای مسلحانه در آمیختند و جهت نابودی مقامات دست نشانده ای دهکده ، انهدام - پاسگاه های دشمن ، برقرار کردن قدرت خلق و تبدیل عقب جبهه ای دشمن به خطوط مقدم جبهه ای ما ، قیام های مسلحانه ای را برپا نمودند . جنگ چریکی در هماهنگی نزدیک با جنگ عادی - بخصوص در عملیات جنگی بزرگ - به مرحله ای جدیدی از تکامل و توسعه وارد شد . در همان حال که جنبش انقلابی در دهه های شدت می یافت ، مبارزه در نواحی شهری به گسترش خود ادامه میداد .

در اواخر سال ۱۹۵۳ و اوایل سال ۱۹۵۴ ، یک حمله ای متقابل بزرگ و استراتژیکی در - سر تاسر کشور در چندین جهت - که از لحاظ استراتژیکی مهم بودند - آغاز گردید . هم جنگ عادی و هم جنگ چریکی در هماهنگی نزدیک با یکدیگر ، شدت یافتند . ارتش و خلق ما پیروزی های بزرگی را در تمامی جبهه ها بدست آوردند . خصوصا " در " دین بین فو " ما بخش مهمی از نیروی متحرک زنده ای دشمن را در هندوچین نابود کردیم . پیروزی معروف ما در " دین بین فو " - که نبردی تاریخی و دارای اهمیت استراتژیکی قطعی بود - سومین پیروزی در دیگر جبهه های جنگ ، ضربه ای کاری آخر را بر اراده ای دشمن (مینی برادامه ای جنگ تجاوزکارانه شان) وارد کرد ، خصوصیات جنگ را در گروگون ساخت و بدین ترتیب جنگ مقاومت ما علیه تجاوز فرانسویان به پیروزی درخشانی نایل آمد .

تجزیه ای انقلاب ما و جنگ مقاومت علیه تجاوز فرانسویان به ما امکان میدهد تا نتایج زیر را در مورد نیروهایی که در یک قیام و جنگ انقلابی شرکت دارند ، بگیریم . نیروی عمده ای که در قیام ما و مورد استفاده قرار گرفت ، ارتش سیاسی توده ها و نیروی مسلح وسیع آنها بود . اما در جنگ خلق علیه تجاوز امپریالیست های فرانسوی ، نیروی عمده ای ما ، نیروهای مسلح خلق بودند که بر پایه ای نیروهای سیاسی اتحاد عظیم خلق - و با هماهنگی

کردن کار خود با این نیروهای سیاسی - عمل مینمودند . این بدان جهت است که یک شورش کلا" یک قیام توده‌ای است ، درحالیکه یک جنگ ، دوارتش را در مقابل یکدیگر قرار میدهد روشن است که در یک جنگ خلق ، قیام های توده‌ای نیز وجود دارند و در یک قیام همگانی ، نبردهایی نیز بین ارتشهای دوطرف درمیگیرد . در جنگ مقاومت علیه استعمارگران فرانسوی خلق ما با مهارت تمام ، نیروهای مسلح و نیروهای سیاسی خود را هماهنگ نمود . نیروهای سیاسی ، پایه و اساس نیروهای مسلح بحساب می آمدند و سه نوع نیروهای مسلح ، ستون فقرات مقاومت را - در جنگی که توسط تمامی خلق صورت گرفت - تشکیل میدادند . خلق ما با مهارت مبارزه مسلحانه را با مبارزه سیاسی و عملیات نظامی را با قیام در آمیخت ، در حالی که مبارزه مسلحانه بمثابة شکل ضروری و اصلی مبارزه مورد استفاده قرار می گرفت .

حزب ماطی سالهای جنبش مقاومت ، برای تشکیل نیروهای مسلح خلق زحمت فراوان - کشید . بر مبنای نیروهای سیاسی خلق و با اتحاد کارگران و دهقانان به رهبری طبقه کارگر ، نیروهای مسلح خلق ماکه در روزهای تدارک قیام مسلحانه برای تصاحب قدرت بوجود آمدند در اولین سالهای اعمال قدرت خلق جهشی بزرگ به جلو داشته و در طول سالهای جنگ طولانی مقاومت ، آبدیده شدند و گسترش یافتند . ارتش آزادی بخش بصورت ارتش خلق ویتنام و ارتش حکومت درآمد . واحدهای خود دفاعی ، نظامیان بومی و نیروهای چریکی پیوسته رشد میکردند . سه دسته نیروهای مسلح خلق یعنی نیروی اصلی ، نیروهای ایالتی و " نظامیان بومی و نیروهای چریکی " نیرومند تر شدند .

ارتش منظم نیرویی ضروری است و نیروی متحرکی است که در جبهه های مهم جنگ در سراسر کشور مورد استفاده قرار میگیرد . وظیفه آن نابودی ارتش منظم دشمن و بخصوص نیروی متحرک استراتژیک آنها ، وارد آوردن ضربات گتج کننده بر نیروهای مسلح آنها ، آزاد ساختن سرزمین ها و اتحادیان نیروهای چریکی برای دگرگون ساختن اوضاع جنگ است . این عملیات مهم استراتژیکی وسیلهی خرد کردن ارادهی دشمن در جنگ تجاوزکارانه شان و تحصیل پیروزی کامل برای جنبش مقاومت است . نیروهای منظم و جنگ عادی نیز شرایطی را برای گسترش پیوای جنگ چریکی ایجاد نمودند و مبارزه سیاسی توده ها و قیام مسلحانه و همچنین کار تبلیغاتی در میان سپاهیان دشمن و تشکیلات اداری آنرا متحرک و نیرو بخشیدند . در جنبش مقاومت علیه تجاوز فرانسویان ، نیروی اصلی ما از واحدهای کوچکی در آغاز تشکیل میشد که به یک نیروی متحرک استراتژیکی متشکل از گروههای متحرک جنگ دیدهی رزمی تبدیل گشت . این نیروی متحرک همواره بوسایل جدید و پیشرفته مجهز بود و با بر خورداری از تعلیم خوب ، روحیهی عالی و قدرت رزمی فراوان میتواندست چندین گردان و ویا هنگ دشمن را در یک نبرد نابود و منهدم سازد . گروههای متحرک رزمی ماکه برای اولین بار در جنگ مرزی در سال ۱۹۵۰ و بعد در دیگر نبردهای بزرگ مانند " هوا بین " ، " نای بک " و غیره با دشمن درگیر شدند ، با هماهنگی نزدیک با نیروهای مسلح ایالتی و سه دستهی نیروهای مسلح ، بسیار موثر واقع گشتند و به پیشرفت جنگ مقاومت کمک فراوان نمودند . نبرد " دین بین فو " از مرحلهی بسیار پیشرفتهی توسعهی نیروهای متحرک

استراتژیکی مادر جنگ علیه تجاوز فرانسویان حکایت میکند . در همان حال که ارتش و خلق ما پیروزی بزرگی را در جهات مختلفی بدست می آوردند ، گروههای رزمی متحرک زبدهی ما در جبهه جنگ " دین بین فو " با کمک واحدهای فنی و پشتیبانی نیرومند تمامی خلق - بزرگترین قلعهی نظامی دشمن را در هندوچین تصرف کردند .

نیروهای ایالتی که بر اساس شرایط عینی و وظایف واقعی در هر جبهه و ناحیه ایجاد میشوند ، ستون فقرات مبارزهی مسلحانه در ایالات بشمار می آمدند . نیروهای ایالتی که در واحدهای نیرومندی سازمان یافته اند در داخل ناحیه و ایالت دست به عملیات میزنند . گاهی نیروهای خود را متمرکز میکنند و زمانی آنها را پخش مینمایند . در هماهنگی نزدیک با نظامیان بومی و واحدهای چریکی و نیروی اصلی دشمن عمل نموده نا دشمن را نابود میکنند و جنگ چریکی را ادامه داده و گسترش دهند . عمل خود را با جنبش های توده ای مبارزهی سیاسی و قیام هماهنگ مینمایند تا کوشش های دشمن را برای محاصرهی جمعیت و اادار کردن جوانان به انجام کارهایی که دوست ندارند ، خنثی نمایند . نیروهای ایالتی از خلق و قدرت خلق پاسداری میکنند و با مواظبت از نیروی انسانی و منابع ، آنها را در خدمت جنبش مقاومت قرار میدهند .

نیروهای ایالتی در استانها و نواحی کشور در یک روند توسعهی دائم ، از گروههای تبلیغ مسلحانه ، گروهان های مستقل و گردان هایی که در اولین سالهای جنبش مقاومت فعالیت میکردند ، بوجود آمدند . وسایل و مهمات آنها پیوسته بهبود مییافت و این کار بیشتر از طریق مصادرهی سلاح های دشمن صورت میگرفت .

نیروهای ایالتی ، بسیاری از دسته ها و گروهانهای دشمن را نابود کردند . پاسگاههای زیادی را از چنگ دشمن در آوردند و در مرحلهی آخر جنگ مقاومت ، آنها حتی گردان های دشمن را یکجا از بین میبردند .

نیروهای نظامی بومی و چریکی ، نیروهای مسلح وسیع خلق بحساب میآیند . این نیروها عملیات خود را با نیروهای ایالتی در جنگهای چریکی هماهنگ نموده و با نیروهای سیاسی توده ها برای نابودی مقامات دست نشانده و افراد خائن و برپاداشتن قیام ها جهت تصاحب قدرت محلی ، همکاری میکردند . نظامیان بومی و چریک ها از کارهای تولیدی دست نمی کشیدند . آنها از انواع اسلحه و اشکال مختلف جنگ برای حملات دقیق علیه سبایان دشمن در نواحی مختلف استفاده مینمودند و بدین طریق دشمن را در دها و درختان ها و خلاصه هر جا و هر وقت که گیرشان میآوردند - و حتی در عقب جبههی بظاهر مطمئن دشمن - نابود میکردند . نظامیان بومی و نیروهای چریکی محلی نیز مبنای و پایه هایی جهت ایجاد ارتش خلق و توسعهی جنگ منظم بشمار میروند .

در طی جنگ مقاومت علیه تجاوز فرانسویان ، نیروهای نظامی بومی و چریکی از لحاظ نفرت بسرعت رشد کردند و توانائی و قابلیت جنگی خود را افزایش دادند . این نیروها که در دهکده های متعدد جنگی پایگاه داشتند ، با مهارت تمام و با استفاده از سلاحهای ابتدایی که بتدریج کیفیت آنها بهتر میشد - بخش ها و دسته های زیادی از دشمن را منهدم

می ساختند. در اواخر جنگ مقاومت در بعضی نقاط دسته‌های دشمن را یکی‌نا بود می کردند. همکاری سپاهیان ایالتی بر قدرت و ثناء نیرین نیروهای افزود. آنها مناطق و پایگاه‌های چریکی ایجاد نموده و آنها را پاسداری کرده و توسعه میدادند. از مناطق آزاد شده دفاع مینمودند، حملات دشمن را بمنظور اشغال این مناطق به شکست کشانده و جنگ خلق را در ایالات شدت می بخشیدند. نیروهای نظامی بومی و چریک ها و همچنین نیروهای ایالتی در جنگ طولانی مقاومت و بخصوص در دوره های پراهمیتی مثل سال ۴۹ - ۱۹۴۸ آنگاه که حزب تصمیم گرفت که جنگ چریکی را در عقب جبهه دشمن آغاز کند (و بعد از آن در عقب خط دشمن طی نبردهای " هواین " ، " دین بین فو " و غیره) نقش بسیار مهمی داشتند.

تکامل و توسعه نیروهای مسلح خلق مابه سه نوع نیروی مسلح - یعنی نیروهای منظم و نیروهای ایالتی که ارتش خلق را تشکیل میدهند ، نیروهای نظامی بومی و چریکی که نیروهای مسلح توده ها را میسازند - بیانگر این واقعیت است که سازمان نظامی ماطی جنگ خلق علیه تجاوز استعمارگران فرانسوی ، سازمانی مربوط به تمامی خلق بوده است .

در این جنگ ، روابط سازمانی میان نیروهای منظم ، نیروهای ایالتی و " نظامیان بومی و چریک ها " در روند توسعه نیروهای مسلح انقلابی و همچنین هماهنگی میان انواع نیروهای مسلح یعنی بین ارتش خلق و نیروی مسلح توده‌ها با روند توسعه جنگ مقاومت از جنگی چریکی به جنگی منظم (هماهنگی بین این دو نوع جنگ برای شکست دشمن) ارتباط نزدیک دارد .

تجربه جنگ مقاومت علیه تجاوز فرانسویان نشان میدهد که هماهنگی میان نیروهای منظم ، ایالتی ، نظامی و بومی و چریکی ، جنگ منظم و چریکی یک نمود برجسته جنگ خلق است که بسیج تمامی خلق را علیه دشمن و استفاده از نیروی مضاعف یک جنگ عادلانه و جنگ آزادی بخش را در سرزمین خود ممکن ساخته است . این هماهنگی نیروها و بسیج خلق توانست ارتشی حرفه‌ای را با نغزات فراوان و وسایل مدرن از برپا داشتن یک جنگ کلاسیک و کار بست مهمی قدرت و توانایی خود باز دارد . تجاوزکاران نه تنها میبایستی با ارتشی انقلابی روبرو شوند بلکه تمامی خلقی را که برای پیوستن به نیروهای مسلح انقلابی قیام کرده بودند - تابه مقاومتی بی گیر در همه زمینه هادست بزنند - در مقابل خود میدیدند سپاهیان تجاوزکار در اقیانوس جنگ خلق غرق شدند . آنها در جنگی وارد شده بودند که در - خط جبهه‌ی آن جلو عقبی وجود داشت و در واقع جبهه‌ی جنگ همه جا بود و هیچ جانی نبود . تضادهای ذاتی همه‌ی جنگ‌های تجاوزکارانه - بین پراکندگی و تجمع و سکونت و تحرک - عمیق تر میشد . ارتش بزرگ تجاوزکار که کاملاً " به سلاح های مدرن مجهز بود ، بی اثر گردید . نه تنها آنها نتوانستند نیروهای مسلح خلق را نابود سازند ، بلکه علاوه بر آن هر روز بیشتر گشته میدادند و بالاخره از سه دسته‌ی نیروهای مسلح خلق که از جانب تمامی خلق پشتیبانی میشدند ، شکست خوردند .

بدین طریق ، خلق ما با ارتشی که از نقطه نظر تعداد نغزات از ارتش دشمن ضعیف تر ولی از پشتیبانی نیروهای مسلح گسترده‌ی توده‌ها برخوردار بود جنگ مقاومت همه‌جانبه‌ای را

باشرکت تمامی خلق برپاداشت و باهماهنگی نزدیک میان جنگ چریکی و جنگ منظم ، ارتش استعماری فرانسه را که تعداد نفرت آن تقریبا " نیم میلیون نفر و مجهز به مدرن ترین وسایل جنگی بود ، شکست داد .

این اولین پیروزی جنگ آزادی بخش ملی دریک کشور مستعمره بشمار میرود . این پیروزی ثابت میکند که در عصر ما ، ملتی کوچک بدون سرزمینی پهناور و جمعیتی زیاد و با اقتصاد توسعه نیافته کاملاً قادر است جنگی انقلابی را برای شکست یک جنگ تجاوزکارانه ی استعماری از نوع قدیم برپا دارد .

بدنبال پیروزی بزرگ جنگ مقاومت علیه تجاوز فرانسویان ، شمال کشور باز بر بنای کامل یک حکومت مستقل تماما " آزاد شد و وارد مرحله ی انقلاب سوسیالیستی و نوسازی سوسیالیستی در شرایط صلح گردید . در همان حال خلق مابه کوشش خود برای اتمام انقلاب دموکراتیک ملی خلق در سرتاسر کشور ادامه داد زیرا جنوب کشور هنوز تحت سلطه ی امپریالیستی امریکائیان و کارگرانشان باقی مانده بود .

خلق مادر شمال کشور پس از تکمیل اصلاحات ارضی و احیاء اقتصاد ملی ، گذار به سوسیالیسم و ساختمان آن را آغاز نمود و عمیق ترین و کامل ترین انقلاب را در تاریخ مابه انجام رسانید . وقتی که اصلاحات ارضی کلاً " تمام شد و بهره کشی انسان از انسان اساساً " محو گردید ، روابط تولیدی جدیدی برقرار گردید و مالکیت سوسیالیستی وسایل تولید بدست آمد ، شالوده های مادی و فنی سوسیالیسم بتدریج ایجاد گردید و اتحاد سیاسی و معنوی خلق مادر شمال کشور از هر زمان بیشتر شد . مینهن پرستی و عشق به سوسیالیسم و آگاهی جدید انسان سوسیالیستی مبنی بر حاکمیت جمعی بر سرنوشت خود پیوسته بیشتر می شد . خلق مادر کار باز - سازی و در مبارزه و جنگ از کمک های فراوان کشورهای برادر در اردوی سوسیالیستی بهره گرفت . پیشرفت جدید نیروهای مسلح خلق ، به توسعه و رشد جامعه در شمال کشور در شرایط تاریخی یاد شده مربوط میشود . این نیروها سازمان نظامی دفاع ملی تمامی خلق را در حکومت مستقلی که مشغول ساختمان سوسیالیستی در شرایط صلح است ، تشکیل میدهند . وظیفه ی آنها اینست که بمنزله ی بازوی دولت دیکتاتوری پرولتاریا از بخش سوسیالیستی شمال کشور دفاع کنند ، برای انجام انقلاب در تمامی کشور بکوشند و با مادگی کامل همه ی نقشه های امپریالیسم امریکاراختی نمایند .

ساختمان ارتش و استحکام دفاع ملی در شرایط صلح و تحت یک حکومت سوسیالیستی تجربه ی جدید حزب و خلق ما بشمار میرود . در گذشته برای قرن ها ، خلق ما تجربیاتی در ایجاد ارتش و تحکیم دفاع ملی در زمان صلح در یک کشور مستقل بدست آورده بود ولی تحصیل این تجربیات تحت سلطه ی یک حکومت فئودالی صورت گرفت . از زمانی که حزب ما به وجود آمد ، خلق ما مداوماً " برای چندین دهه جنگیده است . ما گرانها ترین تجربیات را در ساختمان نیروهای مسلح برای برپاداشتن یک قیام و تصاحب قدرت در شرایط کشوری که هنوز تحت حاکمیت استعماری و فئودالی بسر میبرد و بعد از آن در یک جنگ آزادی بخش طولانی

در شرایط یک حکومت دموکراتیک خلق که هر روز بیشتر قدرت می‌گرفت ، بدست آورده‌ایم .

هم اکنون حزب و خلق مامساله‌ی جدیدی را پیروزمندانه حل نموده‌اند .

در شرایط صلح ، وظیفه‌ی اساسی خلق مائترکز نیروی خود برای ساختمان کشور و اقتصاد سوسیالیستی است . به همین دلیل است که اساسی ترین مساله در ایجاد ارتش و تحکیم دفاع ملی در این دوره یافتن جواب صحیح برای مساله‌ی روابط بین اقتصاد کشور و دفاع ملی میباشد . تنها با داشتن اقتصادی نیرومند میتوان از دفاع ملی نیرومندی برخوردار بود . از طرف دیگر تنها با داشتن دفاع ملی نیرومند ، مافاد را خواهیم بود از کار و کوشش صلح آمیز خلقمان پاسداری کنیم ، کشور را با سرمایه و امنیت میهن مان را تضمین کنیم . روابط میان اقتصاد کشور و دفاع ملی بایستی بر طبق اوضاع کشوری برقرار گردد که موقتا " تقسیم شده است . قسمت جنوبی کشور هنوز مورد تجاوز بیگانه قرار می‌گیرد و بخش شمالی را بایستی سرعت بصورت پایگاه نیرومندی برای انقلاب در سرتاسر کشور در آوریم . اینها همه در شرایط کشوری کوچک صورت می‌گیرد که بایستی برای جنگ علیه امپریالیسم امریکا - که تجاوزکاری نیرومند است - آماده باشد و در چنین جنگی پیروز گردد . بنابراین ضمن ساختن اقتصاد کشور ، ما باید نیازهای دفاع ملی را - نه تنها از نقطه نظر جهت گیری و وظایف برنامه‌ی کلی اقتصادی و تقسیم کشور به نواحی عمده‌ی اقتصادی بلکه همچنین تقسیم اقتصاد به شاخه‌های مختلف صنعت و کشاورزی ، ارتباطات ، حمل و نقل و فعالیت های فرهنگی و اجتماعی - نیز مورد توجه قرار دهیم .

در همان حال در زمینه‌ی سازمانی ، ما بایستی آمادگی آنرا داشته باشیم تا از اقتصاد دوران صلح به یک اقتصاد دوران جنگ منتقل شویم .

حزب ما در مورد ساختمان ارتش و تحکیم دفاع ملی به نظریه‌ی جنگ خلق و دفاع ملی بوسیله‌ی تمامی خلق اعتقاد کامل دارد . حزب ما در شرایط جدید ، تمامی خلق را مسلح کرده و همزمان با آن به ساختمان ارتش نیرومند خلق و مسلح کردن توده های انقلابی و استحکام بخشیدن به سه دسته‌ی نیروهای مسلح خلق در رابطه با اوضاع جدید و وظایف نوین دست زده است . با داشتن نیروهای مسلح گسترده‌ای تمامی خلق که نفرت آن به کار تولیدی خود ادامه داده و همچنین با ارتشی کاملا " تعلیم دیده و با روحیه‌ی رزمی قوی ، میتوانیم از دفاع ملی نیرومندی برخوردار بوده و در عین حال نیروی انسانی کافی برای انجام کارهای تولیدی ، ساختمان و توسعه‌ی اقتصادی در اختیار داشته باشیم . این تنها سیاست صحیح دفاع ملی در کشور کوچکی چون کشور ما است که در زمان صلح باید برای توسعه‌ی اقتصاد خود بکوشد و در زمان جنگ شدیداً " با دشمنان نیرومند امپریالیستی مقابله کند .

ما بایستی ضرورت هماهنگ کردن نزدیک اقتصاد کشور را با دفاع ملی در شرایط حاضر یعنی زمانی که صلح در شمال کشور برقرار شده است ولی میهن ما هنوز تقسیم شده باقی مانده و تجاوزکاران در جنوب مانده‌اند - بخوبی دزک نمائیم . چنین درکی نمایانگر هشاری زیاد خلق ما است که بخوبی میدانند بایستی استقلال و حاکمیت را در بخش سوسیالیستی شمال پاسداری کرده و حتی در زمان صلح آماده در هم شکستن نقشه‌های دشمن بوده و بعلاوه برای آزاد کردن کشور کاملاً " مهیا و مصمم باشد .

حزب ما ، در رابطه با این سیاست تصمیم گرفت ارتش خلق نیرومندی را پایه گذاری کند که ارتش منظم و مدرن با سازمان وسیع نیروهای نظامی بومی و دفاعی را در برگیرد و نیروهای ذخیره قدرتمندی را بنانهد .

عده‌ای از فراتر ارتش را به کار تولیدی در عقب جبهه گماردیم و در ضمن برای تحکیم و تقویت یک ارتش ثابت دارای نفوذ کافی و باروحيه‌ای عالی می‌کوشیدیم . بسیاری از واحدهای ارتش در حالی که آمادگی نظامی خود را حفظ میکنند در ساختمان اقتصاد کشور نیز شرکت می‌جویند . بجای سربازگیری از افراد داوطلب ، حکومت ما خدمت سربازی اجباری را برقرار کرده است تا نیروی ذخیره‌ی قدرتمندی را ایجاد کند . این وظیفه هر شهروندی است که از میهن خود دفاع نماید . سربازانی که دیگر در حال بسیج نیستند و یا اینکه به خدمت غیر نظامی منتقل شده‌اند بر اساس معلومات و مدارکشان بعنوان سربازان ذخیره نام - نویسی و طبقه بندی میشوند . ما نیروهای نظامی بومی و نیروهای دفاعی را دو - باره سازماندهی کرده و استحکام بخشیده‌ایم . ما سازماندهی کمون ها ، دهکده ها و مناطق رزمی را تسریع نموده و برای حفظ امنیت و تقویت نظم کوشش کرده‌ایم . به جوانان خود تعالییم اولیه‌ی نظامی داده و در رابطه با دفاع ملی ، تربیت بدنی و ورزش را مورد حمایت و تشویق قرار داده‌ایم . نیروی امنیتی مسلح خلق در حال شکل گیری و سازمان یافتن است .

در مورد تقویت نیروهای مسلح خلق در شمال کشور نقش ارتش خلق ، قطعاً نام‌مندی کنگره سوم حزب در سال ۱۹۶۰ چنین میگوید : " ارتش خلق نیروی عمده‌ی حکومت برای پاسداری از استقلال ملی و حفظ کار و کوشش صلح آمیز خلق در شمال کشور بشمار میرود . ارتش خلق همچنین پشتیبان نیرومند مبارزه در راه اتحاد و یکپارچگی کشور محسوب میشود . ما باید دفاع ملی را هر چه بیشتر تحکیم بخشیم . ارتش ثابت را بصورت ارتشی منظم و مدرن در آوریم . همزمان با تحکیم نیروهای پلیس مسلح خلق ، بایستی نیروهای نظامی بومی و خود دفاعی را تقویت کنیم و نیروهای ذخیره را ایجاد نمائیم (۳۲) ."

بر اساس دستاوردهای انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم در کلیه‌ی زمینه‌ها ، نیروهای مسلح خلق ما در شمال کشور سرعت رشد و توسعه یافتند .

ایجاد یک ارتش خلق منظم و مدرن ، پیشرفتی تازه برای نیروهای مسلح خلق در این دوره بحساب می‌آید . ارتش ما یعنی ارتش انقلابی حکومت سوسیالیستی بصورت ارتشی مدرن درآمده و دارای بخش‌ها و شاخه‌های متعددی است . این ارتش دارای نیروی زمینی ، هوایی و دریایی است و شامل پیاده نظام ، توپخانه ، گروه‌های مهندسی زره پوش ، گروه‌های مخابرات ، واحدهای ضد شیمیائی ، دسته‌های ترابری و غیره میباشد . مقرراتی برای سازماندهی نیروهای گوناگون وضع شده و روحیه‌ی جنگی سربازان و انضباط آنها ارتقاء یافته‌است . ارتش منظم بدین طریق بصورت تشکیلات نظامی نیرومندی - مجهز به سلاحها و وسایل مدرن و دارای تحرک بیشتر ، هماهنگی هر چه بهتر میان نیروهای مختلف و برخوردار از قدرت جنگی فراوان - درآمده‌است . همراه با تقویت و تجهیز سربازان ایالتی با وسایل بهتر ، قابلیت جنگی آنها نیز بالا میرود . ارتش خلق ما برخورداری از حمایت میهن پرستی

خلق و عشق به سوسیالیسم ، در سایه‌ی نظام خدمت سربازی بانبروهای ذخیره‌ی قدرتمند و نیروهای گسترده‌ی نظامیان بومی و دفاعی از منبع عظیم نیروی انسانی برخوردار است و میتواند سرعت نیروهای خود را رشد و توسعه دهد .

نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی نیز پس از برقراری روابط جدید تولیدی در دهات و شهرها بشدت رشد نمودند . در شرایط سوسیالیسم این نیروها ، نیروهای مسلح توده‌ها هستند که بطریقی گسترده در میان زحمتکشان سازمان یافته‌اند . نیروهای نظامی بومی و نیروهای چریکی ، سازمان‌های مسلح تعاونی‌های دهقانی هستند . نیروهای خوددفاعی و نیروهای دفاعی رزمی ، نیروهای مسلح کارگران کارخانه‌ها ، موسسات و معادن ، مراکز فعالیت‌های ساختمانی ، مزارع ملی و همچنین نیروهای مسلح کادرها و کارگران ادارت دولتی و زحمتکشان شهرها بشمار میروند . نفرت سازمان‌های نظامی بومی و خوددفاعی و نفرت نیروهای ذخیره از آگاهی زیاد سیاسی و سطح نسبتاً پیشرفته‌ی فرهنگی برخوردارند . آنها کاملاً مجهز ، متشکل و تعلیم دیده میباشند . تجهیزات آنها شامل انواع گوناگون اسلحه و از آن جمله سلاح‌های مدرن است . آنها روشهای مناسب جنگ را فرا گرفته‌اند . بدین ترتیب آنها توانایی فراوان برای جنگ در مناطق خود و یا تقویت نیروهای دائمی را دارند .

در سال ۱۹۶۵ زمانی که " جنگ ویژه " در ویتنام جنوبی تهدید به شکست کامل میشد ، امپریالیست‌های امریکایی بشیرمانه از نیروی هوایی خود برای حمله به شمال کشور استفاده نمودند و سپاه‌یانی نیز برای حمله به جنوب اعزام داشتند . بدین گونه جنگ خلق در مقابل باجنگ مخرب امپریالیست‌های امریکایی در شمال کشور آغاز شد . این بخشی از جنگ مقاومت همه گیر علیه تجاوز امریکایی حساب می‌آید و در همان حال میتوان از آن بمنزله‌ی جنگی برای دفاع از میهن سوسیالیستی در برابر نیروی هوایی دشمن یاد کرد .

تجاوز کاران امریکایی در جنگ مخرب خود علیه بخش شمالی کشور ، قسمت مهمی از نیروی هوایی و دریایی مدرن خود را بسنج کردند . آنها میلیون‌ها تن بمب را در شمال کشور رها کردند و جنایاتی نابخشودنی علیه خلق ما انجام دادند . با اوج گیری مداوم جنگ ، آنها به نواحی مختلف و بعد به پایتخت یعنی قلب کشور حمله نمودند . تجاوز کاران امریکایی خیال میکردند که با قدرت نظامی عظیم خود میتوانند خلق ما را به تسلیم بکشاند .

آنها شتاب بزرگی میکردند . خلق ویتنام با سنت مبارزه‌ی قهرمانانه‌ی خود علیه تجاوز کاران بیگانه هیچگاه در برابر مهاجمان تسلیم نشده است . ارتش و خلق ما در بخش سوسیالیستی شمال در پاسخ به ندای رئیس‌هوشی مین گفت : " هیچ چیزگران بهتار از استقلال و آزادی نیست " ، با عزمی راسخ بیاخواستند و جنگ خلق را از زمین علیه هوا * برپا کردند .

* " زمین علیه هوا " ترجمه " Land Against Air " میباشد و منظور از آن جنگ علیه حملات هوایی امپریالیست‌های تجاوز کار امریکایی است . واژه " زمین به هوا " هم بعنوان معادل دیگری برای این کلمه بکار گرفته شده است .

این برای مانع کاملاً" جدیدی از جنگ خلق بود. در چنین جنگی " تمامی خلق علیه نیروی هوایی و دریایی دشمن می‌جنگند. تمامی خلق از کشور دفاع میکنند و در نگهداری ارتباطات و حمل و نقل شرکت می‌جویند. آنها در حالیکه کار میکنند، می‌جنگند و بدین طریق از عقب جبهه پاسداری کرده و در جلوی جبهه خدمت میکنند. این نمود تازه‌ای از توسعه و تکامل جنگ علیه خلق در کشور ما بود. در جنبش مقاومت علیه فرانسویان، ماهی یک جنگ خلق در شرایط یک حکومت دموکراتیک خلق که تازه تاسیس شده بود - دست زدیم. در آن زمان در حالی که قدرت توسط خلق تصاحب شده ولی هنوز تحکیم نیافته بود، ما از جانب امپریالیست‌ها محاصره شدیم. اکنون مادر شرایط یک حکومت تازه تاسیس یافته‌ی سوسیالیستی جنگ خلق را برپا کرده‌ایم. در این زمان دیگر دولت کاملاً" مستقل مادر طول ده سال صلح، تحکیم و توسعه یافته و کمک‌های مهمی از کشورهای برادرار دوی سوسیالیستی دریافت می‌دارد. در طی جنبش مقاومت علیه تجاوز فرانسویان - زمانی که ما عمدتاً" مبیایست علیه نیروهای زمینی دشمن ب‌جنگیم - همه" خلق مادر جنگ شرکت کردند و مادرش تجاوز کار فرانسه را که مجهز به سلاحهای مدرن تر بود، شکست دادیم. اکنون تمامی خلق ما عمدتاً" علیه" نیروی هوایی دشمن می‌جنگند و مابایستی با یکی از مدرن ترین شاخه های نیروهای مسلح امپریالیسم امریکا مقابله کنیم.

حزب ما تصمیم به بسیج نیروی تمامی خلق و انتقال کشور به حالت جنگ گرفت تا جنگ خلق را تشدید کند. ما سرعت نیروهای مسلح خلق را توسعه دادیم تا نیازهای فوری جنگ مقاومت را برآورده سازیم. ما جهت اقتصاد را تغییر دادیم، صنایع ملی را پخش کرده و صنایع محلی را وسعت بخشیدیم. ما واحی پر جمعیت و هدف های مهم حملات دشمن را تخلیه کردیم و جنگ را با تولید هماهنگ ساختیم. در حالیکه می‌جنگیدیم تولید را نیز بالا بردیم. حزب ما خاطرنشان کرد که تحت هر شرایطی باید شمال کشور را به سوی سوسیالیسم رهنمون شویم تا بدین وسیله مقاومت را در هم می‌زمینه ها تقویت نموده، به بخش شمالی کشور امکان شرکت در انقلاب همه گیر ادا ده و در همان حال خود را برای ساختمان دراز مدت کشور آماده سازیم. ما سه انقلاب زیر را به پیش رانیدیم:

- الف - روابط سوسیالیستی تولید هر چه بیشتر تحکیم مییافت.
 - ب - اتحاد سیاسی و معنوی خلق همواره زیاد می‌شد.
 - ج - شالوده های مادی و فنی سوسیالیسم بتدریج تقویت میگشت.
- حزب و خلق ما برای استفاده از برتری حکومت سوسیالیستی در تمام زمینه‌ها سخت کوشیدند تا مهمی وظایف و اهداف جنگ خلق را علیه جنگ مخرب امریکائیان به انجام برسانند.

توسعه نیروهای تمامی خلق در جنگ، پیشرفت سازمان نظامی و گسترش نقش ارتش خلق و نیروهای مسلح توده‌ها در این دوره با ویژگی های جنگ خلق از زمین علیه هوا، در - شرایط حکومت سوسیالیستی و با خصوصیت جنگ مقاومت علیه تجاوز امریکاییان برای نجات ملی - که توسط تمامی خلق در سرتاسر کشور صورت میگرفت - ارتباط دارد.

در درجه اول نیروی " دفاع هوایی " و نیروی هوایی ارتش خلق ، واحدهای ضد هوایی در ارتش منظم و نیروهای ایالتی در مدتی کوتاه پیشرفت شایانی نمودند . این نیروها ستون فقرات جنگ خلق در برابر " زمین به هوا " ی آنها که از حمایت نیروهای گسترده نظامی بومی و خود دفاعی برخوردار بودند ، بحساب می آیند . نیروی دفاع هوایی و نیروی هوایی ماکه به آتشبار های ضد هوایی با قدرت های مختلف ، موشکهای مدرن ، هواپیمای جت و بسیاری از وسایل فنی نوین دیگر مجهز شده اند و واحدهای متحرک و ثابتی را تشکیل داده ، هواپیمای دشمن را سرنگون می سازند و از هدف های عمده ی مورد حمله ی دشمن پاسداری میکنند . نبردهای بزرگ بسیاری با شرکت گروههای گوناگون رزمند از جمله شاخه های چندی از خدمات دفاع هوایی و نیروی هوایی ما ، نیروی ایالتی و مردمی که از نقاط مهم خطوط ارتباطی مراکز صنعتی و شهرهای بزرگ دفاع میکردند ، برپا گردید . نیروی دفاع هوایی و نیروی هوایی جوان ما به پیروزی های بزرگی نایل آمده اند . این شکل جدیدی از جنگ منظم بود که ارتش مادر جنگ " زمین به هوا " ی خلق بدان مبادرت میکرد .

در همان حال که نیروی دفاع هوایی ما سرعت رشد میکرد ، نیروی ترابری نظامی ما نیز رشدت توسعه می یافت . نیروی حمل و نقل ارتش دارای چندین شاخه ی مدرن بشرح زیر بود : ترابری ، مهندسی ، دفاع هوایی ، پیاده نظام و غیره . نیروی حمل و نقل نظامی و نیروهای ارتباطات و ترابری خلق در زیر حملات وحشیانه ی هواپیماهای دشمن با سهامت و زیرکی فراوان می جنگیدند تا در هر شرایطی ارتباطات را حفظ کنند و به وظایف خود در مورد خطوط ارتباطی در سراسر کشور ، از عقب تا جلوی جبهه عمل نمایند .

تشکیلات ارتش منظم با شاخه های فنی گوناگون آن ، در جهت ایجاد یک نیروی مدرنیزه شده که از قدرت جنگی بیشتر برخوردار بوده و آماده باشد تا در هر جا علیه دشمن برای درهم شکستن عملیات نظامی آن بجنگد ، رشد قابل ملاحظه ای نموده است . نیروهای ایالتی سرعت رشد کرده و سازماندهی ، سازوبرگ و قابلیت جنگی آنها پیشرفت کرده است . تعداد زیادی از استانها خود دارای واحدهای ضد هوایی میباشند و توسط آنها بسیاری از هواپیماهای دشمن را سرنگون کرده اند ، آتشبارهای زمینی در اختیار دارند که با آنها کشتی های دشمن را غرق کرده و واحدهای مهندسی آنها کمک فراوانی به حفظ و نگهداری خطوط ارتباطی و حمل و نقل نموده اند .

بامیهن پرستی و عشق خلق به سوسیالیسم و در سایه ی نظام جدید خدمت ارتش ، ما بخوبی توانستیم خلق را در زمان جنگ بسیج کنیم و سرعت نیروهای مسلح خلق را بر مبنای نیروی ذخیره ی عظیمی که در زمان صلح ایجاد شده ، توسعه دهیم . در پاسخ به ندای مقدس وطن بمنظور دفاع از بخش سوسیالیستی شمال و انجام وظایف خود در برابر جنگ مقاومت مقدس خلق ، نفرات زیادی از جوانان ما از روستاها ، شهرها ، تعاونی ها و موسسات ، سازمانهای دولتی ، مدارس و غیره به جبهه ی جنگ رفته اند تا در واحدهای ارتش و یا گروههای ضربتی جوانان خدمت کنند . آنها شجاعانه جنگیده اند و در هر جبهه ای جان باختند و به پیروزی های درخشان نظامی نایل آمده اند .

نیروهای مسلح توده ها که در زمان صلح سازماندهی شدند بخوبی آماده‌گی یافتند ، در زمان جنگ هم از نظر کیفیت وهم از نظر کمیت سرعت رشد وتوسعه پیدا کردند . وسایل و تجهیزات آنها بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش وبهبود یافت . در بسیاری از کمون ها ، تیم ها و گروههایی توسط نظامیان بومی سازماندهی شده وبه تفنگ و مسلسل ، آتشبارهای ضد هوایی کم قدرت ، توپخانه‌ی زمینی وغیره مجهز گشته‌اند . همچنین تیم ها و گروه های متخصصی در زمینه های مهندسی ، اکتشاف و کمکهای اولیه وجود داشتند . در بسیاری نقاط نیروهای متحرکی یافت میشوند که در حوزه‌ی کمون خود عمل میکنند . در بسیاری از کارخانه ها وموسسات نیروهای قدرتمند خود دفاعی با سازماندهی معقول وهمزمان با اشتغال به کار تولیدی ، در جنگ شرکت جسته و از سلاح های مدرن بطریقی مؤثر استفاده میکنند .

نیروهای نظامی بومی وخود دفاعی نقش عظیمی در جنگ بازی کردند . در جنبشهای " خیش دریک دست وتفنگ در دست دیگر " و " چکش دریک دست وتفنگ در دست دیگر " پیرو جوان ، زن ومردان روستاها وشهرهاو دشت هاو کوهستانها با کوشش فراوان در سرنگون کردن هواپیماهای دشمن شرکت نمودند .

آنها یک شبکه‌ی ضدهوایی برای ارتفاع کم که تمامی کشور را می پوشاند و از جمعیت و کار تولیدی محافظت می نمود ، بوجود آوردند . آنها همچنین با نیروهای هوایی ودفاع هوایی برای تشکیل شبکه‌ای ضدهوایی جهت مقابله با هواپیماهایی که در ارتفاعات و جهات گوناگون پرواز میکردند ، همکاری نمودند . این شبکه که متحرک بود میتواندست در شرایط مختلف بجنگدو نواحی بزرگی را بیوشاندولی عمدتاً " برای دفاع از هدف های معینی بکار میرفت تا هواپیماهای امریکایی را که در ارتفاعات گوناگون پرواز میکردند ، در کلیه‌ی مناطق وتحت هر شرایطی سرنگون سازد . نیروهای نظامی بومی و چریکها با استفاده از سلاحهای مخصوص پیاده نظام ، بسیاری از هواپیماهای مدرن امریکایی را سرنگون ساخته وعده‌ی کثیری از خلبانان امریکایی را دستگیر کرده‌اند . هدف گرفتن هواپیماهای دشمن که در ارتفاع کم پرواز میکردند ، شکل تازه‌ای جنگ چریکی را در جنگ " زمین به هوا " ی خلق به روشنی نشان میدهد . نیروهای نظامی بومی و چریکی ، گروههای کثیری از کماندوهای دشمن را نیز دستگیر و یا نابود کرده و دهها هزارتن از جدیدترین بمب هاومین های امریکایی را خنثی ساخته‌اند . تحت یک رژیم سوسیالیستی ، نیروهای مسلح توده ها قدرت جنگی خود را به مقدار زیادی افزایش داده‌اند . میتوان گفت که این واقعیت که نیروهای نظامی بومی و چریکی با استفاده از مسلسل و تفنگ ، جت های مدرن امریکایی را بر فراز ویتنام شمالی سرنگون کرده‌اند ، خود نشان میدهد که چگونه کشوری کوچک وتوسعه نیافته با ارتشی نه چندان مجهز توانسته است تجاوز یک قدرت امپریالیستی بزرگ را که دارای ارتشی بزرگ ومجهز به سلاح های مدرن است ، به شکست بکشد .

نیروهای نظامی بومی وخود دفاعی تنها به شرکت در جنگ بسنده نکردند بلکه به کارهایی دیگر در جنبه های جنگ خلق می پرداختند که از آن جمله میتوان از : تضمین ارتباطات و ترابری ، سازماندهی دفاع هوایی خلق ، همکاری با پلیس مسلح خلق در حفظ نظم

وقانون ، ایجاد کمون ها و دهکده های جنگلی ، مراقبت از تولیدات محلی و زندگی و اموال مردم ، ایفای نقش مهم در تولید و غیره نام برد . بدین وسیله این نیرو هانقش بسیار مهمی برای درهم شکستن نقشه های دشمن در جنگ مخربشان بازی نمودند .

نیروی پلیس مسلح خلق که در زمان صلح ایجاد شده بود سرعت گسترش یافت و در جنگ نقش مهمی ایفا نمود . آنها به وظایف خود مبنی بر پاسداری از مرز موقت نظامی ، مرز ها و جزایر ، حفظ نظم و امنیت ، نبرد شجاعانه و کار و کوشش توأم با فداکاری ، سرنگون کردن هواپیماهای دشمن ، دستگیری خلبانان ، نابودی و یادستگیری رازنران و دسته های کماندویی با هواییاری هر چه بیشتر عمل نموده اند .

خلق ما با علاقه فراوان در جنگ و خدمت در جبهه شرکت کرد و میلیون ها روز کار را صرف ساختن جاده ها ، خاک برداری ، تهیه و وسایل حمل و نقل ، دادن کمکهای اولیه و هرگونه کمک ممکن به سپاهیان نمودند . آنها برای ازدیاد تولید و توسعه اقتصاد ، فرهنگ آموزش و پرورش ، خدمات پزشکی و حفظ شرایط عادی زیست حتی در زمان جنگ زحمت فراوان کشیدند .

ارتش و خلق ما شهادت انقلابی خود را در جنگ و خدمت در جبهه ، تضمین ارتباطات و ترابری ، سازماندهی دفاع هوایی خلق و همچنین کار تولیدی و ساختن یک زندگی نویسن نشان داده اند .

جنگ مخرب آمریکا آزمایش سختی برای حکومت سوسیالیستی و سازمان نظامی آن که در زمان صلح در شمال کشور ایجاد شده بود ، بشمار می آمد . ارتش و خلق ما در شمال کشور با هماهنگی کردن کوششهای جنگی خود با هموطنانش در ویتنام جنوبی و با برخورداری از کمکهای مهم کشورهای برادر در اردوی سوسیالیستی به پیروزی های بزرگی نایل آمده اند . تجاوز کاران امریکایی در جنگ جنایتکارانهی مخرب خود مفتضحانه شکست خوردند و نقشه های شیطانی آنها در هم شکسته شد . بیش از سه هزار هواپیمای جنگی مدرن مشتمل بر چهل نوع و از جمله تازه ترین نوع هواپیماهایی که برای اولین بار مورد استفاده قرار می گرفت ، بر فراز ویتنام شمالی سرنگون گردید . نقرات زیادی از خلبانان زبدهی نیروی هوایی امریکا کشته و یادستگیر شدند . بخش سوسیالیستی شمال همچون یک دیوار پولادین نیرومند و با برجا بود و اقتصاد و توان دفاعی آن هر چه بیشتر تحکیم می یافت . شمال کشور بمنزله پایگاهی برای انقلاب در سراسر کشور به وظیفهی درخشان خود مبتنی بر خدمت در جبههی پهناور جنگ عمل کرد و با شرکت ارتش و خلق در سراسر کشور پیروزی های بزرگتری را نصیب جنگ مقاومت نمود .

پیروزی جنگ خلق ما علیه جنگ مخرب در بخش سوسیالیستی شمال ، پیروزی تمامی خلق در سراسر کشور محسوب میشود . این پیروزی نه تنها برای خلق ما بلکه برای همه جهان دارای اهمیت فراوان بود . این یک پیروزی برای خط مشی سیاسی و نظامی حزب ما ، یعنی مشی مقاومت علیه تجاوز امریکادرازه نجات ملی و ساختمان سوسیالیستی و سیاست خارجی صحیح ، مستقل و خلاق آن بحساب می آید .

برخلاف قیام ما و ارتش و جنگ مقاومت علیه فرانسویان ، این اولین باری بود که حزب ما

جنگ " زمین به هوا " ی خلق را بر مبنای نظام سوسیالیستی به پیروزی رهنمون می‌شود .
 بانکیه بر قدرت همبستگی جنگی تمامی خلق و با ارتش منظم و مدرن خلق بعنوان ستون
 فقرات آن که شامل نیروهای منظم و ایالتی درهماهنگی عملی با نیروهای نظامی بومی و خود
 دفاعی میشد ، این نیروهای مسلح گسترده و عظیم توده‌ها با استفاده از همه نوع سلاح های
 مدرن و نسبتاً " مدرن ، جنگ تجاوزکارانه‌ی هوائی امریکارابه شکست کشاندهاند . ارتش و خلق
 ما فن " کاربرد نیرویی کوچک را برای حمله به نیرویی بزرگ " ، استفاده از نفراتی اندک برای
 مقابله با نفراتی زیاد " و " بهره گیری از سلاح های کهنه تربرای شکست سلاح های مدرن تر "
 را در شرایط و مقتضات جدید ، توسعه و تکامل بیشتری بخشیده‌اند .

مهم ترین وظیفه در جنگی که برای دفاع از میهن برپا شده انتقال کشور از شرایط صلح به
 شرایط جنگ است . مهمترین وظایف عبارتند از : بسیج تمامی خلق بمنظور گسترش
 نیروهای مسلح خلق ، سمت دهی تازه به اقتصاد کشور و سازماندهی یک اقتصاد زمان جنگ
 جهت رفع احتیاجات جنگ و نیازهای زندگی خلق در شرایط جنگ ، موفقیت انتقال کشور به شرایط
 زمان جنگ اولاً " در گرو تعیین رابطه‌ی صحیح بین اقتصاد و دفاع ملی است و ثانیاً " به
 تدارکات همه جانبه‌ی بستگی دارد که در زمان صلح در مقیاس ملی و منطقه‌ای انجام گرفته
 است . تقویت پشت جبهه در زمینه های اقتصادی ، سیاسی ، مادی و معنوی ضامن مطمئنی
 برای رساندن نفات و وسایل به جبهه‌ی جنگ است . داشتن یک پشت جبهه‌ی نیرومندی
 شک یکی از مهمترین عوامل پیروزی در هر جنگی به ویژه در یک جنگ میهنی بشمار می‌آید .
 از نقطه نظر سازماندهی نظامی ، نیروهای مسلح خلق ما به سطح نسبتاً " بالایی دست
 یافتند زیرا برخلاف نیروهای مسلح درگیر در یک قیام عمومی و یا جنگ آزادی بخش ، آنها در
 زمان صلح سازماندهی و ایجاد شده و آمادگی یافته بودند . نیروهای مسلح خلق در واقع از
 شرایط مناسب یک حکومت آزاد و مستقل - و حکومت سوسیالیستی ای که بتدریج برقرار میشد و
 تحکیم مییافت بهره گرفتند .

خلق ما در قیام و در جنگ آزادی بخش بها خاست و با دست خالی جنگید . به این دلیل
 در آغاز میبایستی مانده ها را آگاه کرده و بسیج نمائیم ، یک نیروی سیاسی را سازماندهی کنیم
 و بر پایه‌ی آن نیروهای مسلح انقلابی و در درجه اول نیروهای مسلح توده ها را که از آن ارتش
 انقلابی بتدریج شکل میگیرد ، بنانهیم . به دنبال قیام پیروزمندانه و جنگ انقلابی
 تدریجاً " ماسطه نیروهای مسلح را در کلیه‌ی زمینه ها ارتقاء دادیم . بدین طریق مبارزه‌ی
 سیاسی عموماً " به مبارزه‌ی مسلحانه و یا ترکیبی از دو مبارزه منجر میشود و جنگ چریکی عموماً "
 به جنگی منظم و یا ترکیبی از دو جنگ ، توسعه و تکامل مییابد . در قیام و جنگ آزادی بخش ،
 " مبارزه‌ی مسلحانه همیشه با مبارزه‌ی سیاسی " ، " شورش با جنگ " و " نابودی دشمن با
 تصاحب قدرت بوسیله‌ی خلق " و غیره به دقت با یکدیگر ترکیب میشدند .

در جنگی که برای دفاع از بخش سوسیالیستی شمال علیه نیروی هوایی دشمن برپا
 شده بود ما از همان آغاز از یک ارتش منظم و مدرن که نسبتاً " نیرومند بود ، برخوردار بودیم .
 این ارتش نیروهای منظم و ایالتی را که در زمان صلح ایجاد گشته و پس از بروز جنگ بسرعت رشد

کرده بودند ، دربرمیگرفت . ماهمچنین نیروهای مسلح گسترده‌ای که از میلیون هانفر نظامی بومی و واحدهای خوددفاعی در شهرها و روستاها تشکیل میشد ، در اختیار داشتیم . نیروهای نظامی بومی واحدهای خوددفاعی نیز در زمان صلح سازماندهی و ایجاد گردیده و مجهز و تربیت شده بودند . ایجاد نیروهای مسلح انقلابی بر مبنای پرستی خلق ما و عشق آنها به سوسیالیسم و سیاست های واقعی و مقررات ناشی از قدرت خلق تکیه دارد .

چون ما از ارتشی منظم و مدرن و از نیروهای مسلح گسترده‌ی توده‌ها برخوردار بودیم ، جنگ منظم و چریکی را از همان آغاز با هم و در هماهنگی نزدیک با یکدیگر برپا کردیم . جنگ خلق علیه جنگ مخرب اهمیت نقش ارتش خلق و جنگ منظم را نشان داده است . واحدهای -- دفاع هوایی و نیروی هوایی ، متعلق به نیروی اصلی در نبردهای بزرگی جنگیده‌اند و تعداد زیادی از هواپیماهای دشمن را نابود ساخته و مانع از اوج گیری و حمله‌ی مجدد آنها شده‌اند . نیروهای گسترده‌ی ایالتی یا توانایی های جدید جنگی خود هسته های جنگ خلق را در نواحی مختلف کشور بوجود آوردند . نیروهای نظامی بومی و نیروهای خوددفاعی نیز نقش مهمی در جنگ ، ارتباطات و ترابری ، دفاع هوایی خلق و خدمت در جبهه‌ی نبرد ایفا کردند . شکی نیست که در یک جنگ زمینی علیه ارتش دشمن ، همه‌ی شاخه ها و خدمات ارتش خلق همراه با نیروهای مسلح توده‌ها با تمامی قدرت خواهند جنگید و عمل خود را بطریقی موثر هماهنگ خواهند نمود تا دشمن را شکست داده و از میهن دفاع کنند .

طبیعتاً در جنگی که برای دفاع از میهن برپا میشود برای اینکه حداکثر استفاده از قدرت تمامی خلق و کشور بشود و برای اینکه بزرگترین قدرت ممکن در مجموع ایجاد گردد ، ما باید بتوانیم تجربه‌ی حاصله در قیام و جنگ آزادی بخش را بکار ببندیم . جنگی که برای دفاع ملی برپا میشود مانند جنگ آزادی بخش ، یک جنگ خلق بشمار میرود و توسط خلق در همه‌ی زمینه‌ها برپا میشود . از طرف دیگر زمانی که ما در جنگ آزادی بخش ، پایگاهی انقلابی و منطقه‌ی آزاد شده در اختیار داشتیم -- و این منطقه توسعه و گسترش مییافت -- ویژگی های یک جنگ -- میهنی دفاعی نیز ظاهر شد و توسعه یافت .

پیروزی عظیم ارتش و خلق ما در بخش سوسیالیستی شمال ثابت میکند که یک کشور کوچک با اقتصادی توسعه نیافته و دارای ارتشی بدون تجهیزات مدرن از آنجائیکه دارای مشی انقلابی صحیح است و مصمم میباشد که برای استقلال و آزادی میهن بجنگد ، با تکیه بر قدرت تمامی خلق -- که ارتش خلق و نیروهای مسلح توده‌ای بمثابه‌ی ستون فقرات آن میباشد -- و با برخورداری از کمک و حمایت بین المللی قادر خواهد بود برای شکست جنگ تجاوزکارانه‌ی نیروی هوایی مدرن امریکا ، جنگ خلق را برپا دارد . پیروزی خلق ما در شمال و پیروزی هموطنان و هم‌زمان ما در جنوب ، قدرت عظیم جنگ خلق را که قادر به شکست هر تجاوزکاری میباشد ، آشکار میسازد . مقاومت همه گیر خلق ما علیه تجاوز امریکا بصورت جنگ آزادی بخش ملی در جنوب و جنگ برای دفاع از حکومت سوسیالیستی در شمال تجلی کرد . واقعیات این جنگ مقاومت و تجربه‌ی بسیار غنی حاصل از آن ، ما را در حل صحیح مساله‌ی ساختمان نیروهای مسلح خلقمان و تحکیم دفاع ملی با شرکت تمامی خلق کمک کرده است تا اینکه در کوتاه مدت از شمال ویتنام

پاسداری کرده و جنگ مقاومت را به پیروزی کامل برسانیم و در درازمدت برای استقلال سرزمین پدری ویتنامی ها ، قدرت دفاعی نیرومندی را در اختیار داشته باشیم .

* * * * *

جنگ انقلابی خلق مادر جنوب ویتنام بیش از ده سال پیش آغاز گردید . این جنگ انقلابی ، یک جنگ آزادی بخش علیه " جنگ تجاوزکارانه ی نواستعماری امپریالیست های امریکایی است و برای آزادی جنوب ، انجام وظایف انقلاب دموکراتیک ملی خلق در سراسر کشور برپا شده است . این جنگ انقلابی همچنین به امر دفاع از بخش سوسیالیستی شمال و مساله اتحاد مجدد کشور بر مبنای مسالمت آمیز کمک میکند .

هویتان و همزمان مادر جنوب ویتنام ، جنگ را علیه یک دشمن جدید یعنی امپریالیست های امریکایی و شکل تازه ای از جنگ تجاوزکارانه یعنی جنگ تجاوزکارانه ی نواستعماری آغاز نمودند . این جنگ در شرایطی جدید یعنی هنگامی که خلق مایورمندانه انقلاب ماه اوت را در سراسر کشور به انجام رسانده و در جنگ مقاومت علیه فرانسویان پیروز شده و نیمی از خاک کشور را آزاد کرده بود ، صورت میگرفت . شمال ویتنام در حال انجام یک انقلاب سوسیالیستی و بنای سوسیالیسم بود و بصورت یک پایگاه انقلابی نیرومند برای تمامی کشور و عوضی در ادوی-سوسیالیستی در می آمد . انقلاب ماکمک های مهمی را از کشورهای سوسیالیستی برادر دریافت میکرد . شرایط بین المللی به نفع نیروهای انقلابی جهان بود که از نیروهای ضد انقلابی بسیار نیرومندتر شده بودند و پیوسته به امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکایی حمله میبردند .

به دلایل فوق جنگ انقلابی در جنوب ویتنام به شرف های عظیمی نموده و قدرت فراوانی کسب کرده است . رشد نیروهای مسلح آزادی بخش خلق ویتنام جنوبی با شرایط جنگ انقلابی در جنوب ویتنام در دوره های یاد شده یعنی قیام های همزمان ، جنگ خلق علیه " جنگ ویژه " ، " جنگ خلق علیه " جنگ محدود " و " جنگ خلق علیه " جنگ ویتنامی شده " * ارتباط دارد .

خلق مادر جنوب ویتنام در سالهای ۶۰ - ۱۹۵۹ بپاخاستند و در نقاط بسیاری از نواحی روستایی همزمان قیام نمودند . نیرویی که این قیام ها را به انجام رساند ، ارتش سیاسی توده ها با پشتیبانی واحدهای مسلح خود دفاعی بود . این ارتش سیاسی که بازنح فراوان در طی جنبش انقلابی قبل از قیام همگانی ۱۹۴۵ ایجاد شده بود در طی قیام ماه اوت و مقاومت علیه استعمارگران فرانسوی رشد کرده بود . در اولین سالهای مبارزات سخت علیه حکومت " نگودین دیم " هر چه بیشتر آبدیده گشت . این ارتش سیاسی از روحیه عالی و روحیه ی جنگی بسیار خوب و تجربه ی غنی در مبارزه برخوردار بود . با نمایان شدن ضعف های رژیم دست نشانده که از تضادهای عمیق داخلی رنج میبرد ، مردم فرصت را غنیمت شمرده ، با شجاعت بپاخاستند و با هماهنگ کردن نیروهای سیاسی و مسلح خود - و در حالی که نقش عمده را نیروهای سیاسی بازی میکردند - قیام های محلی را برپا نمودند . در چندین منطقه جنبش

* اشاره به " ویتنامی کردن " جنگ ویتنام است . م .

نیرومند قیام های همزمان ، حکام دست‌نشاندهی محلی را برانداخت . گرچه هنوز صدها هزار سپاهی و سازمان بیرحم اختناق فاشیستی در اختیار دولت مرکزی بود ولی سیاست سلطه طلبی با استفاده از روشهای کلاسیک نو استعماری بطریقی نکت بارشکست خورده بود .

زمانی که امپریالیست های امریکایی برای ادامه‌ی تجاوز خود علیه ویتنام جنوبی به یک " جنگ ویژه " دست زدند ، قیام های همزمان خلق ما به جنگ آزادی بخش تبدیل و گسترش یافت . خلق ماتحت رهبری جبهه آزادی بخش ملی بادرک کامل قوانین حاکم بر توسعه و تکامل انقلاب و جنگ انقلابی در ویتنام جنوبی و با مطالعه‌ی دقیق جنگ تجاوز- کارانه‌ی نو استعماری امپریالیست های امریکایی ، حملات خود را که با قیام های همزمان آغاز گردیده بود ، شدت بخشیدند خلق مائیلوهای مرکب سیاسی و مسلح را افزایش دادند ، مبارزه‌ی سیاسی و مسلحانه را تشدید کرده و با عمل مسلحانه و سیاسی بردشمن حمله بردند و در همان حال به کار تبلیغی در میان سپاهیان دشمن در هر سه ناحیه‌ی استراتژیک کوهستان ، دشت و نواحی شهری ادامه دادند .

نیروهای مسلح آزادی بخش خلق ویتنام جنوبی ، در سایه‌ی وجود ارتش سیاسی- نیرومند عظیم توده های انقلابی بسرعت رشد کردند . واحدهایی از ارتش آزادی بخش در نواحی گوناگون و واحدهایی از نیروی عمده برای تمامی ویتنام جنوبی ایجاد گردید . نیروهای چریکی ، نظامی بومی و خوددفاعی تشکیل یافتند . سده‌ستهی نیروهای مسلح آزادی بخش بتدریج شکل گرفتند . سلاح های مورد استفاده‌ی این نیروها از کیفیت پائینی برخوردار بود و اکثر آنها از دشمن به غنیمت گرفته شده و یا اینکه دست ساز بود .

بر شدت جنگ خلق در بسیاری از نقاط روستایی افزوده گشت . ارتش و خلق مادر ویتنام جنوبی بین مبارزه‌ی سیاسی و مسلحانه هماهنگی برقرار کرده و حملات و قیام های خود را برپا نمودند . آنها جنگ چریکی و قیام های کوچک را شدت بخشیدند و نیروهای دست‌نشانده رام‌نهدم و نابود کردند ، همچنین بر تاکتیک های حمله از هوا و حمله بازه پوش غلبه نمودند پایگاه ها را تصرف کرده و دوسوم " دهکده های استراتژیک " را در هم شکسته و پایه‌های دولت مرکزی دست نشانده را به لرزه در آوردند . مبارزه در نواحی شهری از جمله در شهرهای بزرگ در رابطه با جنبش انقلابی روستاها شدت یافت . ارتش عظیم سیاسی و نیروهای گسترده‌ی مسلح توده‌ها مهمترین نقش را ایفا نمودند . حتی دشمن مجبور شد اقرار کند که " بیت‌کنگ‌ها استادان با سابقه‌ی فن نبرد چریکی میباشند " .

وضع جنگ پیوسته به نفع مادر تغییر بود . دشمن که هر چه بیشتر توسط تضادهای حاد درونی خود متلاشی میشد ، به بن بست رسید . امپریالیست های امریکایی مجبور شدند که " اسب خود را وسط رودخانه عوض کنند " و نوکر دست به سینه‌ی خود یعنی " نگودین دیم " را برکنار نمایند .

با ظهور نیروهای منظم متحرک ارتش آزادی بخش ، جنگ خلق گسترش بیشتری یافت . در جنگهایی که در " بین گیا " ، " دونگ خوی " و " باگیا " رخ داد ، نیروهای عظیمی شرکت داشتند . در طی این جنگ ها واحدهایی از نیروهای منظم دشمن یکلی از میان رفت . بدین

طریق جنگ انقلابی از قدرت تهاجمی جدیدی برخوردار گشت .

هماهنگی نزدیک میان نیروهای سیاسی و مسلح ، همکاری نزدیک میان نیروهای مسلح توده ها و سپاهیان ارتش آزادی بخش وضعی تازه را به ارفغان آورد . ارتش و تشکیلات رژیم دست نشاندۀ در معرض خطر سقوط کامل قرار گرفتند . این خطر زمانی بوقوع می پیوست که نقرات ارتش دشمن به مرز ۵۵۰ هزار رسیده بودند و در همان حال نیروهای آزادی بخش از نظر کمی چندان رشدی نداشته و تازه در نبرهای وسیعی درگیر میشدند که در آن عده ی کثیری از سپاهیان دشمن شرکت کرده بودند . دلیلش هم این بود که نیروهای سیاسی و مسلح محلی خلق ما بسیار نیرومند بودند ، جنبش توده های مبارزه سیاسی و قیام اوج میگرفت و جنگ چریکی از سطح بالایی از توسعه برخوردار بود . همزمان با آنها سپاهیان منظم نیز به میدان آمدند که دارای اعتبار و شهرتی فوق العاده ، قدرت تهاجمی عظیم و توانایی کامل برای تهدید دشمن بوده و دشمن را مغلوب و نابود میکردند . این سپاهیان به حملات مداوم دست میزدند و پیروز میگشتند .

امپریالیست های امریکایی در مواجهه با استراتژی ورشکسته ی " جنگ ویژه " مجبور شدند سپاهیان را روانه ی جنوب ویتنام کنند تا بدین وسیله مواضع را تحت کنترل خود در آورند . بدین طریق در شرایط و مقتضیات جدید سال های ۶۵ - ۱۹۶۰ ، جنگ انقلابی در جنوب ویتنام از مبارزه ی سیاسی به مبارزه ی مسلحانه و یاترکیبی از هر دو نوع مبارزه ، از یک قیام مسلحانه به جنگی آزادی بخش و یاترکیبی از قیام و جنگ ، از جنگ چریکی به نبردهای منظم با نقشی قبلی و یاترکیبی از این دو نوع تبدیل گردید . نیروهای مسلح آزادی بخش خلق ویتنام جنوبی همچنین از درون نیروهای سیاسی پدیدار گشتند . در طول جنگ واحدهای دفاعی مسلح مربوط به زمان قیام ، بصورت سه دسته ی نیروهای مسلح درآمدند . نیروهای منظم و ایالتی ارتش آزادی بخش ویتنام جنوبی را تشکیل دادند . نیروهای نظامی بومی ، چریکی و سازمان های خود دفاعی نیروهای مسلح توده ها را بوجود آوردند . نیروهای مسلح آزادی بخش خلق ویتنام جنوبی با پشتیبانی نیروهای سیاسی و درهماهنگی با آنها نقش استراتژیک مهمی را در قیام های کوچک توده ای - برای برانداختن تشکیلات رژیم دست نشاندۀ در سطح پائین و تصاحب قدرت برای خلق بازی کردند . آنها همچنین نقش استراتژیک مهمی را در تهاجمات نظامی برای درهم کوبیدن دسته های گوناگون نیروهای حکومت دست - نشاندۀ که فرماندهی آنها را مشاوران امریکایی برعهده داشتند ، ایفا کردند . آنگاه که تجاوزکاران امریکایی مجبور شدند تا عده ی کثیری از سپاهیان خود را به ویتنام جنوبی اعزام دارند و از نیروی هوایی خود برای حمله به ویتنام شمالی و آغاز بزرگترین و بیرحمانه ترین " جنگ محدود " در تاریخ تجاوزات خود بهره گیرند ، خلق ما و نیروهای مسلح انقلابی در سراسر کشور میبایستی به این مبارزه طلبی سخت و غیر مترقبه پاسخ گویند . امپریالیست های امریکایی نیرومندترین امپریالیست های بوده و در جهان سرمایه داری دارای بیشترین توان اقتصادی و نظامی و برخوردار از ارتشی بزرگ و مجهز به جدیدترین سلاح ها میباشند . آنها تا در یجا " و در مجموع حدود یک میلیون سرباز امریکایی و یادست نشاندۀ را که ۵۰۰ هزار نفر آنها امریکایی

بودند . برای تجاوز به خاک ویتنام جنوبی بسیج نمودند . هزینه آنها در این جنگ بالغ بر صد هایلیمیلیدار دلار گردید . آنها دهها میلیون تن بمب و گلوله ی توپ و مجهزترین نوع سلاح ها و وسایل جنگی به استثنای سلاح های اتمی را مورد استفاده قرار دادند .

در پاسخ به ندای مقدس رئیس هوشی مین مبنی بر جنگ علیه تجاوز امریکا و در راه نجات ملی ، تمامی خلق مادر شمال و جنوب با ایمان به سنت شجاعت و شهامت بی نظیر خود و با وحدت کامل قیام نمودند . آنها مصمم بودند که برای نجات کشور و کاشانه ی خود بجنگند و وظیفه ی مقدس ملی و تعهدات بزرگ انترناسیونالیستی خود را به انجام برسانند .

ارتش و خلق ما از یابی درستی از نقشه های امریالیست های امریکایی و تعادل نیروها بعمل آورده اند . نقاط ضعف و قدرت دشمن و اشکالات و تضادهای آنها را بررسی کرده ایم و برتری ها و اشکالات و همچنین قدرت و موضع نیرومند خود را مورد ارزیابی قرار داده ایم . برایین اساس ، ارتش و خلق ما در تصمیم خود مبنی بر شکست کامل تجاوزکاران امریکایی از راه ادامه ی جنگ و استراتژی تهاجمی خود علیه ارتش عظیم و مجهز دشمن وحدت کامل دارند .

جنگ مقاومت میهنی خلق ویتنام علیه تجاوز امریکا در خط مقدم جبهه ی مبارزه ی خلقهای جهان علیه تجاوزکاران امریالیستی امریکا قرار گرفت . خلقهای کشورهای سوسیالیستی و ملل مرفه در سراسر جهان با خلق مادر مبارزه ی خود علیه دشمن مشترک کاملاً متحد بودند . ابراز همدردی فراوان و کمک و حمایت بشریت مرفه ، عامل تعیین کننده ای بود که ما را در احراز پیروزی در جنگ مقاومت میهنی خود علیه تجاوز امریکایی داد .

در میدان نبرد ویتنام جنوبی ، تجاوزکاران امریکایی باتکیه بر دو نیروی استراتژیک یعنی نیروی اعزامی خود و سپاهیان رژیم دست نشانده شان - در حالیکه سپاهیان امریکایی نیروی عمده محسوب میشدند - متقابلاً به حمله های سخت دست زدند تا بدین وسیله نیروهای انقلابی و مخصوصاً واحدهای منظم ارتش آزادی بخش را نابود کنند . همزمان با آن ، آنها به " برنامه " آرام سازی " جنایتکارانه ی خود بمنظور در بند کشیدن خلق ما از طریق اعمال کنترل دقیق ادامه دادند . آنها به اصطلاح " جنگ در جبهه های نظامی و سیاسی " و " جنگ همه جانبه " را با ترکیب عملیات بی رحمانه ی نظامی و با توسل به نقشه های فریب آمیز اقتصادی و سیاسی و نیرنگ های خائنانه ی روانی برپا داشتند .

خلق و ارتش ویتنام جنوبی با تهاجم خود پیشروی نمودند و از موضع پیروزمندانده خویش برای تشدید مبارزه ی سیاسی و مسلحانه جهت خنثی کردن نقشه ها و مانورهای امریالیستهای امریکایی بهره گرفتند . نیروهای مسلح آزادی بخش خلق ویتنام جنوبی درگیری های بزرگی را بوجود آوردند . در این درگیری ها عمده زیادی از سپاهیان به عملیات چریکی دست میزدند . آنها به سپاهیان امریکایی و نفرات حکومت دست نشانده وانگل حمله میبردند و در تهاجمات خود از ترکیبی از عملیات بزرگ ، متوسط و کوچک استفاده می کردند . آنها عمده ی کثیری از سپاهیان دشمن را نابود کرده و مقدار زیادی مواد جنگی را از زمین بردند و بدینگونه به حمایت از جنبش سیاسی و قیام هایی که بمنظور احراز قدرت برای خلق بوقوع می پیوست ، پرداختند .

نیروهای مسلح آزادی بخش ویتنام جنوبی با نفراتی کمتر و بدون تجهیزات کافی در

مقایسه بادشمن ، ضربات گپیچ کننده‌ای را بر سپاهیان اعزامی امریکایی در " وان تونگ " ، " ترانگ بوی مرکزی " ، کوهستانهای " نای نگوین " ، " نام بوی شرقی " ، " وناحیه " " گوانگ تری تواتین " وارد آوردند . جنگهای گسترده تر نیروی عمده‌ی آزادی بخش و فعالیت های چریکی نیروهای ایالتی در همه‌ی زمینه های عملیاتی صورت میگرفت . جنبش سیاسی پر قدرتی در شهرها و بخصوص در " دانانگ " و " هو " آغاز گردیده بود . نیروهای اعزامی امریکایی خیلی زود حالت تهاجمی خود را از دست دادند و متحمل ضربات غیرمنتظره و شکست های پی در پی شدند . حمله‌ی متقابل دو بیست هزار از سپاهیان امریکایی در فصل بی آبی - به سال ۶۶ - ۱۹۶۵ درهم کوبیده شد . استراتژی " یافتن و نابود کردن " همچون استراتژی " شکستن ستون فقرات ویت کنگ ها " و " برنامه‌ی آرام سازی " با شکست روبرو شد . نیروهای آزادی بخش جبهه‌ی " تری تین " را گشودند و بمحلات شدید خود در - تمامی جبهه ها ادامه دادند . حمله‌ی متقابل سیصد هزار از سربازان امریکایی در فصل بی آبی دوباره درهم شکسته شد و عملیات استراتژیکی " یافتن و نابود کردن " و " برنامه‌ی آرام سازی " کاملاً به شکست انجامید .

درست هنگامی که جنگ تجاوزکارانه‌ی امریکا در ویتنام شمالی و جنوبی در اوج خود با شکست روبرو میشد ، حمله‌ی عمومی بهار ۱۹۶۸ توسط ارتش و خلق ویتنام جنوبی به طرز بی برق آسا شروع گردید و ویتنام جنوبی و امریکا را به لرزه درآورد . این حمله‌ی استراتژیکی بی نظیر ، خلاق و دقیق توسط نیروهای مسلح آزادی بخش ویتنام جنوبی که در هماهنگی با قیام های توده‌ای صورت گرفت ، ضربات قطعی بر استراتژی جنگ محدود وارد کرد و یک نقطه‌ی عطف تاریخی در جریان جنگ بوجود آورد .

در جنگ خلق که در مقابل با " جنگ محدود " برپا شد ، وظیفه‌ی ما تشدید مبارزه‌ی نظامی در هماهنگی نزدیک میان مبارزه‌ی نظامی و سیاسی برای شکست نظامی امپریالیستهای امریکایی بود . نیروهای مسلح آزادی بخش خلق ویتنام برای اینکه به این هدف نایل آیند ، نیروهای خود را از نظر کمی و کیفی ، سازماندهی ، تجهیزات و فنون جنگی گسترش دادند . در نیروهای منظم ارتش آزادی بخش ، شاخه های جدیدی بوجود آمد و این نیروها هر چه بیشتر بصورت ارتشی متحرک و نیرومند شکل یافتند . نیروهای ایالتی توسعه یافته و تقویت شدند همچنین نیروهای نظامی بومی ، چریکی و خود دفاعی بطرز وسیعی در همه‌ی جبهه ها گسترش یافتند . واحدهای زنده نیز وارد صحنه شدند و وسایل و تجهیزات نیروهای مسلح بطور قابل ملاحظه‌ای بهبود یافت . در نتیجه‌ی این تشکیلات و امکانات ، هر سه دسته‌ی نیروهای مسلح به درجات مختلفی توانایی آزرداشتند که نه تنها سپاهیان پیاده نظام دشمن را نابود کنند - بلکه تانک ها و زره پوش های دشمن را منهدم کرده و هواپیماهای دشمن را سرنگون نمایند . تجربه‌ی حاصله در هر مرحله از جنگ مورد ارزیابی قرار میگرفت . اراده و اتکا به نفس کادرها و رزمندگان در برابر تجاوزکاران امریکایی پیوسته تقویت میگردد . قابلیت کادرها برای سازماندهی و فرماندهی پیوسته بهبود مییافت . تمامی ارتش و خلق با سه دسته‌ی نیروهای مسلح آزادی - بخش برای حمله به تجاوزکاران امریکایی ، نابودی سپاهیان دست نشاند و در آرزوی اینکه

رزمندهای شجاع و ضد امریکایی بشوند. متحدانه و در یک جنبش همگانی قیام نمودند. ارتش آزادی بخش ویتنام جنوبی از اوضاع استراتژیک مناسبی که در بطن جنگ خلق نهفته بود و همچنین از نیروی عظیمی که از ترکیب مبارزه مسلحانه و سیاسی حاصل میشد بهره گرفت. بارو حیهی عالی جنگی و با استفاده از سپاهیان کثیری که از حمایت نیروهای مسلح وسیع توده‌های و ارتش سیاسی نیرومند و عظیم خلق برخوردار بودند، ارتش آزادی بخش ویتنام جنوبی ضربات سنگینی بر نیروهای اعزامی امریکایی و سپاهیان دست‌نشانده وانگل آنها وارد نمود و به تدریج آنها را شکست داد.

در میدان‌های نبرد، نیروهای منظم ارتش آزادی بخش قادر بودند نیروهای خود را به طریقی منطقی متمرکز کنند و به کرات از نیروی کوچک برای حمله به نیروی بزرگ تر بهره‌میکرفتند و بدینوسیله دشمن را نابود میکردند. آنها میتوانستند تمامی نیروی ارتش و یانگیری یکی از شاخه‌های آن را بطور مستقل مورد استفاده قرار دهند. نیروهای ایالتی روشهای جنگی خود را توسعه و تکامل بخشیدند تا پیروزی‌های بزرگی را کسب نمایند. ارتش آزادی بخش ویتنام جنوبی با استفاده از واحدهایی کوچک ولی کاملاً آزموده ضربات دردناک و خطرناکی را به دشمن وارد کرده است. این ارتش عده‌ی کثیری از سپاهیان امریکایی را نابود کرده و مقادیر زیادی از مواد جنگی مدرن آنها را از بین برده است. همچنین خسارات فراوانی مخصوصاً به تشکیلات فرماندهی، افسران و پرسنل فنی و جدیدترین هواپیماها و وسایل فنی امریکایی وارد کرده است.

نیروهای نظامی بومی، چریکی و خوددفاعی با استفاده از نیروهای ایالتی به منزله‌ی تکیه‌گاه اصلی خود، تحرک تازه‌ای به جنگ چریکی بخشیده‌اند. آنها از انواع سلاح‌های ابتدایی، نسبتاً مدرن و مدرن حداکثر استفاده رانموده و روشهای گوناگونی برای نابود کردن دشمن ابداع کرده‌اند. روشهای خلاق و موثر بسیاری در جنگ خلق بکار گرفته شد و توسعه یافت. در این رابطه از حملات نیروهای متمرکز، یورش‌های چریکی، حمله به عقب جبهه‌ی دشمن، حمله به خطوط ارتباطی و شهرها و تلفیق جنگ با کار تبلیغی در صفوف دشمن میتوان نام برد.

در هر ناحیه و در تمامی ویتنام جنوبی میان نیروهای متحرک و نیروهای محلی هماهنگی وجود داشت بطوریکه این نیروها در عمل دارای برتری بودند. این یک وضع خاص استراتژیک است که "انسجام" و "تحرک" را در کلیه‌ی جبهه‌ها و بخصوص در مهم‌ترین بخش‌ها در هر سه ناحیه‌ی استراتژیک - درهم می‌آمیزد. نیروهای مسلح محلی از واحدهای نیرومند نیروهای ایالتی و سازمانهای گسترده‌ی نظامیان بومی، چریکی و خوددفاعی تشکیل میشدند و از حمایت بی‌دریغ نیروهای متحد سیاسی، از کوهستان گرفته تا دشت و از روستاها تا شهرها، برخوردار بودند. آنها در مقابله با نیروهای دست‌نشانده وانگل امریکایی در منطقه‌ی وسیعی از ویتنام جنوبی پیروزی‌های درخشانی بدست آوردند. نیروهای مسلح محلی در بسیاری نقاط نیروهای دشمن را از حرکت بازداشتند و با محاصره کردن نیروهای دشمن و حمله به آنها عده‌ی کثیری را نابود نمودند و مقادیر زیادی از وسایل و مواد جنگی دشمن را از بین بردند. در همان حال

نیروهای متحرک ارتش آزادی بخش با تمرکز کردن سپاهیان خود در جبهه های متعدد جنگ ضربات سنگینی بردشمن وارد ساخته و بخش وسیعی از نیروهای دشمن را منهدم کردند .

در جنگ خلق در ویتنام جنوبی ، دشمن بی وقفه ضربه میخورد و محاصره میگشت . خطوط ارتباطی اش قطع میشد و حملات مداوم علیه دشمن کشته های زیادی از آنها بر جای مینهاد .

نیروهای اعزامی امریکایی و سپاهیان دست نشانده وانگل آنها نتوانستند آنطور که میخواستند قاطع و موثر نبرد کنند . آنها در وضعی قرار داشتند که ارتش شان بیش از اندازه بزرگ بود و این قدرت ظاهری در واقع برای آنها ضعیفی بحساب میآمد . هدف های عمده از حملات آنها مصون می ماند و هر روز عده ی کثیری از آنها به دست نیروهای مسلح آزادی بخش ویتنام جنوبی به هلاکت میرسیدند . نیروهای دشمن پراکنده میشدند و از قدزت تهاجمی آنها پیوسته کاسته میشد بطوریکه اجباراً به حالت دفاعی بر میگشتند . آنها میخواستند جنگ را هر چه زودتر تمام کنند ولی مجبوره ادامه ی آن بودند . ارتش عظیم و مدرن آنها روز به روز به حالتی منفعل در میآمد ، خسارات سنگینی را متحمل میشد و بتدریج در جنگ گسترده ی انقلابی شکست میخورد . همزمان با آن در جنگ " زمین به هوا " ی خلق در ویتنام شمالی ضربات مهلکی بر نیروهای هوایی و دریایی دشمن وارد میآمد . ارتش و خلق مادر جنگ علیه مذهب نظامی عظیم امپریالیست های امریکایی به پیروزی های درخشانی نایل آمدند . خلق ما بزرگترین " جنگ محدود " تجاوزکارانه ی امریکارادراوج خود ، در هر دو قسمت کشور به شکست کشانید .

استراتژی " جنگ محدود " باشکست روبرو شد . حکومت جانسون مجبور شد از شدت جنگ بکاهد ، بمباران شمال را بدون هیچ شرطی متوقف کند ، به موضعی دفاعی در ویتنام جنوبی عقب نشینی کند و روند امریکایی کردن جنگ را وارونه نماید تا شاید بدین گونه راهی برای خروج از این بن بست پیدا کند .

نیکسون سیاست مداری لجوج و فاقد اصول اخلاقی ، موقعی که در امریکاه قدرت رسید ، سیاست آن کشور را به " ویتنامی کردن جنگ " تغییر داد . او با اعمال چنین سیاستی امیدوار بود که جنگ تجاوزکارانه را طولانی نماید و با حفظ حاکمیت نو استعماری امریکاه به بند کشیدن خلق مادر ویتنام جنوبی ادامه دهد .

استراتژی " ویتنامی کردن جنگ " چیزی جز ادامه ی جنگ تجاوزکارانه ی نو استعماری با استفاده از روشهای تازه و کاربرد اصطلاح دکترین نیکسون در جنگ تجاوزکارانه ی امپریالیستی امریکاه علیه ویتنام جنوبی بشمار نمی آمد . این دکترین کاملاً ارتجاعی استراتژی جدید جهانی امپریالیست های امریکایی در دهه ی هفتاد بود . این دکترین زمانی به کار گرفته شده امپریالیست های امریکایی در تجاوز خود علیه ویتنام پی در پی شکست میخوردند و تعادل نیروها در جهان روز به روز به ضرر آنها تغییر میکرد . هدف دکترین نیکسون حفظ نقش امپریالیستهای امریکایی بعنوان ژاندارم جهانی بود تا آنها بتوانند استعمار جدید را با روشها و مانورهای جدیدی در سرتاسر جهان مستقر سازند . بر این اساس ، بایستی بر قدرت امریکانگیه نمود و در عین حال کشورهای دست نشانده وانگل را محبور کرد تا سهم بیشتری از جهت نفرت و مواد جنگی بعهده بگیرند .

در مورد ویتنامی کردن جنگ ، امپریالیست‌های امریکایی و نوکرانشان نیروهای خود را برای انجام برنامه‌ی وحشیانه‌ی " آرام سازی " متمرکز کردند . این برنامه یک طرح استراتژیک عمده بود که براساس آن خلق مادرویتنام جنوبی میبایستی به بندکشیده شود . نقشه‌ی خیانتکارانه‌ی امپریالیست‌های امریکایی این بود که ویتنامی‌ها را مجبور کنند تا با یکدیگر بجنگند . هدف آنها این بود که آتش جنگ را پیوسته افروخته نگه دارند و با خون‌نورکان خود دلارها ، بمب هاو گلوله‌های امریکایی از منافع کثیف خویش پاسداری کنند . آنها کوشش کردند تا ارتش رژیم سرسپرده‌ی سایگون را تبدیل به ارتشی مدرن بنمایند و از آن به عنوان یک نیروی استراتژیکی عمده در جنوب ویتنام و یک نیروی ضربتی در هندوچین استفاده کنند بطوریکه تدریجا " این ارتش جای سپاهیان امریکایی را در جنگهای زمینی بگیرد . حکومت نیکسون همچنین بیش‌ترانه دستور حمله به کشور بیطرف کامبوج و تشدید جنگ در لائوس و گسترش جنگ تجاوزکارانه به سراسر هندوچین را صادر کرد . امریکابرای " خمری کردن " و " لائوسی کردن " این جنگ ها و ایجاد سازش میان نیروهای دست نشانده‌ی سایگون و کامبوج و همچنین میان مرتجعین تایلندی و سرسپردگان لائوسی و کامبوجی تلاش فراوان نمود . امریکانوعی پیمان محلی رامیان نیروهای دست نشانده‌ی خود سازمان داد و بدین‌گونه هندوچینی‌را علیه هندوچین و آسیای را علیه آسیا بکار گرفت .

ارتش و خلق ویتنام جنوبی به دنبال پیروزی‌های خود تحت رهبری جبهه‌ی آزادی - بخش ملی و دولت موقت انقلابی جمهوری ویتنام جنوبی و با آگاهی کامل از ویژگی و قوانین حاکم بر توسعه‌ی جنگ در شرایط جدید ، حالت استراتژیک تهاجم جنگ خلق را هر چه بیشتر تشدید کردند تا بدینوسیله استراتژی " ویتنامی کردن جنگ " را با شکست مواجه سازند . در هر سه ناحیه استراتژیک ، ارتش خلق مادرویتنام جنوبی مبارزه‌ی مسلحانه و سیاسی را شدت بخشیدند و بین آنها هماهنگی نزدیکی برقرار نمودند . آنها حملاتی را همراه با قیام و قیامهایی را همراه با تهاجم برپا کردند و در همان حال کار تبلیغی را در میان سپاهیان دشمن افزایش دادند ، تا بدین طریق نیروهای دشمن را نابود ساخته و درهم بشکنند ، قدرت را برای خلق تصاحب نمایند ، منطقه‌ی آزاد شده را گسترش دهند و دشمن را مغلوب سازند .

ارتش و خلق ما جنگ مقاومت خود را با مبارزه‌ی انقلابی ارتش ها و خلق های برادر لائوس و کامبوج بخوبی هماهنگ کردند تا دکنترین نیکسون را که در سراسر هندوچین بکار گرفته میشد با شکست مواجه نمایند . تهاجم جنگ انقلابی در ویتنام جنوبی به تهاجم جنگ انقلابی خلقهای سه کشور هندوچین که دوش به دوش یکدیگر علیه دشمن مشترک می‌جنگیدند ، تبدیل و گسترش یافت . جنگ میهنی خلق لائوس به پیروزی‌های درخشان جدیدی نایل آمد و انقلاب کامبوج نیز جهشی بزرگ به جلو برداشت .

در روند شکست نقشه‌ی دشمن مبنی بر " ویتنامی کردن جنگ " ، ارتش آزادی بخش ویتنام جنوبی با برخورداری از نفرات کافی و توانایی عظیم جنگی بر توان رزمی خود به مقدار زیادی افزود تا پاسخگوی ضروریات جدید جنگ انقلابی باشد . برای این منظور آنها از سلاحهای هر چه جدیدتر استفاده نموده و شاخه‌های فنی آنها بسرعت گسترش یافت . توانایی آنها در

حملات متمرکز همراه با هماهنگی بین دسته های مختلف ارتش بیشتر گردید . پیروزی هایی که در اوایل سال ۱۹۶۹ نصیب ارتش آزادی بخش ویتنام جنوبی گردید ، کشته های فراوانی از آمریکاییان برجای گذاشت و در اولین روزهای حکومت نیکسون ضربه ی سنگینی بر تجاوزگزاران وارد آورد . از سال ۱۹۷۰ میلادی بعد از آنکه نیکسون سربازان امریکایی را به کامبوج و لائوس گسیل داشت ، ارتش های انقلابی هر سه کشور هندوچین از واحدهای ارتش منظم خود برای حملات مکرر علیه دشمن استفاده نموده و پیروزی های درخشانی بدست آوردند . نیروهای دست نشانده با وجود پشتیبانی نیرومند هوایی و لجستیکی امریکا با وجود دریافت روز افزون وسایل جنگی امریکایی بی دربی مغلوب شدند . نه تنها سپاهیان رژیم های دست نشانده در " وین تیان " و " پنوم پن " خسارات سنگینی را متحمل شدند بلکه سپاهیان رژیم سرسپرده ی ساپگون یعنی ستون فقرات استراتژی " ویتنامی کردن جنگ " و نیروی ضربتی دکتترین نیکسون در هندوچین بسختی شکست خوردند . پیروزی های بزرگ خلق های سکشور به ویژه پیروزی معروف شاهراه شماره ۹ در جنوب لائوس ، از اهمیت استراتژیک فراوانی برخوردار بودند و دورنمای شکست نظامی استراتژی " ویتنامی کردن جنگ " و " دکتترین نیکسون " در هندوچین در پیش چشم ما گشودند .

در حالی که دشمن سخت می کوشید ارتش های ارتجاعی و دیگر نیروهای سرکوب گر خود را - برای ایجاد یک شبکه ی انبوه از پاسگاههای نظامی گسترش دهد تا بدین وسیله بتواند مردم را تحت کنترل در آورده و برنامه های ستمگرانه ی " آرام سازی " را در روستاها به انجام برساند ، نقش جنگ خلق در تک تک نواحی کشور نقش نیروهای مسلح ایالتی اهمیت بیشتری می یافت در نواحی وسیعی از روستاهای ویتنام جنوبی ، ارتش و خلق ما مبارزه ی مسلحانه و سیاسی را بخوبی تلفیق نموده و در سه جهت متقارب تهاجم خود را به پیش راندند تا بدین وسیله برنامه ی " آرام سازی " را درهم بشکنند . نیروهای نظامی بومی و چریکی که پیروزی های " نیروی اصلی " مشوق آنها بود از حمایت نیرومند نیروهای ایالتی برخوردار بودند ، شعار " کادرها در کنار مردم می مانند ، مردم زمین خود را رها نمی کنند و چریکها دست از سر دشمن بر نمی دارند " را به مورد اجرا گذاشتند . آنها به جنگ چریکی دامن زده و جنگ خلق را از سطح پائین به مرحله ی بالاتری ارتقاء دادند . همچنین نیروهای مرتجع ایالتی را که دارای اهمیت بودند نابود و منهدم کرده و بسیاری از پاسگاههای دشمن را تصرف نمودند . از طرفی آنها عمل خود را با جنبش سیاسی و قیام هماهنگ کردند تا قدرت را برای خلق تصاحب کنند ، عناصر شورور را از بین ببرند ، کنترل را از دست دشمن بیرون آورند ، نیروهای دفاع غیر نظامی دشمن را بپراکنند و حکومت دست نشانده را در سطوح پائین براندازند . نیروهای انقلابی توده های خوبی حفظ میشدند و تحکیم و توسعه می یافتند . جنگ ایالتی خلق برنامه ی " آرام سازی " دشمن را متوقف نمود . دشمن که به سختی شکست خورده بود اجبارا " عقب نشینی کرد . در همان حال که نیروهای منظم ارتش آزادی بخش به پیروزی های بزرگی دست می یافتند و جنگ ایالتی خلق شدت می یافت ، جنبش سیاسی مردم شهرهای ویتنام جنوبی از نظر وسعت و عمق از گسترش قابل ملاحظه ای برخوردار می شد و اشکال جدید و گوناگون مبارزه را مورد استفاده قرار میداد .

درسه سال گذشته یعنی ازمسانی که نیکسون به قدرت رسید و استراتژی " ویتنامی کردن جنگ " را مورد اجرا گذاشت ، ارتش و خلق مادرویتنام جنوبی پیروزی های بزرگی بدست آورده اند . در سال ۱۹۷۱ میلادی زمانی که امپریالیست های امریکایی و نوکران آنها فکر میکردند که نقشه " ویتنامی کردن جنگ " اساسا " عملی شده است و با وجود تلاش های سختی که حکومت نیکسون در کلیه جبهه ها مینمود ، آنها شدیدترین شکست ها را متحمل شدند . خلق مابه پیروزی های عظیمی نایل آمد و استراتژی " ویتنامی کردن جنگ " با مانع بزرگی روبرو شد . این خود ثابت میکند که استراتژی " ویتنامی کردن جنگ " و دگترین نیکسون پرازدتضادها وضعف هایی است که بر طرف کردن آنها امکان پذیر نیست . استراتژی نیکسون مبنی بر ویتنامی کردن جنگ چیزی جز یک خیال بیهوده نبود . در زمینه سیاسی نیکسون امیدوار بود بتواند بانسوخوار شعار فریبنده و نواستعماری استقلال و آزادی بر روی تضادهای اساسی میان خلق و تجاوزکاران امریکایی سرپوش بگذارد . درست در لحظه ای که تمامی خلق مادرنبرد میهنی خود علیه تجاوز آمریکا کاملا " متحد شده بودند و زمانی که تضادهای فوق به حادثترین مرحله خود رسیده بود ، وی امیدوار بود از وجود نوکران خود که عاری از هرگونه احساس ملی بودند برای انجام سیاست " مجبور کردن ویتنامی ها به جنگ علیه یکدیگر " و خدمت به منافع تجاوزکاران امریکایی بهره گیرد . در زمینه نظامی ، هنگامی که امریکا با بیش از یک میلیون سرباز خودی و مزدور شکست خورده و مجبور شد نیروهای خود را به تدریج از ویتنام خارج کند ، نیکسون امیدوار بود که ضعف را به قدرت و شکست را به پیروزی تبدیل کند و سپاهیان دست نشانده را یاری دهد تا بتواند از آنها بجای سربازان امریکایی استفاده نماید . در برابر مبارزه ی قهرمانانه خلق ما ، خلقی با سنت دیرین اتحاد ملی و مصمم به مبارزه علیه تجاوز بیگانه که بعد از پیروزی های خود در موضع قدرت قرار داشت و پیوسته حالت تهاجمی خود را حفظ کرده بود ، استراتژی ویتنامی کردن جنگ یعنی آزمایش عمده ی دگترین نیکسون میبایست به شکست نکت باری بیانجامد . خلق مادر سراسر کشور و در اتحاد کامل با خلق های بزرگ کشورهای لائوس و کامبوج در مقاومت خود پشتکارشان داد و جنگ را شدت بخشید . آنها مصمم بودند که استراتژی ویتنامی کردن جنگ و دگترین نیکسون را در هندوچین به شکست بکشاند و پیروزی کامل را از آن خود سازند .

بانگهی به گذشته میتوان گفت که خلق مادر جنگ انقلابی در جنوب ، تجربیاتی را که در مبارزات نظامی و سیاسی و در قیام های مسلحانه ، جنگ های انقلابی و سازماندهی نظامی در چند دهه ی گذشته بدست آورده بود در هم آمیخت . خلق و ارتش ویتنام جنوبی با آگاهی کامل از قوانین حاکم برگسترش انقلاب و نحوه ی کار انقلابی در ویتنام جنوبی و با آگاهی کامل از قوانین حاکم بر توسعه ی استعمار جدید امریکا و جنگ تجاوز کارانه ی نواستعماری آن تمامی این تجربیات را در اوضاع جدید به سطح عالی ترین ارتقاء داده اند . در جنگ انقلابی در ویتنام جنوبی ، خلق مانیروی عظیم خود را که ناشی از ترکیب نزدیک نیروهای سیاسی بانیروهای مسلح میباشد افزایش داده است . آنها مبارزه ی مسلحانه و سیاسی را همزمان انجام میدهند و قیام را با جنگ و جنگ را با قیام درمی آمیزند تا به پیروزی برسند . ارتش و خلق ویتنام جنوبی بر طبق اوضاع خاص در هر

یک از مراحل توسعه‌ی جنگ ، نیروهای مسلح رابانیروهای سیاسی بطریقی خلاق ومنعطف ترکیب نمودندوبهکرات اشکال گوناگون جنگ تجاوزکارانه‌ی نواستعماری راحتیدراوج جنگ تجاوزکارانه‌ی امریکاباشکست مواجه ساختند ..

جنگ مقاومت درراه نجات ملی‌وعلیه تجاوزامریکاموفق شدتمامی خلق راتاحدزیادی بسیج و مسلح کند . خلق مابانکیه بر قدرت عظیم ناشی ازمشی صحیح انقلابدموکراتیک ملی خلق درویتنام جنوبی‌وبرتری نظام سوسیالیستی درشمال کشور ، نیروهای سیاسی‌خود رابوجود آوردند . این نیروهای سیاسی طی سالیان درازمبارزه موردآزمایش قرارگرفته‌اند . آنهاهرچه بهتر سازماندهی شده‌وباپویایی بیشتری توسعه مییابند . براساس این نیروها ، نیروی قدرتمند مسلح خلق متشکل ازنیروهای گسترده وسازمان یافته‌ی مسلح توده هاو بیک ارتش منظم انقلابی همیشه مدرن ایجادمیشود . این نیروهانقش های متفاوتی رادرمیدانهای گوناگون نبرد ودرمراحل مختلف جنگ مقاومت بازی نمودند . اما بطورکلی درجنگ انقلابی درویتنام جنوبی ، نیروهای مسلح وسیاسی هر دونقش اساسی وقطعی استراتژیک سازی نموده‌اند . ازمیان نیروهای مسلح آزادی بخش ویتنام جنوبی ، ارتش آزادی بخش متشکل از ارتش منظم ، نیروهای ایالتی‌ومسلح توده ای متشکل از نیروهای نظامی بومی ، چریکی‌وخود دفاعی نقش استراتژیک عظیمی رابازی نموده‌اند . باتوسعه‌ی جنگ روزه روزبراهمیت این نیروهاافزوده‌میگردد .

شکست امپریالیست های امریکایی درجنگ تجاوزکارانه‌ی خودعلیه ویتنام وهندوچین بدترین شکست آنهادرتاریخ تجاوزاتشان میباشد . پیروزی عظیم خلق مادرمبارزه‌علیه تجاوز امریکابرای نجات ملی ثابت میکندکه درعصر ما ، ملتی کوچک کاملاً " قادر است نیروهای تمامی خلق وملت رابسیج نموده وبایجاد هماهنگی نزدیک بین نیروهای سیاسی ومسلح‌وارتش انقلابی‌ونیروهای مسلح توده هابه‌مبارزه‌ی سیاسی‌ومسلحانه دامن زده وقیام مسلحانه وجنگ انقلابی رابریانمایدتابدین وسیله جنگ تجاوزکارانه‌ی نو استعماری قدرت های بزرگ امپریالیستی و ازآنخلفه بزرگترین آنهاایالات متحده امریکارابه شکست بکشاند .

* * * * *

بانگاهی مجدد به روند مبارزه‌ی انقلابی ، گسترش قیام مسلحانه ، جنگ انقلابی و توسعه‌ی نیروهای مسلح خلق درکشورمادرچهل سال گذشته‌نسبت به حزب خود ، بهرئیس محترم هوشی مین وخلق وملت خودمان احساس غرورفراروان مینمایم . همانطورکه در بالا گفته‌شد ملت ما طی چهارهزارسال تاریخ خودکه برای آبادانی‌ودفاع ازکشورش کوشیده‌هیهیچگاه چنین پیوسته وطولانی‌درگیرقیام نبوده است . میتوانیم بگوئیم کهملت مادرتول تاریخ‌خود هرگزاین چنین بی‌دریی وتنهاطی چنددهه سه تاازوحشی‌ترین تجاوزکاران ازجملهامپریالیسم امریکا ، این ژاندارم ستمگروبی‌مرام جهانی‌وبزرگترین قدرت‌اقتصادی ونظامی روی زمین را شکست نداده‌است .

حزب ما برای حصول پیروزی درقیام همه‌گیرجنگ خلق ، کارتنلیغی ، آموزشی‌وسازمانی خودرابایجاد نیروهای سیاسی توده هاوساختمان نیروهای مسلح خلق درهم آمیخته است و

و این رایک ضرورت اساسی در کلیه مراحل مبارزه‌ی انقلابی میدانند. حزب مامساله‌ی سازمان نظامی را بمنزله‌ی یک عامل اساسی دیگر جل نموده است.

گفته‌ی پیشینیان مایعی " همه دست به دست هم دهیم " منجر به گفته‌ی " همه سربازند " گردید. بنابراین حزب ما امروزه دنباله روی سیاست " اتحاد تمامی خلق " میباشد. " تمامی خلق را برای جنگ علیه تجاوزکاران سازماندهی میکند. " " هر دهکده کوچکی را بصورت قلعه‌ای درمی‌آورد " ، " هر خیابانی را تبدیل به جنبه‌ی جنگ میکند " و " از سی و یک میلیون هموطنان ما ، سی و یک میلیون رزمنده‌ی شجاع می‌سازد . "

حزب ما تمامی خلق را بطور گسترده مسلح کرده ، ارتش خلق را بنا نهاده و همزمان با آن توده‌های انقلابی را مسلح نموده است . نحوه‌ی انجام این کار یعنی تشکیل ارتش خلق و مسلح کردن توده‌ها با توجه به وضعیت دشمن و شکل تجاوز او ، نحوه‌ی استفاده‌ی ما از قهر انقلابی ، اوضاع کشور و جهان و تعادل نیروها بین ما و دشمن در شرایط گوناگون و بر حسب مقتضیات مبارزه متفاوت بوده است . نیروهای مسلح خلق ما که از سازمان‌های سیاسی توده‌ای و از واحدهای خوددفاعی و سازمان‌های مخفی مسلح در سطح پائین آغاز گردید ، اکنون به صورت یک نیروی عظیم مسلح انقلابی درآمده است . این نیروی عظیم ، برخوردار از سابقه‌ی رزمی درخشان و سنت برجسته‌ی وفاداری به حزب و خلق ، نیرویی شکست ناپذیر است . این نیروهای مسلح از ارتش آزموده خلق - که خودداری سه‌شاخه‌ی نیروی زمینی ، هوایی و دریایی است - نیروهای مسلح گسترده و قدرتمند توده‌ها - که در همه‌جا سازمان یافته و به انواع اسلحه از جمله سلاح‌های مدرن مجهز می‌باشند - تشکیل یافته است . نیروهای مسلح خلق ما در روند توسعه و رشد و همچنین در سوابق جنگی خود در شرایط و مقتضیات مختلف مبارزه اشکال خاص و گوناگون سازمانی ، مواضع و نقش‌های متفاوتی را پذیرفته‌اند . هر روز آنها به سطح جدیدی ارتقاء یافته و همیشه از اتحاد بین دو جزء اصلی زیر تشکیل شده‌اند .

جزء اول ارتش خلق است که متشکل از ارتش منظم و نیروهای ایالتی است .

جزء دوم نیروهای مسلح توده‌ها است که متشکل از نیروهای گسترده‌ی بومی و سازمان‌های خوددفاعی است .

واقعیات قیام و جنگ در کشور ما نشان می‌دهد که مسلح کردن تمامی خلق معنایش مسلح کردن توده‌های وسیع خلق و ایجاد ارتش خلق میباشد . ارتش خلق نسبت به نیروهای مسلح توده‌ها از مزیت‌هایی از جمله سازماندهی مستحکم ، انضباط شدید ، آموزش و تعلیم دقیق ، برخوردار دارد از وسایل فنی نسبتاً پیشرفته ، فرماندهی و رهبری واحد ، توانایی عظیم جنگی و آمادگی رزمی فراوان برخوردار است . از جانب دیگر نیروهای مسلح توده‌ها به علت هماهنگی نزدیک با توده‌ها و جلب حمایت مستقیم آنها و همچنین به دلیل استفاده از انواع گوناگون سلاح‌ها و روش‌های جنگی آنها بدون محدودیت مکانی و زمانی در مقایسه با ارتش خلق واجد برتری‌هایی میباشد .

ایجاد ارتش خلق و همزمان با آن مسلح کردن توده‌ها به معنای ساختمان همزمان نیروی اصلی و نیروهای گسترده و همچنین نیروهای متحرک و ثابت است تا بدین وسیله

ارتش های عظیم تجاوزکار را که دارای تجهیزات مدرن ، تحرک فراوان و قدرت آتش زیاد میباشند ، شکست دهیم . باید یک نیروی اصلی و یک نیروی متحرک برای هر یک از مناطق کشور و همچنین تمامی کشور ایجاد شود . باید نیروهای ثابت را در کلیه نقاط در هر سه ناحیه استراتژیک (کوهستان ، دشت و مناطق روستائی و شهری) بنانهیم . نیروی متحرکی که بعنوان ستون فقرات کشور عمل میکند همان ارتش منظم است . نیروی متحرک اصلی برای هر منطقه و ایالتی ، همان نیروهای ایالتی است . بدین طریق نیروهای مسلح خلق از سه دسته نیروهای مسلح یعنی ارتش منظم ، نیروهای ایالتی و " نیروهای نظامی بومی و خود دفاعی " تشکیل میشود . ارتش منظم و نیروهای ایالتی ، ارتش خلق را میسازند . نیروهای نظامی بومی و خود دفاعی ، نیروهای مسلح توده ها را تشکیل میدهند . در مقیاس ملی ، ارتش خلق را نیروی متحرک بحساب میآوریم در حالیکه نیروهای ایالتی و نظامیان بومی و نیروهای خود دفاعی نیروهای ثابت بشمار میروند . نیروهای ایالتی ، نظامی بومی و خود دفاعی تشکیل دهنده نیروهای مسلح ایالتی خلق هستند . در مقیاس منطقه ای ، نیروهای ایالتی نیروهای متحرک بشمار میروند در حالیکه نیروهای نظامی بومی و خود دفاعی را نیروهای ثابت قلمداد میکنیم . رابطه بین نیروی ایالتی و " نیروی نظامی بومی و خود دفاعی " در یک منطقه و ایالت ، منعکس کننده رابطه بین ارتش خلق و نیروهای مسلح توده ای در مقیاس ملی است .

ترکیب ارتش خلق و نیروهای مسلح توده ها و بعکس ، به روشنی مناسبترین شکل یک سازمان نظامی است که توسط آن میتوان قدرت تمامی خلق ، کشور و ملت را از قوه به فعل در آورد . به همان طریق که ترکیب نیروهای سیاسی بانروهای مسلح ، ترکیب مبارزه سیاسی با مبارزه مسلحانه و ترکیب قیام مسلحانه با جنگ انقلابی را شکل اساسی قهر انقلابی در کشورمان میدانیم ، ترکیب ارتش انقلابی بانروهای مسلح توده ها را مناسبترین فرم سازمان نظامی برای اتحاد نیروهای مسلح بانروهای سیاسی ، هماهنگی مبارزه مسلحانه با مبارزه سیاسی و کاربرد روشهای قیام و جنگ و همچنین فن نظامی قیام تمامی خلق و جنگ خلق بحساب میآوریم .

از واقعیات و تجارب یاد شده میتوان چنین نتیجه گرفت : ترکیب ارتش انقلابی با نیروهای مسلح توده ها و به عکس و ایجاد سه دسته نیروهای مسلح خلق بیانگرقوانین حاکم بر سازماندهی و استخدام نیروهای مسلح خلق میباشد . این قوانین به ما اجازه میدهد که نیروی تمامی خلق ، تمامی ملت و تمامی کشور را در قیام همگانی و در جنگ خلق و همچنین در دفاع ملی توسط تمامی خلق ، در جنگ آزادی بخش و در جنگ ملت برای دفاع از میهن ، آنهم ملت کوچکی که علیه سلطه طلبی و جنگهای تجاوزکارانه ای قدرت های بزرگ امپریالیستی مایبایست مبارزه میکرد ، از قوه به فعل در آوریم .

خلافت حزب و خلق مادرمینهی مسلح کردن توده های انقلابی و ایجاد ارتش خلق ناشی از تمارکسیستی لنینیستی در مورد سازمان نظامی پرولتاریا و بر اساس ادامه و گسترش و تکامل تجربه پیشینیان مادر ساختمان نیروهای مسلح میباشد . حزب ما دانش نظامی نوین پرولتاریا

راباستن اصیل ملی خودمان به خوبی درآمیخت و این دانش و تجربه را در رابطه با واقعیات مبارزه‌ی خلق مادر شرایط مقتضیات جدید تاریخی عصر حاضر بکار بست. بهمین دلیل است که سطح عالی قیام مسلحانه و جنگ انقلابی و همچنین درجه‌ی پیشرفت سازمان نظامی کنونی در کشور ما تحت رهبری حزب، یک توسعه‌ی ضروری و منطقی تاریخ خلق ما و سنت مبارزه‌ی او - در عصری است که طبقه‌ی کارگر و بیتنام نماینده‌ی حقیقی و قابل اعتماد ملت شده است، تحت رهبری حزب و رئیس هوشی مین، خلق ماسنت قهرمانانه‌ی مبارزه علیه تجاوز بیگانگان را پاسداری کرده و توسعه بخشیده است. قیام تمامی خلق و بیتنام و جنگ خلق تحت رهبری حزب طبقه کارگر نقطه‌ی اوج قیام مسلحانه و جنگ انقلابی در کشور ما بحساب می‌آیند. آنها قیام تمامی خلق و بیتنام و جنگ خلق در عصر جدید یعنی عصر هوشی مین بشمار می‌روند.

پیروزی‌های بی‌دریغی خلق ما در جنگ علیه سه قدرت امپریالیستی بیانگر قدرت عظیم جنگ خلق تحت رهبری طبقه‌ی کارگر و حزب مارکسیست لنینیست آن در این دوره‌ی جدید از تاریخ بشریت است. این پیروزی‌ها نمایانگر قدرت شکست ناپذیر نیروهای مسلح خلق سازمان نظامی طراز نوین طبقه‌ی کارگر، زحمتکشان و خلق‌های ستدیده‌ای است که دست به اسلحه برده‌اند و برای آزادی خود و بنای جامعه‌ای نوین جنگیده‌اند.

پیشینیان ما با استفاده از قدرت عظیم قیام و جنگ ملی توسط ارتش ملی و توده‌های مسلح، استقلال ملی را پیروزمانده بدست آوردند و از آن پاسداری کردند. پدران ما دشمنانی را شکست دادند که از خودشان قوی‌تر بودند ولی این دشمنان همانند خود آنها تحت یک رژیم فئودالی بسر می‌بردند و در نتیجه نیروهای تولیدی و شالوده‌ی فنی این دشمنان و پدران ما در یک مرحله از توسعه قرار داشت. حزب و خلق ما امروزه با استفاده از قدرت جدید قیام تمامی خلق و جنگ خلق تحت رهبری طبقه‌ی کارگر، با بهره‌گیری از قدرت جدید تمامی خلق که در زیر پرچم حزب ما متحد شده و در سایه‌ی قدرت جدید ارتش خلق و نیروهای مسلح توده‌ها، در رسالت بزرگ تاریخی خود پیروز شده‌اند. حزب و خلق ما با تکیه بر نیروی تمامی خلق ملتی کوچک که قدرت اقتصادی و شالوده‌ی مادی و فنی آن نسبت به دشمن در مرتبه‌ی پایین‌تری قرار دارد و با استفاده از برتری رژیم جدید، ارتش‌های تجاوزکار قدرت‌های امپریالیستی را شکست داده است، ارتش‌هایی که از لحاظ نفرا ت بیشتر و مجهز به سلاح‌ها و ساز و برگ جنگی مدرن می‌باشند.

حزب ما به منظور پیدا کردن راه جلی برای این مسأله‌ی بسیار مهم استراتژیک، رابطه‌ی دیالکتیکی میان سازماندهی نیروها و شالوه‌ی مادی و فنی و رابطه‌ی دیالکتیکی میان نفرا ت و سلاح‌ها را همانطوریکه در بالا تجزیه و تحلیل شده است کاملاً درک نمود و به درستی حل کرد. در یک جنگ، پیروزی عموماً "نصب آن ارتش‌هایی میشود که برای منظوری عادلانه جنگیده و بلاوه دارای نفرا ت بیشتر و سلاح‌های پیشرفته‌تر و پشتوانه آنها، اقتصاد و توسعه یافته‌تر میباشد. اما ویژگی عمده‌ی کشور ما این واقعیت بوده است که ملت ما در قیام‌ها و جنگ‌های خود پیروزی‌هایش را در جنگ علیه دشمن بدست آورده است که از لحاظ نفرا ت و ساز و برگ جنگی بر نیروهای ما برتری داشته است. هر چند امروزه ما خوبی مجهز نیستیم و یا اینکه به اندازه‌ی دشمنی که مدرن‌ترین سلاح‌ها را در اختیار دارد و از پشتوانه‌ی اقتصادی بس توسعه یافته‌

برخوردار می باشد ، سازوبرگ جنگی نداریم ، ولی به کسب پیروزی نایل می شویم . رمز این موفقیت در این حقیقت نهفته است که حزب ما به خوبی میدانسته است که چگونه بین " انسان " و " سلاح " رابطه برقرار کند و این نکته را درک نموده است که گرچه سلاح عامل مهمی بشمار می رود ولی انسانها عامل تعیین کننده می باشد : انسان ویتنامی بازماندهی ویتنامی عصر جدید از آگاهی جدید سیاسی و روحیه عالی جنگی برخوردار است . نظام اجتماعی جدید یعنی حکومت دموکراتیک خلق و رژیم سوسیالیستی در همه زمینه ها دارای پویایی و برتری فراوان می باشد . سازمان نظامی طراز نوین ، بسیج بیشتر خلق را در مقایسه با هر زمان دیگری در تاریخ ماجهت جنگ علیه تجاوزکاران میسر می سازد . ترکیب ارتش و نیروهای مسلح توده ها ، فن نظامی نیروهای مسلح خلق را توسعه بیشتری داده و دارای محتوای اساسا " انقلابی ، روحیه عالی تهاجمی و روشهای خلاق و بدیع جنگی است . این دست - آوردهای تازه زیربنایی را تشکیل دادند که قدرت تمامی خلق و نیروهای مسلح خلق را برابر پایهی آن - حتی در زمانی که ماهنوز بخوبی مسلح و مجهز نبودیم - توانستیم گسترش دهیم . در نتیجه زمانی که تمامی ملت قیام کرده است ، نیروهای مسلح خلق از قدرتی فراوان برخوردار می شوند و میتوانند دشمنی چون امپریالیست های امریکایی را که از لحاظ نفرا ت برتری دارند و مجهزه مدرن ترین سلاح می باشند ، شکست دهند . ماهیچگاه در - تاریخ خود بایک ارتش تجاوزکار یک میلیونی مانند نیروهای امریکایی و سپاهیان مزدور آنها که مجهز به مدرنترین سلاح ها می باشند ، روبرو نبوده ایم . در گذشته ملت ما هرگز با دشمنی نظیر امپریالیست های امریکایی که دارای توان عظیم اقتصادی و نظامی می باشند ، مواجه نگشته بود . بهر حال ارتش و خلق ما پیروزی های بزرگی را بدست آورده اند و بی شک به پیروزی کامل نایل خواهند آمد .

پیروزی نظامی خلق ما و نیروهای مسلح خلق ، تفکر نظامی بورژوازی را - که بر طبق آن سلاح و تکنیک نقش قطعی را در جنگ بازی میکنند - درهم ریخته و درستی تفکر نظامی پرولتری را که به نقش تعیین کنندهی انسانها معتقد است ، اثبات میکند . این پیروزی برتری دانش نظامی پرولتری را بردانش نظامی بورژوازی نمایان می سازد . دوره ای که قدرتهای بزرگ امپریالیستی میتوانستند از قدرت نظامی خود برای انجام امور دلخواه و برای تسلط بر مملکت کوچکتر و برده ساختن آنها استفاده کنند ، قطعاً بسرآمده است .

پیروزی عظیم ملت ویتنام ، ملتی کوچک با سرزمینی نه چندان پهناور و جمعیتی محدود و با اقتصادی توسعه نیافته در مقاومت خود علیه قدرتهای امپریالیستی که از توان عظیم اقتصادی و نظامی برخوردارند و دارای ارتش های بزرگ و مجهز می باشند ، دلیلی است روشن بر توانمندی ملت ها و از جمله ملت های کوچک در جنگ عادلانهی خود علیه قدرتهای امپریالیستی این امر از طرفی نمایانگر توانایی های محدود قدرت های امپریالیستی است در جنگهای غیر - عادلانهی خود علیه ملت های کوچک تر . واضح است که در عصر ماحتی ملتی کوچک ، در صورتی که متحد و مصمم باشد و از مشی انقلابی صحیح پیروی کند و بتواند تمامی خلق را برای قیام و جنگ و ساختن و تحکیم دفاع ملی بسیج نماید و همچنین بتواند کمک و پشتیبانی بین المللی را جلب

کند کاملاً " قادر خواهد بود حاکمیت استعمار را براندازد و جنگ تجاوزکارانه‌ی قدرتهای بزرگ امپریالیستی و از جمله سرکرده‌ی آنها امریکارابه شکست بکشاند ..

فصل چهارم

مسلح کردن همه جانبه‌ی توده‌های انقلابی برای ایجاد ارتش نوین و منظم خلق

جنگ مقاومت علیه تجاوز آمریکا جهت رهایی ملی خلق مادر هر دو قسمت کشور —
پهروزیهای عظیمی دست یافته وهم اکنون دارد به یک مرحله‌ی تعیین کننده وارد میشود ..

گرچه حکومت نیکسون طی سالیان گذشته در صحنه‌های نبرد ویتنام جنوبی در هر دو
زمینه‌ی نظامی و سیاسی متحمل عقب نشینی‌های جدی شده است ولی هنوز سرسختانه به
استراتژی " ویتنامی کردن جنگ " ادامه میدهد . امریالیست‌های آمریکا در حین عقب‌کشی
بخش عظیمی از سپاهیان جنگی خود شدیداً " مشغول تقویت و جایگزین کردن نیروهای دست
نشانده در ویتنام جنوبی میباشند تا از آنها بعنوان نیروی اضافی و تحت فرمان و مدیریت ارتش
آمریکا در صحنه‌های نبرد هندوچین استفاده شود . آنها در حالیکه " برنامه‌ی آرام سازی "
را تشدید کرده‌اند ، سرگرم به بند کشیدن و درو کردن مردم و ایجاد شبکه‌ی انبوهی از پست‌های
نظامی و تبدیل ویتنام جنوبی به یک اردوگاه بزرگ میباشند تا کنترل کاملی بر جمعیت داشته
باشند و به تخریب و نابودی پایگاه‌های انقلابی و استفاده از نیروی انسانی و سایر منابع جهت
اهداف جنگ تجاوزکارانه‌ی نواستعماری خود بپردازند .

آنها در شمال سرسختانه عملیات جنگی را ادامه میدهند . هواپیماهای جنگی آنها بطور
پیوسته مشغول پروازهای اکتشافی ، بمباران مناطق مسکونی و جنایات بی حساب دیگر علیه
خلق ما میباشند . " نیکسون " و " لرد " به منظور قطع کمک عظیم مناطق پشت جبهه
جبهه‌ی مقدم جنگ دوباره تهدید به از سرگیری جنگ مخرب هوایی و دریایی در ویتنام شمالی
پرداخته‌اند تا امکانات اقتصادی و نظامی شمال سوسیالیست را ویران و نابود سازند و اراده‌ی
خلق ما را در جنگ تضعیف نمایند ..

آنها در لائوس مشغول تشدید " جنگ ویژه " با استفاده از هواپیماهای خود میباشند .
بایمباران مناطق آزاد شده قصد نابودی کامل آنها را دارند و با تشدید " لائوسی کردن جنگ "
وارد کردن تعداد زیادی سپاهی از تایلند قصد نجات سپاهیان نارومار شده‌ی " وین تیان " و
" وانگ پائو " ی زاهن را دارند . هدفشان این است که با استفاده از این سپاهیان دست
نشانده و راهزنان به حمله‌های متقابل دست بزنند و مانع تهاجم انقلاب لائوس شوند .

در کامبوج با شتاب سرگرم " خمری کردن جنگ " ، تقویت رژیم دست نشانده پنوم
پن ، تقویت ارتش دست نشانده و اجرای " برنامه‌ی آرام سازی " ، تمرکز جمعیت ، استفاده از
سپاهیان مزدور پنوم پن و حمایت نیروی هوایی آمریکا بمنظور انجام عملیات جنایتکارانه‌ی
نظامی علیه مردم میباشند . حکومت نیکسون همچنین برمقامات ارتجاعی تایلند فشار وارد
می آورد تا سپاهیان برای جنگ علیه مردم کامبوج به آن سرزمین اعزام دارند ..

هرچند شکست آن‌ها حتمی است ولی امپریالیست‌های آمریکا هنوز از برنامه‌های تجاوز - کارانه‌ی خود علیه کشور مادست بر نداشته‌اند... آن‌ها بی‌رحمانه جهت حفظ سلطه‌ی نواستعماری خود در ویتنام جنوبی و ایفای نقش ژاندارم بین‌المللی در جنوب شرقی آسیا مشغول توسعه و طولانی‌کردن جنگ می‌باشند. در تعقیب این هدف آن‌ها از "تقسیم مسئولیت‌ها" در رابطه با "دکترین نیکسون" صحبت میکنند. مفهوم این دکترین "آمیختن خون خلق‌های دیگری دلارها و سلاح‌های آمریکایی" است برای دفاع از منافع کثیف گروه‌های انحصارات سرمایه - داری آمریکا. بنابراین تجاوزکاره‌نوزامپریالیسم آمریکا است، با این تفاوت که نیروهای متخاصم واقعی در میدان‌های جنگ خلق ما و سه کشور دیگر هندوچین مشمول تغییراتی شده‌اند. در مرحله‌ی فعلی، استراتژی "ویتنامی‌کردن جنگ" سپاهیان دست‌نشانده‌ی راشامل می‌شود که در خدمت آمریکا هستند. این سپاهیان که بوسیله آن سازمان یافته و تربیت می‌شوند مجهز به سلاح‌های فوق مدرن و ابزار و آلات جنگی یعنی خدمات و سلاح‌های مدرن، بر - خورداری از پشتیبانی هوایی، دریایی و لجستیکی می‌باشند و تدریجاً "به صورت نیروی عمده‌ی دشمن در صحنه‌ی جنگ انقلابی ظاهر می‌شوند. امپریالیست‌های آمریکایی در حال تلاش برای تقویت نیروی هوایی و دریایی مدرن خود برای حمله به شمال کشور ما می‌باشند.*

خلق مادر سراسر کشور بعد از تشخیص این هدف عمده در میدان نبرد تصمیم گرفته است جنگ تجاوزکارانه‌ی امپریالیست‌های آمریکائی و نوکران آن‌ها را به شکست بکشاند. نیروهای مسلح آزادی بخش خلق ویتنام جنوبی هماهنگ با نیروهای سیاسی توده‌ها، سپاهیان دست‌نشانده‌ی سایگون را نابود کرده و یاد در هم شکسته‌اند. این به معنی درهم شکستن ستون فقرات استراتژی "ویتنامی‌کردن جنگ" می‌باشد و در همان حال بانابودی منبع نیروی انسانی و دیگر منابع استراتژیک قصد درهم شکستن "برنامه‌ی آرام سازی" را دارند. نیروهای مسلح خلق ما در شمال می‌بایست حمله‌ی نیروی هوایی و دریایی آمریکار به شکست بکشاند و کلیه‌ی عملیات جسارت آمیز آن‌ها را دفع نمایند و نیرومندان از شمال سوسیالیست دفاع کرده و در انجام تعهدات پشت جبهه‌ی عظیم برای جبهه‌ی مقدم مشارکت نمایند. خلق ما وظیفه دارد در رابطه‌ی نزدیک و هماهنگ با خلق‌های برادر لائوس و کامبوج عمل‌کننده‌ترین نیکسون یعنی بومی‌کردن جنگ در جبهه‌ی های هندوچین (نیروهای دست‌نشانده مرتجع + نیروی هوایی آمریکا) را خنثی سازد.

خلق مادر ادامه‌ی وظایف مربوط به انقلاب سوسیالیستی و ساختن سوسیالیسم در شمال، تکمیل انقلاب ملی دموکراتیک خلق در ویتنام جنوبی و وحدت دوباره‌ی ملی به طریق مسالمت‌آمیز با مشکلات بسیاری مواجه خواهد شد اما قطعاً "پیروز خواهد گردید". سازمان نظامی خلق ما در حین پیشرفت انقلاب و حتی بعد از شکست امپریالیست‌های آمریکا و رجال‌های آن‌ها تنها باید شایسته‌ی انجام وظایف اضطراری و فوری بلکه باید همچنین شایسته‌ی انجام هر نوع وظیفه‌ی در هر شرایطی باشد. نیروهای مسلح خلق در شمال باید به اندازه‌ی کافی قوی و نیرومند باشند تا از شمال سوسیالیست دفاع کنند، همه‌ی عملیات تجاوزکارانه و خرابکارانه‌ی امپریالیست‌ها و دست‌نشانده‌گان آن‌ها را خنثی کرده و ناکام سازند.

این مقاله در مارس ۱۹۷۲ نوشته شده است

نیروهای مسلح خلق باید به عنوان بازوی موثر دیکتاتوری پرولتاریا بوده و در تمام زمینه هامایه قدرت شمال و پایگاه مستحکمی برای مبارزه جهت وحدت دوباره ی کشور باشد . نیروهای مسلح آزادی بخش در جنوب باید به اندازه ی کافی نیرومند باشند و از دستاوردهای انقلاب و استقلال و بیطرفی جنوب پاسداری کنند و تمام برنامه های امپریالیست ها و دسته های مترج را بشکست و مواجه سازند و در پیشرفت انقلاب و بنای یک ویتنام صلح جو ، متحد ، مستقل ، دموکراتیک و آباد مشارکت کنند .

همچنانکه در قسمت اول این مقاله گفته شد کشور ما ویتنام به لحاظ دارا بودن موقعیت استراتژیک مهم در جنوب شرقی آسیا ، برای قرنهای هدف تجاوزات ظالمانه بوده است . در طول چندین دهه کشور مایه در پی مورد حمله ی سه قدرت امپریالیستی قرار گرفته است . حتی زمانی که امپریالیسم امریکا شکست داده شود ، امپریالیسم بین المللی از نقشه ی خود علیه کشور ما دست نخواهد کشید . ملت ما در آرزوی صلح و استقلال است . ما همچنین خواهان صلح هستیم تا به ساختمان کشور و بهبود همه جانبه ی شرایط زندگی مردم بپردازیم ، ولی باید خیلی هشیار باشیم . باید در زمینه های سیاسی ، اقتصادی و دفاع ملی نیرومند باشیم . بین تقویت دفاع ملی و ساختمان اقتصادی پیوند خیلی نزدیک وجود دارد . در هر صورت ما باید دارای یک دفاع ملی نیرومند (نیروهای مسلح نیرومند که مرکب از ارتش ثابت و نیروهای گسترده ی مسلح توده ها) باشیم تا از نیروی کار صلح آمیز خلق حفاظت کنیم ، آماده باشیم تا پیروزیهای درخشانی برای دفاع از سرزمین پدری علیه هر نوع متجاوز و بدست آوریم و بالاخره حافظ قدرت دولت علیه عناصر مخرب داخلی باشیم .

در درازمدت ، بعد از اتحاد مجدد کشور ، تغییرات بزرگی در وضع کشور ما روی خواهد داد . ویتنام با کشاورزی و صنعت مدرن و فرهنگ علوم پیشرفته به صورت یک کشور نیرومند و آباد در خواهد آمد . جمعیت کشور ما تا آن زمان در طی چند دهه به حدود پنجاه تا هفتاد میلیون خواهد رسید خلق ما واجد پایه های لازم و ضروری برای ساختمان دفاع ملی میباشد . ما قادر هستیم برای تضمین شکست هر تجاوز کار امپریالیستی ، ارتش خلق و مسلح کردن توده های انقلابی را به سطحی عالی تراز نقاء دهیم .

جنگ برای دفاع از سرزمین پدری که هم اکنون در کشور ما جریان دارد و یا اگر در آینده چنین جنگی دوباره روی دهد ، جنگی خواهد بود عادلانه " برای دفاع از خود " که در خاک ما اتفاق خواهد افتاد . نتیجتاً در چنین جنگی بیشترین نیروی تمام خلق ، کشور و ملت برای شکست دشمن بکار خواهد افتاد . در شرایط و مقتضیات معدودی از جنگ ممکن است شباهتهایی از جمله : شرایط جغرافیایی و لزوم نبرد علیه یک دشمن بزرگترین جنگی که در آینده برای دفاع از کشور روی خواهد داد و جنگ فعلی وجود داشته باشد . دشمنی که به کشور ما تجاوز کند ضرورتاً باید از ما نیرومندتر باشد . بنابراین همچون امروز استفاده از یک نیروی کوچک تر برای مقابله با یک نیروی بزرگتر ضرورت پیدا خواهد کرد . هر چند ممکن است توازن بین نیروهای ما

ودشمن متفاوت باشد . از نقطه نظر شرایط جغرافیائی علی رغم اینکه خلق با کاست خرد پیوسته در حال تغییر آن میباشد ولی این شرایط اساساً " برای مدتی طولانی یکسان خواهد ماند . کشور ما ، کشوری است کوچک با قلمروی طولانی و باریک و بیشتر آن کوهستانی است که بوسیله چند رودخانهی بزرگ به بخش های کوچکتری تقسیم شده و دارای آب و هوای گرمسیری و چند هزار کیلومتر ساحل است . اگر جنگ دیگری برای دفاع از سرزمین پدري درگيرد این جنگ تحت شرایط جغرافیائی فوق التفاق خواهد افتاد .

به این دلایل ممکن است چنین نتیجه گیری کنیم که ما وارث تجارب زیادی در زمینه دفاع از سرزمین پدري ، قیام و جنگ آزادی بخش و همچنین سازمان نظامی در گذشته خواهد بود . ما قادریم از این تجارب در شرایط و مقتضیات جدید استفاده کرده و به توسعهی آنها بپردازیم و از آن برای ساختمان دفاع ملی با مشارکت همهی خلق ، نیروهای مسلح بخش سوسیالیستی شمال ، ویتنام جنوبی مستقل و بیطرف و با اتحاد مجدد ویتنام در آینده استفاده کنیم . جنگ آینده برای دفاع از میهن در کشور ما میتواند جنگ بسیار پیشرفتهی خلقی باشد . نیروهای مسلح خلق ما در تمام زمینه ها از جمله نفرات ، سطح کادرها و سربازان در تمام سطوح ارتش و کلیهی فعالیت ها ، تجهیزات و فنون ، قابلیت های سازمانی ، روش جنگ و نیروی جنگی به پیشرفت های شگفتی نایل خواهند آمد .

خلق ما ، در حال حاضر برای ایفای رسالت تاریخی خود یعنی شکست کامل و تمام عیار تجاوزکاران امریکائی میبایست بانگ برتحمیم کلی زمینهای سیاسی ، اقتصادی و دفاع ملی دارای نیروهای سیاسی و نظامی نیرومندی باشد . ما باید مشی حزب رادرزمنهی مسلح کردن تمامی خلق ، تلاش برای توسعهی نیروهای مسلح گسترده و نیرومند توده های همزمان با آن ارتش خلق نیرومند و برجسته ، بسیج و توسعهی نیروی خلق تا حد ممکن در جبههی نظامی با یاری همه مردم برای شکست دشمن در هر شرایطی کاملاً " درک کنیم .

در ویتنام جنوبی ارتش و خلق همزمان مشغول نبرد سیاسی و مسلحانه برای شکست استراتژی امریکائی " ویتنامی کردن جنگ " میشوند . آنها در همه زمین ها با ترکیب نزدیک مبارزهی نظامی با سیاسی ، حملهی نظامی با شورش ، حملات متمرکز با چریکی ، نابودی سپاهیان دشمن با توسعهی قدرت خلق در هر سه ناحیهی استراتژیک (شهر ، کوهستان ، جلگه م) جنگ انقلابی را پیوسته به پیش میبرند . در حین جنگ آنها مشغول توسعهی نیروهای نظامی و سیاسی میشوند و فعالانه مواضع خود را در مناطق آزاد شده توسعه و تحکیم میبخشند و در جریان عمل نیرومند تر میشوند .

همانطوریکه دولت موقت انقلابی جمهوری ویتنام جنوبی و فرماندهی عالی نیروهای مسلح آزادی بخش ویتنام جنوبی خاطر نشان ساخته اند . توسعهی شدید و وسیع نیروهای مسلح توده های همزمان با ساختمان ارتش آزادی بخش به منظور دستیابی به یک قدرت ارتش برجسته بسیار نیرومند و تقویت سدهستی نیروهای مسلح آزادی بخش مضمون اساسی تقویت نیروهای مسلح ویتنام جنوبی را در حال حاضر تشکیل میدهد . آنها با فشار بیرحمانه و کنترل وسیع از طریق سازمان اختناق ، در حال اجرای سیاست وحشیانهی فاشیستی علیه مردم ما میشوند . در این

شرایط که آنها به ساختمان ارتش سیاسی و توسعه‌ی آن ادامه می‌دهند، خلق مادر جنوب در - حال تلاش برای رشد سریع نیروهای مسلح توده‌هاست و فعالانه مشغول ساختمان نیروهای نظامی بومی و چریکی و خوددفاعی در هر سه ناحیه‌ی استراتژیک می‌باشد .

ضرورت دارد به توسعه‌شدید و وسیع نیروهای چریکی و خوددفاعی همراه با ارتقاء جنگ چریکی به سطحی عالی‌تر برای پیوستن به کوشش‌هایی که در راه انجام حملات متمرکز صورت می‌گیرد تا استراتژی " ویتنامی کردن جنگ " را از نظر نظامی باشکست مواجه سازد ، توجه شود . ضرورت توسعه و تشدید نیروهای چریکی و خوددفاعی همچنین با نیاز به تشدید جنبش‌های توده‌ای ، تهاجم و قیام و همچنین با حملات سه شاخه‌ای به منظور برهم زدن برنامه‌ی " آرام سازی " پیوستگی دارد . نیروهای مسلح توده‌ای و چریکی با نیروهای ایالتی که به منزله‌ی ستون فقرات آنهاست می‌بایست در رابطه‌ی خیلی نزدیک و هماهنگ با نیروهای سیاسی در قلمرو خود بمانند و با استفاده از روشهای خلاق و قابل انعطاف در همان جادشمن را مورد حمله قرار دهند . آنها در هر جا که ممکن باشد با حمله به دشمن تلفات زیادی بر آنها وارد خواهند ساخت . پراکندگی از کار انداختن ، محاصره ، تقسیم قوا ، حملات غافلگیرانه بر مواضع کلیدی ، نابودی - پایگاههای لجستیکی دشمن ، قطع خطوط ارتباط زمینی و دریایی و مشارکت در شکست عملیات نظامی دشمن از جمله وظایف آنهاست . آنها به حملات برق آسابه منظور محاصره‌ی جمعیت بوسپله‌ی دشمن پایان خواهند داد ، پایگاههای سیاسی را محافظ خواهند کرد ، دستگاه جابر دست‌نشانده در روستاها و نیروهای مسلح مرتجع محلی درهم شکسته و شبکه‌ی پایگاههای نظامی دشمن را نابود خواهند ساخت . آنها در تمام زمینه‌ها توان (پتانسیل) جنگ انقلابی را حفظ و افزایش خواهند داد . نقشه‌ی شرارت آمیز امریالیست های امریکائی مبنی بر " محبور کردن ویتنامی‌ها به جنگ علیه یکدیگر " و " برافروخته نگه داشتن آتش جنگ " را شکست خواهند داد .

در جنگ طولانی انقلابی خلق مادر ویتنام جنوبی ، نیروهای مسلح توده‌ای نقش مهم و مستمری در پیشرفت انقلاب بازی میکند . هر زمان که پایگاههای سیاسی در بین مردم موجود باشد ، نیروهای مسلح خلق تشکیل میشوند . همراه با ارتش سیاسی انقلابی که پیوسته بر اساس اتحاد کارگران - دهقانان توسعه می‌یابد ، خلق ویتنام جنوبی در حال تلاش برای تقویت نیروهای مسلح توده‌ای از جهات کمی و کیفی و سازماندهی این نیروها متناسب با نیازهای آنها می‌باشد تا اینکه در هر نقطه‌ای از ویتنام جنوبی (از کوهستان تا دشت ، از شهر تا روستا ، در مناطق آزاد شده و مناطقی که موقتا " اشغال شده‌اند) به نبرد علیه دشمن برخیزد . نیروهای مسلح همراه با نیروهای سیاسی توده‌ای ، نیروی عظیمی را در هر منطقه و در تمام مبنی میدانهای نبرد تشکیل می‌دهند .

ارتش خلق ویتنام جنوبی با برخورداری از حمایت نیروهای سیاسی خلق و نیروهای مسلح توده‌ها در حال تلاش برای ساختمان یک ارتش آزادی بخش نیرومند و بزرگ می‌باشند . ضرورت ساختمان ارتش آزادی بخش که مرکب از ارتش منظم و نیروهای ایالتی است با ضرورت تشدید مبارزه‌ی نظامی برای توسعه‌ی جنگ منظم هماهنگ با جنگ چریکی جهت شکست نظامی

دشمن و ترکیب آن با مبارزه‌ی سیاسی به منظور دستیابی به پیروزی نهائی در جنگ مقاومت ارتباط دارد .

واحدهای منظم ارتش آزادی بخش از نظر کمی و دربرای آن از جهات کیفی و تجهیزات در حال توسعه میباشند . این واحدها دارای خدمات ضروری و نیروی ذخیره‌ی متحرک و بسیار نیرومند ، لجستیکی خوب و پایه‌های مادی و فنی معتبر میباشند . آنها در انجام عملیات از واحدهایی که از خدمات مختلف ترکیب شده‌اند ، با مهارت فراوان در مقیاس وزمینه‌های گوناگون بهره میگیرند . در میدان‌های جنگ جنوبی ، جنگ منظم بطور مستمر و بانبروئی فزاینده و موثر در مقیاسی هرچه وسیع تر توسعه مییابد . سبایان منظم ارتش آزادی بخش یک قسمت مهم از نیروهای مسلح سایگون را نابود ساخته‌اند . آنها واحدهای بزرگی از دشمن را به کلی نابود ساخته ، خطوط دفاعی آنها را درهم شکسته ، به مطالعه‌ی روش‌های جنگی آنها پرداخته و مناطق آزاد شده را توسعه داده و پیروزی‌های عظیمی بدست آورده‌اند . پیروزیهای عظیم ارتش آزادی بخش بر نیروهای مسلح مزدور اثرات جدی در روحیه و سازماندهی تمامی ارتش و تشکیلات اداری حکومت دست نشانده داشته و ضربت کوبنده‌ای بر اراده‌ی امپریالیستهای امریکایی در جهت برپا کردن یک جنگ تجاوزکارانه وارد نموده است . این وضع منجر به حمایت نیرومند از مبارزه‌ی سیاسی جنبش شورشی توده‌های گشته و امکانات عظیمی را برای کار اقماعی در درون صفوف واحدهای دشمن فراهم ساخته است . بدین سان ارتش آزادی بخش نقش بسیار مهمی در تغییر توازن نیروها بازی کرده و کفه‌ی ترازوی جنگ را به سود ما تغییر داده است .

واحدهایی از نیروهای ایالتی ارتش آزادی بخش در حال تقویت میباشند تا بتوانند

همراه با نیروهای نظامی بومی و چریکی که نقش ستون فقرات رادر جنگ خلق دارند و موجب توسعه‌ی فزاینده‌ی جنگ چریکی و جنبش شورشی توده‌های در ایالات گشته‌اند ، برنامه‌ی پوشالی " آرام سازی " امریکا را درهم شکنند و در همان حال بطور موثر با نیروهای منظم در حملات متمرکز برای شکست نظامی استراتژی " ویتنامی کردن جنگ " همکاری کنند . نیروهای ایالتی انچنان ایجاد میشوند که هر ناحیه ، هر استان و هر شهرداری یک سازمان خوب و واحدهای کافی همراه با واحدهای فنی لازم که همه‌ی آنها آموزشهای مختلف جنگی خیلی خوبی دیده‌اند ، باشد . نیروهای ایالتی باید خیلی نیرومند و از آموزش خوب برخوردار باشند . آنها باید خوب بجنگند و همچنین بدانند که چگونه برای پیروزی حمایت مردم را جلب کنند . با توجه به تمرکز و پراکندگی پیوسته‌ی نیروهایشان ، آنها مشت‌های آهنین جنگ خلق در مناطق محسوب میشوند . در رابطه با هماهنگی نزدیک با نیروهای نظامی بومی و چریکی بسیاری از واحدهای نیروهای ایالتی در جنوب نیروهای امنیتی (باوآن) و نظامی بومی (دان وه) دشمن را نابود کرده‌اند . آنها توانسته‌اند رشته‌های از پست‌های نظامی و تعداد زیادی از روستاهای استراتژیک و حوزة‌های جمعیتی دشمن را درهم شکنند . آنها بدینوسیله نیرومندان از مبارزه‌ی سیاسی و شورش‌های توده‌ای حمایت کرده و در همان حال بطور موثر و هماهنگ با نیروی اصلی ارتش آزادی بخش در یک منطقه عمل میکنند .

در حال حاضر در میدان های جنگ ویتنام جنوبی ، بسیاری از مناطق و استانها بطور کامل خط مشی جنگ خلق و مسلح کردن تمامی خلق را دریافتها اند و بطور قاطع و خلاق از آن بهره میگیرند . مردم این ایالات و استان ها در ایجاد نیروهای سیاسی گسترده و نیرومند و همچنین نیروهای مقتدر ایالتی (شامل نیروهای نیرومند و بزرگ نظامی بومی و چریکی و سپاهیان نیرومند ایالتی که دارای روحیه جنگی عالی بوده و قادرند به عملیات جنگی در خنثی سازی علیه دشمن در هر ناحیه دست بزنند) موفق شده اند . در نتیجه ، جنگ خلق در ایالات و تهاجم جنبش شورشی پیشرفت بیشتری کرده است و تدریجا " برنامه های " آرام سازی " و " تمرکز جمعیت " و " دخول اجباری جوانان به ارتش " را با ناکامی مواجه میسازد . آنها نیروی انقلاب را در همی زمینه ها حفاظت کرده و توسعه داده اند .

واقعیات جنگ انقلابی در ویتنام جنوبی ثابت کرده که توده ها پایه های نیرومند انقلاب را با تمام وظایف تشکیل میدهند . نیروهای سیاسی توده ها پایه و اساس محکمی است برای تشکیل نیروهای مسلح و نیروهای مسلح توده های پایه و اساس ارتش انقلابی را تشکیل میدهند بنابراین برای تأمین نیروی لازم جهت جنگ انقلابی و استفاده ی کامل از نیروی عظیم جنگ خلق ضرورت دارد . برای تشکیل ارتش سیاسی و بر اساس آن تشکیل نیروهای مسلح خلق (مرکب از نیروهای مسلح توده های و ارتش انقلابی) تلاش و کوشش شود . سه دسته ی نیروهای مسلح را باید به اندازه ی کافی توسعه دهیم تا از آنها برای حملات تهاجمی استراتژیکی در همی میدان های جنگ استفاده شود . باید عملیات متمرکز را با جنگ چریکی و مبارزه ی مسلحانه را با مبارزه ی سیاسی ترکیب نمائیم و به کار تبلیغی در بین سپاهیان دشمن بپردازیم . تنها بدینوسیله است که میتوانیم در مجموع بزرگترین نیروی ممکن را داشته باشیم و از آن برای در هم گویند ارتش مزدور و ناکامی برنامه ی " آرام سازی " و استراتژی " ویتنامی کردن جنگ " استفاده نموده و در نهایت بطور کامل جنگ تجاوز کارانه ی امریکار با شکست مواجه سازیم .

بویژه هم اکنون که امپریالیست های امریکائی به استراتژی " ویتنامی کردن جنگ " روی آورده اند و در حال اجرای طرح بی شرمانه ی " مجبور کردن ویتنامی ها علیه یکدیگر " یا برادر کشی میباشد و برای ساختمان یک ارتش دست نشانده مرکب از یک نیروی اصلی و نیروهای ایالتی تلاش میکنند تا از آن بعنوان وسیله ای برای ادامه ی جنگ تجاوز کارانه ی خود استفاده نمایند ، ضرورت احاطه ی کامل بر سازماندهی نیروهای مسلح خلق از اهمیت زیادی برخوردار است .

ما باید دارای یک نیروی سیاسی عظیم و نیروهای مسلح نیرومند وسیع توده های ، ارتش آزادی بخش با کیفیت عالی و اندازه ی مناسب ، نیروهای خود دفاعی و نظامی بومی نیرومند و بزرگ ، نیروهای مقتدر ایالتی به منظور تشکیل نیروهای وسیع و نیرومند محلی و در عین حال یک ارتش بسیار نیرومند منظم و متحرک باشیم . دنیرو و سه دسته ی نیروهای مسلح خلق میبایست با هماهنگی کامل نقش استراتژیکی خود را در جنگ انقلابی به خوبی ایفاء کنند و بطور پیوسته به سوی درجات بالاتری از مبارزه ی مسلحانه و سیاسی ، جنگ چریکی و منظم پیش روند . هموطنان و مبارزین مادر جنوب بی شک ارتش دست نشانده را شکست خواهند داد ، دولت

دست نشانده را برخواهندانداخت ، استراتژی " ویتنامی کردن جنگ " را با ناکامی کامل روبرو خواهند ساخت و علیه تجاوز امریکابرای " رهائی ملی " تاپیروزی کامل خواهند جنگید .

* * *

در حالیکه جنگ تجاوزکارانه در ویتنام جنوبی طولانی تر می شود و در تمام هندوچین توسعه مییابد ، دولت نیکسون بی وقفه عملیات جنگی خود را علیه ویتنام شمالی تشدید کرده است . امریکالیست های امریکام اکنون طرح های شرارت آمیز بسیاری برای حال و آینده علیه شمال سوسیالیست - حامی بزرگ جبهه ی مقدم و پایگاه نیرومندانقلاب در سرتاسر کشور - در سر می پروراند . بنابراین باید به کوشش های خود برای ساختمان نیروهای مسلح خلق در شمال ادامه داده تا همراه با تمامی خلق بتوانیم بطور کامل تجاوزکاران امریکایی را شکست داده و نیرومندان از شمال سوسیالیست در حال و آینده دفاع نمائیم .

شمال میبایست در زمینه های سیاسی ، اقتصادی و دفاع ملی بسیار نیرومند باشد . بنابراین باید تلاش کنیم انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم را به پیش برانیم ، پیوسته وحدت سیاسی و اخلاقی خلق را افزایش داده و به ساختمان و توسعه ی اقتصادی و فرهنگی - فرهنگی - برداریم تا بر اساس آنها هماهنگی دقیق توسعه ی اقتصادی با دفاع ملی به تقویت و تحکیم دفاع ملی با مشارکت همه ی خلق نایل آئیم . تنها با یک اقتصاد نیرومند مرکب از اقتصاد مرکزی و منطقه ای میتوانیم دفاع ملی داشته باشیم و جنگ خلقی را در مقیاس ملی و منطقه ای بکار گیریم . ما باید همیشه آماده ی جنگ باشیم و کشور را در همه ی زمینه ها آنچنان آماده نگه داریم تا اگر اتفاقی روی دهد در برابر عمل انجام شده قرار نگیریم .

در هر شرایطی ما باید همیشه در اندیشه ی پیروی از قانون سازمان نظامی خلق خود یعنی مسلح کردن تمامی خلق ، مسلح کردن توده های انقلابی و در همان حال ساختمان ارتش خلق ترکیب ارتش خلق با نیروهای مسلح توده ای و بالعکس باشیم .

ما باید برای ساختمان ارتش منظم مدرن خلق و همراه با آن توسعه ی نیروهای مسلح گسترده و قدرتمند توده ای و تقویت سه دسته ی نیروهای مسلح خلق یعنی نیروی منظم ، نیروهای یالتی و " نیروهای نظامی بومی و خود دفاعی " تلاش عظیمی کنیم . باید به تحکیم بیشتر نیروهای پلیس مسلح خلق بپردازیم . باید یک ارتش ثابت نیرومند و در عین حال یک نیروی ذخیره ی بسیار مقتدر داشته باشیم .

ما باید در امر دفاع دقیق باشیم . سیاست و مقررات عمده ای که بوسیله ی دولت برای ساختمان نیروهای مسلح خلق و تقویت دفاع ملی با مشارکت همه ی مردم اعلام گردیده باید تدریجاً تقویت شود و اصلاح می و مقررات موجود باید در پرتو رویدادهای آینده ی کشور صورت گیرد . باید به تربیت کادرهای کهنه نقش مهمی در ساختمان نیروهای مسلح و تقویت دفاع ملی دارند اهمیت داده شود . ما باید تدریجاً " به تقویت پایگاههای مادی ، فنی و لجستیکی نیروهای مسلح در تمام سرزمین ویتنام شمالی و در هر منطقه ای از آن بپردازیم .

در وهله ی اول ، ضرورت دارد ساختمان ارتش خود را به صورت یک ارتش انقلابی خلق از نوع

حقیقتاً " طراز نوین تشدیدکنیم . ارتش منظم جدیدی که با شرایط کشور سازگار باشد و ستون فقرات سازمان نظامی خلق را تشکیل دهد تا نیرومندان از دستاوردهای انقلاب و سرزمین — محبوب پدری (میهن) محافظت کند ، هر نوع تجاوزکاری را در حال و آینده شکست دهد و همه وظایف جنگی ، تولیدی و یاهرنوع وظیفه‌ی دیگری که حزب و خلق مابدان واگذار — کنند ، انجام دهد .

در حال حاضر و آینده‌ی نزدیک باید به کوشش خود برای تبدیل ارتش خلق و بیتنام به یک ارتش نوین ، منظم و سوسیالیست مرکب از نیروی منظم و نیروهای ایالتی همراه با یک نیروی ثابت بانفوذ کافی و قابلیت های جنگی عالی و یک نیروی ذخیره‌ی بزرگ سازمان یافته و تعلیم دیده ادامه دهیم .

ارتش ما باید یک ارتش حقیقتاً " انقلابی ، مردمی و همچنین بسیار مدرن مرکب از نیروهای زمینی ، هوایی و دریائی باشد .

ارتش ما باید واجد تمام خدمات لازم باشد . این ارتش باید دارای ساخت و اندازه‌ی مناسب و قدرت آتش برای انجام وظایف فزاینده‌ی مهم جنگی باشد . این ارتش همچنین باید دارای یک نیروی تهاجمی قدرتمند و برخوردار از تحرک زیاد در هر شرایط آب و هوایی و نظامی در کشور مابوده و دارای توانائی در ایفاء یک نقش قطعی برای بدست آوردن پیروزی در میدانهای نبرد باشد .

نیروی هوائی ما باید بیشتر تقویت شود تا اینکه دارای اندازه‌ی مناسب و توانائی جنگی زیاد همراه با روشهای جنگی خلاق باشد تا از آسمان میهن علیه هر نوع تجاوزکاری دفاع کند ، همچنین با هماهنگی نزدیک با نیروهای زمینی و دریائی به عملیات مشترک بپردازد .

نیروی دریائی ما باید تقویت شود تا اینکه دارای اندازه‌ی کافی و توانائی جنگی زیاد باشد . سازمانی توسعه یافته و مجهز به وسایل کاملاً " مدرن باشد . باید از روشهای جنگی مناسب در آب راههای ما و دریاستفاده کند و از ساحل بسیار طولانی و آب راههای فراوان کشور دفاع نماید .

قبل از هر چیزی و در تمام ادوار ، ارتش ما باید یک ارتش واقعاً " انقلابی و مردمی باشد . این یکی از اصول واجد اهمیت کلیدی در تئوری حزب ما برای ساختمان ارتش است . چیزی که میبایست پیوسته در هر شرایطی بخاطر داشته باشیم .

قدرت جنگی ارتش انقلابی حاصل ترکیب عوامل زیر میباشد : آگاهی انقلابی ، روحیه جنگی افسران و دیگر افراد ارتش ، سازمان عقلائی ، سطح تجهیزات فنی ارتش ، سطح دانش فنی و تاکتیکی افراد ارتش ، سطح دانش و فن نظامی ، رهبری افسران ارتش . . . این قدرت از ترکیب دیالکتیکی نفوذات ارتش و سلاح ها ، علم سیاست و فن ، دانش نظامی و وسایل جنگی ایدئولوژی و سازماندهی حاصل میشود .

در تئوری و عمل نشان داده شده عواملی که موجب تقویت قدرت رزمی ارتش میشوند ، نقش بسیار مهمی دارند و کاملاً " به یکدیگر وابسته اند . تنها وقتی که یک عامل بطور جامع توسعه یابد و به دقت با دیگر عوامل ترکیب شود ، میتواند قدرت رزمی ارتش را به حد اکثر برساند .

بدون یک روحیه رزمی - بایک روحیه ضعیف - انرژی خلاق انقلابی ، جنگ فعال یا هیچ زیربنایی برای تقویت عوامل مادی ، فنی و عملیاتی نمیتواند وجود داشته باشد . . . یک ارتش خوب سازمان یافته ، مجهز و آموزش دیده با روحیه ضعیف رزمی به آسانی شکست میخورد . تنه با روحیه عالی هم نمیتواند موجب پیروزی شود . اگر کمبود تجهیزات فنی مانع پیشرفت ارتش شود سازمان نظامی غیر معقول داشته باشد و از روشهای عملیاتی نادرست استفاده کند ، نمیتواند نیروی رزمی عظیمی از خود بروز دهد زیرا عامل روحیه به شکل جامع توسعه نیافتگی و نمی تواند به یک نیروی عظیم مادی تبدیل شود و دشمن را در میدان نبرد شکست دهد .

در مورد تاکید بر عامل روحی و تاثیر عظیم آن در جنگ لنین چنین گفت : " در تحلیل نهائی ، پیروزی در هر جنگی به وضع روحی توده هائی بستگی دارد که خون خود را در میدان جنگ نثار میکنند . (۳۸) " وی ادامه میدهد : " حتی بهترین ارتش ها ، حتی افرادی که صادقانه خود را فدای انقلاب میکنند اگر فاقد آموزش ، وسایل کافی و تجهیزات باشند فوری به وسیله دشمن نابود خواهند شد (۳۹) " .

بنابراین هنگامیکه به بررسی قدرت رزمی ارتشی میپردازیم بایستی وحدت دیالکتیکی بین عوامل فوق الذکر را درک کنیم . اگر فقط به عامل مادی مثلا " تکنیک توجه کنیم و به آن - نقش قطعی دهیم و به عوامل سیاسی و روحی ارزش کمتری دهیم ، آشکارا مرتکب اشتباه شده ایم . برعکس تاکید بر روی تنه با عامل روحی جدا از شالوده مادی هم درست نیست . هر گاه به تشریح اهمیت عوامل موثر در قدرت رزمی یک ارتش انقلابی بپردازیم ، ملاحظه خواهیم کرد اساسی ترین عامل ، عامل سیاسی - روحی یعنی وجدان ارتش در رابطه با آرمان انقلابی ، هدف نبرد ، هدف سیاسی جنگ و روحیه رزمی افسران و افراد است . در جنگ " درک و فهم هدف ها و عوامل جنگ بوسیله ی توده ها بسیار مهم است و تضمین کننده ی - پیروزی است . (۴۰) " هرگاه افسران و دیگر افراد ارتش عمیقا " دارای آگاهی طبقاتی و منافع ملی باشند و آماده باشند جان خود را در مبارزه برای کسب استقلال ، آزادی و سوسیالیسم فدای کنند و تنه با آرزوی پیروزی بردشمن به میدان جنگ بروند ، دارای انرژی و قدرت زیاد خواهند بود . تاریخ مبارزه ی ارتش ما توسعه ی آن نشان میدهد که چگونه آنها از هیچ شروع کردند و به درجه ای از قدرت رسیدند که توانستند بیرحمانه ترین تجاوزات امپریالیستی دوران ما را شکست دهند . این دلیل روشنی بردرستی نظریه ی لنین است .

مبارزه ی مسلحانه قهرآمیزترین شکل مبارزه ی طبقاتی و ملی است . یکی از ویژگیهای مبارزه ی مسلحانه دادن قربانی است . بنابراین یک ارتش انقلابی باید کاملا " مصمم به نبرد ، دارای روحیه ی جنگی عالی و از خود گذشته باشد . در چنین صورتی میتواند از کلیه ی آزمایشات سرفراز بیرون آید ، بر همه ی سختی ها و مشکلات جنگ غلبه کند ، از اسلحه به بهترین وجه استفاده کند ، خلاقانه روشهای عملیاتی را بکارگیرد و سازمان نظامی را به کیفیت بهتری برساند تا بردشمن پیروز شود .

به خاطر رهبری صحیح حزب و سختی ها و درگیریهایی که در طی یک دوره ی طولانی مبارزه ی سخت و قهرآمیز انقلابی تحمل کرده است ، ارتش ما ماهیت نیرومند انقلابی ،

فضیلت سیاسی و روحیهی رزمی بسیار عالی بدست آورده که خود بدرستی منکس کننده‌ی - اندیشه، تصمیم خدشه ناپذیر برای نبرد جهت کسب استقلال و آزادی میهن، ترجیح دادن مرگ بر تسلیم کشور و بردگی، عشق شدید به کشور و سوسیالیسم و اعتقاد خالصانه به انترناسیونالیسم پرولتری می باشد. از خصوصیات دیگر این ارتش، تصمیم به جنگ تاپیروزی و حمله به دشمن و نابودی آن، روحیهی دلیرانهی رزمی، اندیشهی خلاق، استعداد شگفت انگیز، برخورد - داری از یک روحیهی مبتنی بر همکاری و هماهنگی، داشتن روحیهی منضبط و سخت تشکیلاتی عشق شدید به هموطنان و رفقا، تنفر شدید از امپریالیست ها و نوکران آنها و ستم و استعمار می باشد. این است روحیهی عالی و هوشیار انقلابی که همیشه مراقب نقشه ها و مانورهای تمام دشمنان طبقه و ملت تحت هر شرایطی می باشد. این تقوی سیاسی و روحیهی درخشان بوسیله رئیس هوشی مین چنین ارزیابی شده است: " ارتش ما به حزب که در خدمت مردم است وفادار می باشد. آماده است فداکارانه برای استقلال، آزادی میهن و سوسیالیسم بجنگد. این ارتش هر ماموریتی را انجام میدهد، بر هر نوع سختی پیروز میشود و هر نوع دشمنی را شکست میدهد. " قدرت فراوان و منبع نیروی رزمی ارتش ما در حقیقت فوق نهفته است. این ثروت بسیار ارزشمندی برای ساختمان ارتش ما و نبرد آن در حال آینده می باشد. در تبدیل این ارتش منظم و مدرن، ما مصمم هستیم پیوسته این ثروت گرانبهار را حفظ و به توسعه آن از بهر دایم. یعنی این محسنات را در ارتش خلق ویتنام به کیفیت عمیقاً ریشه دار و سنتهای زیبادرآوریم و برای نسل های آینده به ارث بگذاریم.

هم اکنون بیش از پیش در مقابل با امپریالیست های آمریکائی و سرخستی آن در طولانی کردن جنگ تجاوزکارانهی ویتنام و توسعهی آن به سرتاسر هندوچین، ارتش ما نیتجانا "بایستی روحیهی فداکاری را اعتلا بخشد، از مشکلات و دادن قربانی نترسد، مقاومت وطن پرستانه ی خود را در برابر تجاوز آمریکایی حفظ و توسعه داده و نقش، اثر و عملکرد ارتش خلق را ارتقاء دهد.

در تقویت پیوسته ی ماهیت ارتش انقلابی، باید همواره در اندیشهی کاربرد اکیداصول لنینیستی درباره ساختمان سیاسی ارتش خلق باشیم. این اصول که بصورت یک سنت بسیار زیبادر ارتش مادر آمده است عبارتند از:

- رهبری مطلق، مستقیم و همه جانبهی حزب بر ارتش به عنوان اساسی ترین اصول
- تحکیم سازمان حزب و نظام کار سیاسی، تقویت پیوسته ی کار سیاسی در ارتش
- توجه کامل به تزویج خط مشی حزب، وظایف انقلابی و رهنمودها و سیاست های آن
- توجه به اهمیت عظیم درک کامل خط مشی نظامی و طرز تفکر حزب، دانش نظامی و فن نظامی جنگ خلق
- آموزش پرسنل ارتشی که بطور مطلق به خواست انقلابی حزب وفادار بوده و دارای - استعداد رهبری، فرماندهی و سازماندهی باشند.
- توسعه ی دموکراسی، تقویت انضباط شخصی و انضباط آهنگین ارتش انقلابی

— برقراری روابط حسنه بین ارتش و حزب ، ارتش و قدرت انقلابی ، ارتش و خلق و روابط حسنه در درون ارتش و میان ارتش و ارتش ما و ارتش ها و خلق های کشورهای برادر .

در خصوص حزب ، ارتش ما همیشه اعتماد مطلق خود را به مشی و رهبری حزب نشان میدهد . آزادانه به رهبری حزب گردن مینهد و به انجام تمام و کمال کلیه خط مشی ها ، رهنمودها ، سیاست های حزب میپردازد . با عزمی راسخ و استوار از خط مشی ، اصول و نقطه نظرهای آن — دفاع میکند و پیروزمندانه تمام وظایفی را که بدان محول شده انجام میدهد .

در خصوص قدرت انقلابی ، ارتش ما همیشه احترام عمیق خود را بدان نشان داده و مصمم به دفاع از قدرت انقلابی است . در رابطی نزدیک با سازمانهای دولتی عمل میکند و دقیقاً " خط مشی ، رهنمودها ، سیاست ها و قوانین دولت را انجام میدهد .

در خصوص خلق ، افسران ما دیگر نفرت ارتش با از خود گذشتهگی به آنها احترام و همراهی نموده و با فداکاری از منافع خلق دفاع میکنند و جدا " به انضباط توده های عشق می ورزند .

در خصوص روابط درونی ، افسران و دیگر نفرت ارتش نشان میدهند که از روحیه عالی وحدت ، یکدلی ، همبستگی کامل ؛ محبت متقابل ، مشارکت عمومی در ایام خوشی و بدی و کمک قلبی متقابل برخوردار میباشند . در همان حال آنها روحیه اطاعت پذیری کامل خود را به سازمان نشان داده و فرامین ، تصمیمات و دستورات مقامات ارشد و تمام وظایف ، مقررات و دستورات ارتش را انجام میدهند .

در خصوص ارتش و خلق کشورهای برادر ، ارتش ما پیوسته وفاداری خالصانه خود را به انترناسیونالیسم پرولتری نشان میدهد ، تمام قربانی ها و مشکلات را می پذیرد ، صادقانه با ارتش و خلق کشورهای برادر در نبرد علیه دشمن مشترک متحد میشود و همیشه به امر انقلابی کشورهای برادر همچون خویش مینگرد .

برای تقویت بیشتر و کارائی رهبری حزب ، میبایست سطح دریافت افراد از خط مشی سیاسی و نظامی حزب ، ظرفیت آنها برای سازماندهی عملی سازمانهای حزب و کادرها و اعضاء حزب در ارتش ارتقاء یابد تا نیاز به تشکیل ارتش خلق و تبدیل آن به یک ارتش منظم و مدرن بر آورده شود . آنچنان ارتشی که بتواند کلیه وظایف سیاسی و نظامی محوله از جانب حزب را انجام دهد . حزب ما تجربه زیادی در ساختمان سیاسی و ایدئولوژیکی ارتش دارد . ساختمان ارتشی که اصولاً " از پیاده نظام و تعداد معدودی از سایر خدمات تشکیل میشود . حزب ما مشغول حل مسائل مربوط به ایجاد یک ارتش نوین و منظم خلق مرکب از شاخه ها و خدمات گوناگون برای حال و آینده بر اساس شرایط خاص کشور ما میباشد . بنابراین یکی از وظایف مهم در حال حاضر مطالعه بیشتر برای فهم کامل قوانین مربوط به ساختمان و کاربرد یک ارتش منظم و نوین خلق در کشور ما است و بالاخره بکارگیری صحیح آن قوانین در ایجاد دانش نظامی پیشرفتهی ویتنام برای شکست تجاوز آمریکا در حال حاضر و دفاع از زمین دریابنده . بر این اساس ما به تکمیل ، توسعه و تحکیم مشی نظامی حزب و خط مشی آن در ساختمان یک ارتش انقلابی منظم و مدرن خواهیم پرداخت .

بر اساس تقویت ماهیت انقلابی ارتش ، بایستی روند گذار آن را به یک ارتش منظم و مدرن تشدید

کنیم ، ارتشی که از درجه‌های ارتکامل و سازماندهی برخوردار شده و تمایل طبیعی برای تبدیل به یک ارتش منظم داشته باشد . حتی در گذشته در کشور ما همچون سایر کشورها ، مسأله‌ی ساختمان ارتش منظم مطرح و حل شده است . هرچه ارتش مدرن تر باشد نیاز به تمرکز بیشتری دارد و مسأله‌ی " نظم بخشی " آن فوری تر می‌شود .

آنچنان که لنین گفت در نبرد علیه یک دشمن نیرومند ، هرکسی باید خود را برای عملیات جسارت آمیز در هر زمانی آماده سازد . حال که یک ارتش از یک سلسله تجهیزات و تکنیکهای مدرن تر استفاده میکند ، عملیات مدرن نیازمند هماهنگی بسیار نزدیک و انعطاف پذیر می‌باشد . وحدت اندیشه و عمل بدون تمرکز عالی قابل اجرائیت . بدون چنین تمرکززی ده‌ها هزار یا میلیون‌ها فردی که در یک حوزه‌ی وسیع عمل میکنند ، نمیتوانند در روشهای جنگی خود سریعاً تغییر دهند و روشی را بر اساس رویدادهای میدان جنگ برگزینند و بدین طریق وظایف رزمی خود را در یک جنگ نوین انجام دهند .

تبدیل یک ارتش به ارتش منظم به این معنی است که از طریق قوانین ، مقررات و فرامین به آن سازمان همگونی داده تا بتواند فعالیت یکنواختی داشته باشد و ویژگی سازمان یافته متمرکز و عملی آن تقویت گردد . بعلاوه با قاطعیت و یکدلی عمل کرده و بین قسمت های مختلف خود در جنگ هماهنگی ایجاد نماید . نظم بخشی به ارتش همراه با وضع قوانین ، مقررات دستورات و اجرای آن ادامه مییابد .

ارتش انقلابی مانند ارتش های طبقات استثمارگر باید به یک ارتش منظم تبدیل شود . اما با خطر طبیعت سیاسی کاملاً " متضاد آن ، این روند کلاً " از نظر هدف ، محتوی و روشهای خود با آن یعنی ارتش طبقات استثمارگر تفاوت دارد . هدف ارتش های طبقات استثمارگر خدمت و اجرای طرح های ارتجاعی خود و حفظ نظم و مقرراتی است که منعکس کننده طبیعت ضد انقلابی آنها و روابط نابرابر حاکم در درون این ارتش ها می باشد . آنها بر اساس مقررات سخت و اجباری پایه گذاری شده اند . دستورات باید کورکورانه اطاعت شود . ارتش آنها در نقطه‌ی مقابل یک ارتش انقلابی منظم قرار دارد . هدف ارتش انقلابی خدمت به مقاصد عالی سیاسی انقلاب می باشد . تمام قوانین و مقررات آن منعکس کننده‌ی ماهیت انقلابی ارتش یعنی عالی ترین اصول یک ارتش طراز نوین است . این اصول مبتنی است بر آگاهی سیاسی ، پذیرش ارادی انضباط و ابتکار و روحیه‌ی خلاق افسران و دیگر افراد ارتش برای انجام آنها این شالوده‌ی سیاسی عالی است زیرا برتری و تفوق یک ارتش انقلابی را بر ارتش طبقات استثمارگر ممکن میسازد .

در سال های گذشته ترویج ، اصلاح و تکمیل مقررات و قوانین تاثیر عظیمی بر ساختمان ارتش ما داشته اند . مقررات خدمت نظام ، درجات نظامی و خدمت افسران دائمی و غیر دائمی ، مقررات درون سازمانی ، فرماسیون نظامی ، پلیس نظامی ، انضباط نظامی ، مقررات رزمی ، کارکنان عمومی ، کار سیاسی و لجستیکی ... اینها همه در تقویت تمرکز ، تشدید خصوصیت منظم بودن ارتش و ارتقاء قدرت رزمی آنها سهیم بوده اند . در اصل این قوانین و مقررات هرچه بیشتر بصورت آئینهای تمام نمای ماهیت انقلابی ارتش ما در آمده اند .

آنها در برگیرنده‌ی اندیشه ، مشی و فن نظامی حزب مابوده و اصول مربوط به ساختمان ارتش را که میبایست منطبق با شرایط ویژه‌ی کشور و ارتش ما باشد ، بیان میکنند . واقعیات جنگ به ما کمک کرده اصلاحاتی را پیشنهاد میکنیم ، آنچه را که لازم است بدان بیفزائیم و تجربه‌ی غنی‌ای در وضع قوانین و مقررات کسب کنیم . بر اساس بسط وضعیتی که پیوسته درگیر آن هستیم و وظیفه‌ی ارتش ما در باب توسعه و عمران و نبرد ، مابایستی مطالعه‌ی بیشتری انجام دهیم و این قوانین و مقررات را بهبود بخشیم آنچنانکه از آنها بعنوان وسیله‌ی بهتری برای ساختمان ارتش منظم در حال و آینده استفاده نمائیم . این سیستم باید کلیه‌ی فعالیتهای ارتش ما را به شرح زیر در برگیرد .

- قوانین مهم نمایانگر سیاست های کلی و رهنمودهای حزب و دولت در باب ساختمان ارتش و تحکیم دفاع ملی بوده و در رابطه با ارتش ما تمامی خلق دارای قدرت قانونی باشند .

- مقررات مربوط به تاسیس و تجهیز ارتش و شاخه ها و خدمات مربوط دارای نقش پایهای بوده و بر اساس آنها سازمان ارتش وحدت مییابد .

- قوانین مربوط به امور داخلی ، فرماسیون نظامی ، پلیس نظامی و انضباط نظامی نقش پایهای برای سازمان ارتش منظم دارند .

- مقررات جنگی ارتش و شاخه ها و خدمات مربوطه به تعریف روشهای اساسی عملیاتی نفرت ، بخش ها و تشکیلات ارتش میپردازد .

- دستورات مربوط به کارگامندان ، کارسیاسی ، لجستیکی ، آموزش و شاخه های مختلف دیگر .

به عقیده ما ، هیچ یک از قوانین و مقررات موجود هرچندکه مفصل و کامل باشند نمیتوانند به تمام نیازهای مادر عمل پاسخ گویند . این مقررات نمیتوانند تمام مسایل را در هر زمان و مکانی حل کنند بلکه آنها فقط میتوانند جهت اساسی فعالیت ها را در ارتش نشان دهند . بنابر این در حالیکه به اجرای دقیق این قوانین و مقررات تاکید میکنیم در همان حال باید بطور پیوسته به ارتقاء روحیه و استعداد خلاق افسران و دیگر نفرت ارتش بپردازیم و از پاسخ های کلیشه ای و مکانیکی پرهیز کنیم .

محتوی این مقررات منعکس کننده‌ی تجربه و نیازهای جنگی و عمرانی ارتش در هر زمان و شرایط مشخص است . پراتیک ارتش مادر عمران و نبرد و ظرفیت آن در زمینه های گوناگون و دانش و فن نظامی آن پیوسته به سوی کمال پیش می رود که البته این قانون در مورد دشمن نیز صادق است . بنابراین قوانین و مقررات باید پیوسته توسعه یافته و اصلاح شود و خونی تازه در رگهای ارتش بدمد و راهنمای موثر تری برای آن در همه‌ی فعالیت های عملی باشد .

بر اساس طرح و تکمیل تدریجی این قوانین و مقررات ، بایستی با ادامه‌ی کار آموزشی در درون ارتش در جهت پیشرفت و اجرای دقیق آنها اقدام کنیم . اجرای این قوانین و مقررات در درجه اول میبایست به روحیه‌ی سازمانی و انضباط افسران و سایر نفرت ارتش متکی باشد . پس از آن باید تدریجاً بصورت رفتار عادی درآید و تبدیل به عادت جدیدی شود . عاداتی که

طبقه‌ی کارگردرتولیدنوین از خود بروز میدهد نه عاداتی که تولیدکنندگان کوچک در نظام تولیدی نامنظم و پراکنده‌ی صنایع دستی دارا هستند .

اعتلای روحیه‌ی سازمانی و انضباط مساله‌ای است که در ساختمان سریع ارتش منظم از بیشترین اهمیت برخوردار می‌باشد . لنین تأکید کرده که ایجاد انضباط نظامی شدید و اجرائی کامل همه‌ی دستورات و تصمیمات از بیشترین اهمیت در اعتلای ویژگی نظم و تقویت رزمی ارتش سرخ برخوردار می‌باشد . آنچنان که او خاطرنشان ساخت : " ارتش باید دارای انضباط خیلی شدیدی باشد . (۴۱) " مابایستی سازمان‌های فرماندهی را از بالا به پایین به بازوی فولادینی تبدیل کنیم که فرامین جنگی را به هر قیمتی اجرا کنند (۴۲) ."

انضباط ارتش ما ، انضباط شدید اختیاری - نه تملیلی - یک ارتش انقلابی است . این انضباط نمایانگر ماهیت انقلابی و اصول آرمانی و سازمانی یک ارتش طبقه‌ی کارگر می‌باشد . آن یک انضباط ناب آهنین ، انضباطی طراز نوین و حقیقتاً " استوار که برای کلیه‌ی ارتش‌های طبقاتی بیگانه و ناشناخته است .

تحت رهبری حزب و در روند طولانی عمران و جنگ ، ارتش ما صاحب یک سنت زیبایی انضباط انقلابی شده است . این سنت انضباطی همیشه عامل مهمی در کلیه‌ی پیروزی‌های ارتش ما بوده است .

بهر حال ، در این انضباط تنها نشانه‌های مثبت وجود ندارد . ارتش مادر کشوری با اقتصاد عقب مانده‌ی کشاورزی در اولین مرحله از ساختمان سوسیالیسم ، تولد و رشد یافته است . به همین جهت ، اندیشه‌ها و طرز تفکر حاکم بر نظام تولید خرد (*small scale production*) هنوز در چنین جامعه‌ای در تمام زمینه‌های اجتماعی و انسانی نیرومند است . علاوه بر این ، ارتش در درون آتش جنگ طولانی انقلابی رشد کرده است . این ارتش از هیچ شروع نموده و با جنگ چریکی و سپس جنگ منظم و حضور در بسیاری از میدان‌های نبرد و ده‌ها سال مبارزه تحت دشوارترین شرایط توسعه یافته است . بنابراین افسران و دیگر نفرات ارتش ما علاوه بر محسنات اساسی خوبی که دارند همچنین دارای اندیشه‌ها ، عادات و روش‌های زندگی‌ای می‌باشند که با روحیه‌ی عالی سازمان یک ارتش نوین سازگار نیست . ما هنوز از آن انضباط بسیار عالی نظامی که با پیشرفت‌های جدید سازمانی و تجهیزات سازگار باشد و کاملاً " با وظایف و به رشد سنگین و پیچیده‌ی رزمی و ساختمان ارتش ما مناسب باشد ، برخوردار نیستیم .

از این رو باید نقش و نیاز به انضباط در یک ارتش نوین و منظم ، پیوسته به ارتش تلقین و یادآوری شود . ما باید تغییر موثری در روحیه‌ی سازمانی و انضباطی و همچنین تشکیلات ارتش بدهیم آنچنانکه تمام ارتش به دقت همه‌ی قوانین و مقررات و همچنین کلیه‌ی فرامین و دستورهای مقامات بالاتر را به اجرا درآورد .

هم اکنون مشکل ما این است که چگونه ارتش خلق و انقلابی را به ارتش منظم تبدیل کنیم . به همین دلیل در طی این روند روابط بین مرکزیت و دموکراسی ، رهبری کمیته‌ی حزب و نقش فرماندهی ، وحدت بین افسران و دیگر نفرات ارتش و میان مقامات بالاتر و پایین‌تر را باید برارضامندی حل کنیم . ما باید به دقت کار ایدئولوژیکی را با کار سازمانی تلفیق کنیم ، بین کار

آموزشی و اقناعی، با تربیت و تشکیلات اداری جدی پیوند نزدیک برقرار سازیم، کارداوطلبانه و غیرداوطلبانه را تلفیق کنیم و بالاخره امر تشویق و تنبیه عادلانه را رواج دهیم. باید روحیه مبتنی بر احساس مسئولیت و همینطور کارجمعی را بین افسران و دیگر نفرات ارتش در رابطه با نظارت بر رعایت انضباط و اجرای قوانین و مقررات اعتلا بخشیم. در این زمینه مثلی که در مورد افسران و سطح سازماندهی و تشکیلات آنها زده شد دارای اهمیت زیادی است.

همراه با نظم بخشی باید به نوسازی ارتش توجه کنیم. این کاری است که باید انجام شود و در رابطه با افزایش قدرت رزمی ارتش در زمان معینی شکل قانونی به خود گیرد. این نیازی است که دارای ویژگی قانونی بوده و از تقویت و افزایش قدرت رزمی ارتش در زمان معینی ناشی میشود. یعنی زمانی که خلق ماساختمان سوسیالیسم و پایه ریزی مادی و فنی تولید توده وار (*Large Scale*) سوسیالیستی را شروع کرده است، به ویژه هم اکنون که جهان علم و فن به سطح بسیار عالی رسیده و در گونیهایی عظیم و سریعی را در فن و تجهیزات ارتشی سبب شده است. هنگام نوسازی، ارتش ما از تجهیزات و فنون عالی روبرو شد برخوردار خواهد شد تا در برابر هر تجاوز کاری ایستادگی کند.

نوسازی ارتش به معنی تغییر پیوسته ی فن و تجهیزات، توسعه ی شاخه ها و خدمات فنی، استفاده ی بهتر از سلاح های جدید و وسایل جنگی به وسیله افسران و دیگر نفرات ارتش میباشد. این نوسازی همچنین دلالت بر ایجاد صنعت مدرن دفاع ملی و توسعه ی یک سیستم مدرن ارتباطات برای ارتش دارد تا بتواند در یک جنگ نوین عمل کند. در آن هنگام که تجهیزات و فنون نوین به ماهیت سپاسی سالم و سازمان علمی خوب اضافه شود، قدرت رزمی ارتش ما خیلی سریع توسعه خواهد یافت. انسان جدید در ارتش خلق بایستی دارای میهن پرستی آتشین، آگاهی عمیق سوسیالیستی، روحیه عالی سازمانی و انضباط و دانش نظامی نوین باشد.

با تکیه بر دستاوردهای انقلاب فنی در ساختمان سوسیالیسم در شمال طی سالهای گذشته، و با کمک کشورهای سوسیالیستی برادر، ارتش ما پایه های مادی و فنی نیرومندتری نسبت به گذشته بدست آورده است. پیاده نظام ما با سلاح های خیلی مدرن مجهز شده است. شاخه ها و خدمات ارتش ما یعنی نیروهای زمینی، نیروی هوایی، نیروی دریایی، توپخانه، دفاع ضد هوایی، واحدهای زره پوش، واحدهای مهندسی، واحدهای شیمیائی، مخابرات و ترابری با سلاح ها و وسایل جنگی مدرن مجهز شده اند. همراه با توسعه ی شاخه ها و خدمات، یک نظام پایگاه های فنی بوجود آمده است. افسران و دیگر نفرات ارتش در استفاده از سلاح های مدرن و وسایل جنگی در شرایط خاص میدان جنگ ویتنام به پیشرفت های قابل توجهی نایل آمده اند. واضح است که ارتش ما از مراحل آخر مقاومت علیه تجاوز فرانسه از نظر نوسازی به پیشرفت های عظیمی رسیده است. این پیشرفت های ارتش ما در مقاومت میهنی علیه تجاوز آمریکا نمیتواند از پیشرفت های فنی و تجهیزات جدا باشد.

بهر حال، اینها تنها قدم های اولیه هستند. در مقایسه با ارتش های بسیاری از کشورهای اردوی ما در جهان، سطح نوسازی ارتش ما هنوز پایین است. بین ارتش ما و دشمن هنوز از-

نظرتجهيزات و فن اختلافاتی وجود دارد . مقاومت میهنی کتونی ماعلیه تجاوز آمریکا و همچنین دفاع از کشور در آینده هنوز به کوشش های عظیم تری برای نوسازی احتیاج دارد . این یک وظیفه و همچنین یک آرزو برای ارتش و خلق ما است .

باتوجه به شرایط ویژه و در انطباق کامل با نیازمندی های دفاع ملی کشور باید به ساختمان ارتش نوینی بپردازیم . بنابراین ، بایستی از خط مشی سیاسی ، اقتصادی و نظامی حزب کاملاً پیروی نماییم و با درک منابع و شرایط ویژه کشور ، خصوصیات دشمن و توازن نیروها بین ما و دشمن و فن نظامی جنگ خلق و روند توسعه دانش و فن نظامی در جهان باید برای مسائلی که در رابطه با نوسازی ارتش پیش می آیند ، راهحلی خلاق پیدا کنیم .

باید به پیشرفت های خود در زمینه تجهیزات و فنون نظامی ادامه دهیم و ارتش خود را به صورت یک ارتش نوین بیاوریم تا قدرت آتش و تاثیر و حرکت آن را افزایش دهیم . برای رسیدن به این هدف باید اساس محکمی برای توسعه اقتصادی خود داشته باشیم و از کمک کشورهای سوسیالیستی برادریه بهترین وجه استفاده کنیم تا نوسازی ارتش را سرعت بخشیم .

یک ارتش مدرن در عصر ما باید دارای شاخه ها و خدمات متعددی باشد . بنابراین باید به ایجاد و تشکیل یک سلسله از شاخه ها و خدمات موزون که با نیازهای ما سازگار باشد ، بپردازیم . در حال حاضر و برای یک دوره نسبتاً طولانی در آینده ، نیروهای زمینی به عنوان شاخه اصلی ارتش خلق و بیتنام بهمین منوال حفظ خواهد شد . در نیروهای زمینی ، پیاده نظام نقش عمده دارد ، در حالیکه توپخانه نیروی آتش عمده است . مابقی تقویت نیروی هوایی ، دفاع ضد هوایی ، نیروی دریایی ، واحدهای زره پوش ، مهندسی مخابرات ، شیمیائی و ترابری خواهیم پرداخت . به طریق عقلانی دست به تشکیل خدمات رزمی و پشتیبانی خواهیم زد تا شاخه ها و خدمات فنی ارتش سهم فزاینده ای در ساخت اداری ارتش داشته باشند ، و تاثیر آنها در عملیات هماهنگ جنگ نوین افزایش یابد . ارتش ما باید آماده باشد دشمن را چه از سلاح های معمولی استفاده کند و چه از روی زبونی بی باکانه از سلاح های اتمی استفاده نماید ، شکست دهد .

یک ارتش نوین به منظور ایفای نقش کامل خود در جنگ باید از فنون و ارتباطات خوب برخوردار باشد . بنابراین بر اساس هماهنگی نزدیک بین نیازمندی های دفاع ملی و اقتصاد کشور ایجاد پشت جبهه برای دولت و ارتش ، باید در ساختمان صنایع مربوط به دفاع ملی و نظام ارتباطات که منطبق با نیازمندی های جنگی ارتش و شرایط ویژه کشور باشد ، تسریع به عمل آوریم .

این صنعت دفاع ملی باید قادر باشد همه گونه تغییرات ، تولید قطعات یدکی و اضافی را به منظور بهبود در تجهیزات و مواد جنگی که با نیازمندی های فنی ما منطبق باشد ، انجام دهد . در همان حال باید کوشش کند به تولید یک سری سلاح ها و مواد جنگی معینی که با وسایل جنگی ما تطابق داشته باشد ، بپردازد . ما باید پیوسته نظام ارتباطات خود را که شامل راه های زمینی راه آهن ، راه های آبی و هوایی میشود ، توسعه دهیم . ما باید خطوط ارتباطات مهم

نظامی و اقتصادی را دقیقاً" درهم ادغام کنیم و خطوط ارتباطات مرکزی را با خطوط ارتباطات محلی برای کمک به تحرک بیشتر ارتش نوین ، در هر شرایطی پیوند دهیم .

نوسازی هر ارتشی یک روند طولانی است و به توسعه ساختار پایه‌های مادی و فنی - سوسیالیسم بستگی دارد . از این قرار ، بر اساس هماهنگی نزدیک با طرح های توسعه اقتصادی و فرهنگی باید طرح درازمدتی برای نوسازی ارتش داشته باشیم . در چنین طرحی جهت و هدفهای بزرگ در مورد تربیت کادرها ، تحقیق علمی و فنی ، ساختمان زیر بنا و غیره باید مشخص شود . هم زمان با آن باید طرح های کوتاه مدتی برای حصول هدف های ویژه داشته باشیم و بدینوسیله ارتش خود را قدم به قدم به جلو ببریم .

یک ارتش خلق شامل ارتش منظم و نیروهای ایالتی است . نیروهای ایالتی دارای نقش استراتژیک بسیار مهم در یک جنگ خلقی میباشند . بنابراین ، هنگام ساختمان ارتش خلق به هر دو ی آنها به یک اندازه توجه داریم .

در سایه مشی صحیح حزب در مقاومت میهنی علیه تجاوز آمریکا ، نیروهای ایالتی بویژه نیروهای چون دفاع هوایی ، توپخانه ، واحدهای مهندسی و غیره که مجبور به مقابله با جنگ تخریبی دشمن بودند به تحولات جدیدی در زمینه های سازمان ، تجهیزات ، سطح نبرد و فرماندهی و ... دست یافته اند . بسیاری از استان ها ، شهرها ، نواحی و مناطق صنعتی که دارای دفاع ضد هوایی بودند بسیاری از هواپیماهای آمریکائی را سرنگون کردند . واحدهای توپخانه ای داشتند که با آن بسیاری از کشتی های آمریکائی را به آتش کشیدند . واحدهای مخصوصی داشتند که راه عبوری را باز نگه میداشت . واحدهای پیاده نظام آنها به سرعت گروه گماندوهای دشمن را از زمین میبردند و وظایف جنگی خود را بنحو احسن انجام میدادند . برای خنثی کردن تمام عملیات امپریالیست های امریکائی و دفاع از میهن ، نیروهای ایالتی با قدرت جنگی جدیدی همراه با دیگر نیروهای مسلح ، خود را آماده میسازند . روشن است که در مقایسه با ارتش منظم در مرحله آخر جنگ مقاومت علیه تجاوز فرانسه ، نیروهای ایالتی ما ، در حال حاضر در زمینه های میهنی توسعه یافته ترند . این امر به افزایش قدرت جنگ خلق در - مناطق گوناگون کمک کرده است . این واقعیت نشان دهنده صحت تصمیم مربوط به تقویت نیروهای ایالتی ، فراهم آوردن خدمات لازم برای آنها و تجهیز آنان با تعدادی از سلاح های مدرن و ابزار جنگی برای نظم بخشی و نوسازی تدریجی آنان میباشد .

ساختمان نیروهای ایالتی باید بر اساس اصول و سمت گیری های فوق و در رابطه با ساختمان ارتش خلق صورت پذیرد . بهر حال ، چون آنها از نظر وظیفه دفاعی ، ویژگی عمل و روشهای عملیاتی با ارتش منظم تا حدودی تفاوت دارند و از آنجائیکه عمل آنها با موقعیت محلی پیوند دارد ، لذا ما باید اصول و جهاتی برای ساختمان ارتش خلق بکار ببریم که با نیازمندیهای آنها مناسب باشد . ساختمان نیروهای ایالتی باید بر اساس ویژگی های هر محض ، موقعیت نظامی ، وظیفه جنگی ، ظرفیت نیروی انسانی و اقتصادی ، موضع نگاری (توپوگرافی) و موقعیت دشمن در منطقه صورت گیرد . تشکیل نیروهای ایالتی در هر استان ، شهر ، ناحیه و مناطق صنعتی ... اندازه ی ترکیب ، تجهیزات و روش جنگی نمیتواند منطبق بر الگویی

خاصی پیروی کرد .

حتی هنگامیکه به نوسازی و نظم بخشی یک ارتش نوین میپردازیم ، باید به ویژگیهای وظایف جنگی و روشهای عملیاتی نیروهای مختلف که در صحنه های جنگی متفاوت عمل میکنند ، توجه کنیم تا به تعیین مناسبترین ترکیب ، سازمان ، تجهیزات و روش زندگی بپردازیم و از تمام کوششهای مکانیکی برای یکنواخت سازی در این زمینه پرهیز نماییم .

برای نظم بخشی نیروهای ایالتی باید حتی توجه بیشتری به شرایط ویژه و خصوصیات محلی بنمائیم . نظم بخشی باید واقعی و منعکس کنندهی ضرورت وحدت و تمرکز در همان حال تفاوت هائی باشد که بصورت اجتناب ناپذیر در بین مناطق وجود دارد . اگر صرفاً "به ویژگیهای محلی تکیه کنیم و به نیازمندیهای مربوط به وحدت و تمرکز ، روحیهی سازمانی و انضباط و عدم اجرای قوانین و مقررات در نیروهای مختلف توجه نکنیم ، مرتکب اشتباه بزرگی شده ایم . از طرف دیگر ، انجام وحدت و تمرکز به طریق یکنواخت و مکانیکی درست نیست . در حین نوسازی باید همچنین نیازهای واقعی را مشخص کنیم ، از سلاح ها و وسایلی جنگی مناسب بخوبی استفاده کنیم و سلاح ها و وسایل جنگی نوین را با سلاح ها و وسایلی نسبتاً نوین و ابتدائی به دقت ترکیب نمائیم . تجربه نشان میدهد سلاح های نوینی که برای یک حوزهی محلی مناسب نیستند از کارآئی کمتری برخوردارند . سلاحهای مناسب برای حوزه های محلی هر چند که کهنه تر باشند ممکن است دارای تاثیر بیشتری باشند . شکست دشمن ، دادن نقش ستون فقرات به نیروهای ایالتی ، داشتن نیروی ضربتی برای نبرد مسلحانه در مناطق و انجام موفقیت آمیز تمامی وظایف ، هدف های ما را در اجرای اصول مربوط به ساختمان ارتش ایالتی تشکیل میدهند .

در حال حاضر ، استان ها ، شهرها و مناطق صنعتی در شمال دارای حوزهی کاملاً " بزرگی است که جمعیت بعضی از آنها به یک تا دو میلیون میرسد . همراه با توسعهی اقتصادی متمرکز ، حزب ما به حمایت از توسعهی اقتصاد منطقه ای ، ساختمان استان ها ، شهرها و مناطق صنعتی به صورت واحدهای نیرومند اقتصادی برخاسته است . ما باید به دقت اقتصاد و دفاع ملی را در هر ناحیه ای در هم ادغام کنیم و استان ها ، شهرها و مناطق صنعتی را در همهی زمینه ها نیرومند سازیم تا بعنوان واحدهای استراتژیک پایه ای جنگ خلق در منطقهی مربوطه عمل کنند . پیروزی انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم در هر منطقه و همچنین در تمامی شمال منجر به ایجاد امکانات عظیم و فزاینده ای در تمام زمینه ها برای ساختمان و توسعهی نیروهای ایالتی شده است .

در مواجهه با نیاز به تشدید کار نظامی در مناطق ، برای کسب سهم مناسب و شایسته در خنثی کردن اقدامات نظامی امپریالیست های امریکائی ، دفاع از شمال سوسیالیستی و انجام وظیفهی عظیم پشت جبهه برای جبههی عظیم مقدم ، باید فعالانه کار ساختمان نیروهای ایالتی را پیش ببریم . نیروهای ایالتی نه تنها باید شامل یک نیروی دائمی نسبتاً " بزرگ ، بلکه همچنین باید دارای نیروهای ذخیرهی مقتدر و تعلیم دیده باشد تا در صورت لزوم بتوانند نیروهای خود را به سرعت توسعه دهد . باید دارای واحدهای پیاده نظام نیرومندی باشیم .

علاوه بر این باید دارای نیروهای ضروری مجهز به سلاح های نوین و نسبتاً نوین و وسایل جنگی باشیم . این نیروها باید دارای آموزش خوب ، روشهای جنگی خلاق ، تحرک زیاد و قدرت رزمی شگفت انگیز باشند . نیروهای ایالتی باید در جنگ های منظم و چریکی برتری داشته و به دقت با واحدهای " نظامی بومی و خوددفاعی " هماهنگ شوند و در همان حال آماده باشند هماهنگ با ارتش منظم ، دشمن را بکلی نابود سازند و از نواحی دفاع کنند .

همراه با نیروهای ایالتی نیرومند که در انطباق با شرایط و نیازمندیهای رزمی نواحی شکل گرفته اند با وجود نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی نیرومند - که در همه جا و همیشه حضور داشته باشند - که دقیقاً " با واحدهای امنیتی مسلح خلق ترکیب شده اند ، نیروهای مسلح ایالتی خلق در شمال سوسیالیست قدرت رزمی جدید و عظیمی بدست خواهند آورد و جنگ خلق در - نواحی گوناگون از امکانات جدید و شگفت انگیزی برخوردار خواهد بود .

برای ساختمان موفقیت آمیز نیروهای مسلح ایالتی خصوصاً " و کار نظامی منطقه ای عموماً " ، باید به تقویت رهبری کمیته های حزب بر امور نظامی منطقه ای در تمام سطوح توجه کنیم ، به تحکیم سازمان های نظامی ایالتی پرداخته و به تشکیل دسته های از کادرهای نظامی ایالتی اقدام کنیم . سازمان های نظامی ایالتی باید تقویت شوند تا به اجرای وظایف نظامی هر محل بپردازند و به عنوان کادر عمومی جهت تشدید کار نظامی در مناطق در خدمت کمیته های محلی حزب باشند . آنها باید به هدایت و فرماندهی نیروهای ایالتی در هنگام عمران و جنگ بپردازند و نیروهای مسلح خلق را در مناطق هدایت کنند .

ما باید سطح رهبری را در کلیدی فعالیت های نظامی ایالتی اعتلا بخشیم و نیازهای فعلی و آینده ای دفاع ملی را در مناطق و ظرفیت عظیم و فزاینده ای ساختمان و توسعه ای اقتصاد منطقه ای را مورد شناسایی دائم قرار دهیم .

به منظور کسب مهارت در استفاده از تجهیزات و فنون ، درک کامل و کاربرد ماهرانه ای اصول فنی نظامی ، برخورداری از ظرفیت زیاد رزمی باید به آموزش نظامی توجه لازم - مبدول شود . این یک کار مهم در ساختمان ارتش در زمان صلح و همچنین زمان جنگ است . این یکی از مسائلی تعیین کننده در اعتلای کیفیت رزمی و آمادگی نظامی یک ارتش میباشد . از آنجائیکه هدف آموزش و تربیت ارتش شکست دشمن است ، لذا باید با وظیفه و مشی نظامی ، نیازهای فنی نظامی و شرایط واقعی دشمن و خودمادر هر زمانی در انطباق باشد . ما باید از اصول زیرالهام بگیریم : به ارتش در زمینه های پی گیری در جنگ ، روحیه ای سازمانی و انضباط ، رفتار جنگی ، فن ، تاکتیک و قدرت بدنی آموزش جامع داده شود باید سطح این آموزش کلی و همه جانبه را اعتلا داده و آنرا با شرایط واقعی جنگ ، روحیه ای تهاجمی ، اراده ، شهامت و کاردانی افسران و دیگر نفرات ارتش در تمام عملیات رزمی آنها ارتباط دهیم .

برای انطباق خودمان با نیازهای جنگ نوین از طریق کسب تسلط کامل بر اندیشه های عملیاتی و فن نظامی ارتش باید به تربیت افسران و دیگر نفرات ارتش بپردازیم تا قادر به فهم و استفاده ای کامل از کلیدی تجهیزات و فنون نوین باشند ، تا استادانه اصول تاکتیکی و

عملیاتی اصول مربوط به سازماندهی و فرماندهی در عملیات هماهنگ شاخه ها و خدمت‌گزاران گوناگون رادار کرده و بکارگیرند . ما باید روش های مختلف رزمی را به ارتش خود بیاموزیم . ارتش ما باید دارای قدرت تهاجمی و دفاعی خوبی در جنگ - حتی زمانی که محاصره میشود در عملیات هماهنگ و پراکنده ، در نبرد ، مقیاس ناحیه ها و شرایط و اوضاع جوی گوناگون باشد . ارتش ما باید آمادگی شکست دشمن را داشته باشد خواه آنها از سلاح های معمولی بهره گیرند و یابی با کانه به سلاح های اتمی و شیمیایی توسل جویند .

به منظور پیروزی در عملیات هماهنگ ، ارتش ما باید از یک ساخت کلی نیرومندی - از بالا به پایین ، از واحدهای فرماندهی تا واحدهای پایه ای ، در تمام سطوح ، در تمام شاخه ها و در تمام قسمت ها - برخوردار باشد . بنابراین باید بخوبی به هر فرد ، هر قسمت و تشکیلات ارتش ، هر سازمان فرماندهی ، هر واحد رزمی و پشتیبانی آموزش دهیم . باید توجه عظیمی به آموزش افسران و سازمانهای فرماندهی داشته باشیم و به ایجاد واحدهای نیرومند و مناسب پایه ای بپردازیم .

باید پیوسته ارتش خود را از تکامل و وضعیت کلی دشمن آگاه سازیم و آماده باشیم همسوی برنامه های عملیاتی تازه اش را خنثی کنیم . به ویژه باید به مطالعه ای تجارب از شمشند جنگی خود بپردازیم و خلافت آن را توسعه دهیم و در همان حال از تجربی ارتش های کشورهای سوسیالیستی برادر درس بگیریم .

در زمان جنگ یا صلح بسیار خطرناک است که از پیروزی های خود سرمست شویم و آموخته های نظامی خود را به دست فراموشی بسپاریم . از این رو باید به دقت آموزش نظامی را با مطالعه همسوی دانش نظامی درهم بیامیزیم و بی وقفه فن نظامی خود را توسعه و تکامل بخشیم . باید به جمع بندی تجربی آموزشی خود و بهبود محتوی و روشهای آن بیشترین توجه را مبسذول داریم و بدین سان ارتش خود را قادر سازیم برای شکست دشمن پیوسته فن عالی نظامی و قدرت رزمی عظیمش را توسعه دهد .

برای اجرای رسالت ساختمان ارتش منظم و نوین خلق باید دارای تشکیلات افسری شایسته و نیرومندی در هر زمینه باشیم . این یک مسئله ای پایه ای و کلیدی است .

تشکیلات و سازمان افسری باید از نظر کیفیت عالی و از نظر کمیت کافی باشد . این تشکیلات باید پاسخگوی نیازمندی عظیم و فزاینده ای رسالت انقلابی بوده ، رشد پایدار ارتش ما را منعکس کند و هسته ای محکم را با ذخایر فراوان تشکیل دهد . این تشکیلات باید دارای ترکیب سالم و جامعی باشد که کادرهای زنده و فرماندهی ، حرفه ای و فنی ، کادر معمولی و در سطح پایه پرسنل ارتش منظم و ایالتی و نیروهای دائمی و ذخیره ای ارتش را در بر میگیرد . همچنین باید پاسخگوی نیازمندی های دوران صلح و جنگ ، حال و آینده ای شاخه ها و خدمات گوناگون ارتش ما باشد .

برای ایجاد چنین تشکیلاتی قبل از هر چیزی باید خط مشی حزب را در مورد کادرها و کادری فرارگیریم و به دقت به مورد اجرا گذاریم . این مشی در مورد کادرهای طبقه ای کارگراست .

ماهیت کارگری تشکیلات افسری یکی از مضامین اساسی این خط مشی است. اینکه این مساله تا چه اندازه حل نشود یا نشود تاثير عمده‌ای بر حفظ و توسعه ماهیت انقلابی ارتش ماواستواری و پایداری آن در تمام وضعیت ها و همچنین اعتلای روحیه انقلابی سهاجمی و شجاعت آن دارد. باید در هر وضعیتی خط مشی حزب را در مورد کادرها درک کنیم و به دقت سمت‌گیری طبقاتی و معیارهای سیاسی حزب را در هر مرحله پیشرفت انقلاب که بوسیله‌ی حزب اتخاذ شد به مورد اجرا گذاریم. نازمانی که طبقات، جنگ‌ها و ارتش‌ها وجود دارند، مساله‌ی ویژگی طبقاتی تشکیلات افسری نیروهای مسلح نباید به هیچ وجه مورد غفلت قرار گیرد. این اصلی است که باید پیوسته آن را بیاموزیم.

افسران ما بعنوان کادرهای یک ارتش انقلابی، منظم و نویسن باید دارای موضع سیاسی محکمی بوده و از سطح عالی سیاسی، نظامی، حرفه‌ای و فنی و فرهنگی فزاینده برخوردار باشند. کیفیت افسران ما باید در توانائی آنها در اجرای همه‌ی وظایف جنگی و غیره که بوسیله‌ی حزب بدانان محول میشود بدست آید.

افسران ما باید قبل از هر چیزی بطور مطلق به حزب، هدف انقلابی پرولتاریا و آرمان کمونیستی که با عشق سوزان به وطن، خلق و میهن درهم آمیخته شده و فادار باشند. آنها باید دارای احساس ناب و روحیه‌ی نیرومندتهاجمی انقلابی همراه با تصمیم به نبرد و کسب پیروزی و تنفر عمیق نسبت به دشمن باشند. آنها باید دلیرانه بجنگند، بطور خستگی ناپذیر کار کنند، از روحیه‌ی عالی سازمانی و انضباط برخوردار باشند، صاحب شیوه‌ی خوب جنگی و کار باشند، در مواجهه با سختی‌ها از خود فداکاری نشان دهند و دارای شهامت، سرسختی، کاردانی و روحیه‌ی خلاق برای اجرای تمام وظایف تحت هر شرایطی باشند.

افسران ما باید در کسب دانش عمیق سیاسی، نظامی، علمی، فنی و اقتصادی همراه با قدرت رهبری، فرماندهی، سازماندهی و عمل تلاش کنند. آنان باید ساعتها به مطالعه‌ی اصول مارکسیسم - لنینیسم درباره‌ی جنگ و ارتش، خط مشی سیاسی و نظامی حزب و دانش نظامی آن و سنت‌های ملی و تجربه‌های جنگی خود مان بپردازند و آنها را خوبی بیاموزند. آنها باید کوشش کنند از دشمن خود دریافت عمیقی بدست آورند و بطور انتخابی و خلاق از تجربه‌ی کشورهای سوسیالیستی برادر درس بگیرند و در همان حال به دستاوردهای جدید نظامی در جهان توجه کنند. آنها باید با پشتکار تلاش کنند سطح فرهنگی، علمی و فنی خود را ارتقا دهند و توانائی خود را در اداره و آموزش افراد، رهبری، فرماندهی و سازماندهی عملیات هماهنگ شاخه‌ها و خدمات مختلف اعتلا بخشند.

برای ساختمان یک ارتش منظم و نوین خلقی، ارتش ما نیازمند تشکیلات کادرهای فنی کاردان و مطمئن سیاسی میباشد تا بعنوان هسته‌ی اصلی در قسمت‌های بهره‌برداری، مدیریت، توسعه و اختراع تجهیزات و فنون نوین خدمت کنند. این تشکیلات کادرهای فنی باید همه‌ی رشته‌های ضروری و تخصص‌های مختلف حرفه‌ای یعنی کادرهای میانی، عالی، سرمهندسین و پژوهشگران را در برگیرد. آنها باید علم و فن نوین را فراگیرند و خلاقانه آنها را بکار ببرند. تاراه حل رضایت بخشی برای حل مسایل فنی ارتش ما باشند و در عین حال در ساختمان

فنی و علمی کشور را شرکت جویند .

ماهچنین باید دارای پژوهشگرانی باشیم که صاحب دانش خوب مارکسیستی — لنینیستی ، دانش نظامی و پراتیک انقلاب و جنگ انقلابی در کشور ما باشند تا به عنوان هسته‌های پژوهشی در زمینه توسعه‌ی تئوری و دانش نظامی خدمت کنند .

گفتگوی مادر باره‌ی کادرهای ارتش خلق تا تمام خواهد بود اگر در باره‌ی دسته‌ی افسران ذخیره و نقش مهم آنها که مستقیماً به موقعیت نیروی ذخیره‌ی ارتش در جنگ مربوط میشود، صحبت نکنیم . بدین علت در همان حال که به ساختمان دسته‌ی کادرهای نیروی منظم — میپردازیم باید به ساختمان نیروی کادرها ذخیره اهمیت دهیم . اینها باید نیروی مقتدری را تشکیل دهند که دارای کیفیت عالی ، کمیت کافی و ساخت جامع و متوازن باشند و بتوانند در هر زمانی به نیازهای مربوط به توسعه ارتش ، شاخه‌ها و خدمات مربوط به آن پاسخ گویند .

ضرورت دارد به سازماندهی افراد خارج از ارتش یا ارتشیانیکه به بخش خدمات غیر نظامی منتقل شده‌اند ، پرداخت و در همان حال برنامه‌ی آموزشی یکدستی باری تربیت کادرهای ذخیره — تدوین کنیم و سیستم موثری برای ثبت نام ، سرشماری و بسیج در شاخه‌ها و خدمات مختلف دولت در کارخانه‌ها ، مدارس و در نیروهای مسلح خلق بوجود بیاوریم .

قانون توسعه‌ی انقلاب و همچنین نیروهای مسلح انقلابی نیازمند آنست که حزب مایه دقت افسران پیروآزموده را با افسران جوان درهم آمیزد . در حالیکه باید فعالانه برای کمال افسران کارآزموده و با تجربه بکوشیم در همان حال باید برای آموزش ، کمال و اعتلای جسورانه‌ی کادرهای جوان یعنی آنان که در کار و پیکار آبدیده شده‌اند ، دارای محاسن عالی انقلابی میباشند از قابلیت های استواری برخوردارند و آینده‌ی شغلی امیدبخشی در انتظار آنان است ، تلاش عظیمی بنمائیم .

ما باید بسیاری از کارها را در ساختمان دسته‌ی از کادرهای ارتش درهم ادغام کنیم . مثلاً آموزش در نبرد و کار ، آموزش و تربیت کادرها در مدارس و محل کار فعلی آنان در حال و آینده . سیستم مدارس نظامی نقش بسیار مهمی خواهند داشت . باید به تقویت ، توسعه و تحکیم مدارس نظامی که انستیتوها و کالج های نظامی و مدارس تمام وقت و تکمیلی شاخه‌ها و خدمات مختلف و مناطق نظامی گوناگون را در بر میگیرد ، بپردازیم .

همراه با ساختمان ارتش منظم و مدرن خلق ، باید برای توسعه‌ی نیروهای مسلح توده‌ای به عنوان یک نیروی مقتدر و بزرگ تلاش کنیم . باید نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی را در سرتاسر مناطق روستائی و شهری گسترش داده و آنها را به نیروی خیلی بزرگی که پیوسته کیفیت و قدرت رزمی آنها توسعه مییابد ، تبدیل کنیم . این نیرو باید با توسعه‌ی همه جانبه — ساختمان سوسیالیسم در کشور ما و بانهازی حتی عالی تر رزمی جنگ خلق مناسب باشد . جنگی که برای دفاع از میهن سوسیالیستی در شرایط فعلی صورت میگیرد .

این نیرو باید به اندازه‌ی کافی قوی باشد تا بتواند به عنوان ستون فقرات تمامی خلق در نبرد برای دفاع از مناطق عمل نماید . همچنین باید دارای قابلیت کامل در اجرای نقش خویش به عنوان نیروی ضربتی در توسعه‌ی اقتصاد منطقه بوده و به عنوان یک نیروی ذخیره‌ی

مقتدر در خدمت ارتش خلق باشد . این نیرو باید به صورت پایه مقتدرواقعا " استواری برای دفاع ملی تمامی خلق و جنگ خلق درآید . همچنین در ترکیب با ارتش خلق باید به شکل نیروی مسلح مقتدر برای دولت سوسیالیستی درآید که قادر به شکست تجاوزکاران امپریالیست امریکائی در زمان حضور هر تجاوزکار احتمالی درآینده باشد و هر وظیفه‌ای را که بوسیله‌ی حزب خلق برای حفظ کامل دستاوردهای انقلاب و دفاع از حاکمیت ، تمامیت ارضی و امنیت بدان محول میشود ، انجام دهد .

تشدید ساختمان نیروهای مسلح توده‌ای در هر شرایطی چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ ، بیان فشرده‌ی هوشیاری زیاد انقلابی خلق ما است . در مقاومت میهنی کنونی علیه تجاوز امریکا ، مشارکت در دفاع و ساختمان شمال سوسیالیست و شکست همه‌ی برنامه ها و عملیات امپریالیست های امریکائی و وظیفه‌ای است ضروری ، همچنین درآینده زمانیکه مبارزه طولانی و سخت مابین تجاوزکاران امریکائی پیرومندان پایا ن یابد و خلق ما استقلال و آزادی کامل خود را بدست آورد در شرایط صلح مبادرت به ساختمان ملی بگندوان هنگام که احتمالا " نیروهای منظم مسلح تقلیل خواهند یافت ، باز هم مجبور خواهیم بود برای حفظ آمادگی در مقابله با هر رویدادی به ساختمان نیروهای مسلح توده‌ای توجه زیادی بنمائیم . ما باید به دقت ساختمان اقتصادی را با دفاع ملی و ساختمان ملی را با تدارک برای دفاع از سرزمین پدري درهم ادغام کنیم .

همچنانکه همه ما میدانیم ، نیروهای مسلح توده‌ای یکی از دو جزء اصلی دستگاه نظامی دولت ما است . نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی یکی از سه دسته‌ی نیروهای مسلح خلق میباشند . به عنوان یک سازمان مسلح انقلابی حزب ، نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی باید بر اساس همان خط مشی ، نقطه نظر ها و اصول کلی نیروهای مسلح انقلابی سازمان یابند . این یک قاعده‌ی کلی و اصولی است که باید به دقت دنبال شود . نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی به عنوان یک سازمان نظامی مرتبط با تولید به علت همزمان ارتش و خلق بودن شان یک نیروی مسلح منظم محسوب نمیشوند . بدین ترتیب از نیروی اصلی و ارتش ایالتی که نیروهای مسلح منظم میباشند متمایز میشوند . تنها با درک کامل تفاوت های موجود بین نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی و ارتش خلق می‌توانیم ساختمان نیروهای مسلح توده ای را به سرعت پیش ببریم و به نقش مهم استراتژیک نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی میدان کاملی بدهیم .

نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی ، نیروهای وسیع مسلح توده ها میباشند که فشرده ترین و مستقیم ترین نهاد ویژگی توده‌ای سازمان نظامی دولت پرولتاریا محسوب میشوند ، ویژگی ای که بزعم پیشنگری انگلس آزادی طبقه کارگر حاصل میشود . این نیروی مسلحی است که نزدیک ترین و مستقیم ترین پیوند را با نیروهای سیاسی دارد . قدرت رزمی آن مستقیما " از نیروی توده ها در مناطق و نواحی یعنی جائیکه عمل میکنند ، نشأت میگیرد . به این دلیل در ساختمان نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی بسیار مهم است که کمیت آن را توسعه دهیم و در بیشترین حد به بسیج و مشارکت نیروهای سیاسی محلی هر محل بپردازیم .

نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی نیروی مسلحی هستند که از تولید جدا نمیباشند .

آنها همانطوریکه در دفاع از تولید، زندگی و مایملک جمعیت محل نقش مستقیمی دارند، در تولید نیز چنین نقشی را دارا میباشند. تمام فعالیت های نظامی نیروهای نظامی بومی و خود دفاعی با فعالیت های تولیدی، اقتصادی و فرهنگی در مناطق پیوند نزدیک دارد. آنها از نیروی جامع سازمان تولیدی قدرت میگیرند. در روستا قدرت نیروهای نظامی بومی و خود دفاعی با قدرت تعاونی هادارتباط نزدیک میباشد. در شهرها و مراکز صنعتی قدرت آنها نمیتواند از قدرت همه جانبه کارخانجات، موسسات، مراکز ساختمانی و غیره جدا باشد. به این دلیل در ساختمان نیروهای نظامی بومی و خود دفاعی باید همیشه نیازهای تولید را با جنگ و نیازهای اقتصادی را با دفاع ملی درهم بیامیزیم. هر نوع انحراف از این اصل موجب خواهد شد که نتوانیم نیروهای موثر نظامی بومی و خود دفاعی را تشکیل دهیم و به تبع آن قدرت رزمی نیروهای خود دفاعی از آنها سلب خواهد شد.

نیروهای نظامی بومی و خود دفاعی نیروهای مسلحی میباشد که نزدیکترین و مستقیمترین پیوند را با مردم محل خود دارند. آنها با زوری قهر دولت خلقی در سطح توده میباشند و با توجه به شرایط و مقتضیات هر محل و حوزه به وسیله سازمان محلی حزب سازمان یافته و رهبری میشوند و در همانجا رشد یافته و مبارزه میکنند. قابلیت جنگی هر نیروی نظامی بومی یا خود دفاعی در شایستگی آن به اجرای وظایف رزمی و تولیدی محوله در حوزه ها و نواحی مربوطه منعکس میشود.

در ساختمان نیروهای نظامی بومی و خود دفاعی لازم است که به بررسی احتیاجات و وظایف جنگی و تولیدی هر ناحیه و حوزه و پراتیک آن تحت شرایط سیاسی، اقتصادی، نظامی و جغرافیائی پرداخته تا بدینوسیله به وضع رهنمودها و انجام اقدامات متناسب دست یازیم و از یکنواخت گرای و برداشت های مکانیکی پرهیز کنیم.

روش اصلی جنگ نیروهای نظامی بومی و خود دفاعی عملیات کوچک و پراکنده ی چریکی است که همراه با مردم در سرزمین، پایگاه تولیدی و قلمرو زندگی خود علیه دشمن می جنگند. آنها بطور پیوسته با حمله و نابودی واحدهای کوچک دشمن، نیروی دشمن را تحلیل میبرند و بطور مستقیم از زندگی و مایملک جمعیت محل دفاع و حفاظت مینمایند. به همین دلیل ساختمان نیروهای نظامی بومی و خود دفاعی نمیتواند الگوی ساده ای از روش ساختمان نیروی اصلی و ارتش ایالتی باشد، زیرا آنها نیروهای مسلح متمرکزی هستند که به درجات مختلف از روشهای جنگی منظم و متمرکز استفاده میکنند.

در حال حاضر نیروهای نظامی بومی و خود دفاعی در ویتنام شمالی بر اساس نظام سوسیالیستی بنامی شونده که این نظام پیوسته تقویت و توسعه مییابد. بنابراین باید از ویژگیهای نظام سوسیالیستی از جهت روابط تولیدی، ساخت طبقاتی و غیره درک کاملی داشته باشیم تا نقش کاملی به برتری نظام جدید در زمینه های سیاسی - اخلاقی و سازمانی بدهیم و از امکانات جدیدی که بوسیله پایه های مادی و فنی و همچنین در سایه ی پیشرفت همه جانبه انسان جدید در بین طبقاتی کارگرو کشاورزان مزارع اشتراکی فراهم میآید، استفاده کاملی بنمائیم. تا بدینوسیله ساختمان نیروهای نظامی بومی و خود دفاعی را نیرومندانه به پیش ببریم.

قبل از هر چیز لازم است به توسعه کمی و کامل نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی بپردازیم. این نیازی است دائمی در رسالت ساختمان نیروهای مسلح توده‌ای. لنین خاطر نشان می‌سازد: " پیروزی انقلاب به شمار توده‌های کارگری و دهقانی‌ای بستگی دارد که به دفاع از انقلاب برمی‌خیزند. (۴۳) "

باتکیه برتری نظام سوسیالیستی، از امکانات کاملی برای سازماندهی وسیع‌ترین توده‌های خلق به صورت سازمان جنگی محلی و یا سازمان‌های خدمات‌جنگی برخورداریم و کاملاً قادریم تعداد نفرات نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی را افزایش داده و آنها را حقیقتاً به یک سازمان وسیع نظامی زحمتکشان تبدیل سازیم.

به منظور آمادگی نظامی، سیاست ما بر این اساس استوار است که به مردم در سطح مناسب و ضروری آموزش نظامی بدهیم. این آموزش باید همه‌ی مردم، پیرو جوان و زن و مرد را دربر گیرد تا آنها امکان دسترسی به آرزوی خود یعنی مشارکت در جنگ علیه تجاوزکاران و دفاع از کشور را بیابند. ما به تجاوزکاران نشان خواهیم داد که اگر آنها بی‌باکانه جنگ تجاوزکارانه‌ی همه جانبه‌ی را علیه کشور ما شروع کنند، نه تنها با پاسخ تند صد هزار و یا میلیون‌ها نفر روبرو خواهند شد بلکه ده‌ها میلیون نفر از خلق کشور ما، تمامی خلق ما از کوهها تا دشتها، از سرزمین‌های میانه تا ساحلی و از روستا تا شهر همچون تنی واحد و در هماهنگی نزدیک با ارتش خلق شدیداً در مواضع خود ایستادگی خواهند کرد و به حمله‌ی دشمن در همه جا پاسخ خواهند داد و از هر نوع وسیله و سلاح موجود در این راه استفاده خواهند نمود.

ولیکن قدرت نیروهای مسلح توده‌ای در نظام سوسیالیستی نه تنها باید کمیت بلکه باید کیفیت یعنی روحیه‌ی سازمانی، سطح تجهیزات، روش‌های عملیاتی و در وهله‌ی اول قدرت سیاسی و اخلاقی را هم شامل شود. بدین جهت باید اصول حزب را که مربوط به ساختمان نیروهای مسلح میشود کاملاً درک کنیم و این اصول را در ساختمان نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی بومی و خوددفاعی بکارگیریم. ما باید بدون وقفه به تقویت و اعتلای رهبری حزب بر نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی پرداخته، اهمیت ویژه‌ای به کار سیاسی داده و مشی طبقاتی و معیارهای سیاسی مربوط به سازماندهی نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی را کاملاً بیاموزیم تا بدینوسیله آنها را به مثابه‌ی بازوی موثر و مطمئن دیکتاتوری پرولتاریا در سطح توده حفظ کنیم. سطح آگاهی سیاسی نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی با سطح آگاهی زحمتکشان نسبت مستقیم دارد. آموزش سیاسی و ایدئولوژیکی نیروهای بومی و خوددفاعی با آموزش سیاسی و ایدئولوژیکی تمامی زحمتکشان هر ناحیه و در سطح توده پیوند ناگسستنی دارد. کار آموزش باید توسط سازمان حزب، سازمان‌های توده‌ای و ادارات گوناگون دولتی و پایگاه‌های تولیدی و سازمان‌های نظامی در محل انجام شود. تا جاییکه به محتوی این آموزش مربوط میشود به غیر از نیازهای مشترک هر شهروند ضرورت دارد به نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی وظایف نیروهای مسلح انقلابی بطور اعم و وظایف خود آنها بطور اخص آموزش داده شود. آنها باید درک روشنی از وظایف

نظامی محل خود داشته باشند . باید بینش انقلابی ، تصمیم به دفاع از کشور و آمادگی خود را برای نبرد و دفاعی در راه حفظ زندگی و مایملک مردم در روستاها و دهکده ها ، خیابانها - تعاونی ها و کارخانه ها اعتلا بخشند تا از نیروی مردم و از محل خود دفاع کنند و احساس مشارکت جمعی در دفاع و ساختمان کشور را در خود تقویت نمایند .

در قلمرو سازمانی ، همچنانکه باید به ساختمان نیروهای نظامی بومی و چریکی در روستاها و تعاونی ها توجه کنیم میبایست به ساختمان نیروهای خود دفاعی و واحدهای رزمی دفاعی در شهرها ، مراکز صنعتی و ساختمانی ، مزارع دولتی ، ادارت و مدارس توجه نمائیم . با توسعهی ساختمان سوسیالیسم ، مراکز صنعتی و اقتصادی جدید همواره اهمیت بیشتری میبایند و بدین جهت درصد کارگران ، کادرها ، کارمندان دولتی و کارگران شهری بی وقفه افزایش مییابد . در همان حال تغییرات عظیمی نیز در سطح روستاها و وقوع می پیوندد ، تعاونی های کشاورزی از جهت روابط تولیدی همواره تحکیم میبایند و پایه های مادی و فنی خود را قوام میبخشند و پیوسته طبقه ی کشاورزان مزارع اشتراکی رشد میکنند و به بلوغ بیشتری میرسد . این وضعیت - اهمیت هرچه بیشتر نقش نیروهای نظامی بومی و خود دفاعی را مشخص میسازد و نیاز به ایجاد نیروهای خود دفاعی در کنار نیروهای نظامی بومی اهمیت بیشتری می یابد . نیروهای خود دفاعی باید به درستی منعکس کننده ی توسعه ی عمومی و قدرت رزمی طبقه ی کشاورزان مزارع اشتراکی و روستای سوسیالیستی در ویتنام شمالی باشند .

کشور دارای مناطق کوهستانی ، دشت و جلگه میباشد . مادرای مناطق روستایی و همچنین شهرها و مراکز صنعتی وسیع میباشیم . هر حوزه ای از اهمیت خاص خود در زمینه های سیاسی ، اقتصادی و دفاع ملی برخوردار بوده و دارای ویژگیهای جغرافیائی ، جمعیتی و آداب و رسوم خاص خود میباشد و نسبت به دیگر حوزه ها دارای امکانات متفاوتی است . برای تعیین وظایف و سمت گیری مناسب در ساختمان نیروهای مسلح توده ها ، باید کار خود را بر اساس ویژگی های منطقه ای پایه گذاری کنیم . در مورد مناطق کوهستانی ، دشت ها ، حوزه های ساحلی شکارگاهها ، روستاها ، شهرها و مراکز صنعتی یا در طول خطوط استراتژیک ارتباطی بایست سیاست ها و مشی های متفاوتی بکار گرفته شوند .

تنها به این طریق نیروهای نظامی بومی و خود دفاعی هر محل میتوانند از امکانات ویژه ی موجود در آن یعنی نیروی انسانی ، تجهیزات و سلاح ها استفاده رانموده تا بدین وسیله به ساختمان واحدهای مناسب محلی که با توجه به شرایط محلی در جنگ و خدمات جنگی مهارت یافته اند ، بپردازند . اینان به عنوان جلوداران توسعه ی پویای جنگ خلق در سطح توده ها و به مثابه ی نیروی ضربتی در ساختمان و توسعه ی اقتصاد محلی عمل میکنند .

نیروهای نظامی بومی و خود دفاعی عهده دار وظایف نظامی و همچنین وظایف تولیدی یا هر وظیفه ی دیگری در هر یک از جنبه های فعالیت دستگاه حکومتی میباشند . به این دلیل در ساختمان نیروهای نظامی بومی و خود دفاعی باید به شرایط ویژه ی فعالیت های تولیدی کار ، مطالعه و زندگی خلق توجه کامل نمود و در این زمینه به پایگاه های تولیدی مانند بریگادهای

مدارس ، کمون ها ، روستاها و محلات تکیه نمائیم . تنها بدین طریق میتوانیم فعالیت نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی را دقیقاً " باجنگ " تولید و کارتحت هر شرایطی در زمان جنگ و همچنین زمان صلح ترکیب کنیم .

ما باید تا حد ممکن از امکانات موجود و فزاینده‌ی بخش های مختلف اقتصادی و سایر رشته های زندگی اجتماعی بهره گیریم . باید سازمانی عقلانی تشکیل دهیم و از نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی در این رشته ها استفاده کنیم تا بدینوسیله قابلیت جنگی سازمان را افزایش داده و آنها را برای جنگ و حمایت از آن آماده نگه داریم . در طول جنگ مقاومت علیه جنگ ویرانگر آمریکا ، سازمان های متعدد خوددفاعی در رشته های مختلفی نظیر مهندسی ، ساختمان ارتباطات زمینی و آبی ، خدمات پستی ، پزشکی و سایر فعالیت های زمینی و آبی در تعدادی از شهرها و مراکز صنعتی شکل گرفته اند . تجربه نشان داده که اگر ما بهترین راه استفاده از امکانات فنی و تخصصی موجود در هر رشته را بدانیم ، قادر خواهیم بود که نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی را به دسته های مختلف با وظایف متنوع تقسیم کرده و بر این اساس جهت ساختمان ، استفاده ی درست از آنها ، سازماندهی صحیح و توزیع عقلانی کار را بر این آنها مشخص نمائیم .

بدین ترتیب نیروهای مسلح توده ها از توان جدید و عظیمی برخوردار خواهند شد و بدینوسیله قادر خواهند بود تا به نیازهای جدید یک جنگ نوین پاسخ گویند ، در ترکیب موثر با ارتش ایالتی و منظم قرار گیرند و بتوانند پیوسته جاهای خالی در بخش خدمات و شاخه های گوناگون ارتش خلق را پر کنند .

در باره ی تجهیزات با توجه به نیازمندی های جنگی و ناحیت های گوناگون تصمیم داریم به تدریج نیروهای رزمی خوددفاعی و چریکی را با تعدادی از اسلح های مناسب نسبتاً " پیشرفته و ابزارهای جنگی مجهز کنیم و در عین حال ضرورت توسعه ی اسلح های ابتدائی و پیشرفته را از نظر دور نمی داریم . هدف انقلاب فنی در شمال ، ساختمان پایه های مادی و فنی جدید سوسیالیسم و تبدیل کار دستی به کار ماشینی است . در حال حاضر شعار " تجهیز خود با هر آنچه که در اختیار داریم " دیگر آن محتوی گذشته را ندارد . اگر در گذشته برای نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی این شعار عمدتاً " به معنی تجهیز آنها با اسلح های ابتدائی بود ولی در حال حاضر این شعار هر چه بیشتر باید پذیرش فنون جدید ربط دارد . با توجه به امکانات جدید هر محل باید به استفاده ی کامل از اسلح های موجود نوین و نسبتاً " نوین در نواحی برای تجهیز هسته ی نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی توجه مقتضی بشود . بهر حال به هیچ وجه نباید اسلح و وسایل ابتدائی و اسلح های تکامل یافته تر را ناچیز بشماریم . همانطور که براتیک طولانی جنگ در کشور ما به روشنی نشان داده است ، اسلح ها و تجهیزات ابتدائی و تکامل یافته تر بسیار موثر واقع شده و نیروی بسیار بزرگی را بوجود آوردند و در نابودی دشمن به اشکال گوناگون و غیر قابل تصور به کار گرفته شدند و در جنگ خوددفاعی در سرزمین ما مورد استفاده قرار گرفتند . بعلاوه هیچ کشوری هر چند از لحاظ صنعتی پیشرفته باشد نمیتواند همه ی مردم را مسلح کند . بهمین دلیل در حالیکه هسته ی نیروهای مسلح خلق با اسلح ها و وسایل جنگی جدید نوین و نسبتاً " نوین مجهز میشوند ولی اکثریت مردم باید در جنگ علیه دشمن با اسلح ها و وسایل ابتدائی یا کمی تکامل

یافته مجهز شوند . در غیر این صورت مسئله مسلح کردن تمامی خلق یا مسلح کردن توده‌های وسیع خلق لطمه خواهد دید :

لازم است که به تشدید ساختمان و توسعه دسته‌ها ، گروه‌ها و واحدهای فنی ادامه داده و بدین وسیله رشته‌های ویژه‌های در نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی بوجود آوریم . این یک مرحله‌ی منطقی توسعه در اعلا‌ی قدرت جنگی نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی تحت شرایط نوین است . یعنی زمانیکه این نیروها بدون وقفه بهبود یافته و تقویت میشوند و خلق ماصنعتی کردن سوسیالیستی و ساختمان پایه‌های مادی و فنی سوسیالیسم را به پیش میبرد .

در نتیجه‌ی مشی صحیح حزب مادر طول سال‌های مقاومت علیه جنگ ویرانگر آمریکا ، نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی واحدهای بسیاری از جمله . توپخانه ، مسلسل‌های ضد

هوایی ، توپخانه‌ی زمینی ، مهندسی ، ارتباطات و جنگ‌های ضد شیمیایی بوجود آمدند در حالیکه بسیاری از واحدهای رزمی با شماره‌اندازه‌های کوچک و سایر سلاح‌های نوین مجهز شدند . کارآیی جنگی نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی و همچنین قابلیت آنها در خدمت به جنگ بطور قابل ملاحظه‌ای توسعه یافته است . در بسیاری از جاها این نیروها به تنهایی هواپیماهای آمریکایی را سرنگون کردند ، کشتی‌های آنها را به آتش کشیده و به سرعت گروه‌های کماندوئی دشمن را نابود ساختند و ما هرانه از بسیاری از سلاح‌های نوین و نسبتاً "نوین" و ابزار جنگی استفاده کردند و کمک موثری در کشف و بی‌اثر کردن بمب‌های مدرن آمریکایی و مین‌های زمینی و آبی نمودند . آنها به تعمیر و ساختمان راه‌ها ، پل‌ها ، پایگاه‌های هوایی و سایر طرح‌های نظامی و حتی به تولید بعضی از ابزارهای فنی جدید برای ضد هوایی ، موشک ، ارتباطات مهندسی و واحدهای دریایی ارتش پرداختند . آن واقعیتی است که با اجازه می‌دهد تا بگوییم که نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی در رویتنام شمالی سوسیالیستی توانائی استفاده‌ی مطلوب از انواع سلاح‌های نوین و ابزار جنگی در جنگ علیه دشمن و خدمت در جنگ را دارند . این توانائی به موازات رشد فزاینده‌ی سطح فرهنگ ، فن و سازماندهی خلق ما افزایش خواهد یافت . این که ما صاحب نیروی بزرگی از افراد ارتش می‌باشیم که از حالت بسیج درآمده و بیا به خدمات شهری منتقل گشته‌اند خود موفید این واقعیت است . اینها به صورت ستون فقرات نیروهای مسلح توده‌ها در تمام بخش‌های کشور در می‌آیند و افسران و افرادی را در بر می‌گیرد و شامل میشود که در شاخه‌ها و خدمات گوناگون ارتش خلق خدمت کرده‌اند .

ما باید به آموزش نظامی نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی و تمامی خلق توجه زیادی بنمائیم . تعیین مناسبترین محتوی برای برنامه‌های آموزشی و روش تعلیم نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی ضرورت دارد . باید کار خود را از بررسی تجربه‌ی جنگی و فن نظامی ، نیازمندیهای نواحی در شرایط مختلف جنگ ، وضعیت دشمن در میدان جنگ ، واقعیت‌های سازمانی ، تجهیزات و فعالیت‌های تولیدی و کار نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی شروع نموده و مطالعه‌ی مفصلی در این زمینه انجام دهیم .

برنامه‌ی آموزشی نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی باید هدف‌های زیر را تأمین کند :

به آنها روحیه‌ی تهاجمی بدهد ، دریافت کاملی از رهنمودها برای جنگ و همچنین روشهای جنگی

نبردچریکی در شرایط جدید داشته باشند و از سطح بالای فنی و تاکتیکی که بانیزهای جنگی هر محل مناسب و سازگار باشد ، برخوردار باشند . باید مراقبت کنیم که نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی اطلاعات کاملی از محل خود داشته باشند ، دارای قابلیت عالی برای نبرد مستقل باشند و همچنین توانایی رسیدن به یک هماهنگی نزدیک با سایر نیروهای مسلحی که در محل عمل میکنند ، داشته باشند . برنامه‌ی آموزش نظامی برای این نیروها باید در پیوند با فعالیت تولیدی آنها باشد . هرگاه که ممکن باشد باید قابلیت‌های جنگی این نیروها و توانایی آنها را در خدمت به جنگ از یک طرف و فنون تولیدی آنها را از طرف دیگر به موازات هم اعتلا بخشیم . ما باید جدا " به چگونگی نبرد نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی علیه دشمن همچون یک فن و بخش مهمی از دانش نظامی خود بنگریم و در نتیجه به جمع بندی تجارب جنگی نیروهای مسلح توده‌ای در هر دو قسمت کشور توجه کافی بنمائیم . ما باید به مطالعاتی برای ابداع و توسعه‌ی بی‌وقفه‌ی فنون جنگی علیه دشمن که بوسیله‌ی نیروهای مسلح توده‌ای در کشور ما انجام میشود ، بپردازیم .

همراه با آموزش نیروهای نظامی بومی و خوددفاعی و نیروی ذخیره باید به آموزش نظامی در حزب و افزایش آموزش همگانی در بین مردم اهمیت دهیم . پدران ما برای پرورش سنت‌های نظامی ملت در طی قرن‌های استقلال برای دفاع از کشور ، از مسابقات مختلف و متعددی همچون فنون نظامی ، کشتی ، تیراندازی و غیره برای تشویق مردم جهت بهبود فنون نظامی آنها استفاده میکردند . امروزه ما باید این سنت ها را دنبال کنیم . در سال‌های آتی ما به ترویج آموزش نظامی عمومی در بین مردم خواهیم پرداخت تا شعور آنها را در زمینه‌ی دفاع ملی اعتلا بخشیم ، معیارهای نظامی را پیشرفت داده و به توسعه‌ی سنت‌های نظامی در بین تمامی مردم بپردازیم . باید شدیدا " جنبش ورزش‌های نظامی و فرهنگ " تربیت بدنی " را توسعه داده و متناسب با نیازمندیهای کنونی جنگ خلق در کشور خود آنرا از جهت محتوی غنی تر سازیم . ضرورت دارد به انتشار وسیع دانش نظامی در بین مردم به اشکال مختلف و متناسب با گروه‌های سنی و بیشتر از همه در بین زنان و مردان جوان اقدام کنیم . در همان حال باید به تدریج به توسعه‌ی سازمانهای توده‌ای برای مطالعه و تحقیق نظامی مانند هواپیمائی ، ارتباطات ، موسسات شیمیائی و غیره بپردازیم و در عین حال روابط برادرانه بین سازمانهای توده‌ای و واحدهای ارتشی را توسعه دهیم .

یک ارتش منظم و نوین باید ضرورتا " از نیروی ذخیره‌ی قدرتمند و سازمان یافته برخوردار باشد . نیروهای مسلح توده‌ها ذخیره‌ی پایان ناپذیر ارتش خلق را تشکیل میدهند . ساختمان و اداری نیروی ذخیره از اهمیت درجه اول برخوردار میباشد زیرا در زمان جنگ منبع تغذیه نیروی انسانی ارتش است و در زمان صلح کشور را در برابر تمام اتفاقات و رویدادها آماده نگاه خواهد داشت . نیروی ذخیره از نظر کمی و هم‌کافی برای پاسخگویی به توسعه و گسترش خود و هم چنین به عنوان منبع نیروی انسانی ، برای پیاده نظام و سایر خدمات و شاخه‌های ارتش خلق باید خوب سازماندهی شود . ما باید برای ساختمان و اداری نیروی ذخیره در رابطه با ثبت نام و اداری ارتش‌یانی که در حال بسیج نیستند و آنان که به خدمات غیر نظامی منتقل شده‌اند ولی هنوز

توانایی خدمت در نیروی ذخیره را دارند. حداکثر استفاده رانموده و به وضع سیاست هـا و طرح نظام ها و نقشه های صحیح بپردازیم . برای تمرین و بسیج نظامی باید برنامه هائی را- تدوین نمائیم تا در صورت لزوم بتوانیم به سرعت به تجدید حالت و توسعه ی نیروهای خود بپردازیم . همچنین ضرورت دارد که دارای برنامه ی آموزشی مناسب برای تربیت افسران و دیگر نفرات نیروی ذخیره باشیم تا همیشه آنها را با توسعه ی ارتش مدرن و دانش نظامی مدرن همگام سازیم و به آنها کمک کنیم تا میدان کاملی برای ایفای نقش هسته ای خود در نیروهای مسلح ایالتی و خدمت در ارتش در موقع مقتضی داشته باشند . ما باید توجه ویژه ای به مدیریت و آموزش نیروی ذخیره در میان کارمندان دولتی و دانشجویان بنمائیم . باید خود را آماده نمائیم تا در آینده بتوانیم تعیین کنیم که کدام نیروی ذخیره در چه رشته و محلّی بهترین جانشین فلان شاخه ی نظامی و خدماتی و فلان نیروی مسلح در محلّ مشخص خواهد بود . بعنوان مثال واحدهای مهندسی نظامی ذخیره میباید در داخل خدمات ساختمانی ، واحد مخابراتی در درون خدمات پستی و ارتباطات از راه دور ، واحدهای پزشکی در درون خدمات بهداشت عمومی ، واحدهای دریائی در درون رشته های اقتصادی ای که در رودخانه ها ، دریا و دریاچه ی مردم ساحل نشین یا حوزه های رودخانه ای عمل میکنند ، باید متشکل شوند . . . به این ترتیب افسران و مردانی که به تازگی وارد واحدی میشوند ، میتوانند به سرعت فنون و تخصص شاخه ی نظامی و یا خدماتی که بدان تعلق دارند بخوبی بیاموزند . بعدها هنگامیکه فرد ذخیره از حالت بسیج بیرون میآید و به کار غیر نظامی پیشین خود بر میگردد تبدیل به هسته ی نیروهای مسلح عمومی در محل کار خود میشود و قادر خواهد بود با استفاده ی کامل از توانائی های فنی و دانش تخصصی خود به افزایش تولید و کارائی کارنایل آید . این طرح هم برای جنگ و هم برای ساختمان کشور همراه با دفاع و اقتصاد ملی ، هم در زمان جنگ و هم در زمان صلح بسیار مفید خواهد بود .

بعقیده حزب ما ، مسلح کردن توده ها تنها به معنای سازماندهی آموزش ، تربیت و تجهیز توده های وسیع خلق نیست بلکه همچنین باید فعالانه به ساختمان پشت جبهه در تمام جهات سیاسی ، اقتصادی و دفاع ملی اقدام نمود و بدینوسیله اساس محکمی برای جنگ در نواحی و در سطح توده های بنانهاد .

قدرت پشت جبهه ی جنگ خلق در سرتاسر شمال ویتنام و همچنین در کلیه ی نواحی بستگی به موفقیت خلق مادر ساختمان سوسیالیسم دارد . به این دلیل به منظور ایجاد یک پشت جبهه ی نیرومند باید برای اجرای انقلاب سه گانه * ، تحکیم مناطق از لحاظ سیاسی و همچنین توسعه ی اقتصادی و تقویت نظامی آنها حداکثر کوشش خود را بکار ببریم . در حالیکه به اعتمالی ساختمان اقتصاد منطقه ای میپردازیم باید کار ساختمان اقتصادی و نیاز به تقویت دفاع ملی- در تمام زمینه های کشاورزی ، صنعت ، ارتباطات و حمل و نقل ، پست و ارتباطات از راه دور ، بهداشت و خدمات فرهنگی و ساختمانی . . . را جامه ی عمل ببوشانیم .

ضرورت دارد در ساختمان دهکده های جنگی ، محلات و حوزه های جنگی و تبدیل آنها به

* انقلاب در روابط تولیدی ، انقلاب فنی و انقلاب فرهنگی وایدئولوژیکی

یک نظام جامع تسریع شود تا آمادگی مقابله با هر نوع رویداد جنگی بوده و در عین حال باید واجد امکاناتی برای فعالیت های تولیدی و زندگی معمولی در شرایط صلح باشند . اینها باید مواضع تهاجمی و دفاعی محکمی برای هر سه دسته نیروهای مسلح ما باشند و به منزله پایگاههایی دائمی مورد استفاده قرار گیرند تا در شرایط یک جنگ شدید خلق ما از این پایگاهها علیه دشمن بجنگند و در ضمن به کار تولیدی خود ادامه دهند .

باید آنچنان تدارکاتی بعمل آید تا حتی در برابر حملات اتمی دشمن ایستادگی کنیم . ساختن کمون ها ، دهکده ها و محلات جنگی میبایست بر اساس جامعی بنا شوند . باید یک سازمان حزبی نیرومند ، یک نیروی سیاسی مقتدر توده ای و نیروهای نظامی بومی و خود دفاعی قدرتمندی داشته باشیم . باید طرح هایی برای توسعه و پیشرفت سرزمین های جنگ زده داشته باشیم و طرح های عملی و برنامه های آموزشی برای نیروهای مسلح ایالتی و همچنین تمامی مردم وضع نمائیم . ما باید تدارکات موثری را برای تبدیل هر دهکده ، هر روستا و هر محله به یک پایگاه واقعا " نیرومند جنگ خلق در سطح توده بعمل آوریم و هر استان باید به یک واحد استراتژیک دفاع ملی تمامی خلق درآید .

در ساختمان نیروهای مسلح توده ای همراه با تحکیم رهبری حزب در سطح محل و رهنمود سازمان نظامی ایالتی ، مساله ی بسیار مهم تربیت گروهی از کادرهای نیرومند و مطمئن برای نیروهای مسلح توده ها و نیروهای نظامی بومی و خود دفاعی است . این گروه باید مسئول رشد پایدار نیروهای مسلح توده ها از نظر کمی و کیفی ، سازمانی و تجهیزات ، روش های جنگی و وظیفه ی پیچیده ترو عظیم تحکیم دفاع ملی و رهبری جنگ خلق در سطح توده باشند .

کادرهای نیروهای نظامی بومی و خود دفاعی ، نظامیانی هستند که از تولید جدا نمیباشند . همزمان وظیفه ی تولیدی و نظامی خود را انجام میدهند و در پیوند نزدیک با فعالیت تولیدی و زندگی خلق در سطح توده به کار و جنگ میپردازند . باید به کیفیت آنها توجه مخصوصی بنمائیم و درک کاملی از اهمیت سمت گیری طبقاتی و معیارهای سیاسی در ساختمان این دسته از کادرها برای نیروهای نظامی بومی و خود دفاعی داشته باشیم . علاوه بر داشتن سطح معینی از اطلاعات سیاسی بعنوان نیاز مشترک همه ی کادرهای نیروهای مسلح انقلابی ، کادرهای نیروهای نظامی بومی و خود دفاعی باید همچنین مشی سیاسی و وظایف حزبی و وظایف اقتصادی ، سیاسی و نظامی محل را فراگیرند و در تصمیم خود جهت پذیرش و قبول همه ی قطعنامه های کمیته ی حزب و دستورات سازمان اداری محلی و همچنین همه ی دستورات و فرامین سازمان های نظامی ارشد پابرجا باشند . آنها باید از سطح لازم دانش نظامی برخوردار بوده و درک جامعی از وضعیت سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی در محل داشته باشند و از وضع توده کاملا " باخبر باشند ، بتوانند با مهارت وظایف نظامی را با وظایف اقتصادی و غیره ترکیب نمایند . آنها باید توانائی آنرا داشته باشند که به کمیته ی محلی حزب در جهت هدایت امور نظامی کمک کنند و نقش رهبری و فرماندهی داشته باشند ، همچنین بتوانند امور مربوط به سازماندهی ، وظایف عمرانی ، جنگی ، خدمات جنگی ، تدارک رسانی ، ترویج دانش اولیه ی علم نظامی در بین مردم ، ساختمان نیروی ذخیره ، اجرای سیاست مربوط به پشت جبهه و سایر فعالیت ها برای تحکیم دفاع ملی در نواحی مربوطه را بر عهده بگیرند .

از کانال جنبش های انقلابی در نواحی و از طریق... پراتیک رزم و کار است که... بهترین مردان و زنان را برای این دسته ی کارها انتخاب خواهیم کرد... این انتخاب همچنین باید با ساختمان حزب و سازمان های توده ای در محلات پیوند یابد. ضروری است که یک تقسیم کار عقلانی بین کادرها صورت پذیرد و فعلا نه شرایطی برای آنها بوجود آورده تا بتوانند کار آئی خود را در حوزه مسئولیت خویش بهبود بخشند، تجارب بیشتری بیاندوزند و توانائی خود را به کامل ترین وجهی در اجرای همه ی وظایف مربوط به محل توسعه دهند.

با درک کامل و اجرای رضایت بخش وظایف فوق و از توسعه ی سریع نیروهای نظامی بومی و خود دفاعی تا اعتلای پیوسته ی کیفیت آنها در تمام زمینه های سیاست و ایدئولوژی، سازمان، تجهیزات، آموزش، ساختمان پشت جبهه و تربیت کادرها باید بطور موثر آموزشهای رئیس هوشی مین عزیز را به این شرح اجراء نمائیم: " هر شهر و نواحی یک مبارز دلیر باشد، هر کمون، روستا و ناحیه و هرتعاونی و موسسه ای باید یک پایگاه تدارکاتی و نظامی برای جنگ خلق باشد. بدین طریق تمامی کشور خود را به میدان نبرد واحدی برای نابودی کامل هر تجاوزکاری تبدیل خواهیم کرد."

خلق ما با نبرد پیروز مندانه، قهرمانانه و غیر قابل تصور خود علیه درنده ترین نیروهای متجاوز یعنی امپریالیسم آمریکا و با کار خلاق خود در ساختمان نظام جدید، خوش ترین روزهای تاریخ ملی خود را در دوران استقلال، آزادی و سوسیالیسم در میهن ویتنامی همی گذراند.

مقاومت کمونی علیه تجاوز آمریکا برای آزادی ملی یادآور غرور و احساس مسئولیت والا و به حق ملت مادرتامی تاریخ مقاومت درخشانش علیه تجاوز کاران خارجی بویژه مقاومت عظیم و پیروز مندان آنها تحت رهبری " دودمان تران " میباشد. در آن زمان خلق ما مجبور به مقابله با متجاوزین " یوان مغول " - این درنده خوترین دشمن خلق ما در زمانه گذشته و بیرحم ترین متجاوز به حقوق بشریت در قرون وسطی که آسیا و اروپا را لگد کوب کرد و نام بسیاری از ملت ها را از نقشه ی جهان حذف نمود - بود. خلق ما با اجرای پیروز مندانه ی وظیفه ی مقدس ملی خود اضمحلال دوران امپراطوری " یوان مغول " را نوید داد و در آن زمان مشارکت ارزشمندی با دیگر کشورها و ملت ها علیه تجاوز خارجی داشت.

امروزه در دوران جدید تاریخ بشریت که با انقلاب عظیم اکثر آغاز گشته و در عصر هوشی مین خلق ما در کشور خویش تحت رهبری حزب خود این بار به مقاومت ظفر نمون و درخشانی علیه امپریالیسم آمریکا - این وحشی ترین و نیرو مندترین متجاوز به ملت ما در تاریخ معاصر و همچنین دشمن شماره یک تمامی بشریت - دست زده و میزند. جنگ ضد آمریکائی مقاومت برای آزادی ملی یکی از درخشان ترین و عظیم ترین جنگ های مقاومتی است که تا کنون بوسیله ی ملت قهرمان ویتنام علیه تجاوز خارجی صورت گرفته است. مردم جهان به این مقاومت همچون کانون وجهه ی مقدم جنبش خلق های جهان علیه تجاوز امپریالیست های آمریکائی مینگردند.

خلق ما بطور کامل و روشن نسبت به وظیفه ی مقدس ملی و تعهد بین المللی خود آگاه است. ما مصمم به شکست کامل تجاوز کاران آمریکائی، آزادی جنوب، دفاع از شمال و وحدت مسالمت آمیز کشور میباشیم. این نقطه ی عطفی در روند تاریخی سقوط سیاست نو استعماری امپریالیستهای

آمریکائی میباشد و کمک ارزشمندی است به نبرد انقلابی تمامی خلقهای جهان .

راز پیروزی خلق ما در قرن سیزدهم و بیستم و همچنین در تمامی روند تاریخی نبی سرد پیروزمندانهای ما علیه نیروهای متجاوز بزرگتر و نیرومندتر و نیز مرزباف و رشد ما در این واقعیت نهفته است که ما بوطون پرستی خلق تکیه نموده ، تمامی قدرت کشور را به کار گرفته و تمامی ملت را برای قیام بسیج کرده ایم تا اینکه کلیه کوشش های کشور و خلق را در مقاومت و برپاداشتن قیام تمامی خلق و جنگ خلق با ارتش و نیروهای مسلح توده ها بعنوان یک هسته ترکیب نمائیم .

اندیشهی ژنرال " تران کوک توان " مبنی بر " همه ی ملت دست به دست هم دهند " و مشی او مبنی بر " همه سربازند " به قرن سیزده بر میگردد و از آن زمان تا کنون هیچوقت از توسعه باز نایستاده . و همواره محتوی آن غنی تر شده و کیفیت و قدرت آن بالاتر رفته است . امروزه این فکر با اندیشهی بزرگ نظامی رئیس هوشی مین دایر بر " وحدت تمامی خلق " و " تمامی کشور علیه تجاوز کاران می جنگند " و " سی و یک میلیون هم وطن ، سی و یک میلیون مبارز دلیرند که علیه تجاوز کاران آمریکائی می جنگند " به اوج خود میرسد .

امروزه خلق ما بوسیله مشی سیاسی ، نظامی و بین المللی حزب خود رهبری میشود . مشی که مبتنی بر خرد ، استقلال ، اقتدار و اخلاقیات است . مادراری یک نظام اجتماعی پیشرو و یک نیروی در حال تزاید سیاسی - اخلاقی و فنی - مادی میباشیم . علاوه بر این ما از کمک فعال سایر کشورهای اردوگاه سوسیالیستی و آزهمردی و پشتیبانی تمامی بشریت مترقی بهره مند میشویم در عصر جدید ما از قدرت شکست ناپذیر مبارزه ی متحد تمامی خلق ، تمامی کشور و تمامی ملت بر اساس اتحاد کارگران - دهقانان تحت رهبری طبقه ی کارگر برخورداریم . مادراری نیروهای سیاسی و مسلح مقتدر میباشیم . نیروهای مسلح خلق ما متشکل از ارتش منظم و مدرن خلق و نیروهای مسلح نیرومند و وسیع توده ها میباشند . مادرانجام وظیفه ی مقدس ملی خود و تعهد بین المللی مطمئن میباشیم .

اندیشهی " همه ی ملت دست به دست هم دهیم " ، " همه سربازند " ، " وحدت تمامی خلق " ، " تمامی کشور علیه تجاوز کاران می جنگند " و " سازماندهی ارتش بر اساس مشی " مسلح کردن تمامی خلق و ترکیب ارتش با نیروهای مسلح توده های " سیمای اصلی اندیشهی نظامی ویتنام است . اندیشه ی نظامی ای که بر اساس آن یک کشور کوچک میتواند تجاوز کاران بزرگتری را در نبرد راستینش برگی کسب استقلال و آزادی شکست دهد .

اصل " مسلح کردن تمامی خلق ، ترکیب ارتش خلق با نیروهای مسلح توده های و برعکس ، نیروهای مسلح توده های به منزله ی پایه ی ارتش خلق و ارتش خلق به مثابه ی هسته ی نیروهای مسلح توده های و ایجاد سده ستی نیروهای مسلح خلق " بخش بسیار مهم سیاست ساختمان نیروهنسای مسلح خلق بطور اخص و مشی نظامی حزب ما بطور اعم یعنی بخش بسیار مهمی از دانش نظامی ویتنام در عصر حاضر میباشد . تعیین این اصل سازمانی کاری است عظیم و اصلی و موفقیت عمده های برای حزب و خلق ما بشمار میرود . تجربه نشان داده که در نبرد انقلابی بطور اعم و - نبرد مسلحانه بطور اخص داشتن یک مشی و راه حل صحیح سازمانی جهت کسب پیروزی در درجه ی اول اهمیت قرار دارد .

این اصل سازمان نظامی اسلحه‌ی گرانبهای است در مجموعی تجربه‌ی ملی ما ، به‌ویژه برای ملت‌های کوچکی که مورد تجاوز و بردگی قرار گرفته و به پامیخیزند و پیروزمندانه علیه امپریالیسم و استعمار برای استقلال ملی ، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی مبارزه میکنند . تحت هر شرایطی یادگیری کامل این اصل لازم است . ما باید به دقت واقعیات جامعه ، جنگ و توسعه‌ی تولید و علم و تکنولوژی را دنبال کنیم . ما باید فعالانه ولی بطور انتخایی از تجارب کشورهای سوسیالیست برادر و دیگر ملل جهان درس بگیریم . در روند مبارزه‌ی تلخ بین ما و دشمن همیشه باید مبارزه‌ی خود را بر اساس شرایط خاص تاریخی و اوضاع و احوال هر دوره بنانیم ، مشی حزب و اصول سازمانی را بعمل آوریم و بی‌وقفه به اعتلای خلاقیت و توسعه‌ی آن پردازیم . باید از محافظه‌کاری و احساس خودپسندی پرهیز نموده و از یکنواخت گرائی و برداشت‌های مکانیکی روی گردانیم تا بدینوسيله قدرت جنگی تمامی خلق را افزایش داده ، جنگ خلق ویتنام را توسعه داده و پیوسته دفاع ملی میهن ویتنامی‌ها را تحکیم بخشیم و نیروهای مسلح خلق ویتنام را نیرومندتر سازیم .

خلق و ملت ما مصمم به پیشبرد و کسب پیروزی کامل در مقاومت وطن پرستانه‌ی ضد امریکائی برای ساختمان ویتنامی صلح‌جو ، یکپارچه ، مستقل ، دموکراتیک و آباد میباشد .

خلق و ملت ما همیشه از سرزمین زیبائی که از اجداد خود به ارث برده دفاع خواهند کرد و همیشه حافظ استقلال سرزمین محبوب مادر ویتنامی‌ها خواهد بود .

1. "Letter to Engels ", February 27 , 1861 . Marx- Engels Selected Correspondence , Progress Publishers , Moscow , 123.
2. F. Engels : Preface to the " Civil War in France" . K . Marx-F. Engels , Selected Works , Su That Publishers , Hanoi 1962 , Vol . I , pp. 756-767 .
3. F. Engels : Preface to " The Civil War in France", op . cit . p. 758.
4. F. Engels : "Anti - Durhing " , Su That Publishers , Hanoi 1959 , p. 286
5. Marx - Engels : "Address of the Central Committee to the Communist League " , Selected Works , Vol . I, Foreign - Languages Publishing House , Moscow 1958 , p. 113
6. K. Marx : " The Class Struggle in France " , Vol I , - Foreign Languages Publishing House, Moscow 1958, p.161.
7. K. Marx-f, Engels : Selected Works , German Edition, book VII , Part I . p.134
8. K. Marx . " The Civil War In France " , K. Marx- F. Engels Selected Works , Vol . I Foreign Languages Publishing - House , Moscow 1958 , p. 519
9. K. Marx: " The Civil War in France " op. cit . p. 519
10. F. Engels " The Defeat of the Piedmontese " , F . Engels , V. Lenin J. Stalin : on People's War , Su that publishers Hanoi 1970 p.27
11. F. Engels: " The Defeat of the Piedmontese " , op.cit,p . 27.
12. Ibid . p. 29
13. F. Engels : "The Defeat of the Piedmontese " , op.cit.p . 155 .
14. F. Engels : " Persia and China " Marx on China, Lawrence and wishard , London 1965 , p. 48-49
15. "Military Programme of Proletarian Revolution " , V, I Lenin , Collected Works , Vol . 23 , Progress publishers, Moscow 1964 , pp. 80 - 81
16. V.I . Lenin , " The Armed Forces and the Revolution " , Collected Works , Vol . 10 , Progress Publishers , Moscow 1965 , p. 56
17. V.I. Lenin : " The Armed Forces and the Revolution " ; op. cit . p. 39
18. V.I. Lenin : Collected Works , Russian text , 3rd edition vol . 24. p. 750
19. V.I.Lenin : Collected Works , French text , les Editions Sociales , Paris and Foreign Languages Publishing House , Moscow , 1958 Vol . 26 , p. 484

20. V.I. Lenin : *Collected Works, French text , op . cit .Vol 26 , p. 484 .*
21. Tran Quoc Tuan " Testament " : *Quoc Gia Tinh Luc.*
22. *Kham Dinh Viet Su Thong Giam Guong Muc, (Text and Comments on the Viet National History by Imperial Order), Book 6.*
23. *Hau Han thu (History of the Late Han).*
24. *Dai Viet Su Ky Toan Thu (Complete History of Dai Viet) : the early Ly period .*
25. *Phan Huy Chu : Lich Trieu Chuong Loai Chi (Rules and - Regulations of Different Dynasties Classified by Categ - ories) Binh Che Chi (Military System).*
26. *Nguyen Trai : Binh Ngo Dai Cao (Proclamation of Victory over the Ngo).*
27. *Nguyen Trai : Binh Ngo Dai Cao (Proclamation of Victory - over the Ngo).*
28. *Appeal of the Tay Son.*
29. *Nguyen Hue : Address to Officers and Men in Thanh Hoa .*
30. *Communique of the Party Central Committee of January 1931 party Military Documents , People's Army Publishing House Hanoi , 1969 , p. 61.*
31. *Party Military Documents 1930-1945 , People's Army Publi- shing House , Hanoi 1969.p. 113-120.*
32. *"Political Report " , Congress Documents , Published b y the Viet Nam Workers " , party Central Committee , Hanoi, 1960 , Vol . , 1, pp. 145-146.*
33. *J. Stalin , Problems of Leninism , Su That Publishing House, Hanoi , 1959 , p. 88 .*
34. *" Insurrection on the Army and the Navy " . K. Marx, F . Engels , v. Lenin , J. Stalin : *Military Essay , People's Army . Publishing House , Hanoi 1964 , p. 72.**
35. *F. Engels : " Introduction " of " The Class Struggles in- France " . Marx- Engels , Selected Works , Vol . I , Foreign Languages . Publishing House , Moscow 1958 , pp. 130 -131 .*
36. *Party Central Committee's Directives on the Entire People's Participation in the Resistance War , December 22, 1946.*
37. *Congress Documents Published by the Viet Nam Workers party Central Committee , Hanoi 1960 , Vol , I, P. 190*
38. *Lenin, Collected Works , Vol.31 , Progress Publishers , - Moscow 1966 , p. 137.*
39. *Lenin , Collected Works , Vol 27 , Progress Publishers , Moscow 1965, p. 76.*
40. *Lenin : Collected Works , Vol 31 , Progress publishers , Moscow 1966- p. 137.*
41. *Lenin , Collected Works , Russian Edition , Political - Literature State Publishing House , Fourth Edition , 1950 Vol. 29 , p. 226.*
42. *Lenin , Military Correspondence (1917 - 1920) Military - Publishing House , Soviet Defence Ministry , 1956m p. 30*
43. *Lenin , Articles and Speeches on Military Problems , People's Army Publishing House , Hanoi , 1970, Vol , I,P. 351*

ترجمه‌ی حاضریش سوم از کتاب منتخبات آثار " ونگوین جی‌آپ " میباشد که توسط
اداره‌ی انتشارات زبانهای خارجی هانوی در سال ۱۹۷۷ ب‌زبان انگلیسی منتشر گردیده‌است .

فهرست کتابهای منتشر شده :

- ۱- ماتریالیسم و امپریوکریتیسم و ای - لنین
- ۲- درباره برنامه حزب مارکس - انگلس - لنین
- ۳- تاریخچه اول ماه مه
- ۴- برگزیده آثار روزالوگزامبورگ روزا لوگزامبورگ
- ۵- پاره ای از تجربیات جنگ چریکی در ایران سازمان چریکهای فدائی خلق و ای - لنین
- ۶- درباره رهائی زن جلد اول
- ۷- زندگی ، آثار و فعالیت مارکس ، انگلس جلد دوم
- ۸- زندگی ، آثار و فعالیت مارکس ، انگلس گورکی
- ۹- دایک (مادر) به زبان کردی میر
- ۱۰- درباره جنبش چپ انقلابی شیلی کلارازتکین و دو مقاله از جیب
- ۱۱- خاطرات من از لنین
- ۱۲- جنگ خلق - ارتش خلق
- ۱۳- افشاگریهای درباره محاکمه کمونیستها در کلن مارکس
- ۱۴- کودتای شیلی (یا وقتی که زنان بورژوازی بخوابان سرازیر میشوند) میشل ماتلار
- ۱۵- انقلابهای ۴۹-۱۸۴۸ مارکس - انگلس
- ۱۶- اتحادیه کمونیستها چارنیستها مارکس - انگلس
- ۱۷- گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهارم حزب کمونیست ویتنام
- ۱۸- درباره دیکتاتوری پرولتاریا له دون
- ۱۹- اقتصاد سیاسی جلد ۱-۲ روابط تولیدی مارکس - انگلس - لنین
- ۲۰- اقتصاد سیاسی ماقبل سرمایه داری - سرمایه داری جلد ۳ (امپریالیزم)
- ۲۱- فقر فلسفه مارکس
- ۲۲- جنگ داخلی در آمریکا مارکس - انگلس
- ۲۳- توسعه سرمایه داری در روسیه لنین
- ۲۴- سیاست خارجی روسیه تزاری مارکس - انگلس
- ۲۵- نقد اقتصادی مارکس

